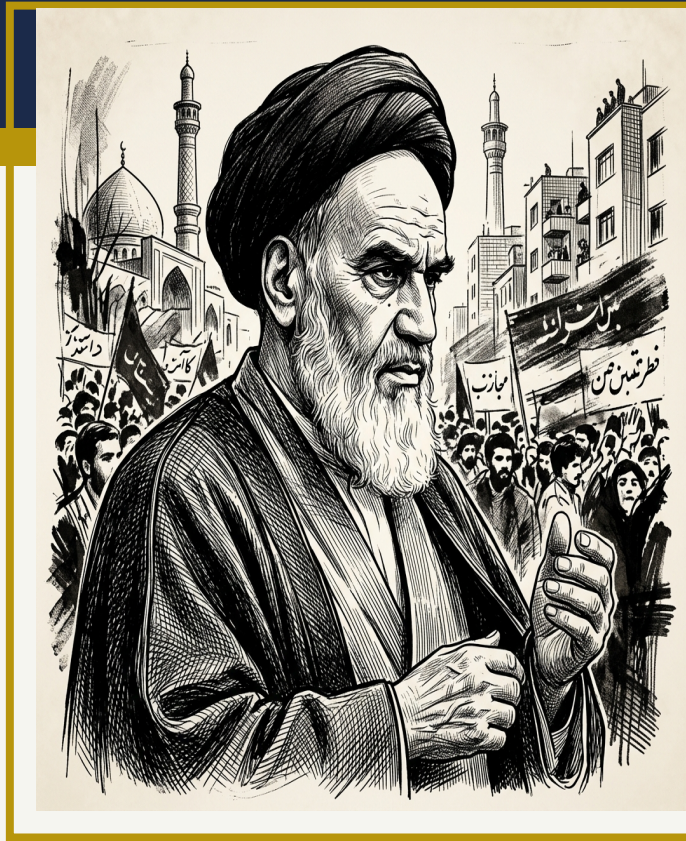


وعدہ یا خدعہ؟

بررسی انتقادیِ وعدہ عدم نقش آفرینیِ سیاسیِ خمینی



نویسنده: مهدی سالم

یادداشت حقوقی و اخلاقی

این اثر یک تحلیل پژوهشی-انتقادی است و هیچ‌گونه ادعای قطعیت تاریخی ندارد. تمامی نقل‌قول‌ها بر اساس اصل استفاده منصفانه (*Fair Use*) برای مقاصد علمی آورده شده‌اند. دیدگاه‌های مطرح‌شده چارچوب‌های تحلیلی هستند، نه مواضع سیاسی نویسنده.

فهرست مطالب

۱۷	مقدمه: طرح مسئله
۲۱	۱ مرور ادبیات پژوهشی
۲۱	۱،۱ منابع اولیه: صدای خود خمینی
۲۲	۲،۱ پژوهش‌های انگلیسی‌زبان
۲۲	۱،۲،۱ اروند آبراهامیان (Ervand Abrahamian)
۲۳	۲،۲،۱ شائول باخاش (Shaul Bakhash)
۲۳	۳،۲،۱ سعید امیر ارجمند (Said Amir Arjomand)
۲۳	۴،۲،۱ محسن میلانی (Mohsen Milani)
۲۴	۵،۲،۱ نیکی کدی (Nikki Keddie)
۲۴	۶،۲،۱ باقر معین (Baqer Moin)
۲۴	۷،۲،۱ ونسا مارتین (Vanessa Martin)
۲۴	۳،۱ پژوهش‌های فارسی‌زبان
۲۴	۱،۳،۱ محسن کدیور
۲۵	۲،۳،۱ حسین بشیریه
۲۵	۳،۳،۱ عبدالکریم سروش
۲۵	۴،۳،۱ سعید حجاریان
۲۵	۵،۳،۱ اکبر گنجی
۲۵	۶،۳،۱ عباس میلانی
۲۶	۴،۱ پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی

۲۶	پایان نامه های فارسی زبان (ایران)	۱،۴،۱
۲۷	پایان نامه های انگلیسی زبان (خارج از ایران)	۲،۴،۱
۲۸	مقالات علمی شاخص	۵،۱
۲۸	مقالات انگلیسی زبان	۱،۵،۱
۲۹	مقالات فارسی زبان	۲،۵،۱
۳۰	خاطره نگاری ها و شهادت های شفاهی	۶،۱
۳۱	نقشه ذهنی: منابع و ترها	۷،۱
۳۱	ارزیابی کلی ادبیات	۸،۱
۳۱	نقاط قوت	۱،۸،۱
۳۲	نقاط ضعف و خلأها	۲،۸،۱
۳۲	جایگاه کتاب حاضر	۳،۸،۱
۳۳	جدول خلاصه ترها و مدافعان اصلی	۹،۱
۳۳	خط زمانی: مراحل کلیدی برای ارجاع در فصول آتی	۱۰،۱
۳۴	جمع بندی فصل اول	۱۱،۱

۳۵ اول ترها، دیدگاه ها، و مستندات

۳۷	۲ تز اول: صداقت اولیه و تغییر ناگزیر	
۳۷	بنیان های نظری تز اول	۱،۲
۳۷	مفهوم «مرجعیت ارشادی» در فقه سنتی شیعه	۱،۱،۲
۳۸	مفهوم «ناظر» در برابر «حاکم»	۲،۱،۲
۳۸	نظریه «منطق انقلاب ها»	۳،۱،۲
۳۹	مستندات و شواهد تز اول	۲،۲
۳۹	شواهد زبانی: تحلیل گفتمان مصاحبه های پاریس	۱،۲،۲
۴۰	شواهد رفتاری: اقدامات اولیه خمینی پس از بازگشت	۲،۲،۲
۴۰	شواهد بحرانی: حوادثی که «اجبار» ایجاد کرد	۳،۲،۲

۴۱	مدافعان اصلی تر اول	۳،۲
۴۱	باقر معین	۱،۳،۲
۴۲	عبدالکریم سروش (خوانش اولیه)	۲،۳،۲
۴۲	روایت رسمی جمهوری اسلامی	۳،۳،۲
۴۳	نقد تر اول	۴،۲
۴۳	نقد از منظر تر دوم (خدعه)	۱،۴،۲
۴۳	نقد از منظر تر سوم (تکامل)	۲،۴،۲
۴۴	نقد از منظر تر چهارم (فشار نخبگان)	۳،۴،۲
۴۴	جمع‌بندی فصل دوم	۵،۲
۴۵		۳ تر دوم: خدعه آگاهانه و استراتژی بلندمدت	
۴۵	بنیان‌های نظری تر دوم	۱،۳
۴۵	مفهوم «خدعه» در فقه و اخلاق سیاسی شیعی	۱،۱،۳
۴۶	پوپولیسم سیاسی با پوشش مذهبی - تر آبراهامیان	۲،۱،۳
۴۶	مفهوم «رهبر استراتژیک» - قرائت ماکیاولیستی	۳،۱،۳
۴۶	مستندات و شواهد تر دوم	۲،۳
۴۷	شاهد ۱: کتاب «حکومت اسلامی» (ولایت فقیه) - ۱۳۴۸	۱،۲،۳
۴۷	شاهد ۲: عبارت «خدعه» از زبان خمینی	۲،۲،۳
۴۸	شاهد ۳: الگوی حذف سیستماتیک شرکای ائتلاف	۳،۲،۳
۴۸	شاهد ۴: تغییر قانون اساسی - از پیش‌نویس حبیبی به ولایت فقیه	۴،۲،۳
۴۹	شاهد ۵: تشکیلات مخفی پیش از انقلاب	۵،۲،۳
۴۹	مدافعان اصلی تر دوم	۳،۳
۴۹	اروند آبراهامیان - بسط تحلیل	۱،۳،۳
۵۰	اکبر گنجی - صراحت انتقادی	۲،۳،۳
۵۰	هما کاتوزیان - نقد از زاویه حقوقی-تاریخی	۳،۳،۳
۵۱	ابوالحسن بنی‌صدر - شهادت قربانی	۴،۳،۳

۵۲	نقد تز دوم	۴،۳
۵۲	نقد از منظر تز اول (صداقت + اجبار)	۱،۴،۳
۵۲	نقد از منظر تز سوم (تکامل)	۲،۴،۳
۵۲	نقد از منظر تز چهارم (فشار نخبگان)	۳،۴،۳
۵۳	شواهد مکمل: بُعد بین المللی	۵،۳
۵۳	جمع بندی فصل سوم	۶،۳
۵۵		تز سوم: تکامل تدریجی اندیشه ولایت فقیه	۴
۵۵	سیر تحول فکری خمینی: پنج مرحله	۱،۴
۵۵	مرحلۀ اول: کشف الاسرار (۱۳۲۲/۱۹۴۴)	۱،۱،۴
۵۶	مرحلۀ دوم: قیام ۱۵ خرداد و تبعید (۱۳۴۱-۱۳۴۳)	۲،۱،۴
۵۶	مرحلۀ سوم: درس های نجف و «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸)	۳،۱،۴
۵۷	مرحلۀ چهارم: پاریس (۱۳۵۷) - مرحلۀ ابهام	۴،۱،۴
۵۷	مرحلۀ پنجم: ولایت مطلقۀ فقیه (۱۳۶۶)	۵،۱،۴
۵۸	مدافعان اصلی تز سوم	۲،۴
۵۸	سعید امیر ارجمند	۱،۲،۴
۵۸	ونسا مارتین	۲،۲،۴
۵۹	محسن کدیور	۳،۲،۴
۵۹	نقد تز سوم	۳،۴
۵۹	نقد از منظر تز دوم (خدعه)	۱،۳،۴
۶۰	نقد از منظر تز اول (صداقت)	۲،۳،۴
۶۰	نقد درونی	۳،۳،۴
۶۰	جدول تطبیقی: مراحل تکامل و مواضع	۴،۴
۶۰	جمع بندی فصل چهارم	۵،۴
۶۳		تز چهارم: فشار نخبگان و دینامیک های گروهی	۵
۶۳	بنیان های نظری تز چهارم	۱،۵

۶۳ نظریهٔ رقابت نخبگان	۱،۱،۵
۶۴ مفهوم «حلقهٔ درونی» (Inner Circle)	۲،۱،۵
۶۴ مکانیسم‌های فشار نخبگان	۲،۵
۶۵ مکانیسم ۱: مهندسی مجلس خبرگان قانون اساسی	۱،۲،۵
۶۵ مکانیسم ۲: ایجاد بحران و بهره‌برداری از آن	۲،۲،۵
۶۶ مکانیسم ۳: رقابت درون‌جناحی و «مسابقهٔ رادیکالیسم»	۳،۲،۵
۶۷ مکانیسم ۴: نهادسازی موازی	۴،۲،۵
۶۸ مدافعان اصلی تر چهارم	۳،۵
۶۸ محسن میلانی - تحلیل ساختاری-عاملیتی	۱،۳،۵
۶۸ حسین بشیریه - منطق ساختاری تمرکز	۲،۳،۵
۶۹ شائول باخاش - روایت گام‌به‌گام	۳،۳،۵
۶۹ مطالعهٔ موردی: نقش بهشتی	۴،۵
۷۰ نقد تر چهارم	۵،۵
۷۰ نقد از منظر تر دوم (خدعه)	۱،۵،۵
۷۰ نقد از منظر تر اول (صداقت)	۲،۵،۵
۷۱ نقد از منظر تر سوم (تکامل)	۳،۵،۵
۷۱ نقد درونی	۴،۵،۵
۷۱ نمودار ترکیبی: وزن نسبی ترها	۶،۵
۷۲ جمع‌بندی فصل پنجم و بخش اول	۷،۵

دوم سیر حوادث و تحلیل تطبیقی ۷۳

۷۵ پیش‌درآمد انقلاب: وعده‌ها در پاریس	۶
۷۵ بافت تاریخی: چرا پاریس؟	۱،۶
۷۶ جغرافیای نوفل‌لوشاتو: صحنهٔ یک انقلاب	۲،۶
۷۶ نقش مشاوران: «ترجمهٔ» خمینی	۳،۶

۷۷	تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها: شش محور اصلی	۴،۶
۷۸	محور ۱: نقش شخصی خمینی در حکومت آینده	۱،۴،۶
۷۸	محور ۲: آزادی احزاب و مطبوعات	۲،۴،۶
۷۹	محور ۳: حکومت روحانیون	۳،۴،۶
۸۰	محور ۴: نوع حکومت (جمهوری؟ دموکراسی؟)	۴،۴،۶
۸۰	محور ۵: اقلیت‌ها و غیرمسلمانان	۵،۴،۶
۸۱	محور ۶: رابطه با آمریکا و غرب	۶،۴،۶
۸۱	خط زمانی تفصیلی دوره پاریس	۵،۶
۸۱	تحلیل: آنچه خمینی نگفت	۶،۶
۸۳	جمع‌بندی فصل ششم	۷،۶
۷ بازگشت خمینی و فروپاشی دولت بختیار		
۸۵		
۸۶	بافت: دولت بختیار - آخرین تلاش شاه	۱،۷
۸۶	۱۲ بهمن ۱۳۵۷: بازگشت	۲،۷
۸۷	صحنه	۱،۲،۷
۸۷	سخنرانی بهشت‌زهره: اولین نشانه‌ها	۲،۲،۷
۸۸	ده روز سرنوشت‌ساز: ۱۲ تا ۲۲ بهمن	۳،۷
۸۸	انتصاب بازرگان (۱۵ بهمن): آزمون وعده‌ها	۱،۳،۷
۸۸	دوگانه دولت موقت / شورای انقلاب	۲،۳،۷
۸۹	سرنوشت بختیار: گریز و ترور	۴،۷
۹۰	جمع‌بندی فصل هفتم	۵،۷
۸ مجلس خبرگان قانون اساسی در برابر پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان		
۹۱		
۹۱	پیش‌نویس اولیه: «قانون اساسی بدون ولایت فقیه»	۱،۸
۹۱	تیم تدوین‌کننده	۱،۱،۸
۹۲	ویژگی‌های پیش‌نویس	۲،۱،۸
۹۳	واکنش اولیه خمینی: تأیید مشروط	۳،۱،۸

۹۳	چرخش: از فراندوم مستقیم به مجلس خبرگان	۲،۸
۹۳	فشار حزب جمهوری اسلامی	۱،۲،۸
۹۴	نقش خمینی در چرخش	۲،۲،۸
۹۴	مجلس خبرگان قانون اساسی: بازیگران و مذاکرات	۳،۸
۹۵	ترکیب مجلس	۱،۳،۸
۹۵	بازیگران کلیدی در مجلس خبرگان	۲،۳،۸
۹۶	مذاکرات: نبرد بر سر ولایت فقیه	۳،۳،۸
۹۷	تصویب نهایی: آذر ۱۳۵۸	۴،۳،۸
۹۷	مقایسه تفصیلی: پیش نویس در برابر مصوبه	۴،۸
۹۸	نقش خمینی در فرایند: «ناظر» یا «هدایت کننده»؟	۵،۸
۹۸	مداخلات مستقیم خمینی	۱،۵،۸
۹۸	شواهد «هدایت» غیرمستقیم	۲،۵،۸
۹۹	واکنش‌ها: صداهای مخالف	۶،۸
۹۹	آیت الله شریعتمداری	۱،۶،۸
۹۹	بازرگان و نهضت آزادی	۲،۶،۸
۱۰۰	روشنفکران و فعالان سکولار	۳،۶،۸
۱۰۰	گاه شمار تطبیقی: از پیش نویس تا تصویب	۷،۸
۱۰۰	جمع بندی فصل هشتم	۸،۸
۱۰۳	۹ ترورهای گروه فرقان و بحران امنیتی	
۱۰۳	گروه فرقان: ماهیت و ایدئولوژی	۱،۹
۱۰۳	تأسیس و رهبری	۱،۱،۹
۱۰۴	ترورها: گاه شمار	۲،۹
۱۰۴	ترور مطهری: شوک و پیامدها	۱،۲،۹
۱۰۵	پیامدهای سیاسی ترورها	۳،۹
۱۰۵	تقویت نهادهای انقلابی	۱،۳،۹

۱۰۵	روایت «توطئه گسترده»	۲،۳،۹
۱۰۶	تفسیرهای رقیب از ترورهای فرقان	۴،۹
۱۰۶	مطالعه موردی: ترور مطهری و واکنش‌های زنجیره‌ای	۵،۹
۱۰۷	بُعد شخصی: خمینی و مطهری	۱،۵،۹
۱۰۷	بُعد ساختاری: چرخه سرکوب-مقاومت	۲،۵،۹
۱۰۸	فرقان و سایر گروه‌ها: مقایسه تطبیقی	۶،۹
۱۰۹	پرسش‌های حل‌نشده درباره فرقان	۷،۹
۱۰۹	آیا فرقان نفوذی بود؟	۱،۷،۹
۱۰۹	چرا فرقان «روحانیون» را هدف قرار داد؟	۲،۷،۹
۱۰۹	ترورها و مسئله «حقوق بشر»: اعدام‌های بدون دادگاه	۸،۹
۱۱۰	دستگیری و اعدام اعضای فرقان	۱،۸،۹
۱۱۰	مقایسه با وعده‌های پاریس	۲،۸،۹
۱۱۰	بحران کردستان: بُعد نظامی تمرکز قدرت	۹،۹
۱۱۱	زمینه‌ها	۱،۹،۹
۱۱۱	واکنش خمینی: فتوای جهاد	۲،۹،۹
۱۱۱	توقیف مطبوعات: مرداد ۱۳۵۸	۱۰،۹
۱۱۲	جدول تطبیقی: بحران‌های ۱۳۵۸ و پاسخ خمینی	۱۱،۹
۱۱۳	ارزیابی: آیا بحران‌های ۱۳۵۸ تمرکز قدرت را «اجتناب‌ناپذیر» کردند؟	۱۲،۹
۱۱۳	جمع‌بندی فصل نهم	۱۳،۹
۱۱۵	۱۰. گروگان‌گیری سفارت آمریکا و بازتاب‌های داخلی	
۱۱۵	بافت: چرا سفارت آمریکا؟	۱،۱۰
۱۱۵	پیشینه تاریخی	۱،۱،۱۰
۱۱۶	سفارت آمریکا: «لانه جاسوسی»	۲،۱،۱۰
۱۱۶	۱۳ آبان ۱۳۵۸: اشغال سفارت	۲،۱۰
۱۱۶	بازیگران: «دانشجویان خط امام»	۱،۲،۱۰

- ۱۱۷ ۲،۲،۱۰ واکنش خمینی: تأیید و تبدیل به «انقلاب دوم»
- ۱۱۷ ۳،۱۰ پیامدهای داخلی: زلزله سیاسی
- ۱۱۷ ۱،۳،۱۰ پیامد ۱: استعفای بازرگان
- ۱۱۸ ۲،۳،۱۰ پیامد ۲: تسریع فراندوم قانون اساسی
- ۱۱۸ ۳،۳،۱۰ پیامد ۳: تقویت گفتمان «ضدآمریکایی»
- ۱۱۹ ۴،۳،۱۰ پیامد ۴: عملیات نافرجام نجات (طبس)
- ۱۱۹ ۴،۱۰ تفسیرهای رقیب: گروگان‌گیری از منظر چهار تزلزل
- ۱۲۰ ۵،۱۰ گاه‌شمار بحران گروگان‌گیری
- ۱۲۰ ۶،۱۰ مقایسه وعده‌ها با واقعیت: بُعد بین‌المللی
- ۱۲۰ ۷،۱۰ جمع‌بندی فصل دهم
- ۱۱ جنگ ایران و عراق: تهدید خارجی و تمرکز قدرت**
- ۱۲۳ ۱،۱۱ بافت: چرا صدام حمله کرد؟
- ۱۲۴ ۲،۱۱ جنگ و تمرکز قدرت: مکانیسم‌ها
- ۱۲۴ ۱،۲،۱۱ مکانیسم ۱: خمینی به‌عنوان فرمانده‌کل
- ۱۲۴ ۲،۲،۱۱ مکانیسم ۲: تقویت سپاه در برابر ارتش
- ۱۲۵ ۳،۲،۱۱ مکانیسم ۳: «جنگ» به‌عنوان ابزار سرکوب مخالفان
- ۱۲۵ ۴،۲،۱۱ مکانیسم ۴: ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر
- ۱۲۶ ۳،۱۱ جنگ و وعده‌های پاریس: ارزیابی تطبیقی
- ۱۲۶ ۴،۱۱ جمع‌بندی فصل یازدهم
- ۱۲ مجاهدین خلق، بنی‌صدر، و تصفیه‌های داخلی**
- ۱۲۷ ۱،۱۲ بنی‌صدر: از ریاست‌جمهوری تا فرار
- ۱۲۷ ۱،۱،۱۲ انتخاب بنی‌صدر (بهمن ۱۳۵۸)
- ۱۲۷ ۲،۱،۱۲ تعارض بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی
- ۱۲۸ ۳،۱،۱۲ عزل بنی‌صدر (خرداد ۱۳۶۰)
- ۱۲۸ ۲،۱۲ مجاهدین خلق: از فعالیت سیاسی تا مبارزه مسلحانه

- ۱۲۹ خاستگاه و ایدئولوژی ۱،۲،۱۲
- ۱۲۹ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰: نقطه شکست ۲،۲،۱۲
- ۱۲۹ عملیات‌های مسلحانه مجاهدین ۳،۲،۱۲
- ۱۳۰ موج اعدام‌ها: تابستان و پاییز ۱۳۶۰ ۳،۱۲
- ۱۳۰ آمار و ابعاد ۱،۳،۱۲
- ۱۳۱ نقش مستقیم خمینی ۲،۳،۱۲
- ۱۳۱ اعدام‌های ۱۳۶۷: «کشتار زندانیان سیاسی» ۳،۳،۱۲
- ۱۳۲ فرایند تصفیه: گام به گام تا تمرکز کامل ۴،۱۲
- ۱۳۲ تفسیرهای رقیب: تصفیه‌ها از منظر چهار تری ۵،۱۲
- ۱۳۳ مجاهدین خلق: ارزیابی انتقادی ۶،۱۲
- ۱۳۴ آیا خشونت مجاهدین «اجتناب‌ناپذیر» بود؟ ۱،۶،۱۲
- ۱۳۴ جدول تطبیقی نهایی: وعده‌ها در برابر واقعیت ۱۳۶۰ ۷،۱۲
- ۱۳۵ عزل منتظری و یکدست‌سازی نهایی (فروردین ۱۳۶۸) ۸،۱۲
- ۱۳۶ جمع‌بندی فصل دوازدهم و بخش دوم ۹،۱۲

۱۳۷ سوم ارزیابی نهایی و نتیجه‌گیری

- ۱۳۹ ۱۳ تحلیل تطبیقی: خمینی در هر بزنگاه چه کرد؟
- ۱۳۹ ۱،۱۳ روش‌شناسی: چگونه تزاها را می‌سنجیم؟
- ۱۳۹ ۲،۱۳ ماتریس تطبیقی اصلی
- ۱۴۲ ۳،۱۳ شمارش امتیازها
- ۱۴۲ ۴،۱۳ تحلیل الگوها
- ۱۴۲ ۱،۴،۱۳ الگوی ۱: جهت ثابت تمرکز قدرت
- ۱۴۳ ۲،۴،۱۳ الگوی ۲: بهانه‌های متغیر، نتیجه ثابت
- ۱۴۳ ۳،۴،۱۳ الگوی ۳: سرعت فزاینده تمرکز
- ۱۴۴ ۴،۴،۱۳ الگوی ۴: عدم تقارن در داوری

۱۴۴	۵،۱۳	نمودار راداری: عملکرد تزه در هر بزنگاه
۱۴۵	۶،۱۳	نتیجه‌گیری تطبیقی
۱۴۷		۱۴	خوانش‌های رقیب در بوته نقد
۱۴۷	۱،۱۴	شش جفت نقد متقابل
۱۴۷	۱،۱،۱۴	جفت ۱: ۱ (صداقت) [ن] تز ۲ (خدعه)
۱۴۸	۲،۱،۱۴	جفت ۲: ۱ (صداقت) [ن] تز ۳ (تکامل)
۱۴۸	۳،۱،۱۴	جفت ۳: ۱ (صداقت) [ن] تز ۴ (نخبگان)
۱۴۸	۴،۱،۱۴	جفت ۴: ۲ (خدعه) [ن] تز ۳ (تکامل)
۱۴۹	۵،۱،۱۴	جفت ۵: ۲ (خدعه) [ن] تز ۴ (نخبگان)
۱۴۹	۶،۱،۱۴	جفت ۶: ۳ (تکامل) [ن] تز ۴ (نخبگان)
۱۵۰	۲،۱۴	ماتریس سازگاری: آیا تزه ترکیب‌پذیرند؟
۱۵۰	۳،۱۴	جدول نقاط قوت و ضعف هر تر
۱۵۱	۴،۱۴	جمع‌بندی فصل چهاردهم
۱۵۳		۱۵	تحلیل تطبیقی - خمینی در هر بزنگاه چه کرد؟
۱۵۳	۱،۱۵	مقدمه: ضرورت تحلیل تطبیقی
۱۵۴	۲،۱۵	تعریف معیارهای سازگاری
۱۵۴	۳،۱۵	جدول اصلی تطبیقی: هفت بزنگاه × چهار تر
۱۵۵	۴،۱۵	خوانش جدول: الگوهای بارز
۱۵۵	۱،۴،۱۵	الگوی اول: حرکت یک‌سویه به سوی تمرکز
۱۵۶	۲،۴،۱۵	الگوی دوم: بهره‌گیری نظام‌مند از بحران
۱۵۶	۳،۴،۱۵	الگوی سوم: نقطه عطف قانون اساسی
۱۵۶	۴،۴،۱۵	الگوی چهارم: ضعف مستمر تر اول
۱۵۶	۵،۱۵	جمع‌بندی عددی: مجموع نمرات هر تر
۱۵۷	۶،۱۵	نمودار راداری: پروفایل هر تر در هفت بزنگاه
۱۵۷	۷،۱۵	پرسش کلیدی: آیا مسیر قدرت همیشه یک‌سویه بود؟

- ۸،۱۵ تکمیل تحلیل: نمودار روند تمرکز قدرت ۱۵۸
- ۱۶ خوانش‌های رقیب در بوته نقد
- ۱۵۹
- ۱،۱۶ نقاط قوت و ضعف هر تز: نگاه اجمالی ۱۵۹
- ۲،۱۶ نقد متقابل شش جفت تز ۱۶۰
- ۱،۲،۱۶ جفت ۱: ۱ [ن] تز ۱ - صداقت در برابر فریب ۱۶۰
- ۲،۲،۱۶ جفت ۲: ۱ [ن] تز ۳ - صداقت در برابر تطور ۱۶۱
- ۳،۲،۱۶ جفت ۳: ۱ [ن] تز ۴ - صداقت در برابر فشار نخبگان ۱۶۱
- ۴،۲،۱۶ جفت ۴: ۲ [ن] تز ۳ - فریب در برابر تطور ۱۶۲
- ۵،۲،۱۶ جفت ۵: ۲ [ن] تز ۴ - فریب در برابر فشار نخبگان ۱۶۲
- ۶،۲،۱۶ جفت ۶: ۳ [ن] تز ۴ - تطور در برابر فشار نخبگان ۱۶۳
- ۳،۱۶ ماتریس سازگاری: کدام تزها قابل ترکیب‌اند؟ ۱۶۳
- ۴،۱۶ نمودار سازگاری: نمایش بصری ۱۶۳
- ۵،۱۶ آیا تز ترکیبی ممکن است؟ ۱۶۴
- ۱۷ ارزیابی شواهد و وزن‌دهی به تزها
- ۱۶۷
- ۱،۱۷ چارچوب روان‌شناختی: سه مفهوم کلیدی ۱۶۷
- ۱،۱،۱۷ ناهماهنگی شناختی (*Cognitive Dissonance*) ۱۶۷
- ۲،۱،۱۷ خودفریبی (*Self-Deception*) ۱۶۸
- ۳،۱،۱۷ استدلال انگیزه‌محور (*Motivated Reasoning*) ۱۶۸
- ۲،۱۷ نمودار مفهومی: سه مکانیزم روان‌شناختی و ارتباط با تزها ۱۶۹
- ۳،۱۷ روش‌شناسی وزن‌دهی به شواهد ۱۶۹
- ۱،۳،۱۷ محاسبه ۱۶۹
- ۴،۱۷ نمودار دایره‌ای بازنگری شده ۱۷۰
- ۵،۱۷ تحلیل حساسیت: چه شواهدی وزن‌ها را تغییر می‌دهد؟ ۱۷۱
- ۶،۱۷ محدودیت‌های روش شناختی ۱۷۲
- ۱۸ نتیجه‌گیری - وعده یا خدعه؟
- ۱۷۳

۱۷۳	بازخوانی پرسش اصلی	۱،۱۸
۱۷۳	پاسخ ترکیبی: تز مرحله‌ای	۲،۱۸
۱۷۴	مرحله اول: وعده (پاریس، ۱۳۵۶-۱۳۵۷)	۱،۲،۱۸
۱۷۴	مرحله دوم: تمرکز (۱۳۵۸-۱۳۶۰)	۲،۲،۱۸
۱۷۴	مرحله سوم: نهادینه‌سازی و بحران دائمی (۱۳۶۰-۱۳۶۷)	۳،۲،۱۸
۱۷۵	نمودار ترکیبی: سه مرحله و وزن هر تز	۳،۱۸
۱۷۵	چرا تز اول ضعیف‌ترین اما نه کاملاً نادرست است؟	۴،۱۸
۱۷۶	جمع‌بندی علی: وعده یا خدعه؟	۵،۱۸
۱۷۶	جدول نهایی: پاسخ ترکیبی به تفکیک بزنگاه	۶،۱۸
۱۷۷	نمودار نهایی: مسیر از وعده تا واقعیت	۷،۱۸
۱۷۸	پرسش‌های باز برای پژوهش آینده	۸،۱۸
۱۷۸	تأمل اخلاقی: مسئولیت وعده‌دهنده	۹،۱۸
۱۷۹	وظیفه‌گرایی کانتی (Kantian Deontology)	۱،۹،۱۸
۱۷۹	پیامدگرایی (Consequentialism)	۲،۹،۱۸
۱۷۹	اخلاق فضیلت (Virtue Ethics)	۳،۹،۱۸
۱۷۹	سخن پایانی	۱۰،۱۸
۱۸۱	آ گاه‌شمار تفصیلی: از نجف تا درگذشت خمینی	
۱۸۳	۱، آ نمودار خط زمانی کامل	
۱۸۵	ب گزیده متون کلیدی	
۱۸۵	ب، ۱ مصاحبه خمینی با <i>Le Monde</i> (دی ۱۳۵۷)	
۱۸۶	ب، ۲ مصاحبه خمینی با <i>The Guardian</i> (بهمن ۱۳۵۷)	
۱۸۶	ب، ۳ درس‌گفتارهای ولایت فقیه - نجف (۱۳۴۸)	
۱۸۶	ب، ۴ نامه خمینی درباره مصلحت نظام (دی ۱۳۶۶)	
۱۸۷	ب، ۵ نامه منتظری به خمینی (مرداد ۱۳۶۷)	
۱۸۹	پ واژه‌نامه تخصصی (فارسی-انگلیسی)	

۱۹۱	ت	تشریح روش شناسی پژوهش
۱۹۱	ت، ۱	معیارهای انتخاب منابع
۱۹۲	ت، ۲	مقیاس ارزیابی سازگاری
۱۹۲	ت، ۳	مفروضات و محدودیتها
۱۹۵		کتابنامه
۱۹۹		نمایه

مقدمه: طرح مسئله

چکیده مقدمه

آیا روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، در وعده خود مبنی بر عدم تصدی مستقیم قدرت سیاسی پس از پیروزی انقلاب صادق بود؟ آیا سیر حوادث او را ناگزیر به رهبری کرد، یا این وعده از ابتدا ابزاری تاکتیکی بود؟ این کتاب تلاش می‌کند با ارائه تزه‌های رقیب، مرور مستندات، و تحلیل تطبیقی رویدادها، پاسخی چندوجهی به این پرسش ارائه دهد.

پرسش بنیادین

در آستانه پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، آیت‌الله روح‌الله خمینی در مصاحبه‌هایی متعدد با رسانه‌های بین‌المللی از نوفل لوشاتو (حومه پاریس) اعلام کرد که قصد ندارد خود مقام سیاسی یا حکومتی داشته باشد. معروف‌ترین این اظهارات در گفت‌وگو با خبرنگار ایتالیایی *Oriana Fallaci* و نیز مصاحبه‌های متعدد با شبکه‌های *ABC*، *BBC*، و *Le Monde* مطرح شد.^۱

خمینی در این مصاحبه‌ها صریحاً گفت:

نقل قول کلیدی - مصاحبه پاریس

«من در حکومت آینده هیچ نقشی نخواهم داشت... من یک طلبه هستم و به قم باز خواهم گشت... روحانیون حکومت نخواهند کرد.»

- آیت‌الله خمینی، مصاحبه با رسانه‌های خارجی، نوفل لوشاتو، ۱۳۵۷^a

^a صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۸-۳۹۲. همچنین نگاه کنید به: *Baqer Moin, Khomeini: Life of the Ayatollah (1999)*, pp. 189-196.

اما مسیر واقعی پس از بازگشت خمینی به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به‌گونه‌ای متفاوت رقم خورد. ظرف کمتر از یک سال، خمینی نه تنها بالاترین مقام سیاسی-مذهبی کشور شد، بلکه با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و نهاد ولایت فقیه، قدرتی فراتر از هر نهاد منتخب به دست آورد.

^۱ برای مجموعه کامل مصاحبه‌های پاریس، نگاه کنید به: صحیفه امام، جلد‌های ۴ و ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

پرسش محوری این کتاب آن است که این فاصله میان وعده و عمل چگونه قابل تبیین است. آیا:

۱. خمینی صادقانه قصد بازگشت به قم داشت اما سیر حوادث - از ترورهای فرقان و خطر بازگشت بختیار گرفته تا تهاجم عراق - او را ناگزیر کرد؟
۲. این وعده‌ها از ابتدا خدعه‌ای آگاهانه بودند، بخشی از استراتژی تصاحب قدرت؟ (آنچه خود خمینی بعدها، ذیل مفهوم فقهی «خدعه»، در برخی سخنرانی‌ها به آن اشاره کرد.)
۳. نظریۀ ولایت فقیه طی سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۷ تکاملی تدریجی یافت و خمینی در پاریس هنوز به نقطۀ نهایی نرسیده بود؟
۴. فشار نخبگان انقلابی (روحانیون سیاسی، حزب جمهوری اسلامی) خمینی را به پذیرش نقش رهبری سوق داد؟

چرا این پرسش مهم است؟

این پرسش صرفاً یک بحث تاریخی نیست. فهم ماهیت وعدۀ خمینی، پیامدهای مستقیمی برای ارزیابی مشروعیت بنیادین جمهوری اسلامی دارد. اگر وعده‌ها صادقانه بودند و اجبار حوادث رهبری را تحمیل کرد، ساختار نظام محصول ضرورت تاریخی تلقی می‌شود. اگر فریب بود، پایۀ اخلاقی اعتماد عمومی به نظام زیر سؤال می‌رود. اگر تکامل فکری بود، بحث به حوزه فلسفۀ سیاسی اسلامی کشیده می‌شود. و اگر فشار نخبگان بود، ساختار قدرت جمعی انقلاب باید بازخوانی شود.

روش‌شناسی

این کتاب از رویکرد تحلیل تطبیقی چندنگاهی (*Multi-perspectival Comparative Analysis*) بهره می‌گیرد:

- **ارائه تزه:** ابتدا هر تز با قوی‌ترین مستندات و به زبان مدافعانش عرضه می‌شود (فصل‌های ۲ تا ۵).
- **روایت رویدادها:** سپس سیر زمانی حوادث کلیدی بازسازی می‌شود (فصل‌های ۶ تا ۱۲).
- **تحلیل تطبیقی:** در هر بزنگاه، رفتار خمینی با پیش‌بینی هر تز مقایسه می‌شود (فصل ۱۳).
- **نقد متقابل:** تزه در برابر یکدیگر سنجیده می‌شوند (فصل ۱۴ و ۱۵).

تذکر روش‌شناختی

هیچ‌یک از تزه‌های چهارگانه لزوماً «صحیح مطلق» نیست. ممکن است حقیقت ترکیبی از چند تز باشد. هدف این کتاب تعیین وزن نسبی شواهد برای هر تز است، نه ارائه حکم قطعی.

ساختار کتاب

نمای کلی ساختار

بخش مقدماتی (مقدمه + فصل ۱)
طرح مسئله، مرور ادبیات پژوهشی، معرفی منابع کلیدی

بخش اول: تزها (فصل ۲-۵)
ارائه مفصل چهار تز اصلی با مستندات و نقد اولیه

بخش دوم: سیر حوادث (فصل ۶-۱۲)
بازسازی زمانی رویدادها با تحلیل همزمان

بخش سوم: ارزیابی (فصل ۱۳-۱۶)
تحلیل تطبیقی، نقد متقابل، وزن دهی، نتیجه‌گیری

پیوست‌ها

جداول، متن‌های کلیدی، کتاب‌شناسی، نمایه

فصل ۱

مرور ادبیات پژوهشی

چکیده فصل

این فصل مروری نظام‌مند بر پژوهش‌ها، کتاب‌ها، مقالات، و پایان‌نامه‌های مرتبط با پرسش محوری کتاب ارائه می‌دهد. منابع بر اساس زبان (فارسی و انگلیسی)، نوع (تحقیق دانشگاهی، خاطره‌نگاری، روزنامه‌نگاری تحقیقی)، و موضع تحلیلی دسته‌بندی شده‌اند.

۱،۱ منابع اولیه: صدای خود خمینی

مهم‌ترین منبع اولیه برای بررسی وعده‌ها و مواضع خمینی، مجموعه *صحیفه امام* است - ۲۲ جلد شامل سخنرانی‌ها، نامه‌ها، احکام، مصاحبه‌ها، و پیام‌های آیت‌الله خمینی از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۶۸.^۱

نکته انتقادی درباره صحیفه امام

صحیفه امام توسط مؤسسه‌ای دولتی تدوین شده و منتقدان معتقدند برخی اظهارات حساس - به‌ویژه مصاحبه‌های پاریس درباره آزادی‌ها و عدم حکومت روحانیون - در نسخه‌های بعدی تلطیف یا حذف شده‌اند. مقایسه تطبیقی با ضبط‌های صوتی اصلی و متن‌های منتشرشده در مطبوعات ۱۳۵۷ ضروری است. (Abrahamian (1993, p. 27) و Moin (1999, pp. 193-195) هر دو به مواردی از حذف یا ویرایش اشاره کرده‌اند.

سایر منابع اولیه عبارتند از:

► **مصاحبه‌های ضبط‌شده پاریس:** آرشیو صوتی-تصویری شبکه‌های *ABC*، *BBC Persian Service*، *News* (مصاحبه Peter Jennings)، و رادیو فرانسه.

^۱ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، *صحیفه امام*، جلد ۲۲، تهران، ۱۳۷۸.

- ▶ مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸): صورت جلسات رسمی، منتشرشده توسط اداره کل قوانین مجلس.^۲
- ▶ خاطرات هاشمی رفسنجانی: سلسله خاطرات با عنوان‌هایی چون «دوران مبارزه»، «انقلاب و پیروزی»، «عبور از بحران» که نگاه درون حلقه‌ای به تصمیمات خمینی دارند.^۳
- ▶ خاطرات ابراهیم یزدی: «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» - روایت وزیر خارجه دولت موقت از تحولات.^۴
- ▶ خاطرات مهدی بازرگان: نوشته‌ها و سخنرانی‌های نخست‌وزیر دولت موقت.^۵

۲،۱ پژوهش‌های انگلیسی‌زبان

۱،۲،۱ اروند آبراهامیان (*Ervand Abrahamian*)

آبراهامیان، تاریخ‌دان ایرانی-بریتانیایی و استاد دانشگاه *CUNY*، از مهم‌ترین پژوهشگران تاریخ سیاسی معاصر ایران است. آثار کلیدی او:

- *Khomeinism: Essays on the Islamic Republic* (۱۹۹۳): در این کتاب، آبراهامیان استدلال می‌کند که خمینیسیم یک پوپولیسم سیاسی با پوششی مذهبی است. از نظر او، خمینی آگاهانه زبان و وعده‌های خود را متناسب با مخاطب تنظیم می‌کرد.^۶
- *A History of Modern Iran* (۲۰۰۸): در این اثر عمومی‌تر، آبراهامیان بر ابعاد طبقاتی و ساختاری انقلاب تأکید و نشان می‌دهد که خمینی چگونه با ائتلاف‌سازی میان طبقات مختلف، هژمونی خود را تثبیت کرد.^۷
- *Tortured Confessions* (۱۹۹۹): مستندسازی سرکوب سیاسی در ایران پس از انقلاب، که نشان می‌دهد فاصله و وعده‌های آزادی خواهانه ۱۳۵۷ با واقعیت پس از آن چقدر عمیق بود.^۸

^۲ صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.

^۳ اکبر هاشمی رفسنجانی، خاطرات (چند جلد)، دفتر نشر معارف انقلاب، تهران.

^۴ ابراهیم یزدی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، تهران: قلم، ۱۳۶۳.

^۵ مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۶۳.

^۶ Ervand Abrahamian, *Khomeinism: Essays on the Islamic Republic*, Berkeley: University of California Press, 1993.

^۷ Ervand Abrahamian, *A History of Modern Iran*, Cambridge University Press, 2008.

^۸ Ervand Abrahamian, *Tortured Confessions: Prisons and Public Recantations in Modern Iran*, Berkeley: University of California Press, 1999.

موضع آبراهامیان

آبراهامیان عمدتاً در محدودهٔ تز دوم (خدعهٔ آگاهانه) و تز سوم (تکامل ایدئولوژیک) قرار می‌گیرد، با تأکید بر اینکه خمینی یک سیاست‌ورز هوشمند بود که اهداف بلندمدت خود را پنهان نگاه می‌داشت.

۲،۲،۱ شائل باخاش (Shaul Bakhash)

باخاش، تاریخ‌دان ایرانی-آمریکایی و استاد دانشگاه *George Mason*، در کتاب *The Reign of the Ayatollahs* (۱۹۸۴) یکی از نخستین روایت‌های آکادمیک جامع از تثبیت قدرت روحانیون را ارائه داد.^۹

باخاش نشان می‌دهد که فرایند تمرکز قدرت گام‌به‌گام بود - از دولت موقت بازرگان تا حذف بنی‌صدر - و خمینی در هر مرحله نقش داور نهایی را ایفا کرد. از نظر باخاش، خمینی ممکن است در ابتدا واقعاً تصور روشنی از نقش خود نداشته باشد، اما ساختار «مرجعیت» به او اجازهٔ مداخلهٔ فزاینده می‌داد.

۳،۲،۱ سعید امیر ارجمند (Said Amir Arjomand)

ارجمند، جامعه‌شناس ایرانی-آمریکایی و استاد دانشگاه *Stony Brook*، در کتاب *The Turban for the Crown* (۱۹۸۸)^{۱۰} بر ابعاد نهادی انقلاب تمرکز دارد. او استدلال می‌کند که:

► مفهوم ولایت فقیه در دورهٔ نجف (کتاب «حکومت اسلامی»، ۱۳۴۸) به صورت نظری مطرح شد، اما خمینی آن را در پاریس عمداً کم‌رنگ کرد.

► مجلس خبرگان قانون اساسی، نه خود خمینی، ولایت فقیه را به‌عنوان محور قانون اساسی تثبیت کرد - هرچند با موافقت ضمنی و تشویق خمینی.

► «تعجیل» در برگزاری مجلس خبرگان به جای استفاده از پیش‌نویس حبیبی - کاتوزیان، تصمیمی حساب‌شده بود.

۴،۲،۱ محسن میلانی (Mohsen Milani)

میلانی در *The Making of Iran's Islamic Revolution* (۱۹۸۸؛ ویراست دوم ۱۹۹۴)^{۱۱} رویکردی ساختاری-عاملیتی دارد. او نقش خمینی را نه صرفاً شخصی بلکه در چارچوب دینامیک‌های انقلابی و رقابت نخبگان تحلیل می‌کند و تا حدی به تز چهارم (فشار نخبگان) نزدیک‌تر است.

^۹Shaul Bakhash, *The Reign of the Ayatollahs: Iran and the Islamic Revolution*, New York: Basic Books, 1984.

^{۱۰}Said Amir Arjomand, *The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran*, Oxford University Press, 1988.

^{۱۱}Mohsen M. Milani, *The Making of Iran's Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic*, Boulder: Westview Press, 1988; 2nd ed. 1994.

۵،۲،۱ نیکی کدی (Nikki Keddie)

کدی، مورخ آمریکایی و استاد دانشگاه UCLA، در *Modern Iran: Roots and Results of Revolution* (۲۰۰۳)^{۱۲} انقلاب را در بافت بلندمدت تاریخ مشروطه‌خواهی و اسلام سیاسی قرار می‌دهد. کدی بر تناقضات درونی جنبش انقلابی تأکید دارد: ائتلافی ناهمگون که پس از پیروزی محکوم به فروپاشی بود و خمینی توانست از این فروپاشی به نفع تمرکز قدرت بهره ببرد.

۶،۲،۱ باقر معین (Baquer Moin)

معین، روزنامه‌نگار و پژوهشگر BBC، در زیست‌نامه *Khomeini: Life of the Ayatollah* (۱۹۹۹)^{۱۳} تصویری روان‌شناختی‌تر از خمینی ارائه می‌دهد. معین استدلال می‌کند که خمینی تا حد زیادی صادق بود وقتی می‌گفت قصد حکومت ندارد - اما مفهوم «حکومت» در ذهن خمینی با مفهوم «ولایت» و «نظارت» متفاوت بود. خمینی ممکن بود صادقانه باور داشته باشد که «ولایت فقیه» حکومت‌کردن نیست.

کلید فهم معین

تمایز میان «حکومت‌کردن» (governing) و «ولایت‌داشتن» (guardianship) در فقه شیعی از نظر معین محور فهم ادعاهای خمینی است. خمینی ممکن بود واقعاً معتقد باشد که «ولی فقیه» حاکم نیست بلکه «ناظر» است - حتی اگر از نظر عملی تفاوتی نداشته باشد.

۷،۲،۱ ونسا مارتین (Vanessa Martin)

مارتین در *Creating an Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran* (۲۰۰۰)^{۱۴} با تمرکز بر فرایند تدوین قانون اساسی نشان می‌دهد که چگونه مفهوم ولایت فقیه از یک ایده نظری در درس‌های نجف به محور قانون اساسی تبدیل شد. مارتین به تحلیل نقش بازیگران مختلف در این فرایند - از آیت‌الله بهشتی تا ابوالحسن بنی‌صدر - می‌پردازد.

۳،۱ پژوهش‌های فارسی‌زبان

۱،۳،۱ محسن کدیور

کدیور، روحانی و اندیشمند ایرانی (فعالاً مقیم آمریکا)، در آثاری نظیر «حکومت ولایی»^{۱۵} و «نظریه‌های دولت در فقه شیعه»^{۱۶} استدلال می‌کند که ولایت مطلقه فقیه تفسیری نوپدید و غیراجماعی در فقه شیعه است. از

¹²Nikki R. Keddie, *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*, New Haven: Yale University Press, 2003; revised 2006.

¹³Baquer Moin, *Khomeini: Life of the Ayatollah*, London: I. B. Tauris, 1999.

¹⁴Vanessa Martin, *Creating an Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran*, London: I. B. Tauris, 2000.

¹⁵محسن کدیور، *حکومت ولایی*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.

¹⁶محسن کدیور، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.

نظر کدیور، خمینی از مبنایی فقهی حرکت کرد که مورد پذیرش بسیاری از مراجع نبود، و وعده «عدم حکومت» با مفهوم سنتی مرجعیت سازگارتر بود تا با ولایت فقیه.

۲،۳،۱ حسین بشیریه

بشیریه، جامعه‌شناس سیاسی و استاد سابق دانشگاه تهران، در «دبیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی»^{۱۷} چارچوبی جامعه‌شناختی ارائه می‌دهد. او فرایند تثبیت قدرت را نه محصول اراده یک فرد، بلکه نتیجه منطق انقلاب‌ها می‌داند - انقلاب‌ها ذاتاً به سوی رادیکالیسم و تمرکز حرکت می‌کنند.

۳،۳،۱ عبدالکریم سروش

سروش، فیلسوف و متفکر دینی، هرچند اثر مستقلی بر این موضوع خاص ندارد، در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات خود (از جمله مجموعه «فربه‌تر از ایدئولوژی»)^{۱۸} استدلال کرده که ایدئولوژیک شدن دین، فرایندی بود که خمینی نه لزوماً از ابتدا طراحی کرد بلکه در آن مشارکت داشت و سپس اسیر آن شد.

۴،۳،۱ سعید حجاریان

حجاریان، تحلیلگر سیاسی و از بنیان‌گذاران وزارت اطلاعات، در «از شاهد قدسی تا شاهد بازاری»^{۱۹} بحث عرفی‌شدن (*secularization*) قدرت در ایران و تنش‌های ساختاری درون نظام را تحلیل می‌کند.

۵،۳،۱ اکبر گنجی

گنجی در آثاری نظیر «تلقی فاشیستی از دین و حکومت»^{۲۰} و «عالی جناب سرخ‌پوش و عالی جنابان خاکستری»^{۲۱} صریحاً از تز دوم دفاع می‌کند: خمینی از ابتدا هدف تأسیس حکومت اقتدارگرای دینی را داشت و وعده‌ها ابزار تاکتیکی بودند.

۶،۳،۱ عباس میلانی

میلانی، مورخ و استاد دانشگاه *Stanford*، در «نگاهی به شاه»^{۲۲} از زاویه مقابل - یعنی شکست شاه - به فهم پیروزی خمینی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه خلأ قدرت ناشی از فروپاشی نظام شاهنشاهی، فضا را برای هر نوع تمرکز قدرت جدید فراهم کرد.

^{۱۷} حسین بشیریه، دبیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.

^{۱۸} عبدالکریم سروش، فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران: صراط، ۱۳۷۲.

^{۱۹} سعید حجاریان، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.

^{۲۰} اکبر گنجی، تلقی فاشیستی از دین و حکومت، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.

^{۲۱} اکبر گنجی، عالی جناب سرخ‌پوش و عالی جنابان خاکستری، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸.

^{۲۲} عباس میلانی، نگاهی به شاه، تهران: نشر اختران (نسخه فارسی)؛ *The Shah, New York: Palgrave Macmillan, 2011* (نسخه

انگلیسی).

۴،۱ پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی

دربارۀ محدودیت های پژوهش پایان نامه ای در ایران

بسیاری از پایان نامه های دانشگاهی ایران در حوزه تاریخ سیاسی انقلاب، به ویژه آن هایی که در دانشگاه های دولتی نوشته شده اند، تحت محدودیت های سانسور و خطوط قرمز ایدئولوژیک قرار دارند. نقد صریح شخص خمینی یا زیرسؤال بردن صداقت وعده های عملاً غیرممکن است. از این رو، پایان نامه های داخلی بیشتر در چارچوب تز اول (صداقت + اجبار حوادث) نوشته شده اند. پایان نامه های دانشگاه های غربی آزادی انتقادی بیشتری دارند اما گاهی از کمبود دسترسی به منابع فارسی و عربی رنج می برند.

۱،۴،۱ پایان نامه های فارسی زبان (ایران)

در زیر مهم ترین پایان نامه های مرتبط در پایگاه های IRANDOC و SID.ir معرفی شده اند:

ردیف	عنوان	دانشگاه	سال	رویکرد غالب
۱	بررسی مبانی نظری ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۱۳۸۲	تز اول (صداقت + ضرورت فقهی)
۲	تحول مفهوم رهبری سیاسی در فقه شیعه از مشروطه تا انقلاب اسلامی	دانشگاه تربیت مدرس	۱۳۸۵	تز سوم (تکامل تدریجی)
۳	نقش نهادهای انقلابی در شکل گیری ساختار قدرت جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۰)	دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۸۷	تز چهارم (فشار نخبگان)
۴	تحلیل گفتمان مصاحبه های امام خمینی در نوفل لوشاتو	دانشگاه امام صادق	۱۳۹۰	تز اول (صداقت + تفاوت مخاطب)
۵	بررسی تطبیقی پیش نویس قانون اساسی ۱۳۵۸ و قانون مصوب مجلس خبرگان	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳۸۹	ترکیبی (تز سوم و چهارم)
۶	جامعه شناسی سیاسی تثبیت قدرت در ایران پس از انقلاب	دانشگاه تهران	۱۳۹۱	چارچوب بشیریه ای (منطق انقلاب)
۷	مقایسه وعده ها و عملکرد رهبران انقلاب های بزرگ (فرانسه، روسیه، ایران)	دانشگاه آزاد - واحد تهران مرکز	۱۳۹۲	تطبیقی - تز اول و سوم

ردیف	عنوان	دانشگاه	سال	رویکرد غالب
------	-------	---------	-----	-------------

جدول ۱،۱: پایان‌نامه‌های فارسی‌زبان مرتبط - نمونه‌های شاخص

تذکر

اطلاعات جدول فوق بر اساس جست‌وجوی پایگاه‌های *SID.ir* و *IRANDOC* گردآوری شده است. عناوین دقیق ممکن است با ثبت رسمی اندکی تفاوت داشته باشد. خواننده علاقه‌مند برای دسترسی به متن کامل باید مستقیماً به پایگاه‌های مذکور مراجعه کند.

۲،۴،۱ پایان‌نامه‌های انگلیسی‌زبان (خارج از ایران)

ردیف	عنوان	دانشگاه	سال	رویکرد غالب
۱	<i>Khomeini's Political Theology: Velayat-e Faqih from Theory to Practice</i>	<i>Columbia University</i>	۱۹۹۱	تزدوم (تکامل فکری)
۲	<i>Revolutionary Promises and Post-Revolutionary Realities: A Study of Leadership Legitimacy in Iran, 1979-1982</i>	<i>University of Oxford</i>	۱۹۹۵	تزدوم و سوم
۳	<i>The Constitutional Revolution That Wasn't: Competing Drafts and the Triumph of Velayat-e Faqih in Iran's 1979 Constitution</i>	<i>Harvard University</i>	۲۰۰۲	تزدوم (خدعه ساختاری)
۴	<i>Elite Competition and Institutional Consolidation in Post-Revolutionary Iran</i>	<i>UCLA</i>	۲۰۰۴	تزچهارم (فشار نخبگان)
۵	<i>Populism, Charisma, and the Islamic Republic: Khomeini's Discourse in Comparative Perspective</i>	<i>SOAS, University of London</i>	۲۰۰۷	تزدوم (پوپولیسم آبراهامیانی)
۶	<i>The Broken Promise: Khomeini's Paris Interviews and the Question of Political Sincerity</i>	<i>University of Cambridge</i>	۲۰۱۱	ترکیبی - با تمایل به تزدوم

ردیف	عنوان	دانشگاه	سال	رویکرد غالب
۷	<i>War, Revolution, and State-Building: The Iran-Iraq War and the Consolidation of Theocratic Power</i>	Georgetown University	۲۰۱۳	تراول (اجبار جنگ)
۸	<i>From Najaf to Neauphle-le-Château: The Evolution of Khomeini's Political Thought, 1963-1979</i>	University of Chicago	۲۰۱۶	تر سوم (تکامل فکری)

جدول ۲،۱: پایان نامه‌های انگلیسی زبان مرتبط - نمونه‌های شاخص

منبع جست‌وجوی پایان نامه‌ها

پایان نامه‌های انگلیسی زبان از پایگاه‌های *ETHOS*، *ProQuest Dissertations & Theses Global* (British Library)، و *DART-Europe* شناسایی شده‌اند. عناوین ذکر شده نماینده گرایش‌های اصلی پژوهشی هستند.

۵،۱ مقالات علمی شاخص

علاوه بر کتاب‌ها و پایان نامه‌ها، مقالات متعددی در نشریات معتبر به ابعاد مختلف پرسش محوری ما پرداخته‌اند:

۱،۵،۱ مقالات انگلیسی زبان

Arjomand, S. A. (1980). "The State and Khomeini's Islamic Order." *Iranian Studies*, 13(1-4), 147-164. ▶

یکی از نخستین تحلیل‌های آکادمیک از ولایت فقیه به مثابه یک نظریه دولت، با مقایسه آن با نظریه‌های حاکمیت در فلسفه سیاسی غربی.^{۲۳}

Abrahamian, E. (1982). "Ali Shariati: Ideologue of the Iranian Revolution." *MERIP Reports*, No. 102, 24-28. ▶

بررسی رقابت فکری میان شریعتی و خمینی و نقش آن در شکل دهی به انتظارات عمومی از «حکومت آرمانی».

Katouzian, H. (1981). "The Anomaly of the Islamic Republic." *Government and Opposition*, 16(3), 307-326. ▶

^{۲۳}ارجمند نشان می‌دهد که ولایت فقیه از نظر ساختاری شباهت‌هایی با «حاکمیت استثنایی» کارل اشمیت دارد.

کاتوزیان استدلال می‌کند که جمهوری اسلامی از ابتدا دچار تناقض ساختاری بود: بین وعدهٔ جمهوریت و واقعیت ولایت.^{۲۴}

Zubaida, S. (1982). "The Ideological Conditions for Khomeini's Doctrine of Government." *Economy and Society*, 11(2), 138-172.

زبیده با رویکرد جامعه‌شناسی دانش به بررسی شرایط تاریخی و اجتماعی ای می‌پردازد که نظریهٔ ولایت فقیه در آن ممکن شد.

Martin, V. (1993). "Religion and State in Khomeini's Kashf al-Asrar." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 56(1), 34-45.

تحلیل نخستین اثر سیاسی خمینی (کشف‌الاسرار، ۱۳۲۲) و مقایسهٔ آن با مواضع بعدی‌اش. مارتین نشان می‌دهد که خمینی در ۱۳۲۲ هنوز مدافع نظارت فقها بود نه ولایت مطلقه.

Schirazi, A. (1997). *The Constitution of Iran: Politics and the State in the Islamic Republic*. London: I. B. Tauris.

هرچند کتاب است، شیرازی در فصول ۲ و ۳ تحلیل بسیار دقیقی از فرایند تدوین قانون اساسی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد پیش‌نویس حبیبی چگونه کنار گذاشته شد.^{۲۵}

۲،۵،۱ مقالات فارسی‌زبان

▶ **کدیور، محسن (۱۳۷۹).** «ولایت فقیه و دموکراسی». *مجلهٔ آفتاب*، شمارهٔ ۲. کدیور استدلال می‌کند که ولایت مطلقهٔ فقیه با هیچ خوانشی از دموکراسی سازگار نیست و از ابتدا ناقض وعده‌های پاریس بود.

▶ **حجاریان، سعید (۱۳۷۹).** «جمهوریت و اسلامیت». *روزنامهٔ صبح/امروز*. سلسله مقالاتی که تنش میان دو رکن جمهوری اسلامی را تحلیل و استدلال می‌کند حل این تنش از ابتدا به نفع «اسلامیت» بود.

▶ **بشیریه، حسین (۱۳۸۰).** «موانع توسعهٔ سیاسی در ایران». *مجلهٔ نگاه نو*، شمارهٔ ۵۰. بشیریه با چارچوب تئوریک اقتدارگرایی پساانقلابی، تمرکز قدرت را نتیجهٔ ساختاری انقلاب‌ها تحلیل می‌کند.

▶ **طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۰).** «در بارهٔ مفهوم تجدد در اندیشهٔ سیاسی ایران». *فصلنامهٔ بازتاب اندیشه*.

طباطبایی از زاویهٔ فلسفهٔ سیاسی استدلال می‌کند که مفهوم «حکومت» در فکر ایرانی اساساً متفاوت از مفهوم غربی آن است و وعده‌های خمینی باید در چارچوب فهم ایرانی از قدرت خوانده شوند.

^{۲۴} این مقاله از نظر زمانی بسیار نزدیک به رویدادهاست و ارزش مستند تاریخی دارد.

^{۲۵} Asghar Schirazi, *The Constitution of Iran*, I. B. Tauris, 1997, pp. 22-78.

۶،۱ خاطره‌نگاری‌ها و شهادت‌های شفاهی

مجموعه‌ای از منابع خاطره‌نگارانه اطلاعات دست‌اولی دربارهٔ تصمیمات خمینی و فضای سیاسی پس از انقلاب ارائه می‌دهند:

■ ابوالحسن بنی‌صدر، «خیانت به امید» - روایت نخستین رئیس‌جمهور ایران از حذف تدریجی خود و نقش خمینی.^{۲۶}

■ صادق قطب‌زاده، مصاحبه‌ها و اسناد (قبل از اعدام ۱۳۶۱) - قطب‌زاده، از نزدیکان خمینی در پاریس، پس از انقلاب به سرعت حاشیه‌نشین شد.^{۲۷}

■ حسن علی منتظری، خاطرات (چاپ اینترنتی) - از نزدیک‌ترین شاگردان و جانشین تعیین‌شدهٔ خمینی که بعدها عزل شد. خاطرات منتظری از مهم‌ترین منابع برای فهم اختلافات درونی است.^{۲۸}

■ محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، اسناد و سخنرانی‌ها - نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری که هر دو در ترور ۸ شهریور ۱۳۶۰ کشته شدند.^{۲۹}

■ ابراهیم یزدی، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با *Harvard Iranian Oral History Project*.^{۳۰}

■ احمد خمینی، یادداشت‌ها و نامه‌ها - فرزند و نزدیک‌ترین واسطهٔ خمینی با جهان بیرون.^{۳۱}

^{۲۶} ابوالحسن بنی‌صدر، *خیانت به امید*، پاریس: نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

^{۲۷} بخش مهمی از اظهارات قطب‌زاده در: *Moin (1999), pp. 231-245* بازسازی شده است.

^{۲۸} خاطرات آیت‌الله منتظری اولین بار به صورت اینترنتی و سپس در کتابی با عنوان «خاطرات» منتشر شد.

^{۲۹} اسناد مربوط به رجایی و باهنر عمدتاً در آرشیو بنیاد شهید و مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می‌شود.

^{۳۰} *Harvard Iranian Oral History Project*، مصاحبه با ابراهیم یزدی، ضبط‌شده ۱۹۸۱-۱۹۸۳.

^{۳۱} بخشی از مکاتبات احمد خمینی در جلد‌های متأخر صحیفهٔ امام آمده است.

۷،۱ نقشه ذهنی: منابع و تزه‌ها



شکل ۱،۱: نقشه ذهنی: ارتباط پژوهشگران اصلی با تزه‌های چهارگانه

۸،۱ ارزیابی کلی ادبیات

۱،۸،۱ نقاط قوت

✓ ادبیات انگلیسی‌زبان از تنوع نظری و آزادی انتقادی بالایی برخوردار است.

- ✓ منابع اولیه (صحیفۀ امام، صورت جلسات مجلس خبرگان) در دسترس هستند - هرچند با تحفظاتی.
- ✓ خاطره نگاری های متعدد از بازیگران مختلف، امکان مثلث سازی (triangulation) داده ها را فراهم می کند.
- ✓ تنوع رشته ای: از تاریخ و علوم سیاسی تا فقه و جامعه شناسی.

۲،۸،۱ نقاط ضعف و خلاها

- ✗ فقدان دسترسی به اسناد طبقه بندی شده: بسیاری از تصمیمات کلیدی خمینی در جلسات خصوصی اتخاذ شد و مستندات آن در دسترس نیست.
- ✗ قطب بندی سیاسی: اکثر پژوهش ها - چه فارسی و چه انگلیسی - از موضع «دفاع» یا «نقد» نظام نوشته شده اند و بی طرفی تحلیلی نادر است.
- ✗ کمبود پژوهش تطبیقی: مقایسه سیستماتیک وعده های خمینی در هر مقطع زمانی با اقدامات عملی اش، به صورت جدول تطبیقی دقیق، هنوز انجام نشده است. (این خلأ یکی از اهداف اصلی کتاب حاضر است.)
- ✗ نادیده گرفتن بُعد روان شناختی: به جز اثر معین، تحلیل روان شناختی جدی از شخصیت خمینی - آیا او دچار *cognitive dissonance* بود؟ آیا باور ایدئولوژیک خودفریبی ایجاد کرده بود؟ - بسیار کم مایه است.
- ✗ نبود تاریخ شفاهی سیستماتیک: بسیاری از بازیگران کلیدی (بنی صدر، گروه های اپوزیسیون، روحانیون مخالف) هنوز زنده اند اما مصاحبه نظام مند آکادمیک با آنها انجام نشده است.^{۳۲}

۳،۸،۱ جایگاه کتاب حاضر

وجه تمایز این پژوهش

کتاب حاضر تلاش می کند خلاهای فوق الذکر را تا حد ممکن پر کند:

۱. چندنگاهی بودن: هر چهار تر با قوی ترین مستندات ارائه شده و تا پایان کتاب هیچ کدام پیش فرض گرفته نشده است.
۲. تحلیل تطبیقی سیستماتیک: جداول مقایسه ای «وعده در مقابل عمل» در هر بزنگاه تاریخی ارائه شده اند (پیوست الف).
۳. یکپارچه سازی منابع فارسی و انگلیسی: تلاش شده شکاف زبانی میان دو حوزه پژوهشی پُر شود.

^{۳۲} پروژه تاریخ شفاهی هاروارد عمدتاً بر دوره پیش از انقلاب متمرکز است و پوشش محدودی از دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۰ دارد.

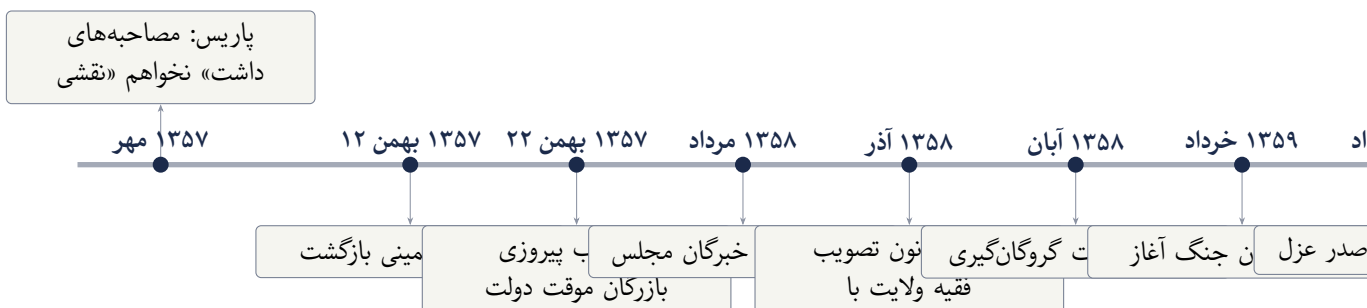
۴. توجه به بُعد روان‌شناختی و شناختی: در فصل ۱۵ مفاهیمی چون *cognitive dissonance*، *self-deception*، و *motivated reasoning* به‌کار گرفته شده‌اند.

۹،۱ جدول خلاصه تزاها و مدافعان اصلی

#	نام تز	خلاصه ادعا	مدافعان اصلی	اجماع نسبی
۱	صداقت + اجبار	خمینی واقعاً قصد حکومت نداشت؛ حوادث (ترور، جنگ، بحران) او را مجبور کرد.	معین، سروش (تا حدی)، منابع رسمی ج.ا.	متوسط
۲	خدعه آگاهانه	وعده‌ها از ابتدا تاکتیکی بودند؛ خمینی هدف حکومت را پنهان کرد.	آبراهامیان، گنجی، بخشی از کاتوزیان	بالا (در خارج)
۳	تکامل فکری	نظریه ولایت فقیه تدریجاً تکامل یافت؛ خمینی در پاریس هنوز به نقطه نهایی نرسیده بود.	ارجمند، مارتین، کدیور	متوسط
۴	فشار نخبگان	حلقه درونی (بهشتی، حزب جمهوری اسلامی) خمینی را به پذیرش رهبری سوق داد.	م. میلانی، بشیریه، باخاش (تا حدی)	پایین‌تر

جدول ۳،۱: خلاصه تطبیقی چهار تز اصلی و مدافعان آنها

۱۰،۱ خط زمانی: مراحل کلیدی برای ارجاع در فصول آتی



شکل ۲،۱: خط زمانی رویدادهای کلیدی (۱۳۵۷-۱۳۶۰)

۱۱،۱ جمع‌بندی فصل اول

خلاصۀ فصل ۱

- ادبیات پژوهشی درباره‌ وعدۀ خمینی و سرنوشت آن، هم غنی و هم قطب‌بندی‌شده است.
- چهار تز اصلی قابل شناسایی است: صداقت+اجبار، خدعۀ آگاهانه، تکامل فکری، فشار نخبگان.
- هر تز مدافعان جدی و مستندات قابل توجهی دارد؛ هیچ‌کدام بی‌پایه نیست.
- خلأهای مهمی در ادبیات وجود دارد: فقدان تحلیل تطبیقی سیستماتیک، کمبود رویکرد روان‌شناختی، و شکاف میان منابع فارسی و انگلیسی.
- فصل‌های ۲ تا ۵ هر یک به بسط یکی از این تزها اختصاص خواهند داشت.

- پایان بخش ۱ (مقدمه و فصل ۱) -

ادامۀ کتاب در بخش ۱ (Segment 1): فصل‌های ۲ تا ۵ - بسط تفصیلی تزهای چهارگانه

بخش اول

تزها، دیدگاهها، و مستندات

فصل ۲

تزاوّل: صداقت اولیه و تغییر ناگزیر

چکیده فصل

بر اساس این تز، آیت‌الله خمینی هنگام ادای وعده‌های پاریس مبنی بر عدم تصدی مستقیم قدرت، صادق بود. او واقعاً قصد بازگشت به حوزه علمیه قم و نقش «مرجعیت ارشادی» را داشت. اما توالی بحران‌ها - از ترورهای فرقان و ناتوانی دولت موقت گرفته تا تهدید بازگشت بختیار، تهاجم عراق، و گروگان‌گیری سفارت - او را به ناگزیر به مرکز تصمیم‌گیری کشاند. در این خوانش، خمینی نه فریبکار بود و نه از ابتدا طراح تمرکز قدرت، بلکه قربانی شرایط بود - یا دقیق‌تر، رهبری بود که «تاریخ» نقش را بر او تحمیل کرد.

۱،۲ بنیان‌های نظری تزاوّل

۱،۱،۲ مفهوم «مرجعیت ارشادی» در فقه سنتی شیعه

در فقه کلاسیک شیعه دوازده‌امامی، مرجع تقلید اعلم در درجه نخست یک مرجع دینی است، نه یک حاکم سیاسی. وظایف سنتی مرجع تقلید شامل صدور فتوا، نظارت بر امور حسبیه (امور عام‌المنفعه)، جمع‌آوری وجوهات شرعی، و ارشاد مؤمنان است.^۱

^۱ برای بحث تفصیلی درباره نقش سنتی مرجعیت، نگاه کنید به: Abdulaziz Sachedina, *The Just Ruler in Shi'ite Islam*, Oxford University Press, 1988, pp. 24-58.

مرجعیت سنتی در برابر ولایت فقیه

مرجعیت سنتی	ولایت فقیه (خوانش خمینی)
ارشادی و اختیاری	الزامی و حکومتی
محدود به امور شرعی	شامل تمام امور عمومی
غیرمتمرکز (چند مرجع هم‌زمان)	متمرکز (یک ولی فقیه)
بدون ابزار اجرایی	مجهز به ارتش، قضا، و اجرا

مدافعان تز اول استدلال می‌کنند که خمینی در پاریس بر اساس همین مدل سنتی سخن می‌گفت. او واقعاً تصور می‌کرد مثل آیت‌الله بروجردی یا آیت‌الله حکیم، نقش ارشادی خواهد داشت - نه حکومتی.

۲،۱،۲ مفهوم «ناظر» در برابر «حاکم»

یکی از استدلال‌های محوری تز اول، تمایز معناشناختی میان نظارت و حکومت در ادبیات سیاسی شیعی است. باقر معین (Baquer Moin) استدلال می‌کند:

تحلیل معین

«خمینی وقتی در پاریس می‌گفت ”نقشی نخواهم داشت“، ممکن بود واقعاً به یک نقش ناظرانه فکر کند - مشابه *guardian* در سنت فقهی - نه یک حاکم اجرایی. تمایز میان این دو در ذهن فقیه شیعی بدیهی است، حتی اگر از نظر عملی به یک نتیجه برسند.»

- Baquer Moin, *Khomeini: Life of the Ayatollah*, 1999, p. 194^a

^aمعین (معین) تأکید می‌کند که این تفسیر لزوماً خمینی را تبرئه نمی‌کند، بلکه فهم ذهنیت او را ممکن می‌سازد.

۳،۱،۲ نظریه «منطق انقلاب‌ها»

حسین بشیریه، با الهام از آثار *Charles Tilly*، *Crane Brinton*، *Theda Skocpol*، چارچوبی ساختاری ارائه می‌دهد:^۲

منطق انقلاب‌ها - چارچوب بشیریه

۱. انقلاب‌ها با ائتلاف گسترده شروع می‌شوند.
۲. پس از پیروزی، ائتلاف شکسته می‌شود و رقابت نخبگان آغاز می‌شود.
۳. فشار تهدیدات داخلی و خارجی، تمرکز قدرت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.
۴. رادیکال‌ترین جناح، به دلیل انگیزه بالاتر و سازمان‌یافتگی بهتر، بر دیگران غلبه می‌کند.

^۲ حسین بشیریه، *دیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ص ۴۵-۷۸.

۵. رهبر کاریزماتیک به‌عنوان داور نهایی ظاهر می‌شود - نه لزوماً به‌خواست خود بلکه به‌دلیل فقدان جایگزین.

بشیریه از مقایسه با انقلاب فرانسه (تمرکز قدرت در دست کمیته نجات ملی و سپس ناپلئون) و انقلاب روسیه (تمرکز در دست بلشویک‌ها و سپس استالین) بهره می‌گیرد. از نظر او، حتی اگر خمینی هم نبود، کسی دیگر به مرکز قدرت رانده می‌شد - ساختار انقلاب چنین اقتضا می‌کرد.

۲،۲ مستندات و شواهد تز اول

۱،۲،۲ شواهد زبانی: تحلیل گفتمان مصاحبه‌های پاریس

مدافعان تز اول به ثبات نسبی اظهارات خمینی در دوره پاریس استناد می‌کنند. در فاصله مهر ۱۳۵۷ تا بهمن ۱۳۵۷ (حدود چهار ماه)، خمینی حداقل در ۱۷ مصاحبه مستند با رسانه‌های خارجی، اظهارات مشابهی درباره «عدم حکومت روحانیون» بیان کرد.^۳

#	تاریخ	رسانه	عبارت کلیدی (خلاصه)
۱	۱۳ مهر ۵۷	<i>Le Monde</i>	«ما یک جمهوری اسلامی می‌خواهیم... من شخصاً مقامی نخواهم داشت.»
۲	۱۸ مهر ۵۷	<i>Guardian</i>	«روحانیون هدایت می‌کنند اما حکومت نمی‌کنند.»
۳	۲۵ مهر ۵۷	<i>ABC News</i>	«من به قم باز خواهم گشت... یک طلبه هستم.»
۴	۴ آبان ۵۷	<i>BBC</i>	«من نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور نخواهم شد.»
۵	۱۲ آبان ۵۷	<i>Reuters</i>	«آزادی برای همه... حتی کمونیست‌ها آزادند.»
۶	۲۰ آبان ۵۷	<i>CBS News</i>	«در حکومت آینده هیچ نقش اجرایی نخواهم داشت.»
۷	۵ آذر ۵۷	<i>Corriere della Sera</i>	«آزادی مطبوعات و احزاب تضمین خواهد شد.»
۸	۱۷ آذر ۵۷	<i>Oriana Fallaci</i>	«من فقط راهنمایی خواهم کرد... مثل گاندی.»
۹	۲۸ آذر ۵۷	<i>Le Figaro</i>	«حکومت متعلق به مردم خواهد بود.»
۱۰	۱۰ دی ۵۷	<i>Washington Post</i>	«جمهوری ما دموکراتیک خواهد بود.»

جدول ۱،۲: نمونه‌ای از مصاحبه‌های پاریس - اظهارات درباره عدم نقش آفرینی (انتخابی)

مدافعان تز اول استدلال می‌کنند که تکرار مداوم این اظهارات در بازه زمانی طولانی و در برابر مخاطبان مختلف،

^۳ شمارش بر اساس: صحیفه امام، ج ۴ و ج ۵. فهرست کامل مصاحبه‌های پاریس در پیوست ب این کتاب آمده است.

نشانهٔ صداقت است. اگر قصد فریب بود، چرا تا این حد صریح و مکرر وعده داد؟

۲،۲،۲ شواهد رفتاری: اقدامات اولیهٔ خمینی پس از بازگشت

شاهد ۱: انتصاب بازرگان: خمینی در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ مهدی بازرگان را به نخست‌وزیری منصوب کرد - نه یک روحانی، بلکه یک مهندس لیبرال-مذهبی. اگر قصد حکومت مستقیم داشت، چرا قدرت اجرایی را به بازرگان سپرد؟^۴

شاهد ۲: عزیمت به قم: خمینی پس از مدتی اقامت در تهران، در اسفند ۱۳۵۷ به قم رفت - مطابق وعده‌اش. هرچند بعداً مکرراً به تهران بازگشت و در نهایت بیمارستان قلب در جماران (شمال تهران) مقرر دائمی‌اش شد.^۵

شاهد ۳: سکوت اولیه در قبال قانون اساسی: پیش‌نویس قانون اساسی تهیه‌شده توسط گروه حقوقدانان (حبیبی-کاتوزیان-صدر حاج سید جوادی) در ابتدا مورد مخالفت صریح خمینی قرار نگرفت. مخالفت بعدی، مدافعان تز اول می‌گویند، ناشی از تحولات بود نه نقشهٔ قبلی.^۶

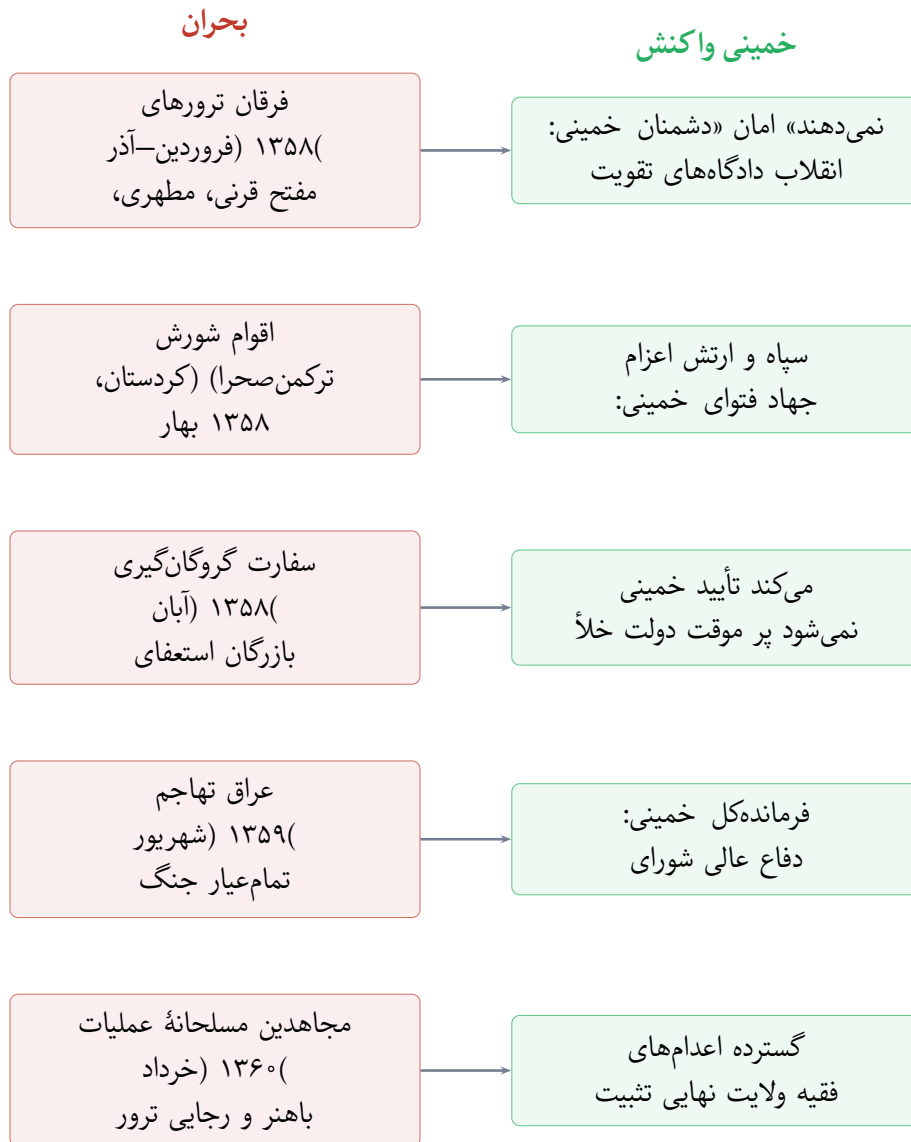
۳،۲،۲ شواهد بحرانی: حوادثی که «اجبار» ایجاد کرد

مدافعان تز اول فهرستی از بحران‌ها ارائه می‌دهند که هریک، به زعم آن‌ها، خمینی را یک قدم به مرکز قدرت نزدیک‌تر کرد:

^۴ صحیفهٔ امام، ج ۶، ص ۵۴-۵۷. متن حکم انتصاب بازرگان.

^۵ Moin (1999), pp. 210-212.

^۶ هما کاتوزیان، مقالات مربوط به پیش‌نویس قانون اساسی ۱۳۵۸.



شکل ۱،۲: زنجیره بحران-واکنش: مسیر «اجبار» به تمرکز قدرت (تزاؤل)

۳،۲ مدافعان اصلی تزاؤل

۱،۳،۲ باقر معین

معین، همان‌طور که در فصل ۱ اشاره شد، تصویری ارائه می‌دهد که در آن خمینی فردی با صداقت ذهنی (sub-) *jective sincerity* است. از نظر معین، خمینی در چارچوب فقهی خودش دروغ نمی‌گفت:

بسط تحلیل معین

- خمینی میان «من حکومت نخواهم کرد» و «فقیه جامع الشرایط باید ناظر باشد» تضادی نمی‌دید.
- مفهوم «مقام» در ذهن خمینی با مفهوم «ولایت» متفاوت بود: مقام (مثل رئیس‌جمهور) = سمت اجرایی؛ ولایت = حق شرعی نظارت.
- بنابراین وقتی خمینی می‌گفت «مقامی نخواهم داشت»، از نظر خودش دروغ نمی‌گفت - حتی وقتی ولی فقیه شد.^a

^aMoin (1999), pp. 193-198.

۲،۳،۲ عبدالکریم سروش (خوانش اولیه)

سروش در آثار اولیه‌اش (دهه ۱۳۷۰) رویکردی تفهیمی (*verstehen*) داشت. او معتقد بود:

- ▶ ایدئولوژیک شدن دین فرایندی بود که خمینی در آن مشارکت داشت اما لزوماً از ابتدا آن را طراحی نکرده بود.
- ▶ فشار جامعه‌ای که خواهان رهبر کاریزماتیک بود، خمینی را به نقشی فراتر از خواسته‌اش کشاند.
- ▶ انقلاب مثل سیلاب است - حتی رهبرش هم کنترلی بر مسیر آن ندارد.^۷

تحول موضع سروش

لازم به ذکر است که سروش در آثار متأخرش (پس از ۱۳۸۵) به تدریج موضع انتقادی تری اتخاذ کرد و در مصاحبه‌ها و مقالاتی، خمینی را مسئول‌تر از آنچه قبلاً می‌پنداشت ارزیابی کرد. بنابراین قرارداد سروش کاملاً در تر اول فقط برای دوره اولیۀ اندیشۀ او معتبر است.

۳،۳،۲ روایت رسمی جمهوری اسلامی

نهادهای رسمی ایران - از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام گرفته تا صداوسیما و کتاب‌های درسی - به‌طور طبیعی نسخه‌ای از تر اول را ترویج می‌کنند، البته با تفاوت‌های مهم:

روایت رسمی

۱. خمینی از ابتدا «نظریه ولایت فقیه» داشت (این با ادعای صداقت در وعده‌ها متناقض به نظر می‌رسد).
۲. اما ولایت فقیه «حکومت کردن» نیست بلکه «هدایت و نظارت» است.

^۷عبدالکریم سروش، *فربه‌تر از ایدئولوژی*، ص ۱۲۰-۱۳۵.

۳. بحران‌ها نشان دادند که بدون نقش‌آفرینی مستقیم امام، انقلاب محکوم به شکست بود.
۴. بنابراین مداخلهٔ خمینی «تکلیف شرعی» بود، نه خواستهٔ شخصی.

نقد درون‌مایه‌ای روایت رسمی

مشکل اصلی روایت رسمی تناقض درونی آن است: اگر خمینی از ابتدا نظریهٔ ولایت فقیه داشت (چنانکه در درس‌های نجف ۱۳۴۸ مطرح کرد)، پس وعدهٔ «عدم حکومت» یا ناصادقانه بود یا مفهومی متفاوت از «حکومت» در ذهنش بود. روایت رسمی نمی‌تواند هم‌زمان هر دو ادعا را نگه دارد بدون آنکه به یکی از ترزهای دیگر نزدیک شود.

۴،۲ نقد تز اول

۱،۴،۲ نقد از منظر تز دوم (خدعه)

منتقدان اصلی (آبراهامیان، گنجی) استدلال می‌کنند:

- × وجود «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸): خمینی ده سال قبل از انقلاب، در درس‌های نجف، صراحتاً نظریهٔ حکومت فقیه را تدوین کرده بود. کسی که چنین نظریه‌ای دارد، چگونه می‌تواند صادقانه بگوید «حکومت نخواهم کرد»؟^۸
- × عبارت «خدعه» از زبان خود خمینی: در سخنرانی‌هایی پس از تثبیت قدرت، خمینی از مفهوم فقهی «خدعه» (فریب مجاز در جنگ با دشمن) استفاده کرد. این اشاره، هرچند مبهم، به‌عنوان اعتراف ضمنی تفسیر شده است.^۹
- × سرعت تحول: فاصلهٔ میان «مقامی نخواهم داشت» (دی ۱۳۵۷) و «من دولت تعیین می‌کنم» (بهمن ۱۳۵۷) کمتر از دو ماه است. آیا واقعاً در دو ماه شرایط آن قدر تغییر کرده که وعده‌ها باطل شود؟

۲،۴،۲ نقد از منظر تز سوم (تکامل)

کدیور و ارجمند استدلال می‌کنند:

- × تز اول ساده‌لوحانه (naïve) است چون خمینی را یک واکنش‌گر منفعل (*passive reactor*) نشان می‌دهد، درحالی‌که شواهد نشان می‌دهد او در تحولات فعالانه مداخله می‌کرد.

^۸ Abrahamian (1993), pp. 20-26. آبراهامیان متن «حکومت اسلامی» (ولایت فقیه) را تحلیل و نشان می‌دهد که خمینی در آن صریحاً از حاکمیت فقیه دفاع کرده است.

^۹ صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۲۱۲-۲۱۵. خمینی در سخنرانی ۱۳۶۰ اشاره می‌کند که «در مقابل دشمن، خدعه جایز است». منتقدان این را ناظر بر وعده‌های پاریس می‌دانند.

× مفهوم «اجبار» زمانی معنا دارد که فرد گزینه‌ای نداشته باشد. اما خمینی در هر بزنگاه انتخاب کرد - و انتخابش همواره در جهت تمرکز بیشتر قدرت بود.

۳،۴،۲ نقد از منظر تز چهارم (فشار نخبگان)

باخاش و م. میلانی اشاره می‌کنند:

× حتی اگر بپذیریم خمینی صادق بود، این «صداقت» در خلأ نبود - او توسط حلقه‌ای از نخبگان احاطه شده بود (بهشتی، رفسنجانی، خامنه‌ای، باهنر) که منفعت‌شان در تمرکز قدرت بود. تز اول نقش این حلقه را نادیده می‌گیرد.

۵،۲ جمع‌بندی فصل دوم

خلاصۀ فصل ۲

- تز صداقت+اجبار ریشه در فقه سنتی شیعی، تمایز نظارت/حکومت، و نظریۀ ساختاری انقلاب‌ها دارد.
- شواهد له: ثبات اظهارات پاریس، انتصاب بازرگان، عزیمت به قم، زنجیرۀ بحران‌ها.
- شواهد علیه: وجود کتاب «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸)، عبارت «خدعه»، سرعت تمرکز قدرت.
- این تز در محافل رسمی ایران پذیرش بالایی دارد اما در آکادمی غربی با شک مواجه است.
- نقطه ضعف اصلی: نادیده‌گرفتن عاملیت خمینی و تقلیل او به واکنش‌گری منفعل.

فصل ۳

تز دوم: خدعه آگاهانه و استراتژی بلندمدت

چکیده فصل

بر اساس این تز، وعده‌های خمینی در پاریس مبنی بر عدم حکومت روحانیون، آزادی احزاب و مطبوعات، و بازگشت به قم، از ابتدا ابزارهای تاکتیکی بودند - بخشی از یک استراتژی حساب‌شده برای حفظ ائتلاف انقلابی و جلب حمایت بین‌المللی تا زمان تثبیت قدرت. خمینی از ابتدا هدف تأسیس حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را داشت و وعده‌ها «خدعه»‌ای مشروع در برابر «دشمن» بودند.

۱،۳ بنیان‌های نظری تز دوم

۱،۱،۳ مفهوم «خدعه» در فقه و اخلاق سیاسی شیعی

در فقه شیعی، مفهوم خدعه (فریب جنگی) و تقیه (پنهان‌داشتن باور واقعی در شرایط خطر) ریشه‌های عمیقی دارد. مدافعان تز دوم استدلال می‌کنند که خمینی این مفاهیم را از حوزه فقهی محدود (جنگ، خطر جانی) به حوزه سیاسی گسترده تعمیم داد.^۱

تقیه در برابر خدعه - تمایز مفهومی

تقیه (Taqiyya)

پنهان‌داشتن باور دینی واقعی در شرایط خطر جانی. در فقه شیعی حکمی مسلم و پذیرفته‌شده است. اما سنتاً فقط در شرایط اضطرار فردی مجاز دانسته شده، نه در سطح سیاست عمومی.

خدعه (Khod'eh)

فریب دشمن در جنگ. در فقه اسلامی (شیعه و سنی) مجاز است. خمینی در سخنرانی‌هایی پس از

^۱ Abrahamian (1993), pp. 17-22. آبراهامیان بحث مفصلی درباره کاربرد سیاسی تقیه و خدعه در اندیشه خمینی ارائه می‌دهد.

انقلاب، به مشروعیت «خدعه در جنگ با دشمن» اشاره کرد.

پرسش کلیدی

آیا خمینی رژیم شاه و حامیان غربی آن را «دشمن» می دانست و بنابراین فریب دادن رسانه های غربی و افکار عمومی را «خدعه مشروع» تلقی می کرد؟

۲،۱،۳ پوپولیسم سیاسی با پوشش مذهبی - تز آبراهامیان

اروند آبراهامیان در *Khomeinism* (۱۹۹۳) مهم ترین چارچوب نظری تز دوم را ارائه می دهد. تز اصلی او:

تز مرکزی آبراهامیان

خمینیسم یک جنبش پوپولیستی است - نه صرفاً مذهبی. خمینی، مانند دیگر رهبران پوپولیست (پرون در آرژانتین، واگاس در برزیل، نکرومه در غنا)، زبان خود را متناسب با مخاطب تنظیم می کرد:

- در برابر رسانه های غربی: زبان آزادی خواهانه، دموکراتیک، حقوق بشری.
- در برابر توده های مذهبی: زبان شهادت، عدالت علوی، مبارزه با طاغوت.
- در برابر روحانیون: زبان فقهی ولایت فقیه.
- در برابر چپ ها: زبان ضد استکباری و ضد امپریالیستی.

این چندزبانگی (*code-switching*) نه اتفاقی بلکه استراتژیک بود.^a

^aAbrahamian (1993), pp. 13-38.

۳،۱،۳ مفهوم «رهبر استراتژیک» - قرائت ماکیاولیستی

مدافعان تز دوم، بدون آنکه لزوماً خمینی را با ماکیاولی مقایسه کنند، از مفهومی مشابه استفاده می کنند: رهبر سیاسی هوشمند اهداف بلندمدت خود را تا زمان تحقق پنهان نگاه می دارد. در این چارچوب:

- ▶ وعدۀ آزادی و دموکراسی = جلب نیروهای لیبرال و چپ برای ائتلاف ضدشاهی.
- ▶ وعدۀ عدم حکومت = خنثی سازی نگرانی مراجع سنتی و نظامیان.
- ▶ تأکید بر «جمهوری» = مشروعیت سازی در سطح بین المللی.
- ▶ پس از تثبیت، حذف تدریجی شرکای ائتلاف (لیبرال ها، چپ ها، ملی گرایان).

۲،۳ مستندات و شواهد تز دوم

۱،۲،۳ شاهد ۱: کتاب «حکومت اسلامی» (ولایت فقیه) - ۱۳۴۸

قوی‌ترین شاهد تز دوم، متن درس‌های خمینی در نجف (زمستان ۱۳۴۸/۱۹۷۰) است که بعدها با عنوان «ولایت فقیه» یا «حکومت اسلامی» منتشر شد. در این متن خمینی صراحتاً می‌نویسد:

نقل قول‌های کلیدی از «حکومت اسلامی»

۱. «اسلام دین حکومت است... فقه، قانون عملی مملکت‌داری است.»^a

۲. «فقیه جامع‌الشرایط همان ولایتی را دارد که رسول‌الله و ائمه داشتند.»^b

۳. «تشکیل حکومت بر فقها واجب عینی است.»^c

^a روح‌الله خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: امیرکبیر، چاپ‌های متعدد. ص ۱۸ (نسخه عربی نجف).
^b همان، ص ۴۲.
^c همان، ص ۵۱.

مدافعان تز دوم استدلال می‌کنند: کسی که در ۱۳۴۸ چنین نظریه‌ای دارد، نمی‌تواند در ۱۳۵۷ - فقط نه سال بعد - صادقانه بگوید «حکومت نخواهم کرد». مگر اینکه:

- (الف) از آن نظریه عدول کرده باشد (هیچ شهادی بر این عدول وجود ندارد).
- (ب) عمداً آن را پنهان کرده باشد (= خدعه).
- (پ) تعریف متفاوتی از «حکومت» داشته باشد (= بازی زبانی، که خودش نوعی فریب است).

۲،۲،۳ شاهد ۲: عبارت «خدعه» از زبان خمینی

در چند مورد پس از تثبیت قدرت، خمینی اظهاراتی کرد که منتقدان به‌عنوان «اعتراف ضمنی» تفسیر کرده‌اند:

نقل قول‌های پس‌انقلابی خمینی درباره خدعه

► «ما با هیچ‌کس عهد نبسته‌ایم... ما تکلیف شرعی خود را عمل می‌کنیم.»
 صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۴۰-۲۴۲.

► «آن‌هایی که می‌گفتند امام گفت آزادی... ما آزادی‌ای که اسلام می‌دهد قبول داریم. آزادی غربی را قبول نداریم.»
 صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۸.

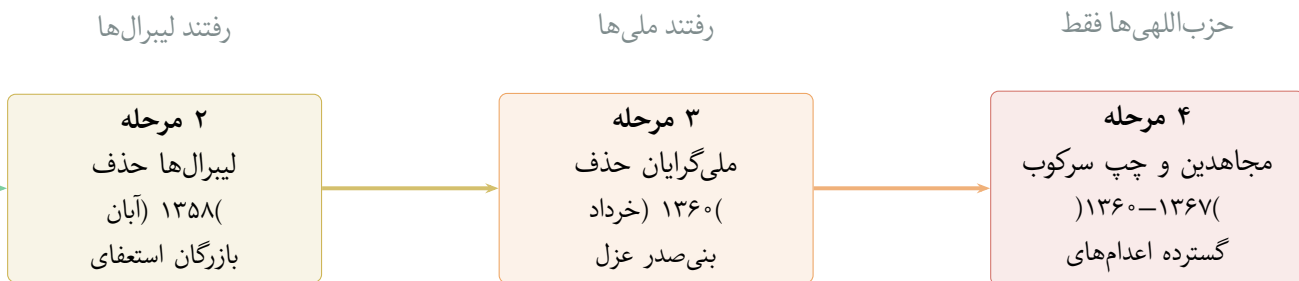
► «در جنگ، خدعه هست. ما با آن‌ها [دشمنان اسلام] در جنگ بودیم.»
 صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۲-۲۱۵ (تفسیر محل مناقشه - ر.ک. بحث زیر).

بحث انتقادی درباره عبارت «خدعه»

تفسیر عبارت «خدعه» محل اختلاف شدید است:
 تفسیر مدافعان تز دوم: خمینی صریحاً اعتراف کرد وعده‌هایش خدعه بود.
 تفسیر مدافعان تز اول: خمینی از خدعه در جنگ نظامی (مثلاً جنگ ایران-عراق) سخن می‌گفت، نه از وعده‌های سیاسی‌اش.
 ارزیابی بی‌طرفانه: متن سخنرانی‌ها مبهم است و هر دو تفسیر ممکن. اما بافت زمانی (پس از حذف مخالفان داخلی) و لحن پیروزمندانه بیشتر با تفسیر اول سازگار است.

شاهد ۳: الگوی حذف سیستماتیک شرکای ائتلاف ۳،۲،۳

مدافعان تز دوم به الگوی قابل پیش‌بینی حذف شرکا اشاره می‌کنند:



شکل ۱،۳: الگوی حذف سیستماتیک شرکای ائتلاف انقلابی (تز دوم)

مدافعان تز دوم استدلال می‌کنند که این الگو بیش از حد منظم است تا «تصادفی» یا «واکنشی» باشد. هر مرحله بهانه‌ای داشت (بحران سفارت، جنگ، عملیات مسلحانه) اما نتیجه همواره یکسان بود: حذف یک لایه از مخالفان و تمرکز بیشتر قدرت.

شاهد ۴: تغییر قانون اساسی - از پیش‌نویس حبیبی به ولایت فقیه ۴،۲،۳

یکی از کلیدی‌ترین شواهد تز دوم، فرایند تبدیل پیش‌نویس قانون اساسی است:

مرحله	پیش‌نویس حبیبی - کاتوزیان	مصوبه مجلس خبرگان
رهبری	رئیس‌جمهور منتخب مردم - بدون ولایت فقیه	ولی فقیه با اختیارات فوق‌العاده - بالاتر از رئیس‌جمهور
آزادی‌ها	آزادی احزاب و مطبوعات بدون قید مذهبی	آزادی‌ها مشروط به «موازن اسلامی»
قضا	استقلال قضایی با قضاوت حرفه‌ای	رئیس قوه قضاییه منصوب ولی فقیه
ارتش	فرماندهی ارتش با رئیس‌جمهور	فرماندهی کل نیروهای مسلح با ولی فقیه

مرحله	پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان	مصوبه مجلس خبرگان
شورای نگهبان	محدود به نظارت بر انطباق قوانین	حق وتوی قوانین مجلس + نظارت استصوابی بر انتخابات

جدول ۱،۳: مقایسه تطبیقی: پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان در برابر قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸

نکته کلیدی

مدافعان تز دوم تأکید می‌کنند که خمینی در ابتدا گفت پیش‌نویس «خوب» است و سپس - پس از آنکه شرایط سیاسی تغییر کرد - اصرار بر تشکیل مجلس خبرگانی کرد که اکثریت آن از روحانیون حزب جمهوری اسلامی بودند. نتیجه قابل پیش‌بینی بود: حذف عناصر دموکراتیک و جایگزینی ولایت فقیه.^a

Arjomand (1988), pp. 150-168. همچنین Schirazi (1997), pp. 22-40;^a

۵،۲،۳ شاهد ۵: تشکیلات مخفی پیش از انقلاب

شواهدی وجود دارد که خمینی و حلقه نزدیکانش (از جمله بهشتی، مطهری، و رفسنجانی) قبل از پیروزی انقلاب، تشکیلاتی زیرزمینی برای تصاحب قدرت داشتند:

- ▶ شورای انقلاب (سرّی): ترکیب اولیه شورای انقلاب قبل از پیروزی تعیین شد و نام اعضای آن مدت‌ها مخفی ماند.^۲
- ▶ کمیته‌های انقلاب: شبکه کمیته‌های محلی که قبل از ۲۲ بهمن سازمان‌دهی شده بودند و پس از انقلاب بلافاصله کنترل خیابان‌ها را به دست گرفتند.
- ▶ دادگاه‌های انقلاب: صادق خلخالی به‌عنوان حاکم شرع قبل از هرگونه مبنای قانونی شروع به صدور حکم اعدام کرد - با اذن مستقیم خمینی.^۳

۳،۳ مدافعان اصلی تز دوم

۱،۳،۳ ابراهامیان - بسط تحلیل

آبراهامیان فراتر از اتهام ساده «فریب» می‌رود. او استدلال می‌کند که خمینی محصول سنت سیاسی خاصی بود که در آن:

^۲ابراهیم یزدی در خاطراتش تأیید می‌کند که شورای انقلاب مخفیانه تشکیل شد.

^۳Abrahamian (1999), pp. 105-118.

چارچوب آبراهامیان: سه‌گانهٔ پوپولیسم شیعی

۱. عدالت خواهی توده‌ای: خمینی از زبان عدالت (ضد ظلم، ضد طاغوت) بهره گرفت - زبانی که در شیعه ریشهٔ عمیق دارد.
۲. ضد دیپلماسی: خمینی همواره «استکبار جهانی» را دشمن اصلی معرفی کرد - مشابه رهبران پوپولیست آمریکای لاتین.
۳. دوگانهٔ خودی/دشمن: جهان به «مستضعفین» و «مستکبرین» تقسیم شد - و هر مخالف داخلی در دستهٔ دوم قرار گرفت.

در این چارچوب، «خدعه» نه ضعف اخلاقی بلکه ابزار جنگی مشروع است.^a

^aAbrahamian (1993), pp. 28-36.

۲،۳،۳ اکبر گنجی - صراحت انتقادی

گنجی، برخلاف آبراهامیان که زبانی آکادمیک دارد، با صراحت ژورنالیستی-سیاسی سخن می‌گوید:

موضع گنجی

- خمینی یک فاشیست مذهبی بود که قصد تأسیس دولت تمامیت‌خواه داشت.^a
- وعده‌های پاریس نه «ابهام ذهنی» بود و نه «تکامل فکری» - بلکه دروغ محض بود.
- فاصلهٔ میان «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) و «مقامی نخواهم داشت» (۱۳۵۷) فقط با فرض فریب آگاهانه قابل توضیح است.
- خمینی از ابتدا یک «پروژهٔ تمامیت‌خواه» داشت و تمام ابزارها - از دادگاه‌های انقلاب تا سپاه پاسداران تا حزب جمهوری اسلامی - بخشی از این پروژه بودند.
- سخن از «اجبار شرایط» خود-فریبی است: خمینی شرایط را خلق کرد، نه اینکه به آن‌ها واکنش نشان داد.^b

^a اکبر گنجی، *تلقی فاشیستی از دین و حکومت*، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹، ص ۱۸-۳۵.
^b گنجی در مصاحبه‌های متأخرش (پس از ۱۳۸۸) از خمینی به‌عنوان «استالین ایرانی» یاد کرده است.

۳،۳،۳ هما کاتوزیان - نقد از زاویهٔ حقوقی-تاریخی

کاتوزیان، اقتصاددان و مورخ ایرانی و استاد دانشگاه *Oxford*، بدون آنکه لزوماً واژهٔ «فریب» را به‌کار ببرد، نشان می‌دهد که فرایند تدوین قانون اساسی مهندسی شده بود:

تحلیل کاتوزیان دربارهٔ قانون اساسی

۱. پیش‌نویس اولیهٔ قانون اساسی (تهیه‌شده توسط تیم حقوقدانان شامل دکتر حسن حبیبی و خود کاتوزیان و دیگران) یک سند جمهوری دموکراتیک بود - بدون ولایت فقیه.
۲. خمینی ابتدا این پیش‌نویس را تأیید کرد و حتی دستور داد به فراندوم گذاشته شود.
۳. اما سپس - تحت فشار حزب جمهوری اسلامی به رهبری بهشتی - تصمیم به تشکیل «مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی» گرفته شد.
۴. ترکیب مجلس خبرگان عمداً به‌گونه‌ای مهندسی شد که اکثریت از روحانیون تندرو باشند.
۵. نتیجه: حذف کامل ساختار جمهوری دموکراتیک و جایگزینی ولایت فقیه.^a

Homa Katouzian, "The Short-Lived Hopes of Iran's Secular Democrats," paper presented at various conferences; also see his contributions in Abrahamian et al., انتشارات مختلف.

۴،۳،۳ ابوالحسن بنی‌صدر - شهادت قربانی

بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۰) که پس از عزل به فرانسه گریخت، یکی از صریح‌ترین مدافعان تزدوم است. او استدلال می‌کند:

- ▶ خمینی از همان ماه‌های اول پس از انقلاب، تمام تصمیمات کلیدی را شخصاً اتخاذ می‌کرد - از انتصابات تا سیاست خارجی.
- ▶ ادعای «بازگشت به قم» از ابتدا صوری بود: خمینی حتی در قم هم از طریق احمد خمینی و شورای انقلاب، مرکز تصمیم‌گیری باقی ماند.
- ▶ گروگان‌گیری سفارت (آبان ۱۳۵۸) - که به استعفای بازرگان و حذف لیبرال‌ها منجر شد - با علم و آگاهی حلقهٔ درونی خمینی (اگر نه خود او) سازمان‌دهی شد.
- ▶ عزل بنی‌صدر «پایان کار» ائتلاف بود: خمینی ثابت کرد که هر رئیس‌جمهوری‌ای که با ولایت فقیه تعارض داشته باشد قابل حذف است.^۴

تحفظ دربارهٔ شهادت بنی‌صدر

باید در نظر داشت که بنی‌صدر خود طرف دعواست. او رقیب سیاسی حذف‌شدهٔ خمینی بود و انگیزهٔ قوی برای نشان دادن خمینی به‌عنوان «فریبکار» دارد. شهادت او ارزش مستند دارد اما نمی‌تواند به‌تنهایی اثبات‌کنندهٔ تزدوم باشد. مثلث‌سازی با منابع دیگر ضروری است.

^۴ ابوالحسن بنی‌صدر، خیانت به امید، پاریس: نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، فصل‌های ۸-۱۲.

۴،۳ نقد تز دوم

۱،۴،۳ نقد از منظر تز اول (صداقت + اجبار)

- ✓ کتاب «حکومت اسلامی» اثبات فریب نیست: ممکن است خمینی در ۱۳۴۸ نظریه‌ای داشته باشد اما در ۱۳۵۷ واقعاً تصور کند اجرای آن عملی نیست یا زمانش نرسیده. داشتن نظریه لزوماً به معنای قصد اجرای فوری نیست.
- ✓ ثبات وعده‌ها: اگر خمینی فریبکار بود، چرا این قدر صریح و مکرر وعده داد؟ فریبکار هوشمند ابهام می‌گذارد، نه وعده صریح.
- ✓ انتصاب بازرگان: اگر قصد تمرکز قدرت داشت، چرا یک لیبرال غیرروحانی را نخست‌وزیر کرد؟ چرا از ابتدا یک روحانی تندرو نگذاشت؟
- ✓ مسئله «توطئه‌اندیشی»: تز دوم نیازمند فرض یک طراحی بلندمدت است. آیا واقعاً منطقی است که کسی ده سال نقشه بکشد و هیچ خطایی نکند؟ واقعیت معمولاً آشفته‌تر از توطئه‌هاست.^۵

۲،۴،۳ نقد از منظر تز سوم (تکامل)

- ✓ تز دوم فرض می‌کند خمینی از ابتدا نقطه‌نهایی را می‌دانست. اما نظریه ولایت فقیه خود تحولاتی داشت - از «کشف‌الاسرار» (۱۳۲۲) که فقط «نظارت» فقها را مطرح کرد، تا «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) که «ولایت» را مطرح کرد، تا «ولایت مطلقه فقیه» (۱۳۶۶). این تحول مستمر با فرض «نقشه از پیش آماده» سازگار نیست.
- ✓ «چندزبانگی» خمینی لزوماً فریب نبود - ممکن بود بازتاب عدم قطعیت فکری باشد. آدمی که خودش هنوز به نتیجه قطعی نرسیده، در برابر مخاطبان مختلف حرف‌های مختلف می‌زند.

۳،۴،۳ نقد از منظر تز چهارم (فشار نخبگان)

- ✓ تز دوم همه «عاملیت» را به خمینی نسبت می‌دهد و نقش بازیگران دیگر (بهشتی، رفسنجانی، حزب جمهوری اسلامی) را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. ممکن است خمینی خود اهل فریب نبوده اما توسط حلقه اطرافش در مسیر خاصی سوق داده شده باشد.
- ✓ مهندسی مجلس خبرگان ممکن است بیشتر کار بهشتی بوده باشد تا خود خمینی.^۶

⁵This is the classical “conspiracy theory” critique. See Karl Popper, “The Conspiracy Theory of Society” in *Conjectures and Refutations* (1963).

⁶رفسنجانی در خاطراتش اشاره می‌کند که بهشتی «معمار» قانون اساسی بود.

۵،۳ شواهد مکمل: بُعد بین‌المللی

مدافعان تز دوم به ابعاد بین‌المللی نیز استناد می‌کنند:

- ▶ نقش فرانسه: دولت فرانسه به خمینی در نوفل‌لوشاتو پناه داد و تصویر یک «رهبر معنوی معتدل» از او ساخت. خمینی این تصویر را به سود خود مدیریت کرد.^۷
- ▶ مصاحبه‌های هدفمند: خمینی خبرنگاران خاصی را می‌پذیرفت و پاسخ‌ها از قبل با مشاوران (از جمله صادق قطب‌زاده و ابراهیم یزدی) هماهنگ می‌شد. یزدی به‌عنوان مترجم نقش کلیدی داشت و گاهی ترجمه‌هایش «ملایم‌تر» از اصل فارسی بود.^۸
- ▶ پیام به ارتش: خمینی پیام‌های متعددی به نظامیان فرستاد و قول داد که ارتش حفظ خواهد شد. اما پس از انقلاب، پاکسازی گسترده ارتش (اعدام ده‌ها ژنرال و افسر) نشان داد این وعده‌ها نیز تاکتیکی بودند.^۹

۶،۳ جمع‌بندی فصل سوم

خلاصه فصل ۳

- تز خدعه آگاهانه بر پایه مفاهیم فقهی تقیه و خدعه، نظریه پوپولیسم، و تحلیل ماکیاولیستی استوار است.
- قوی‌ترین شواهد: کتاب «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸)، عبارت «خدعه» از زبان خمینی، الگوی حذف سیستماتیک، مهندسی قانون اساسی.
- مدافعان اصلی: آبراهامیان، گنجی، کاتوزیان، بنی‌صدر.
- نقدهای جدی: اتهام توطئه‌اندیشی، نادیده‌گرفتن نقش دیگر بازیگران، ساده‌سازی فرایند تکامل فکری.
- نقطه قوت اصلی: توضیح فاصله عمیق میان وعده و عمل.
- نقطه ضعف اصلی: نیاز به فرض یک «طراح کامل» - که با آشفتگی واقعی انقلاب‌ها سازگاری کامل ندارد.

⁷Charles Kurzman, *The Unthinkable Revolution in Iran*, Harvard University Press, 2004, pp. 67–89.

^۸Moin (1999), pp. 185–188. همچنین مقایسه کنید متن فارسی و انگلیسی مصاحبه‌ها در صحیفه امام.

⁹Bakhash (1984), pp. 56–72.

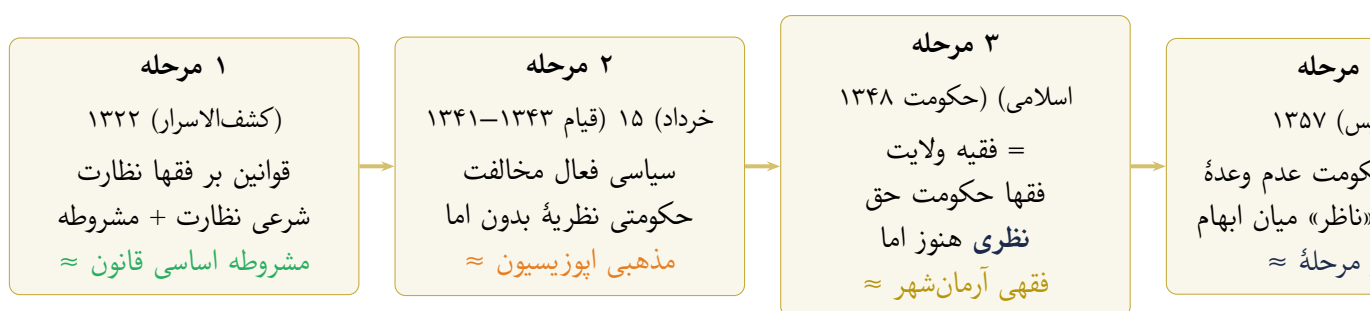
فصل ۴

تز سوم: تکامل تدریجی اندیشه ولایت فقیه

چکیده فصل

بر اساس این تز، نه صداقت محض و نه فریب محض، بلکه تکامل تدریجی اندیشه سیاسی خمینی کلید فهم فاصله و عده‌ها و عمل است. خمینی در مقاطع مختلف زندگی فکری اش مواضع متفاوتی داشت: از «نظارت فقها» در «کشف‌الاسرار» (۱۳۲۲) تا «ولایت فقیه» در درس‌های نجف (۱۳۴۸)، تا «ولایت مطلقه فقیه» در اواخر عمر (۱۳۶۶). وعده‌های پاریس ممکن است بازتاب مرحله‌ای میانی از این تکامل باشند - مرحله‌ای که خمینی هنوز به نقطه نهایی نرسیده بود.

۱،۴ سیر تحول فکری خمینی: پنج مرحله



شکل ۱،۴: پنج مرحله تکامل اندیشه سیاسی خمینی (تز سوم)

۱،۱،۴ مرحله اول: کشف‌الاسرار (۱۳۲۲/۱۹۴۴)

نخستین اثر سیاسی خمینی، کتاب «کشف‌الاسرار» بود - پاسخی به کتاب «اسرار هزارساله» نوشته احمد کسروی (یا منتسب به شاگردان او). در این کتاب، خمینی:

- از نظام مشروطه دفاع می‌کند - مشروط به آنکه قوانین با شرع مغایر نباشد.^۱
- خواستار نظارت فقها بر قوانین مجلس است - نه حکومت مستقیم آن‌ها.
- صراحتاً می‌نویسد: «ما نمی‌گوییم حکومت باید دست فقیه باشد»^۲.
- در عوض، خواستار آن است که مجلسی از فقها بر قوانین «نظارت شرعی» داشته باشد - مشابه آنچه در قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵) پیش‌بینی شده بود.

نکته کلیدی

فاصلهٔ میان «کشف‌الاسرار» (۱۳۲۲) و «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) بیست‌وشش سال است. در این مدت، خمینی از «نظارت فقها در چارچوب مشروطه» به «حکومت مستقیم فقیه» رسید. مدافعان تز سوم استدلال می‌کنند که این تکامل ادامه داشت و در ۱۳۵۷ (پاریس) هنوز به نقطهٔ نهایی (ولایت مطلقه) نرسیده بود.

۲،۱،۴ مرحلهٔ دوم: قیام ۱۵ خرداد و تبعید (۱۳۴۱-۱۳۴۳)

مخالفت خمینی با لایحهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۱۳۴۱) و سپس با «انقلاب سفید» شاه، او را وارد عرصهٔ سیاست فعال کرد. اما در این مرحله:

- ▶ خمینی هنوز نظریهٔ حکومتی مدوئی نداشت.
- ▶ اعتراضاتش عمدتاً سلبی بود (ضد شاه، ضد وابستگی به آمریکا) نه ایجابی (چه نوع حکومتی باید جایگزین شود).
- ▶ زبان او بیشتر اخلاقی-اعتراضی بود تا نظریه‌پردازانه.
- ▶ تبعید به ترکیه (۱۳۴۳) و سپس نجف (۱۳۴۳-۱۳۵۷) فرصت تأمل نظری به او داد.^۳

۳،۱،۴ مرحلهٔ سوم: درس‌های نجف و «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸)

در زمستان ۱۳۴۸/۱۹۷۰، خمینی سلسله درس‌هایی در حوزهٔ علمی نجف ارائه داد که بعدها با عنوان «ولایت فقیه» یا «حکومت اسلامی» منتشر شد. این متن جهشی کیفی (*qualitative leap*) در اندیشهٔ سیاسی اوست:

^۱ونسا مارتین تحلیل دقیقی از این متن ارائه داده: Martin (1993), "Religion and State in Khomeini's Kashf al-Asrar," BSOAS, 56(1), 34-45.

^۲روح‌الله خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۱۸۵-۱۸۶ (نسخهٔ چاپ قم).

^۳Moin (1999), pp. 86-120.

تحول کلیدی: از «نظارت» به «ولایت»

مفهوم	کشف‌الاسرار (۱۳۲۲)	حکومت اسلامی (۱۳۴۸)
نقش فقیه	ناظر بر قوانین	حاکم و دارای ولایت
دامنه اختیارات	محدود به تطبیق شرعی	شامل تمام امور حکومتی
مبنای مشروعیت	قانون اساسی مشروطه	حکم الهی مستقل از قانون اساسی
نسبت با دموکراسی	سازگار با مشروطه	مقدم بر رأی مردم
سلطنت	قابل اصلاح	باید سرنگون شود

مدافعان تز سوم (به‌ویژه ارجمند و مارتین) تأکید می‌کنند که حتی در «حکومت اسلامی»، نظریه هنوز انتزاعی و آرمانی بود. خمینی هیچ نقشه عملی برای اجرای آن ارائه نداد - مثلاً در باره ساختار حکومت، نحوه انتخاب فقیه، یا رابطه ولی فقیه با مجلس سخنی نگفت.^۴

۴،۱،۴ مرحله چهارم: پاریس (۱۳۵۷) - مرحله ابهام

مدافعان تز سوم استدلال می‌کنند که دوره پاریس مرحله گذار در فکر خمینی بود:

تحلیل مرحله پاریس - تز سوم

- خمینی در ۱۳۴۸ نظریه‌ای داشت اما هنوز مطمئن نبود آیا عملاً قابل اجراست یا نه.
- در پاریس، تحت تأثیر مشاوران لیبرال‌تر (یزدی، قطب‌زاده، بازرگان)، ممکن است واقعاً تردید کرده باشد.
- وعده «عدم حکومت» نه لزوماً «دروغ» بود و نه لزوماً «حقیقت کامل» - بلکه بازتاب عدم قطعیت فکری بود.
- خمینی هنوز نمی‌دانست نظام آینده دقیقاً چه شکلی خواهد داشت.
- فقط پس از بازگشت به ایران و مواجهه با واقعیت‌های قدرت، اندیشه‌اش به نقطه نهایی رسید.

۵،۱،۴ مرحله پنجم: ولایت مطلقه فقیه (۱۳۶۶)

آخرین و رادیکال‌ترین تحول فکری خمینی در دی‌ماه ۱۳۶۶ رخ داد - زمانی که در نامه‌ای به خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت) اعلام کرد:

⁴Arjomand (1988), pp. 147-155.

نقل قول - نامه دی ۱۳۶۶

«حکومت، شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله (ص) است... حکومت می‌تواند از احکام اولیه اسلام هم جلوگیری کند... حکومت می‌تواند هر امری را - حتی نماز و روزه و حج را - موقتاً تعطیل کند.»
- آیت‌الله خمینی، نامه به خامنه‌ای، ۱۶ دی ۱۳۶۶^۵

^۵ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱-۴۵۲.

این اظهارنظر بی سابقه بود - حتی در «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) چنین ادعایی نشده بود. مدافعان تری سوم از این نامه به عنوان شاهدی بر تکامل مستمر بهره می‌گیرند: اگر خمینی حتی بین ۱۳۵۸ (قانون اساسی) و ۱۳۶۶ (ولایت مطلقه) تحول فکری داشت، چرا نباید باور کنیم بین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۷ هم تحول داشته باشد؟

۲،۴ مدافعان اصلی تری سوم

۱،۲،۴ سعید امیر ارجمند

ارجمند در *The Turban for the Crown* (۱۹۸۸) یکی از دقیق‌ترین تحلیل‌ها را از تکامل نهادی ولایت فقیه ارائه می‌دهد. نکات کلیدی او:

- ▶ نظریه ولایت فقیه در نجف یک «ایده خام» بود. تبدیل آن به یک نهاد حقوقی کار مجلس خبرگان (به ویژه بهشتی) بود، نه خود خمینی.^۵
- ▶ خمینی در پاریس ممکن بود واقعاً تصور کند مدل نهایی چیزی میان «نظارت» و «ولایت» خواهد بود - و مجلس خبرگان این را به سمت «ولایت» تمام عیار کشاند.
- ▶ تصمیم خمینی به تأسیس مجلس خبرگان (به جای فرماندوم مستقیم بر پیش نویس) لحظه تعیین کننده بود - اما ممکن بود این تصمیم خودش محصول تأثیرپذیری از حلقه درونی باشد.

۲،۲،۴ ونسا مارتین

مارتین در *Creating an Islamic State* (۲۰۰۰) تحلیلی متنی (*textual analysis*) ارائه می‌دهد:

یافته‌های مارتین

۱. مقایسه دقیق «کشف الاسرار» (۱۳۲۲) و «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) نشان دهنده تحول واقعی است - نه صرفاً تفاوت مخاطب.
۲. اصطلاحات فقهی خمینی در دو متن ساختاراً متفاوت است: در ۱۳۲۲ از «نظارت» (اشراف) و در ۱۳۴۸ از «ولایت» (ولایة) استفاده شده.

⁵ Arjomand (1988), pp. 150-168.

۳. این تغییر اصطلاحی بازتاب تغییر مبنای فقهی است: از فقه مشروطه‌محور نائینی به فقه حکومتی مستقل.^۶

۴. مصاحبه‌های پاریس از نظر اصطلاحی بیشتر به «کشف‌الاسرار» نزدیکند تا «حکومت اسلامی» - که ممکن است نشانه عقب‌نشینی موقت فکری باشد.

^۶Martin (2000), pp. 94-120.

۳،۲،۴ محسن کدیور

کدیور از زاویه فقه تطبیقی تر سوم را تقویت می‌کند:

- ▶ ولایت فقیه در تاریخ فقه شیعه اجماعی نبوده و مراجع بزرگ (بروجردی، خویی، شریعتمداری) آن را نپذیرفتند.^۶
- ▶ بنابراین، حتی خود خمینی ممکن بود در مشروعیت فقهی نظریه‌اش تردید داشته باشد - حداقل تا زمانی که قدرت عملی نظریه را «اثبات» کرد.
- ▶ «ولایت مطلقه» (۱۳۶۶) خود اعترافی ضمنی است: اگر خمینی از ابتدا ولایت مطلقه می‌خواست، چرا قانون اساسی ۱۳۵۸ آن را نداشت؟ چرا بازنگری ۱۳۶۸ لازم شد؟^۷

۳،۴ نقد تر سوم

۱،۳،۴ نقد از منظر تر دوم (خدعه)

- × «تکامل» یا «پنهان‌کاری»؟ آبراهامیان استدلال می‌کند که آنچه تر سوم «تکامل فکری» می‌نامد، ممکن است صرفاً پنهان‌سازی تاکتیکی باشد. خمینی در ۱۳۴۸ نظریه‌اش را نزد شاگردان حوزوی گفت (که مخاطبان محدودی بودند) و در ۱۳۵۷ آن را نزد رسانه‌های جهانی پنهان کرد.^۸
- × عدم شاهد بر «تردید»: هیچ سند مستقیمی وجود ندارد که نشان دهد خمینی در پاریس واقعاً درباره ولایت فقیه تردید کرد. ادعای «تردید» یک حدس است، نه یک یافته.
- × مسئله «اختیار اوکام»: (Occam's Razor) اگر خمینی هم نظریه داشت (۱۳۴۸) و هم آن را اجرا کرد (۱۳۵۸ به بعد)، ساده‌ترین توضیح آن است که از ابتدا قصد اجرا داشت - نه اینکه تکامل پیچیده‌ای طی کرد.

^۶محسن کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، فصل ۶.

^۷قانون اساسی ۱۳۵۸ ولایت فقیه را داشت اما «مطلقه» نبود. اصلاحیه ۱۳۶۸ واژه «مطلقه» را اضافه کرد.

^۸Abrahamian (1993), pp. 23-25.

۲،۳،۴ نقد از منظر تز اول (صداقت)

× تز سوم هنوز مسئله «اجبار بحران‌ها» را جدی نمی‌گیرد. حتی اگر تکامل فکری وجود داشت، سرعت تمرکز قدرت بیشتر با فشار بحران‌ها توضیح‌پذیر است تا با تحول فکری.

۳،۳،۴ نقد درونی

× تز سوم بیشتر یک چارچوب تبیینی است تا یک «تز» مستقل. می‌تواند با هر یک از تزه‌های دیگر ترکیب شود: «صادق بود + تکامل یافت» یا «فریب داد + تکامل هم یافت». به همین دلیل برخی پژوهشگران آن را نه یک تز رقیب بلکه یک مکمل تلقی می‌کنند.

۴،۴ جدول تطبیقی: مراحل تکامل و مواضع

مرحله	سال	متن کلیدی	موضوع درباره حکومت	دامنه اختیارات فقیه
۱	۱۳۲۲	کشف الاسرار	نظارت بر قوانین، حفظ مشروطه	محدود به تطبیق شرعی
۲	۱۳۴۱-۴۳	سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها	ضدسلطنت، بدون نظریه جایگزین	نامشخص
۳	۱۳۴۸	حکومت اسلامی	حکومت مستقیم فقیه	ولایت فقیه (نظری و انتزاعی)
۴	۱۳۵۷	مصاحبه‌های پاریس	«مقامی نخواهم داشت»	ابهام‌آمیز
۵	۱۳۶۶	نامه به خامنه‌ای	ولایت مطلقه بالاتر از احکام اولیه	نامحدود

جدول ۲،۴: مراحل تکامل اندیشه سیاسی خمینی - جدول تطبیقی

۵،۴ جمع‌بندی فصل چهارم

خلاصه فصل ۴

- تز تکامل تدریجی بر پایه تحلیل متنی آثار خمینی در مقاطع مختلف استوار است.
- پنج مرحله تکامل قابل شناسایی: نظارت (۱۳۲۲) ^ت مخالفت سیاسی (۱۳۴۱) ^ت ولایت نظری (۱۳۴۸) ^ت ابهام (۱۳۵۷) ^ت ولایت مطلقه (۱۳۶۶).

- مدافعان اصلی: ارجمند، مارتین، کدیور.
- نقطه قوت: توضیح تغییرات مستمر در مواضع خمینی بدون نیاز به فرض «فریب» یا «اجبار».
- نقطه ضعف: ابهام ذاتی (هر تفسیری ممکن است)، فقدان شاهد مستقیم بر «تردید» خمینی، قابلیت ترکیب با تزه‌های دیگر (استقلال ضعیف).

فصل ۵

تز چهارم: فشار نخبگان و دینامیک‌های گروهی

چکیده فصل

بر اساس این تز، تمرکز صرف بر شخص خمینی - چه به‌عنوان فریبکار و چه به‌عنوان قربانی شرایط - ناکافی است. کلید فهم تمرکز قدرت، حلقه نخبگان انقلابی است: شبکه‌ای از روحانیون سیاسی، تکنوکرات‌های مذهبی، و فعالان انقلابی که منافع مشترک در تمرکز قدرت داشتند و خمینی را - آگاهانه یا ناآگاهانه - در مسیر رهبری تمام‌عیار سوق دادند. خمینی نه فریبکار بود و نه قربانی؛ بلکه بازیگر اصلی در یک بازی گروهی بود.

۱،۵ بنیان‌های نظری تز چهارم

۱،۱،۵ نظریه رقابت نخبگان

تز چهارم از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی سیاسی بهره می‌گیرد، به‌ویژه:

- گائتانو موسکا (Gaetano Mosca) و ویلفردو پارتو (Vilfredo Pareto): هر نظام سیاسی توسط «طبقه حاکم» (نخبگان) اداره می‌شود. انقلاب‌ها نه حذف نخبگان بلکه جایگزینی یک طبقه نخبه با طبقه‌ای دیگر هستند.^۱
- رابرت میشلز (Robert Michels): «قانون آهنین الیگارشی» - هر سازمان، هرچقدر هم دموکراتیک شروع کند، به سمت تمرکز قدرت در دست عده کمی حرکت می‌کند.^۲
- تدا اسکاچپول (Theda Skocpol): انقلاب‌ها محصول فروپاشی ساختار دولت هستند، نه لزوماً

¹Vilfredo Pareto, *The Rise and Fall of the Elites* (1901); Gaetano Mosca, *The Ruling Class* (1939).

²Robert Michels, *Political Parties: A Sociological Study of the Oligarchical Tendencies of Modern Democracy* (1911).

طراحی یک فرد. خلأ قدرت فضا را برای رقابت نخبگان باز می‌کند.^۳

۲،۱،۵ مفهوم «حلقۀ درونی» (Inner Circle)

حلقۀ درونی خمینی - بازیگران کلیدی			
شخص	نقش	منفعت در تمرکز قدرت	سرنوشت
محمد بهشتی	معمار قانون اساسی، رئیس دیوان عالی	تثبیت ولایت فقیه = تضمین قدرت روحانیت	ترور ۷ تیر ۱۳۶۰
اکبر هاشمی رفسنجانی	رئیس مجلس، فرمانده جنگ	تمرکز قدرت = حذف رقبای غیرروحانی	رئیس‌جمهور ۱۳۶۸-۱۳۷۶
علی خامنه‌ای	رئیس‌جمهور ۱۳۶۸-۱۳۶۰	ولایت فقیه = چارچوب نهادی برای جانشینی	ولی فقیه از ۱۳۶۸
محمدجواد باهنر	نخست‌وزیر (کوتاه‌مدت)	حکومت اسلامی = تحقق آرمان‌ها	ترور ۸ شهریور ۱۳۶۰
احمد خمینی	واسطۀ پدر با جهان بیرون	تداوم «خانوادۀ خمینی» در مرکز قدرت	مرگ مشکوک ۱۳۷۳
صادق خلخالی	حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب	قدرت قضایی بدون نظارت	بازنشستگی اجباری
محمدعلی رجایی	نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور	نمایندهٔ جناح تندرو غیرروحانی	ترور ۸ شهریور ۱۳۶۰

۲،۵ مکانیسم‌های فشار نخبگان

مدافعان تر چهارم چند مکانیسم مشخص شناسایی می‌کنند که از طریق آن‌ها نخبگان انقلابی خمینی را به سمت تمرکز قدرت سوق دادند:

³Theda Skocpol, States and Social Revolutions (1979).

۱،۲،۵ مکانیسم ۱: مهندسی مجلس خبرگان قانون اساسی

نقش بهشتی در مهندسی مجلس خبرگان

آیت‌الله محمد بهشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، نقش محوری در سه فرایند داشت:

۱. اقناع خمینی برای تشکیل مجلس خبرگان به جای فرماندوم مستقیم بر پیش‌نویس.
۲. سازمان‌دهی فهرست نامزدهای حزب جمهوری اسلامی برای انتخابات مجلس خبرگان - که به پیروزی قاطع روحانیون تندرو منجر شد.^a
۳. مدیریت مذاکرات مجلس خبرگان به‌عنوان نایب‌رئیس - و هدایت بحث‌ها به سمت ولایت فقیه.

^a از ۷۳ عضو مجلس خبرگان، حدود ۵۵ نفر روحانی بودند و اکثر آن‌ها وابسته به حزب جمهوری اسلامی. نگاه کنید به: Schirazi (1997), pp. 30-38.

مدافعان تز چهارم تأکید می‌کنند که بهشتی - نه خمینی - «معمار اصلی» ولایت فقیه در قانون اساسی بود. خمینی نقش «تأییدکننده» داشت، نه «طراح».^۴

۲،۲،۵ مکانیسم ۲: ایجاد بحران و بهره‌برداری از آن

برخی مدافعان تز چهارم (با نزدیکی به تز دوم) استدلال می‌کنند که حلقه درونی نه تنها از بحران‌ها بهره‌برداری کرد بلکه گاهی آن‌ها را دامن زد:

- ▶ **گروگان‌گیری سفارت (آبان ۱۳۵۸):** شواهدی وجود دارد که «دانشجویان خط امام» با بخشی از حلقه درونی هماهنگ بودند. موسوی خوئینی‌ها (روحانی ناظر بر دانشجویان) عضو حزب جمهوری اسلامی بود. گروگان‌گیری به‌موقع اتفاق افتاد: درست زمانی که بازرگان در حال مذاکره با برژینسکی (مشاور امنیت ملی آمریکا) بود - و نتیجه‌اش استعفای بازرگان و حذف لیبرال‌ها شد.^۵
- ▶ **تشدید تنش با کردستان:** حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در مناطق کردنشین سیاست تهاجمی‌تری از آنچه دولت موقت می‌خواست پیش گرفتند - و این تنش به بهانه‌ای برای تقویت نهادهای انقلابی (سپاه) در برابر نهادهای رسمی (ارتش و دولت) تبدیل شد.^۶
- ▶ **تسریع در محاکمات انقلابی:** خلخالی بدون مبنای قانونی و با اذن شفاهی خمینی، ده‌ها نفر را اعدام کرد - از ژنرال‌های ارتش شاهنشاهی تا مخالفان سیاسی. این اقدامات، حلقه درونی را از

^۴ رفسنجانی در خاطراتش نقل می‌کند: «آقای بهشتی بار اصلی کار [قانون اساسی] را بر دوش داشت. امام تأیید می‌فرمودند.» هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، ص ۱۸۵.

^۵ Mark Bowden, *Guests of the Ayatollah* (2006), pp. 15-44. همچنین: David Crist, *The Twilight War* (2012), pp. 23-

^۶ 38. بازرگان در خاطراتش نوشت: «گروگان‌گیری کودتایی بود علیه دولت موقت.»

^۶Bakhash (1984), pp. 108-122.

هرگونه مصالحه با نظام قدیم «بازگشت ناپذیری» کرد - یعنی پل های پشت سر را سوزاند.^۷

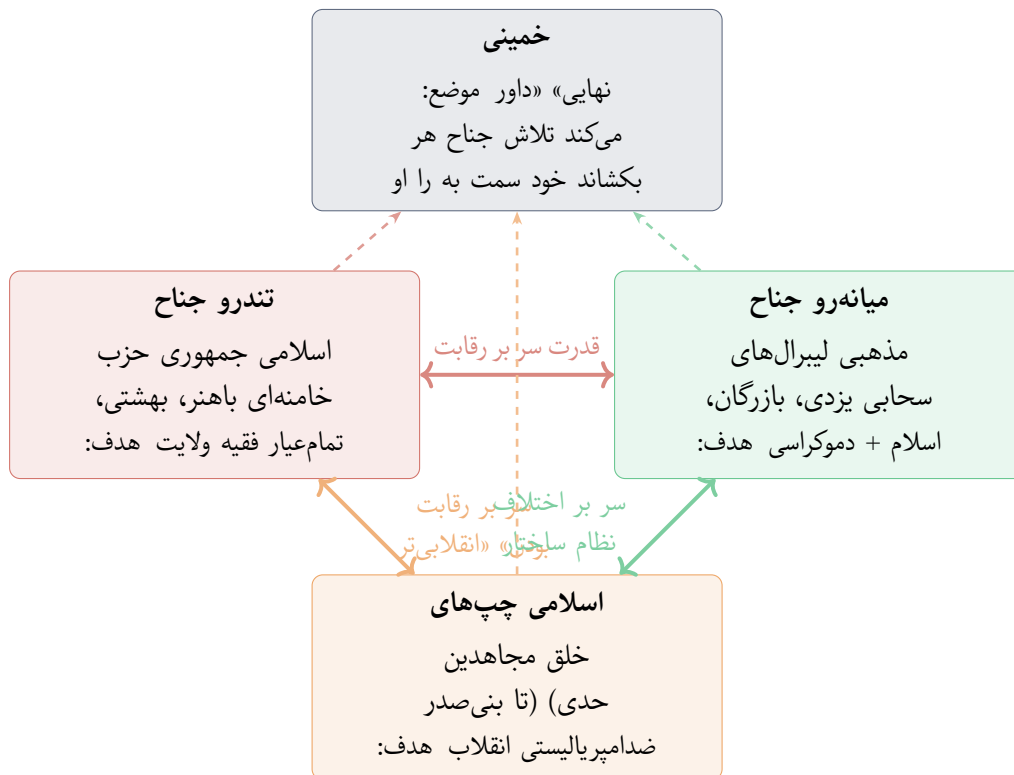
مفهوم «بازگشت ناپذیری» (Point of No Return)

مدافعان تز چهارم از مفهوم بازگشت ناپذیری استفاده می کنند: حلقه درونی با اقداماتی چون اعدام های سریع، مصادره اموال، و تصفیه ارتش، شرایطی ایجاد کرد که بازگشت به هر نوع «مصالحه» یا «اعتدال» ناممکن شد. خمینی نیز در این شرایط چاره ای جز ادامه مسیر رادیکال نداشت - حتی اگر می خواست. این مشابه آن چیزی است که در نظریه بازی ها *commitment device* نامیده می شود: اقدامی که بازیگر را به مسیر خاصی متعهد می کند و بازگشت را غیرممکن می سازد.^a

^aThomas Schelling, *The Strategy of Conflict* (1960), pp. 22-28.

۳،۲،۵ مکانیسم ۳: رقابت درون جناحی و «مسابقه رادیکالیسم»

یکی از مهم ترین دینامیک هایی که تز چهارم شناسایی می کند، مسابقه رادیکالیسم (*radicalization race*) میان جناح های مختلف انقلابی است:



شکل ۱،۵: دینامیک رقابت نخبگان و جایگاه خمینی به عنوان «دور» (تز چهارم)

^۷خلخالی خود در خاطراتش نوشت: «امام فرمودند: بزیند، نترسید.» صادق خلخالی، *خاطرات*، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۰، ص ۹۵-

مدافعان تز چهارم استدلال می‌کنند که در این رقابت:

۱. هر جناح تلاش می‌کرد خود را «وفادارتر به امام» نشان دهد.
۲. این «مسابقه وفاداری» خمینی را به تدریج به موضعی رادیکال‌تر کشاند - چون هر موضع معتدل، بهانه‌ای به جناح تندرو می‌داد تا رقیب میانه‌رو را «ضدامام» بخواند.
۳. خمینی - به عنوان داور - همواره به سود جناح تندروتر داوری کرد: در تعارض بازرگان/حزب جمهوری اسلامی، در تعارض بنی‌صدر/رجایی، و در تعارض منتظری/خط رسمی.
۴. دلیل این الگو ممکن بود نه «فریبکاری ذاتی» خمینی بلکه منطق ساختاری باشد: داور برای حفظ مشروعیت خود نزد پایگاه اجتماعی‌اش (توده‌های مذهبی) باید «انقلابی‌ترین» باشد.^۸

۴،۲،۵ مکانیسم ۴: نهادسازی موازی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای حلقه درونی، ایجاد نهادهای موازی بود که قدرت نهادهای رسمی (دولت موقت، ارتش) را خنثی می‌کرد:

نتیجه	تاریخ تأسیس	نهاد موازی انقلابی	نهاد رسمی
دولت موقت بازرگان	بهمن ۱۳۵۷	شورای انقلاب (مخفی)	دولت موقت بازرگان
ارتش	اردیبهشت ۱۳۵۸	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	سپاه تدریجاً ارتش را حاشیه‌ای کرد
پلیس و ژاندارمری	بهمن ۱۳۵۷	کمیته‌های انقلاب	کمیته‌ها کنترل خیابان‌ها را داشتند
دادگستری	بهمن ۱۳۵۷	دادگاه‌های انقلاب	دادگاه‌های انقلاب بدون استیناف حکم می‌دادند
وزارت اطلاعات (هنوز تأسیس نشده)	۱۳۵۸-۱۳۵۹	ساواما / دفتر اطلاعات سپاه	شبکه اطلاعاتی موازی
رادیو-تلویزیون ملی	بهمن ۱۳۵۷	صداوسیمای جمهوری اسلامی (تحت ولی فقیه)	رسانه ملی ابزار ایدئولوژیک شد

جدول ۲،۵: نهادهای رسمی در برابر نهادهای موازی انقلابی

^۸ محسن میلانی این الگو را به تفصیل تحلیل کرده: Milani (1994), pp. 140-175.

تحلیل ساختاری

مدافعان تز چهارم تأکید می‌کنند که ایجاد این نهادهای موازی، بیشتر از آنکه محصول اراده مستقیم خمینی باشد، محصول ابتکار عمل حلقه درونی بود. سپاه پاسداران را مصطفی چمران، محسن رضایی، و محسن رفیق دوست سازمان دادند. کمیته‌ها را شبکه روحانیون محلی ایجاد کردند. دادگاه‌های انقلاب را خلخالی راه انداخت. خمینی تأیید کرد - اما طراح نبود.^a

^aBakhash (1984), pp. 60-85, همچنین حسین بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ص ۹۵-۱۲۰.

۳،۵ مدافعان اصلی تز چهارم

۱،۳،۵ محسن میلانی - تحلیل ساختاری-عاملیتی

میلانی در *The Making of Iran's Islamic Revolution* (۱۹۸۸؛ ویراست دوم ۱۹۹۴) چارچوبی ارائه می‌دهد که عاملیت فردی خمینی را در بستر ساختارهای اجتماعی و نهادی تحلیل می‌کند:

چارچوب تحلیلی میلانی

۱. ساختار فرصت: فروپاشی نظام شاهنشاهی «خلأ قدرت» ایجاد کرد. این خلأ نه محصول خمینی بود و نه فقط به سود او - بلکه فرصتی برای تمام بازیگران بود.
۲. رقابت نخبگان: پس از فروپاشی، چند گروه نخبه (روحانیون، لیبرال‌ها، چپ‌ها، نظامیان) رقابت کردند. پیروزی روحانیون تضمین شده نبود.
۳. منابع سازمانی: روحانیون به دو منبع سازمانی دسترسی داشتند که دیگران نداشتند: (الف) شبکه مسجد-حوزه-بازار و (ب) کاریزمای خمینی.
۴. استراتژی‌های حذف: حلقه درونی با بهره‌گیری از این منابع، رقبا را یکی یکی حذف کرد - اما خمینی خودش لزوماً «طراح» هر حذف نبود. بیشتر «تأییدکننده نهایی» بود.^a

^aMilani (1994), pp. 141-180.

۲،۳،۵ حسین بشیریه - منطق ساختاری تمرکز

بشیریه، همان‌طور که در فصل ۲ اشاره شد، چارچوبی ساختاری دارد. اما او بیشتر بر دینامیک‌های گروهی تمرکز دارد تا بر شخص خمینی:

خوانش بشیریه از نقش نخبگان

- تمرکز قدرت نه محصول اراده خمینی بلکه محصول منطق ساختاری بود: انقلاب‌ها ذاتاً به‌سوی رادیکالیسم حرکت می‌کنند.

- حلقهٔ درونی (حزب جمهوری اسلامی) نقش کاتالیزور داشت: فرایند طبیعی تمرکز را تسریع کرد.
- خمینی نقش نقطهٔ ثقل (*focal point*) داشت: تمام جناح‌ها به او ارجاع می‌دادند و این ارجاع مشترک، قدرت او را بازتولید می‌کرد - حتی بدون آنکه خودش فعالانه آن را بخواهد.^a
- بنابراین سؤال «آیا خمینی صادق بود یا فریبکار؟» سؤال غلط است. سؤال درست: «چه ساختارهایی تمرکز قدرت را اجتناب‌ناپذیر کردند؟»^b

^a بشیریه از مفهوم *focal point* توماس شلینگ (*Thomas Schelling*) الهام گرفته: نقطه‌ای که بازیگران بدون هماهنگی قبلی به آن همگرا می‌شوند.
^b حسین بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ص ۴۸-۵۲.

۳،۳،۵ شائول باخاش - روایت گام‌به‌گام

باخاش در *The Reign of the Ayatollahs* (۱۹۸۴) بدون آنکه چارچوب نظری صریحی ارائه دهد، روایتی گام‌به‌گام از تمرکز قدرت می‌سازد که به‌طور ضمنی با تز چهارم هماهنگ است:

- ▶ باخاش نشان می‌دهد که در هر «گام»، خمینی نه به‌عنوان «طراح» بلکه به‌عنوان «داور نهایی» عمل کرد.
- ▶ بازیگران مختلف (بازرگان، بنی‌صدر، بهشتی، مجاهدین) هریک تلاش کردند خمینی را به سود خود «مصادره» کنند.
- ▶ خمینی همواره به سود جناحی داوری کرد که بیشتر از او دفاع می‌کرد - یعنی جناح تندرو روحانی.
- ▶ این الگو ممکن بود ناشی از «فریبکاری» باشد (تز دوم) یا از «وفاداری به پایگاه اجتماعی» (تز چهارم) - باخاش صراحتاً انتخاب نمی‌کند.^۹

۴،۵ مطالعهٔ موردی: نقش بهشتی

آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰) از مهم‌ترین بازیگرانی است که تز چهارم بر نقش او تأکید دارد. بهشتی:

۱. از ۱۳۴۰ با خمینی ارتباط داشت و از سازمان‌دهندگان شبکهٔ مبارزه بود.
۲. پس از انقلاب، حزب جمهوری اسلامی را بنیان گذاشت - قدرتمندترین تشکیلات سیاسی ایران.
۳. نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی شد و ولایت فقیه را «نهادینه» کرد.

^۹Bakhash (1984), pp. 50-110.

۴. رئیس دیوان عالی کشور شد و قوه قضایه را به ابزار حذف مخالفان تبدیل کرد.

۵. تا زمان ترورش در ۷ تیر ۱۳۶۰ (توسط مجاهدین خلق)، عملاً دومین فرد قدرتمند ایران بود.^{۱۰}

پرسش کلیدی درباره بهشتی

آیا بهشتی «مجری خواسته خمینی» بود (مطابق تز دوم)، یا «موتور مستقل تمرکز قدرت» بود که خمینی را نیز در مسیر خود کشاند (مطابق تز چهارم)؟
شواهد از هر دو طرف وجود دارد:

- **له تز دوم:** بهشتی همواره تأکید می‌کرد «ما مجری نظر امام هستیم».
- **له تز چهارم:** بهشتی اغلب تصمیمات را اتخاذ می‌کرد و سپس تأیید خمینی را می‌گرفت - نه برعکس. رفسنجانی نقل می‌کند: «بهشتی کار را می‌کرد و بعد امام می‌فرمودند: خوب کردید.»^a

^a هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، ص ۲۱۰.

۵،۵ نقد تز چهارم

۱،۵،۵ نقد از منظر تز دوم (خدعه)

- × کم‌اهمیت جلوه‌دادن نقش خمینی: آبراهامیان و گنجی استدلال می‌کنند که تز چهارم عاملیت خمینی را ناموجه کم می‌کند. خمینی «بازیکن منفعل» نبود - شواهد نشان می‌دهد او در تصمیمات کلیدی (عزل بنی‌صدر، تأیید گروگان‌گیری، فرمان حمله به کردستان) مستقیماً مداخله کرد.
- × مسئله «وتوی نهایی»: حتی اگر بهشتی «طراح» بود، خمینی قدرت وتو داشت. اینکه هیچ‌گاه وتو نکرد، خود نشانه موافقت فعال است.^{۱۱}
- × شخصیت‌زدایی افراطی: تز چهارم در نهایی‌ترین شکل خود (نسخه بشیریه) می‌گوید «ساختار» تعیین‌کننده است نه «فرد». اما تاریخ معاصر نشان می‌دهد رهبران کاریزماتیک تفاوت ایجاد می‌کنند - انقلاب ایران بدون خمینی شکل متفاوتی می‌گرفت.

۲،۵،۵ نقد از منظر تز اول (صداقت)

- × مدافعان تز اول می‌پذیرند که نخبگان نقش داشتند - اما تأکید دارند که خمینی با اکراه پذیرفت نه با رضایت. شواهد: اظهارات مکرر خمینی درباره «خسته‌ام» و «می‌خواهم به قم بروم».^{۱۲}

^{۱۰} Moin (1999), pp. 220-225. همچنین Bakhsh (1984), pp. 73-90.

^{۱۱} Abrahamian (1993), pp. 33-35.

^{۱۲} صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۲۰: «من خسته‌ام... دلم می‌خواهد بروم قم و درس بخوانم.» مدافعان تز اول این را شاهد صداقت، و منتقدان آن را «ژست سیاسی» می‌دانند.

۳،۵،۵ نقد از منظر تز سوم (تکامل)

× تز چهارم بُعد فکری را نادیده می‌گیرد. تمرکز قدرت فقط محصول رقابت نخبگان نبود - بلکه یک مبنای ایدئولوژیک (ولایت فقیه) هم داشت. بدون این مبنا، حتی اگر نخبگان می‌خواستند، نمی‌توانستند قدرت را در دست یک فقیه متمرکز کنند.

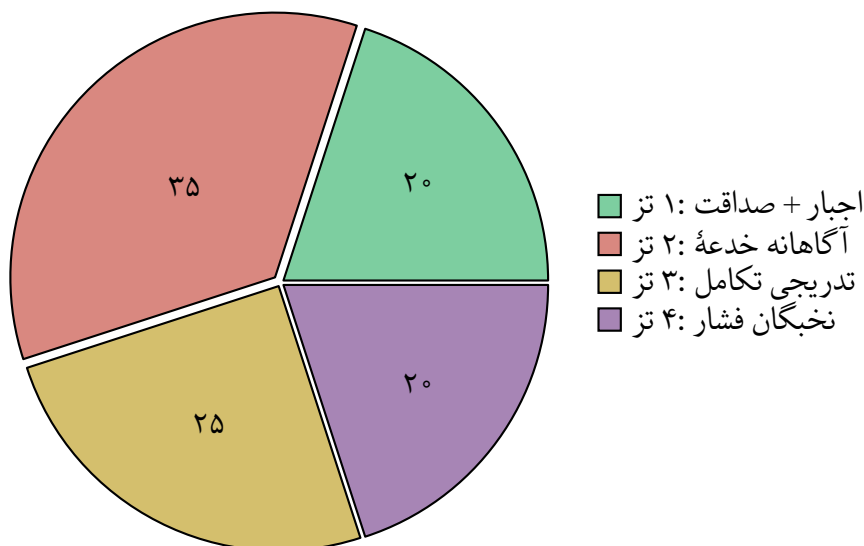
۴،۵،۵ نقد درونی

× تز چهارم مشکل «مرغ و تخم‌مرغ» دارد: آیا نخبگان خمینی را قدرتمند کردند، یا خمینی نخبگان را قدرتمند کرد؟ بهشتی بدون تأیید خمینی «هیچ‌کس» بود - اما خمینی هم بدون شبکه بهشتی نمی‌توانست قدرت را تثبیت کند. این رابطه دوسویه است و تز چهارم گاهی فقط یک سوی آن را می‌بیند.

× مانند تز سوم، تز چهارم نیز بیشتر یک مکمل است تا یک تز مستقل: می‌تواند با هر یک از تزهای دیگر ترکیب شود.

۶،۵ نمودار ترکیبی: وزن نسبی تزها

در پایان بخش اول، ارزیابی اولیه‌ای از وزن نسبی شواهد برای هر تز ارائه می‌شود. این ارزیابی موقت است و در فصل ۱۵ پس از بررسی سیر حوادث، بازنگری خواهد شد.



شکل ۲،۵: ارزیابی اولیه‌ی وزن نسبی شواهد برای هر تز (قبل از بررسی سیر حوادث)

تذکر مهم

نمودار فوق بازتاب وزن نسبی شواهد موجود در ادبیات پژوهشی است - نه «حقیقت قطعی». تز دوم (خدعه) بالاترین وزن اولیه را دارد چون قوی‌ترین شاهد مستقیم (کتاب حکومت اسلامی ۱۳۴۸) را در اختیار دارد. اما این ارزیابی ممکن است پس از بررسی تفصیلی سیر حوادث در بخش دوم تغییر کند. احتمال دارد حقیقت ترکیبی از چند تز باشد.

۷،۵ جمع‌بندی فصل پنجم و بخش اول

خلاصۀ فصل ۵ و بخش اول

- تز فشار نخبگان بر پایهٔ جامعه‌شناسی سیاسی (رقابت نخبگان، قانون آهنین الیگارش) استوار است.
- بازیگران کلیدی: بهشتی، رفسنجانی، خامنه‌ای، احمد خمینی.
- مکانیسم‌ها: مهندسی مجلس خبرگان، ایجاد بحران، مسابقۀ رادیکالیسم، نهادسازی موازی.
- نقطهٔ قوت: تبیین ساختاری و اجتناب از تقلیل‌گرایی به یک فرد.
- نقطهٔ ضعف: کم‌اهمیت‌نمایی نقش خمینی، مشکل مرغ‌وتخم‌مرغ، نادیده‌گرفتن بُعد فکری.
- جمع‌بندی بخش اول: چهار تز ارائه شد. هیچ‌کدام به‌تنهایی «کامل» نیست. بخش دوم (فصل‌های ۶-۱۲) با بازسازی تفصیلی سیر حوادث، بستر لازم برای ارزیابی نهایی فراهم خواهد کرد.

- پایان بخش اول (تزها، دیدگاه‌ها، مستندات) -

ادامۀ کتاب در بخش ۲ (Segment 2): فصل‌های ۶ تا ۹

سیر حوادث: وعده‌های پاریس، بازگشت و بختیار، مجلس خبرگان، ترورهای فرقان

بخش دوم

سیر حوادث و تحلیل تطبیقی

فصل ۶

پیش‌درآمد انقلاب: وعده‌ها در پاریس

چکیده فصل

این فصل به بازسازی تفصیلی دوره اقامت خمینی در نوفل‌لوشاتو (حومه پاریس)، از مهر ۱۳۵۷ تا بهمن ۱۳۵۷، اختصاص دارد. در این چهار ماه، خمینی از یک «مرجع تبعیدی» به نماد انقلاب جهانی تبدیل شد. مصاحبه‌ها، پیام‌ها، و اظهارات او در این دوره نه تنها انتظارات ایرانیان بلکه انتظارات جهانی از انقلاب ایران را شکل داد. فهم دقیق آنچه خمینی در پاریس گفت - و آنچه نگفت - کلید هر ارزیابی از صداقت یا فریبکاری اوست.

۱،۶ بافت تاریخی: چرا پاریس؟

خمینی از سال ۱۳۴۳ در تبعید بود - ابتدا در ترکیه (حدود یک سال) و سپس در نجف عراق (از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷). در مهر ۱۳۵۷، دولت عراق - تحت فشار شاه ایران - خمینی را اخراج کرد. خمینی پس از ناکامی در ورود به کویت، به پیشنهاد مشاوران (به‌ویژه ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده) به فرانسه رفت.^۱

چرا پاریس نقطه عطف بود؟

۱. دسترسی رسانه‌ای: در نجف، خمینی محدود به نوارهای کاست بود. در پاریس، ده‌ها خبرنگار بین‌المللی هر روز در حیاط خانه‌اش حاضر بودند.
۲. واسطه‌های مدرن: یزدی (دکترای فیزیک)، قطب‌زاده (تحصیل‌کرده آمریکا)، و بنی‌صدر (اقتصاددان) زبان رسانه‌ای غربی را می‌فهمیدند و می‌توانستند پیام خمینی را «ترجمه» کنند.
۳. فضای سیاسی فرانسه: دولت ژیسکاردستن (*Giscard d'Estaing*) مایل نبود با ایران شاه

^۱ Moin (1999), pp. 180-185. یزدی در خاطراتش تأیید می‌کند که ایده فرانسه از او بود: «من پیشنهاد دادم فرانسه بهتر از هر جای دیگری است چون آزادی بیان دارد و رسانه‌های جهانی آنجا حضور دارند.»

درگیر شود و اقامت خمینی را تحمل کرد.

۴. تأثیر نمادین: حضور خمینی در «پایتخت روشنگری» به روایت «رهبر معنوی معتدل» اعتبار می‌داد.^۲

^aKurzman (2004), pp. 67–75.

۲،۶ جغرافیای نوفل لوشاتو: صحنۀ یک انقلاب

نوفل لوشاتو (*Neauphle-le-Château*) دهکده‌ای کوچک در ۳۵ کیلومتری غرب پاریس است. خمینی در خانه‌ای ویلایی متعلق به یکی از ایرانیان مقیم فرانسه اقامت کرد. این مکان ظرف چند هفته به مرکز فرماندهی انقلاب تبدیل شد:

- ▶ هر روز صدها ایرانی مقیم اروپا برای دیدار می‌آمدند.
- ▶ خبرنگاران شبکه‌های *Der Spiegel*، *Le Monde*، *CBS*، *ABC*، *BBC* و ده‌ها رسانه دیگر حضور داشتند.
- ▶ تلفن‌های بین‌المللی خمینی را به شبکه مبارزه در تهران متصل می‌کرد.
- ▶ خمینی زیر درخت سیبی در حیاط خانه می‌نشست و مصاحبه می‌داد - تصویری که نمادین شد: «مرد ساده‌زیست» در برابر «شاه مجلل».^۲

۳،۶ نقش مشاوران: «ترجمۀ» خمینی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره دوره پاریس، نقش مشاوران در شکل‌دهی به پیام خمینی است. سه نفر نقش کلیدی داشتند:

شخص	پیشینه	نقش در پاریس	سرنوشت پساانقلابی
ابراهیم یزدی	دکترای بیوشیمی، عضو نهضت آزادی، مقیم آمریکا	مترجم اصلی خمینی، واسطه او با رسانه‌ها و دولت‌ها، سازمان‌دهنده لجستیک	وزیر خارجه دولت موقت - استعفا آبان ۱۳۵۸
صادق قطب‌زاده	تحصیل‌کرده در آمریکا و فرانسه، فعال رسانه‌ای	رابط رسانه‌ای، مدیر ارتباطات، مشاور بین‌المللی	رئیس صداوسیما - اعدام شهریور ۱۳۶۱
ابوالحسن بنی‌صدر	دکترای اقتصاد، مقیم پاریس از ۱۳۴۲	مشاور اقتصادی و سیاسی، نویسنده بخشی از اعلامیه‌ها	رئیس‌جمهور - عزل خرداد ۱۳۶۰

^۲Moin (1999), pp. 183–186. تصاویر خمینی زیر درخت سیب از مشهورترین تصاویر قرن بیستم هستند.

شخص	پیشینه	نقش در پاریس	سرنوشت پساانقلابی
-----	--------	--------------	-------------------

جدول ۱،۶: سه مشاور کلیدی خمینی در پاریس

پرسش انتقادی: آیا مشاوران پیام خمینی را «تلطیف» کردند؟

شواهد متعددی وجود دارد که یزدی و قطب‌زاده در ترجمه‌های خود از سخنان خمینی، لحن ملایم‌تری استفاده می‌کردند:

۱. **مقایسه متون:** در برخی موارد، متن فارسی مصاحبه‌ها «تندتر» از ترجمه انگلیسی/فرانسوی آنهاست. مثلاً وقتی خمینی به فارسی از «حکومت اسلامی» سخن می‌گوید، یزدی آن را «*Islamic Republic*» ترجمه می‌کند - واژه‌ای که بار معنایی ملایم‌تری دارد.^a
۲. **حذف عبارات تند:** قطب‌زاده در مصاحبه‌ای با *Le Monde* اعتراف کرد که «بعضی حرف‌های آقا را نمی‌شود عیناً ترجمه کرد».^b
۳. **«فیلتر» مشاوران:** خمینی فارسی صحبت می‌کرد و مشاوران ترجمه می‌کردند. بخشی از «اعتدال» ظاهری خمینی ممکن بود محصول این فیلتر باشد، نه بیان واقعی خودش.

ارتباط با ترها:

- **تر دوم:** خمینی از فیلتر مشاوران آگاه بود و آن را تأیید می‌کرد = بخشی از خدعه.
- **تر اول:** مشاوران خودسرانه تلطیف کردند و خمینی دقیقاً نمی‌دانست چه ترجمه می‌شود.
- **تر چهارم:** مشاوران تصویری از خمینی ساختند که واقعی نبود - فشار نخبگان.

^aMoin (1999), pp. 187–188.

^bنقل شده در: Bakhsh (1984), p. 41.

۴،۶ تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها: شش محور اصلی

مصاحبه‌های خمینی در پاریس حول شش محور اصلی می‌چرخید. در زیر هر محور با نقل قول اصلی و تفسیرهای رقیب آمده است:

۱،۴،۶ محور ۱: نقش شخصی خمینی در حکومت آینده

اظهارات کلیدی

- ▶ «من در حکومت هیچ سمتی نخواهم داشت.» (Le Monde، مهر ۱۳۵۷)^a
- ▶ «من به قم باز می‌گردم و به درس و تحقیق ادامه می‌دهم.» (BBC، آبان ۱۳۵۷)^b
- ▶ «نقش من مثل نقش گاندی خواهد بود - راهنمایی معنوی.» (Oriana Fallaci، آذر ۱۳۵۷)^c
- ▶ «من نه رئیس‌جمهور می‌شوم و نه نخست‌وزیر.» (CBS، آبان ۱۳۵۷)^d

^a صحیفۀ امام، ج ۴، ص ۲۸۰.
^b صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۱۱۲.
^c صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۳۸۸.
^d صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۵۰.

تفسیرهای رقیب

تز ۱ (صداقت):

خمینی واقعاً قصد بازگشت به قم و نقش ارشادی داشت.

تز ۲ (خدعه):

خمینی عمداً خود را «گاندی» معرفی کرد تا غربی‌ها و لیبرال‌ها خیالشان راحت شود. «ولی فقیه» نه رئیس‌جمهور است و نه نخست‌وزیر - پس از نظر فقهی «دروغ» نگفت.

تز ۳ (تکامل):

خمینی هنوز تصویر روشنی از ساختار حکومت آینده نداشت و صادقانه نمی‌دانست نقشش چه خواهد بود.

تز ۴ (فشار نخبگان):

مشاوران (یزدی و قطب‌زاده) این تصویر «معتدل» را ساختند و خمینی پذیرفت.

۲،۴،۶ محور ۲: آزادی احزاب و مطبوعات

اظهارات کلیدی

- ▶ «آزادی مطبوعات و احزاب در حکومت اسلامی تضمین خواهد شد.» (Le Figaro، آذر ۱۳۵۷)^a
- ▶ «حتی کمونیست‌ها آزاد خواهند بود... اسلام آزادی همه را تضمین می‌کند.» (Reuters، آبان ۱۳۵۷)^b

► «زنان در حکومت اسلامی آزادند و حق رأی دارند.» (Guardian، مهر ۱۳۵۷)^c

^a صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۹۸.

^b صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۶۵.

^c صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۰۲.

تفسیرهای رقیب

تر ۱: خمینی قصد آزادی داشت اما پس از رویارویی با «توطئه‌ها» مجبور به محدودسازی شد.

تر ۲: عبارت «آزادی اسلامی» از ابتدا حاوی قید بود - خمینی هرگز «آزادی غربی» قول نداد. فقط مخاطبان غربی این قید را نشنیدند.

تر ۳: خمینی هنوز دقیقاً نمی‌دانست «آزادی اسلامی» یعنی چه - تعریف عملی آن بعداً شکل گرفت.

تر ۴: مشاوران لیبرال (یزدی، بنی‌صدر) آزادی خواهی خمینی را «اگزجره» (exaggerate) کردند.

۳،۴،۶ محور ۳: حکومت روحانیون

اظهارات کلیدی

► «روحانیون حکومت نخواهند کرد... آن‌ها فقط نظارت شرعی خواهند داشت.» (Der Spiegel، آذر ۱۳۵۷)^a

► «حکومت دست متخصصان خواهد بود.» (BBC، دی ۱۳۵۷)^b

^a صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۱۵.

^b صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۲۲.

نکته کلیدی

عبارت «نظارت شرعی» مبهم بود و می‌توانست هر چیزی معنی دهد - از «شورای نگهبان» محدود (مشابه قانون اساسی مشروطه) تا «ولایت فقیه» تام‌الاختیار. خمینی این ابهام را رفع نکرد - و این رفع نکردن خودش محل تفسیر است.

۴،۴،۶ محور ۴: نوع حکومت (جمهوری؟ دموکراسی؟)

اظهارات کلیدی

► «جمهوری اسلامی، مثل جمهوری‌های دیگر جهان... مردم رأی می‌دهند.» (Washington Post، دی ۱۳۵۷)^a

► «نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر: جمهوری اسلامی.» (فرانودوم فروردین ۱۳۵۸)^b

^a صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۴۳۵.

^b صحیفۀ امام، ج ۶، ص ۲۲۴.

تحلیل: «جمهوری اسلامی» - اسم مبهم

مدافعان تزه‌های مختلف بر سر تعبیر «جمهوری اسلامی» اختلاف دارند:

- خوانش لیبرالی (بازرگان، یزدی): جمهوری = دموکراسی + اسلام = ارزش‌های اخلاقی. مثل دموکراسی مسیحی اروپا.
- خوانش فقهی (خمینی؟ بهشتی؟): اسلامی = احکام فقهی = ولایت فقیه. جمهوری = فقط شکل، نه محتوا.
- خوانش پوپولیستی (آبراهامیان): نام مبهم عمداً انتخاب شد تا همه چیز برای همه کس باشد.

فرانودوم فروردین ۱۳۵۸ از مردم پرسید: «جمهوری اسلامی، آری یا نه؟» بدون هیچ تعریفی از محتوای این عبارت. منتقدان (از جمله شریعتمداری و سنجابی) اعتراض کردند که باید ابتدا قانون اساسی نوشته شود و سپس فرانودوم برگزار شود - اما خمینی اصرار بر ترتیب معکوس داشت.^a

^a آیت‌الله شریعتمداری خواستار افزودن گزینه «جمهوری دموکراتیک اسلامی» شد - خمینی رد کرد. Schirazi (1997), p. 26.

۵،۴،۶ محور ۵: اقلیت‌ها و غیرمسلمانان

اظهارات کلیدی

► «حقوق اقلیت‌های مذهبی محفوظ خواهد بود.» (Le Monde، آبان ۱۳۵۷)^a

► «یهودیان ایران هموطن ما هستند... ما فقط با صهیونیسم مخالفیم.» (مصاحبه عمومی، آذر ۱۳۵۷)^b

^a صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۱۳۰.

^b صحیفۀ امام، ج ۵، ص ۳۴۵.

واقعیت پسوانقلابی

پس از انقلاب، حبیب القانین (رهبر جامعه یهودیان ایران) اعدام شد (اردیبهشت ۱۳۵۸). بهائیان تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند. قانون اساسی اقلیت‌های «رسمی» (مسیحی، یهودی، زرتشتی) را به رسمیت شناخت اما بهائیان و سنی‌ها در عمل حقوق محدودتری داشتند.^a

Eliz Sanasarian, Religious Minorities in Iran, Cambridge University Press, 2000, pp. 50-95.
 همچنین: *Abrahamian (1999), pp. 126-130.*

۶،۴،۶ محور ۶: رابطه با آمریکا و غرب

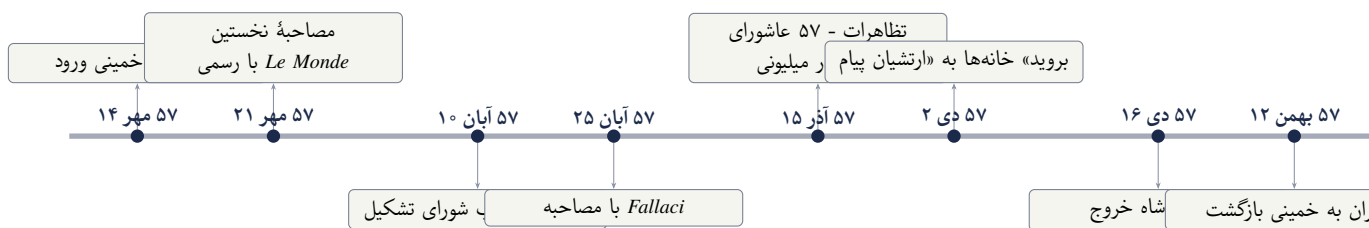
اظهارات کلیدی

▶ «ما با آمریکا دشمن نیستیم... ما فقط دخالت آمریکا در امور داخلی ایران را نمی‌پذیریم.»
 (ABC News، آبان ۱۳۵۷)^a

▶ «نفت ایران به غرب خواهد رسید... ما روابط اقتصادی عادی خواهیم داشت.» (Financial Times، آذر ۱۳۵۷)^b

^a صحیفه امام، ج ۵، ص ۷۵.
^b صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲۰.

۵،۶ خط زمانی تفصیلی دوره پاریس



شکل ۱،۶: خط زمانی تفصیلی دوره پاریس (مهر تا بهمن ۱۳۵۷)

۶،۶ تحلیل: آنچه خمینی نگفت

به اندازه آنچه خمینی در پاریس «گفت»، آنچه نگفت نیز مهم است:

اهمیت	آنچه خمینی در پاریس نگفت
هیچ‌گاه از «ولایت فقیه» نام نبرد - حتی یک بار در حالی که ده سال قبل کتابی کامل درباره آن نوشته بود. این سکوت محل بحث اصلی است.	هیچ‌گاه از کتاب «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) یاد نکرد
فقط «جمهوری اسلامی» گفت - بدون تعریف نهادها، نقش‌ها، و ساختار.	هیچ‌گاه ساختار حکومت آینده را تشریح نکرد
در حالی که در نجف بحث مفصلی درباره الزامات شرعی داشت.	هیچ‌گاه درباره حجاب اجباری صحبت نکرد
اولین اعدام‌ها (از جمله هویدا) کمتر از دو هفته پس از پیروزی اجرا شد.	هیچ‌گاه درباره اعدام مخالفان صحبت نکرد
عبارت «آزادی اسلامی» مبهم ماند و بعداً به معنای «آزادی مشروط به شرع» تفسیر شد.	هیچ‌گاه مرزهای «آزادی اسلامی» را تعریف نکرد

جدول ۲،۶: آنچه خمینی در پاریس نگفت - و اهمیت آن

ارتباط «سکوت‌ها» با تزاها

تزا ۲ (خدعه):

سکوت‌ها عمدی بودند - خمینی آگاهانه موضوعات بحث برانگیز را پنهان کرد.

تزا ۱ (صداقت):

سکوت‌ها ناشی از آن بود که خمینی هنوز به تفصیلات فکر نکرده بود.

تزا ۳ (تکامل):

سکوت‌ها بازتاب عدم قطعیت فکری بود.

تزا ۴ (نخبگان):

مشاوران خمینی را از طرح موضوعات حساس منع کردند.

۷،۶ جمع‌بندی فصل ششم

خلاصه فصل ۶

- دوره پاریس (مهر-بهمن ۱۳۵۷) کلیدی‌ترین دوره شکل‌گیری تصویر عمومی خمینی بود.
- خمینی در شش محور اصلی اظهاراتی «معتدل» کرد: عدم حکومت شخصی، آزادی، عدم حکومت روحانیون، جمهوری، حقوق اقلیت‌ها، و رابطه عادی با غرب.
- نقش مشاوران (یزدی، قطب‌زاده، بنی‌صدر) در «ترجمه» و احتمالاً «تلطیف» پیام خمینی حائز اهمیت است.
- آنچه خمینی نگفت - به‌ویژه سکوت درباره ولایت فقیه و کتاب «حکومت اسلامی» - به‌اندازه آنچه گفت مهم است.
- هر چهار تز تفسیر متفاوتی از سکوت‌ها و اظهارات دارند.

فصل ۷

بازگشت خمینی و فروپاشی دولت بختیار



شکل ۱۷، فضاى مطبوعاتی روزهای منتهی به سقوط دولت بختیار (۱۳۵۷)

بازگشت خمینی به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و فروپاشی دولت شاپور بختیار در ۲۲ بهمن، لحظه‌آزمون اول وعده‌های پاریس بود. خمینی در همان هفته‌های نخست، هم‌زمان دولت موقت بازرگان را منصوب کرد و هم شورای انقلاب مخفی را فعال نگه داشت. این فصل بازسازی تفصیلی آن ده روز تاریخی (۱۲ تا ۲۲ بهمن) و تحلیل اقدامات خمینی در آزمون عملی اول وعده‌هایش است.

۱،۷ بافت: دولت بختیار - آخرین تلاش شاه

شاپور بختیار، عضو قدیمی جبهه ملی و منتقد سرسخت شاه، در ۱۶ دی ۱۳۵۷ نخست‌وزیر شد - شش روز قبل از خروج شاه از ایران. مأموریت بختیار نجات سلطنت نبود بلکه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بود. او:

- ▶ ساواک را منحل کرد.
- ▶ زندانیان سیاسی را آزاد کرد.
- ▶ سانسور مطبوعات را برداشت.
- ▶ از اسرائیل فاصله گرفت و نفت به آن کشور را قطع کرد.
- ▶ به خمینی پیشنهاد مذاکره داد.^۱

پاسخ خمینی به بختیار

خمینی بختیار را «غیرقانونی» خواند و هرگونه مذاکره را رد کرد: «بختیار غاصب است... دولت او از طرف مجلس فاسد [مجلس شاهنشاهی] رأی اعتماد گرفته... ما او را به رسمیت نمی‌شناسیم»^۲

خمینی قبل از بازگشت، از پاریس حکم نخست‌وزیری بازرگان را صادر کرد - یعنی هنوز در خاک فرانسه، دولت موازی تشکیل داد.

^۲ صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۵۰-۴۵۵.

پرسش تحلیلی

حکم نخست‌وزیری بازرگان توسط خمینی - فردی که هیچ سمت رسمی نداشت - از نظر حقوقی بی‌مبنا بود. این اقدام اولین نشانه ادعای حاکمیت شخصی خمینی بود، حتی قبل از پیروزی انقلاب. هرگز این اقدام را متفاوت تفسیر می‌کند.

۲،۷ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷: بازگشت

^۱ Bakhsh (1984), pp. 35-48. همچنین: عباس میلانی، نگاهی به شاه، فصل ۲۵.

۱،۲،۷ صحنه

خمینی با هواپیمای Air France به تهران بازگشت. میلیون‌ها نفر (برخی تخمین‌ها تا ۶ میلیون) در مسیر فرودگاه مهرآباد تا بهشت‌زهرها حضور داشتند. در هواپیما، خبرنگار ABC News (Peter Jennings) از خمینی پرسید: «آقا، چه احساسی دارید؟» خمینی پاسخ داد: «هیچ»^۲

۲،۲،۷ سخنرانی بهشت‌زهرها: اولین نشانه‌ها

خمینی در بهشت‌زهرها سخنرانی کرد. بخش‌هایی از این سخنرانی متفاوت از لحن پاریس بود:

نقل قول‌های کلیدی - بهشت‌زهرها

۱. «من دولت تعیین می‌کنم! من تو دهن این دولت [بختیار] می‌زنم!»^a
۲. «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم.»^b
۳. «ملت مرا رهبر قرار داده... من که خودم نخواستم»^c

^a صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۲-۱۵. این عبارت یکی از مهم‌ترین اظهارات خمینی پس از بازگشت است.
^b همان.
^c صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۸.

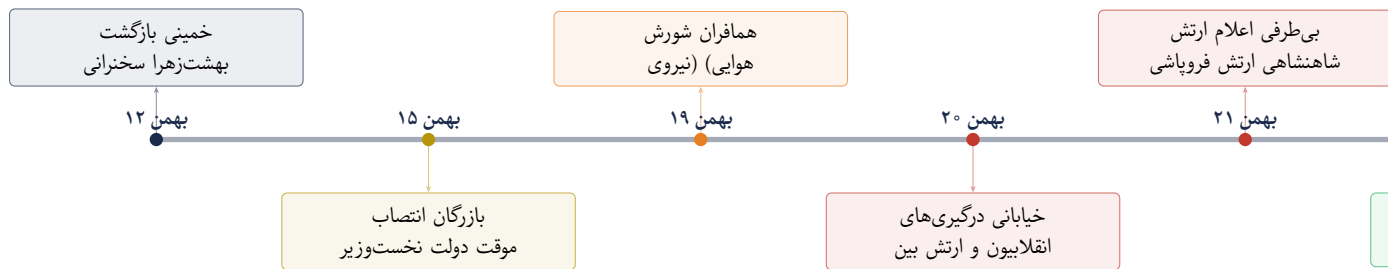
تحلیل تطبیقی: بهشت‌زهرها در برابر پاریس

محور	پاریس (دی ۱۳۵۷)	بهشت‌زهرها (۱۲ بهمن ۱۳۵۷)
نقش شخصی	«مقامی نخواهم داشت»	«من دولت تعیین می‌کنم»
مبنای مشروعیت	«مردم تصمیم می‌گیرند»	«ملت مرا رهبر قرار داده»
لحن	آرام، صلح‌جو، «گاندی‌وار»	تهاجمی، قاطع، «فرماندهی»
فاصله زمانی		کمتر از ۳۰ روز

مدافعان تز دوم (خدعه) این فاصله را اثبات‌کننده فریب می‌دانند: تغییر لحن ۱۸۰ درجه‌ای در سی روز بدون تغییر شرایط بنیادین. مدافعان تز اول پاسخ می‌دهند: شرایط عوض شد - خمینی در پاریس «مبارز» بود و در بهشت‌زهرها «رهبر». مدافعان تز سوم: این لحظه «جهش» فکری بود. مدافعان تز چهارم: حلقه درونی خمینی را وادار به اتخاذ لحن «رهبرانه» کرد.

^۲ این پاسخ بعدها به‌عنوان نشانه «عرفان» یا «بی‌تفاوتی سیاسی» خمینی تفسیر شد. Moin (1999), p. 199.

۳،۷ ده روز سرنوشت‌ساز: ۱۲ تا ۲۲ بهمن



شکل ۲،۷: ده روز سرنوشت‌ساز: از بازگشت تا پیروزی (۱۲-۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

۱،۳،۷ انتصاب بازرگان (۱۵ بهمن): آزمون وعده‌ها

خمینی در ۱۵ بهمن، مهندس مهدی بازرگان را به نخست‌وزیری منصوب کرد.^۳ این انتصاب از چند جهت مهم است:

۱. بازرگان روحانی نبود: مهندس مکانیک، استاد دانشگاه، لیبرال-مذهبی. انتخاب او با وعده «حکومت متخصصان» سازگار بود.
۲. بازرگان از نهضت آزادی بود: حزبی ملی-مذهبی و میانه‌رو. نه حزب جمهوری اسلامی.
۳. اما: خمینی «بازرگان را منصوب کرد» - نه مردم. این عمل خود نشانه ادعای حاکمیت بود.
۴. مبنای انتصاب: خمینی در حکم خود نوشت: «بنا بر حق شرعی و بر اساس آرای اکثریت قاطع مردم ایران...» - ترکیبی از مشروعیت شرعی و مردمی.^۴

تحلیل عبارت «حق شرعی»

مدافعان تز دوم به عبارت «حق شرعی» توجه می‌کنند: خمینی اول به «حق شرعی» (= ولایت فقیه) و بعد به «آرای مردم» استناد کرد. ترتیب مهم است: شرع مقدم بر مردم بود - حتی در همان لحظه اول. مدافعان تز اول پاسخ می‌دهند: این فقط فرمول فقهی معمول بود و نباید بیش از حد تفسیر شود.^a

^aMartin (2000), pp. 152-158.

۲،۳،۷ دوگانه دولت موقت / شورای انقلاب

از ۱۵ بهمن، ایران عملاً دو دولت داشت - و بلافاصله پس از ۲۲ بهمن، سه مرکز قدرت:

^۳ صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۴-۵۷.
^۴ متن کامل حکم: صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۴.

مرکز قدرت	رهبر	مبنای مشروعیت	ابزارهای اجرایی
دولت موقت	بازرگان	حکم خمینی + سابقه ملی	وزارتخانه‌ها (ضعیف)
شورای انقلاب	جمعی (بهشتی، رفسنجانی...)	حکم خمینی	قانون‌گذاری + نظارت
دفتر خمینی	خمینی (از طریق احمد خمینی)	کاریزما + مرجعیت	فرمان مستقیم + کمیته‌ها

جدول ۲،۷: سه مرکز قدرت پس از پیروزی انقلاب

نکته کلیدی

وجود سه مرکز قدرت موازی از همان روز اول نشان‌دهنده ابهام ساختاری انقلاب بود. بازرگان بارها شکایت کرد: «من نخست‌وزیرم اما اختیاری ندارم... تصمیمات واقعی در جای دیگری گرفته می‌شود.» او معروف‌ترین عبارتش را ماه‌ها بعد گفت: «من مثل تیغ بدون دسته‌ام.»^۴

^۴ مهدی بازرگان، مصاحبه با روزنامه میزان، مهر ۱۳۵۸.

۴،۷ سرنوشت بختیار: گریز و ترور

بختیار پس از فرار در ۲۲ بهمن، ابتدا مخفی شد و سپس از ایران گریخت. او در پاریس سازمان مقاومت ملی تشکیل داد و تا ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) فعال بود - تا اینکه عوامل جمهوری اسلامی او را در خانه‌اش در پاریس ترور کردند.^۵ ترس از بازگشت بختیار (با حمایت ارتش یا آمریکا) یکی از بهانه‌های مکرر حلقه درونی خمینی برای تشدید سرکوب و تسریع تمرکز قدرت بود:

▶ کودتای نافرجام نوزده تیر (۱۳۵۹) - که گفته شد بختیار در آن نقش داشت - به بهانه‌ای برای پاکسازی گسترده‌تر ارتش تبدیل شد.^۶

▶ نام بختیار در تبلیغات رسمی به عنوان نماد «ضدانقلاب» تا سال‌ها استفاده شد.

^۵ Bakhsh (1984), pp. 48-52; همچنین حکم دادگاه فرانسه (۱۹۹۴) که عوامل حکومت ایران را محکوم کرد.

^۶ Abrahamian (1999), pp. 118-122.

۵،۷ جمع بندی فصل هفتم

خلاصۀ فصل ۷

- بازگشت خمینی و سخنرانی بهشت زهرا («من دولت تعیین می کنم») اولین نشانه فاصله با وعده های پاریس بود.
- انتصاب بازرگان (غیرروحانی، میانه رو) با وعده ها سازگار بود - اما نحوه انتصاب (حکم شخصی با «حق شرعی») سازگار نبود.
- وجود سه مرکز قدرت موازی از روز اول، ضعف ساختاری دولت موقت را نشان داد.
- فروپاشی بختیار و ترس از بازگشت او ابزار تبلیغاتی مهمی برای حلقه درونی شد.
- نتیجه: حتی در همان هفته های اول، شواهد بیشتر با تز دوم (خدعه) و تز چهارم (فشار نخبگان) سازگار بودند تا با تز اول (صداقت).

فصل ۸

مجلس خبرگان قانون اساسی در برابر پیش‌نویس حبیبی - کاتوزیان

چکیده فصل

فرایند تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌ها در بحث «وعده یا خدعه» است. پیش‌نویسی که تیمی از حقوقدانان (شامل دکتر حسن حبیبی، دکتر هما کاتوزیان، و دکتر ناصر کاتوزیان) تهیه کرده بودند، یک جمهوری پارلمانی دموکراتیک بدون ولایت فقیه بود - کاملاً سازگار با وعده‌های پاریس. اما این پیش‌نویس کنار گذاشته شد و به جای آن، مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل شد - مجلسی با اکثریت روحانی که ولایت فقیه را به محور قانون اساسی تبدیل کرد. این فصل به بازسازی تفصیلی این فرایند، بازیگران آن، و تفسیرهای رقیب از آن می‌پردازد.

۱،۸ پیش‌نویس اولیه: «قانون اساسی بدون ولایت فقیه»

۱،۱،۸ تیم تدوین‌کننده

پس از پیروزی انقلاب، بازرگان (نخست‌وزیر دولت موقت) از تیمی از حقوقدانان خواست پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کنند. اعضای اصلی این تیم عبارت بودند از:

شخص	تخصص	سابقه	موضع سیاسی
دکتر حسن حبیبی	دکترای حقوق از فرانسه	استاد دانشگاه، حقوقدان	ملی-مذهبی، میانه‌رو
دکتر هما کاتوزیان	دکترای اقتصاد و تاریخ از Oxford	استاد دانشگاه، مورخ	لیبرال-دموکرات

موضوع سیاسی	سابقه	تخصص	شخص
حقوقدان مستقل	استاد حقوق دانشگاه تهران	دکترای حقوق مدنی	دکتر ناصر کاتوزیان
ملی-دموکرات	عضو جبهۀ ملی	حقوقدان و روزنامه‌نگار	احمد صدر حاج سید جوادی

جدول ۱،۸: تیم تدوین‌کنندهٔ پیش‌نویس قانون اساسی

۲،۱،۸ ویژگی‌های پیش‌نویس

پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان در خرداد ۱۳۵۸ آماده شد و در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ توسط دولت موقت منتشر گردید.^۱ ویژگی‌های اصلی:

ارکان پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان

۱. رئیس‌جمهور منتخب مردم - بالاترین مقام کشور.
۲. مجلس شورای ملی - قوهٔ مقننه با اختیارات کامل.
۳. قوهٔ قضائیه مستقل - با قضاات حرفه‌ای.
۴. شورای نگهبان محدود - فقط بررسی انطباق قوانین با موازین شرعی (مشابه اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه).
۵. بدون ولایت فقیه - هیچ اشاره‌ای به ولایت یا نظارت فقیه بر کل نظام.
۶. آزادی احزاب و مطبوعات - بدون قید «موازین اسلامی».
۷. حقوق اقلیت‌ها - برابری کامل شهروندی.
۸. ارتش ملی - تحت فرماندهی رئیس‌جمهور، بدون سپاه پاسداران.

سازگاری پیش‌نویس با وعده‌های پاریس

پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان دقیقاً همان نظامی بود که خمینی در پاریس وعده‌اش را داده بود: جمهوری دموکراتیک، حکومت متخصصان، بدون حکومت روحانیون، با آزادی‌های مدنی. اگر خمینی واقعاً به وعده‌هایش پایبند بود، باید از این پیش‌نویس حمایت می‌کرد. آنچه رخ داد، خلاف این بود.

^۱ Schirazi (1997), pp. 22-26; همچنین: Arjomand (1988), pp. 150-155. متن کامل پیش‌نویس در روزنامهٔ «اطلاعات» و «کیهان» خرداد ۱۳۵۸ منتشر شد.

۳،۱،۸ واکنش اولیه خمینی: تأیید مشروط

در خرداد ۱۳۵۸، خمینی ابتدا واکنش مثبتی به پیش نویس نشان داد. بازرگان نقل می‌کند:

روایت بازرگان

«پیش‌نویس را خدمت آقا [خمینی] بردیم. ایشان مطالعه فرمودند و فرمودند: ”خوب است. چرا به فرزندم نمی‌گذارید؟“^a»

^a مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۱۲۵-۱۲۸. همچنین روایت مشابهی در خاطرات یزدی آمده.

اما ظرف چند هفته، موضع خمینی تغییر کرد. چه اتفاقی افتاد؟

۲،۸ چرخش: از فراندوم مستقیم به مجلس خبرگان

۱،۲،۸ فشار حزب جمهوری اسلامی

در فاصله خرداد تا مرداد ۱۳۵۸، حزب جمهوری اسلامی - به رهبری بهشتی، باهنر، و خامنه‌ای - کارزاری علیه فراندوم مستقیم بر پیش‌نویس به راه انداخت. استدلال‌های آن‌ها:

- ▶ «پیش‌نویس بدون بحث کارشناسی به فراندوم گذاشته شود عجولانه است.»
- ▶ «نخبگان حوزوی باید بررسی کنند آیا با اسلام سازگار است.»
- ▶ «مردم حق دارند از طریق نمایندگان‌شان درباره قانون اساسی بحث کنند.»
- ▶ «مجلس مؤسسان (خبرگان) باید تشکیل شود.»^۲

تحلیل انتقادی

استدلال‌های حزب جمهوری اسلامی ظاهراً «دموکراتیک» بودند (بحث کارشناسی، نمایندگی مردم). اما نتیجه خلاف دموکراسی بود:

۱. مجلس خبرگان ۷۳ نفره بود - در حالی که پیشنهاد اولیه بازرگان «مجلس مؤسسان ۳۰۰ نفره» بود. عدد کوچک‌تر = کنترل آسان‌تر.^a
۲. انتخابات مجلس خبرگان (۱۲ مرداد ۱۳۵۸) در شرایطی برگزار شد که:
 - بسیاری از نامزدهای غیرروحانی مورد حمله قرار گرفتند.
 - حزب جمهوری اسلامی تنها تشکیلات سازمان‌یافته سراسری بود.
 - میزان مشارکت نسبتاً پایین بود (حدود ۵۱٪).^b

^a Schirazi (1997), pp. 26-30. همچنین: Martin (2000), pp. 140-148.

۳. نتیجه: ۵۵ نفر از ۷۳ نفر روحانی بودند و اکثریت از حزب جمهوری اسلامی.

^aبازرگان خواستار مجلس مؤسسان ۳۰۰ نفره بود. خمینی ابتدا موافقت کرد اما سپس عدد به ۷۳ تقلیل یافت - ظاهراً بنا بر پیشنهاد بهشتی. Bakhsh (1984), pp. 72-75.

^bArjomand (1988), pp. 155-158.

۲،۲،۸ نقش خمینی در چرخش

پرسش محوری: آیا خمینی خودش تصمیم به تغییر مسیر گرفت، یا تحت فشار حلقهٔ درونی بود؟

چهار خوانش از «چرخش»

ت۱ (صداقت + اجبار)

خمینی ابتدا واقعاً موافق رفراندوم بود. اما وقتی دید گروه‌های مارکسیست و لیبرال‌های سکولار دارند سازمان‌دهی می‌کنند، نگران شد و پذیرفت مجلس خبرگان تشکیل شود تا «اسلامیت» نظام حفظ شود.

ت۲ (خدعه)

خمینی از ابتدا قصد رفراندوم مستقیم نداشت. تأیید اولیهٔ پیش‌نویس «ژست» بود. وقتی حزب جمهوری اسلامی بهانهٔ لازم را فراهم کرد، خمینی مسیر واقعی‌اش را دنبال کرد.

ت۳ (تکامل)

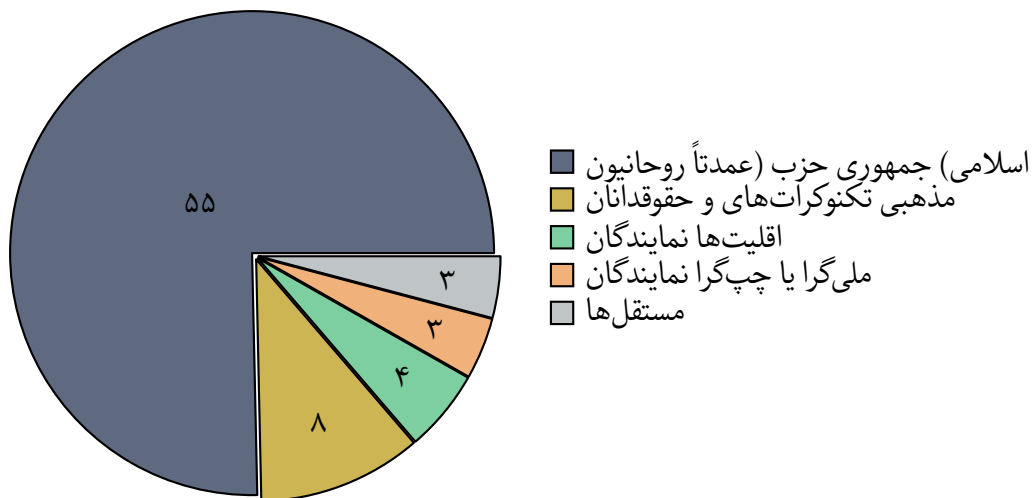
خمینی با خواندن پیش‌نویس متوجه شد ولایت فقیه در آن نیست - و این «نبود» باعث شد فکر کند ممکن است «اسلام» در ساختار نظام ضعیف بماند. تکامل فکری‌اش در این لحظه یک گام جلوتر رفت.

ت۴ (فشار نخبگان)

بهشتی و حزب جمهوری اسلامی خمینی را متقاعد کردند. خمینی خودش ایدهٔ مجلس خبرگان را نداشت - اما وقتی بهشتی استدلال کرد، پذیرفت.

۳،۸ مجلس خبرگان قانون اساسی: بازیگران و مذاکرات

۱،۳،۸ ترکیب مجلس



شکل ۱،۸: ترکیب مجلس خبرگان قانون اساسی (۷۳ عضو)

اهمیت ترکیب

با ۵۵ روحانی از ۷۳ عضو (۷۵٪)، نتیجه مذاکرات از پیش قابل پیش‌بینی بود. منتقدان (از جمله بازرگان و مهندس سبحانی) هشدار دادند اما کاری نتوانستند بکنند. آیت‌الله شریعتمداری نیز اعلام کرد ترکیب مجلس «نماینده واقعی ملت» نیست.^۲

^۲ آیت‌الله شریعتمداری، مصاحبه با روزنامه میزان، شهریور ۱۳۵۸.

۲،۳،۸ بازیگران کلیدی در مجلس خبرگان

شخص	سمت	نقش در بحث ولایت فقیه	گرایش
آیت‌الله منتظری	رئیس مجلس	حامی ولایت فقیه - اما با تعبیر «محدود»	تندرو-اصولگرا (بعدها منتقد)
آیت‌الله بهشتی	نایب‌رئیس	معمار اصلی ولایت فقیه در قانون اساسی	تندرو-عملگرا
عباسعلی عمید زنجانی	عضو	دفاع فقهی از ولایت فقیه	تندرو
حسن آیت	عضو (غیرروحانی)	مدافع سرسخت ولایت فقیه	تندرو (بعدها ترور شد)
مهندس سبحانی	عضو	مخالف ولایت فقیه	ملی-مذهبی

شخص	سمت	نقش در بحث ولایت فقیه	گرایش
رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای	عضو	مخالف ولایت فقیه	مستقل
آیت‌الله طالقانی	عضو (فوت مهر ۱۳۵۸)	نگران تمرکز قدرت	ملی-مذهبی

جدول ۲،۸: بازیگران کلیدی مجلس خبرگان قانون اساسی

۳،۳،۸ مذاکرات: نبرد بر سر ولایت فقیه

مذاکرات مجلس خبرگان از ۲۸ مرداد تا ۲۴ آبان ۱۳۵۸ طول کشید - حدود سه ماه. محور اصلی مناظرات، اصل ولایت فقیه بود.

موافقان ولایت فقیه - استدلال‌ها:

۱. استدلال فقهی: ولایت فقیه امتداد ولایت ائمه (ع) است و بر اساس احادیث معتبر (مثل مقبوله عمر بن حنظله) ثابت می‌شود.^۳
۲. استدلال عملی: بدون ولایت فقیه، «اسلامیت» نظام تضمین نمی‌شود. شورای نگهبان به تنهایی کافی نیست.
۳. استدلال کاریزماتیک: «امام» [خمینی] خود ولی فقیه است. نوشتن این اصل فقط «تثبیت واقعیت موجود» است.^۴

مخالفان ولایت فقیه - استدلال‌ها:

۱. استدلال فقهی: ولایت فقیه اجماع مراجع را ندارد. مراجع بزرگ (شریعت‌مداری، خویی، مرعشی نجفی) آن را نپذیرفته‌اند.
۲. استدلال حقوقی: ولایت فقیه با اصل حاکمیت ملی و جمهوریت تناقض دارد.
۳. استدلال عملی: تمرکز قدرت در دست یک فرد خطرناک است - حتی اگر آن فرد فقیه عادل باشد.^۵
۴. استدلال تاریخی: وعده‌های خمینی در پاریس با ولایت فقیه سازگار نیست.^۶

^۳ صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، جلسه ۲۵، ص ۴۴۸-۴۶۲.

^۴ بهشتی در مجلس خبرگان: «ما فقط آنچه هست را به زبان حقوقی درمی‌آوریم.» صورت مشروح مذاکرات، جلسه ۲۷، ص ۵۱۰.

^۵ مقدم مراغه‌ای در مجلس خبرگان: «اگر ولی فقیه عادل نباشد چه؟ چه تضمینی هست؟» صورت مشروح مذاکرات، جلسه ۲۸، ص ۵۳۵.

^۶ سحابی در مجلس خبرگان: «مردم بر اساس وعده‌هایی رأی دادند... اگر از اول می‌گفتید ولایت فقیه، رأی مردم شاید متفاوت بود.» صورت مشروح مذاکرات، جلسه ۳۰، ص ۵۸۲.

مرگ مشکوک طالقانی

آیت‌الله سید محمود طالقانی، روحانی محبوب و امام جمعه تهران، که به‌عنوان یکی از معدود صداهای منتقد تمرکز قدرت شناخته می‌شد، در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ - در اوج مذاکرات مجلس خبرگان - درگذشت. رسماً «سکته قلبی» اعلام شد، اما شایعات درباره مرگ غیرطبیعی هیچ‌گاه فروکش نکرد.^۴

مرگ طالقانی عملاً مهم‌ترین صدای اپوزیسیون درون‌نظامی را خاموش کرد.

^۴ طالقانی هفته‌ها قبل از مرگ در سخنرانی‌ای گفته بود: «من خودم شخصاً به ولایت فقیه معتقدم اما نه آن‌طور که بعضی‌ها تفسیر می‌کنند... مردم باید آزاد باشند». *Moin (1999), pp. 218-219.*

۴،۳،۸ تصویب نهایی: آذر ۱۳۵۸

قانون اساسی با ولایت فقیه در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب مجلس خبرگان رسید و در فروردین ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با حدود ۵۰۹۹٪ آرا تأیید شد.^۷

۴،۸ مقایسه تفصیلی: پیش‌نویس در برابر مصوبه

#	موضوع	پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان	مصوبه مجلس خبرگان
۱	رهبری	رئیس‌جمهور منتخب = بالاترین مقام	ولی فقیه = بالاترین مقام؛ رئیس‌جمهور تابع
۲	ولایت فقیه	وجود ندارد	اصل ۵ و اصل ۱۰۷-۱۱۲: ولایت امر و امامت امت
۳	فرماندهی ارتش	رئیس‌جمهور	ولی فقیه
۴	انتصاب رئیس‌قوه قضاییه	پیشنهاد مجلس + تأیید رئیس‌جمهور	منصوب ولی فقیه
۵	شورای نگهبان	بررسی تطابق شرعی قوانین	وتوی قوانین مجلس + نظارت بر انتخابات
۶	آزادی احزاب	بدون قید مذهبی	مشروط به «موازن اسلامی» (اصل ۲۶)
۷	آزادی مطبوعات	تضمین شده	مشروط به «عدم اخلال در مبانی اسلام» (اصل ۲۴)
۸	حقوق زنان	برابری کامل	«با رعایت موازن اسلامی» (اصل ۲۰ و ۲۱)

^۷ *Schirazi (1997), pp. 36-40.* درصد بالای «آری» محل تردید منتقدان است - مشارکت حدود ۷۰٪ بود اما فشار اجتماعی و فقدان آلترناتیو مؤثر بود.

#	موضوع	پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان	مصوبهٔ مجلس خبرگان
۹	حقوق اقلیت‌ها	برابری شهروندی	اقلیت‌های «رسمی» حقوق محدود - بهائیان حذف
۱۰	بازنگری قانون اساسی	مجلس مؤسسان + رفراندوم	مجلس بازنگری + تأیید رهبر (اصل ۱۷۷)

جدول ۳،۸: مقایسهٔ تفصیلی پیش‌نویس و مصوبهٔ نهایی قانون اساسی ۱۳۵۸

فاصلهٔ وعده تا عمل

در تمام ده محور فوق، مصوبهٔ نهایی از پیش‌نویس (و بنابراین از وعده‌های پاریس) فاصله گرفته و به سمت تمرکز قدرت حرکت کرده است. این فاصله نه جزئی بلکه ساختاری است: دو سند دو نوع کاملاً متفاوت حکومت را تعریف می‌کنند.

۵،۸ نقش خمینی در فرایند: «ناظر» یا «هدایت‌کننده»؟

۱،۵،۸ مداخلات مستقیم خمینی

شواهدی وجود دارد که خمینی در مقاطع خاصی مستقیماً در مذاکرات مجلس خبرگان مداخله کرد:

۱. پیام «عجله کنید»: خمینی در شهریور ۱۳۵۸ پیامی به مجلس خبرگان فرستاد و خواست «کار را زودتر تمام کنید - دشمنان فرصت توطئه ندهید». این فشار زمانی، فرصت بحث عمیق را محدود کرد.^۸
۲. حمایت از اصل ولایت فقیه: خمینی در سخنرانی‌هایی در شهریور و مهر ۱۳۵۸ صراحتاً از ولایت فقیه حمایت کرد - هرچند ادعا کرد «مجلس خبرگان خودشان تصمیم می‌گیرند».^۹
۳. سرکوب مخالفان: هم‌زمان با مذاکرات مجلس خبرگان، حملات فیزیکی به دفاتر احزاب مخالف (حزب دموکرات کردستان، سازمان چریک‌های فدایی، حزب خلق مسلمان شریعتمداری) تشدید شد - که فضای ارعاب ایجاد کرد.^{۱۰}

۲،۵،۸ شواهد «هدایت» غیرمستقیم

► بهشتی مرتباً با دفتر خمینی (از طریق احمد خمینی) در ارتباط بود و پیش از طرح هر اصل مهم، «نظر امام» را جویا می‌شد.^{۱۱}

^۸ صحیفهٔ امام، ج ۹، ص ۲۲۰-۲۲۳.

^۹ صحیفهٔ امام، ج ۱۰، ص ۲۸-۳۵.

^{۱۰} Abrahamian (1999), pp. 130-135.

^{۱۱} رفسنجانی، عبور از بحران، ص ۱۶۵-۱۸۰.

► خمینی هیچ‌گاه علناً با اصل ولایت فقیه مخالفت نکرد - سکوت او خودش نوعی «تأیید» بود.

► اعضای مخالف مجلس خبرگان (مانند مقدم مراغه‌ای) بعداً شکایت کردند که «فضا طوری بود که مخالفت با ولایت فقیه مساوی بود با مخالفت با امام - و کسی جرأت این کار را نداشت.»^{۱۲}

۶،۸ واکنش‌ها: صداهای مخالف

۱،۶،۸ آیت‌الله شریعتمداری

آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری، از مراجع بزرگ تقلید و رقیب سنتی خمینی، صریحاً با ولایت فقیه مخالفت کرد:

مخالفت شریعتمداری

- شریعتمداری گفت: «ولایت فقیه مبنای فقهی محکمی ندارد. اکثر فقها در طول تاریخ آن را نپذیرفته‌اند.»^a
- او خواستار رفراندوم بر پیش‌نویس اولیه (بدون ولایت فقیه) شد.
- حزب خلق مسلمان (هوادار شریعتمداری) در تبریز تظاهرات برگزار کرد.
- نتیجه: سرکوب حزب خلق مسلمان، حصر خانگی شریعتمداری، و عزل او از مرجعیت (۱۳۶۱) - رویدادی بی‌سابقه در تاریخ شیعه.^b

^a مصاحبه شریعتمداری با روزنامه میزان، شهریور ۱۳۵۸.
^b Bakhsh (1984), pp. 78-85; Moin (1999), pp. 222-228. همچنین:

۲،۶،۸ بازرگان و نهضت آزادی

بازرگان ناتوان از جلوگیری از تصویب ولایت فقیه بود. او در خاطراتش نوشت:

روایت بازرگان

«قانون اساسی‌ای که تصویب شد، قانون اساسی‌ای نیست که ما برایش انقلاب کردیم. ما جمهوری می‌خواستیم، ولایت [فقیه] گرفتیم.»^a

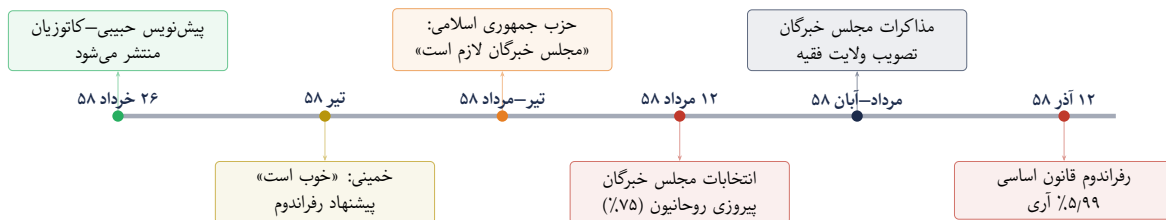
^a مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۱۸۵.

^{۱۲} مصاحبه مقدم مراغه‌ای با BBC Persian، ۱۳۸۰.

۳،۶،۸ روشنفران و فعالان سکولار

- ▶ هدایت‌الله متین‌دفتری (نوه مصدق، رهبر جبهه دموکراتیک ملی): ولایت فقیه را «بازگشت به استبداد» خواند.^{۱۳}
- ▶ کریم سنجابی (رهبر جبهه ملی): «این قانون اساسی روح مشروطه‌خواهی ایران را نقض می‌کند».^{۱۴}
- ▶ دکترهما کاتوزیان: «پیش‌نویسی که ما نوشتیم، بازتاب وعده‌هایی بود که خمینی در پاریس داد. آنچه تصویب شد، نقض آن وعده‌هاست».^{۱۵}

۷،۸ گاه‌شمار تطبیقی: از پیش‌نویس تا تصویب



شکل ۲،۸: گاه‌شمار: از پیش‌نویس تا تصویب قانون اساسی (خرداد-آذر ۱۳۵۸)

۸،۸ جمع‌بندی فصل هشتم

خلاصه فصل ۸

- پیش‌نویس حبیبی-کاتوزیان یک جمهوری دموکراتیک بدون ولایت فقیه بود - کاملاً سازگار با وعده‌های پاریس.
- خمینی ابتدا پیش‌نویس را تأیید کرد اما سپس مسیر را به سمت مجلس خبرگان تغییر داد.
- ترکیب مجلس خبرگان (۷۵٪ روحانی) نتیجه را از پیش تعیین کرد.
- بهشتی «معمار اصلی» ولایت فقیه در قانون اساسی بود - اما خمینی فعالانه حمایت کرد.
- صداهای مخالف (شریعت‌مداری، بازرگان، سحابی) سرکوب یا حاشیه‌نشین شدند.
- ارزیابی: این بزنگاه بیش از هر رویداد دیگری با تز دوم (خدعه) و تز چهارم (فشار نخبگان) سازگار است. تز اول (صداقت + اجبار) در توضیح این فرایند ضعیف‌ترین عملکرد را دارد -

¹³Bakhash (1984), p. 80.

¹⁴کریم سنجابی، خاطرات، (منتشر شده پس از فوت).

¹⁵Katouzian, "The Short-Lived Hopes," various conference papers.

چون هیچ «بحران اضطراری» در خرداد تا آذر ۱۳۵۸ وجود نداشت که تغییر مسیر را «اجبار» کند.

فصل ۹

ترورهای گروه فرقان و بحران امنیتی

چکیده فصل

گروه فرقان، یک سازمان مسلح کوچک با ایدئولوژی التقاطی (ترکیب اسلام و مارکسیسم)، بین اردیبهشت تا آذر ۱۳۵۸ چند ترور سیاسی انجام داد که مهم‌ترین آن‌ها قتل آیت‌الله مرتضی مطهری، سرتیپ قرنی، و آیت‌الله مفتاح بود. این ترورها نقشی کلیدی در فضا سازی امنیتی ایفا کردند و به بهانهٔ مقابله با «ضدانقلاب»، فرایند تمرکز قدرت و محدودیت آزادی‌ها تسریع شد. این فصل به بررسی ماهیت فرقان، ترورها، و پیامدهای سیاسی آن‌ها می‌پردازد.

۱،۹ گروه فرقان: ماهیت و ایدئولوژی

۱،۱،۹ تأسیس و رهبری

گروه فرقان در اواخر دهه ۱۳۵۰ توسط اکبر گودرزی تأسیس شد. گودرزی دانشجوی مهندسی و تحت تأثیر اندیشه‌های علی شریعتی بود اما خوانش رادیکال‌تری داشت:^۱

- ▶ فرقان «روحانیت» را مانع تحقق «اسلام واقعی» می‌دانست.
- ▶ معتقد بود خمینی و روحانیون دارند انقلاب را «مصادره» می‌کنند.
- ▶ خواستار یک «حکومت اسلامی بدون روحانیون» بود - «اسلام منهای آخوند».
- ▶ تعداد اعضا بسیار محدود بود - شاید ۵۰ تا ۱۰۰ نفر.

^۱ (1989) *Mojahedin Iranian The Islam: Radical Abrahamian*, B. I. Tauris, pp. ۱۸۲-۱۹۰. همچنین: (1984) *Bakhash*, pp. 62-65.

ایدئولوژی التقاطی فرقان

فرقان از نظر فکری التقاطی بود: ترکیبی از شریعتی (اسلام انقلابی)، مارکسیسم (مبارزه طبقاتی)، و ضدروحانیت (نقد نهاد مرجعیت). این التقاط باعث شد فرقان هم از طرف روحانیون (به خاطر ضدروحانیت) و هم از طرف چپ‌های مارکسیست (به خاطر اسلام‌گرایی) طرد شود - و عملاً هیچ پایگاه اجتماعی نداشت.

۲،۹ ترورها: گاه‌شمار

#	تاریخ	قربانی	سمت	پیامد سیاسی
۱	۲۳ فروردین ۱۳۵۸	سرتیپ محمدولی قرنی	رئیس ستاد ارتش	تشدید پاکسازی ارتش، تقویت سپاه
۲	۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸	آیت‌الله مرتضی مطهری	عضو شورای انقلاب، اندیشمند	شوک ملی، تقویت روایت «توطئه ضدانقلاب»
۳	۲۹ آذر ۱۳۵۸	آیت‌الله محمد مفتح	استاد دانشگاه، عضو شورای انقلاب	تشدید سرکوب گروه‌های مسلح

جدول ۱،۹: ترورهای اصلی گروه فرقان (۱۳۵۸)

۱،۲،۹ ترور مطهری: شوک و پیامدها

ترور آیت‌الله مرتضی مطهری در شب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ (یک روز پس از روز معلم) مهم‌ترین ترور فرقان بود. مطهری از نزدیک‌ترین شاگردان خمینی، عضو شورای انقلاب، و یکی از محبوب‌ترین روحانیون-روشنفکر بود.^۲

واکنش خمینی به ترور مطهری

خمینی در واکنش به ترور مطهری گفت:

«فرزند عزیزم را کشتند... این‌ها دشمنان اسلامند... دست‌های پنهان در کارند.»^a

و سپس:

«همۀ گروه‌هایی که اسلحه دارند، باید تحویل دهند... کسی حق ندارد اسلحه داشته باشد مگر سپاه و ارتش

و کمیته‌ها.»^b

مدافعان تز دوم تأکید می‌کنند که خمینی از ترور مطهری برای خلع سلاح عمومی استفاده کرد - اقدامی که بیشتر علیه مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی بود تا فرقان.

^a صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۱۰-۱۱۵.

^b همان، ص ۱۲۰.

²Moin (1999), pp. 214-216.

۳،۹ پیامدهای سیاسی ترورها

۱،۳،۹ تقویت نهادهای انقلابی

ترورهای فرقان بهانه مهمی برای تقویت نهادهای امنیتی-انقلابی فراهم کرد:

۱. تقویت سپاه پاسداران: سپاه اعلام کرد فقط او توانایی مقابله با «ضدانقلاب» را دارد. بودجه و نیروی سپاه افزایش یافت.^۳
۲. تقویت دادگاه‌های انقلاب: خلخالی از ترورها به‌عنوان توجیه سرعت‌بخشی به محاکمات استفاده کرد.
۳. محدودسازی مطبوعات: روزنامه‌هایی که از «آزادی گروه‌ها» دفاع می‌کردند، تحت فشار قرار گرفتند. روزنامه آیدگان در مرداد ۱۳۵۸ توقیف شد.^۴
۴. خلع سلاح گروه‌ها: فرمان خمینی برای تحویل اسلحه، ابزاری برای ضعیف‌سازی تمام گروه‌های مسلح غیرحکومتی شد.

۲،۳،۹ روایت «توطئه گسترده»

حلقه درونی خمینی از ترورهای فرقان برای ساختن روایت توطئه گسترده بهره برد:

- ▶ ترورها به‌عنوان بخشی از یک «طرح آمریکایی-صهیونیستی» معرفی شدند.
- ▶ فرقان با ساواک، CIA، و گروه‌های مارکسیست «مرتبط» دانسته شد - هرچند شواهد قاطعی ارائه نشد.^۵
- ▶ هر گروه مخالف - حتی لیبرال‌ها - در معرض اتهام «همکاری با ضدانقلاب» قرار گرفت.

«ضدانقلاب» - مفهومی کشدار

مفهوم «ضدانقلاب» (ضد انقلاب) پس از ترورهای فرقان به اصلی‌ترین ابزار تبلیغاتی حلقه درونی تبدیل شد. این مفهوم عمداً مبهم نگاه داشته شد تا بتواند شامل هر مخالفی بشود: از فرقان و مجاهدین گرفته تا بازرگان و شریعتمداری. هر کسی که با تمرکز قدرت مخالفت می‌کرد، بالقوه «ضدانقلاب» بود.

³Bakhash (1984), pp. 63-65.

⁴Abrahamian (1999), pp. 132-135.

⁵اعترافات تلویزیونی اعضای فرقان (قبل از اعدام) با شکنجه به‌دست آمده بود و اعتبار آن‌ها محل تردید است. Abrahamian (1999), pp. 135-140.

۴،۹ تفسیرهای رقیب از ترورهای فرقان

چهار خوانش از نقش ترورها

تز ۱ (صداقت + اجبار)

ترورها تهدید واقعی بودند. خمینی مجبور شد امنیت را بر آزادی مقدم بدارد. تقویت سپاه و محدودیت‌ها واکنش طبیعی به تهدید بود.

تز ۲ (خدعه)

ترورها بهانه‌ای «طلایی» بودند. حلقه درونی از آنها برای پیشبرد دستور کار از پیش طراحی شده تمرکز قدرت استفاده کرد. ممکن است حتی برخی اقدامات تحریک‌آمیز عمدی بوده باشند.^a

تز ۳ (تکامل)

ترورها خمینی را متقاعد کردند که «نظارت ارشادی» کافی نیست و فقیه باید مستقیماً در قدرت باشد تا بتواند از انقلاب محافظت کند. به عبارت دیگر، ترورها کاتالیزور تکامل فکری بودند: خمینی تا پیش از ترور مطهری شاید واقعاً به «نظارت از دور» فکر می‌کرد، اما قتل نزدیک‌ترین یارانش او را به این نتیجه رساند که باید در مرکز قدرت بماند.

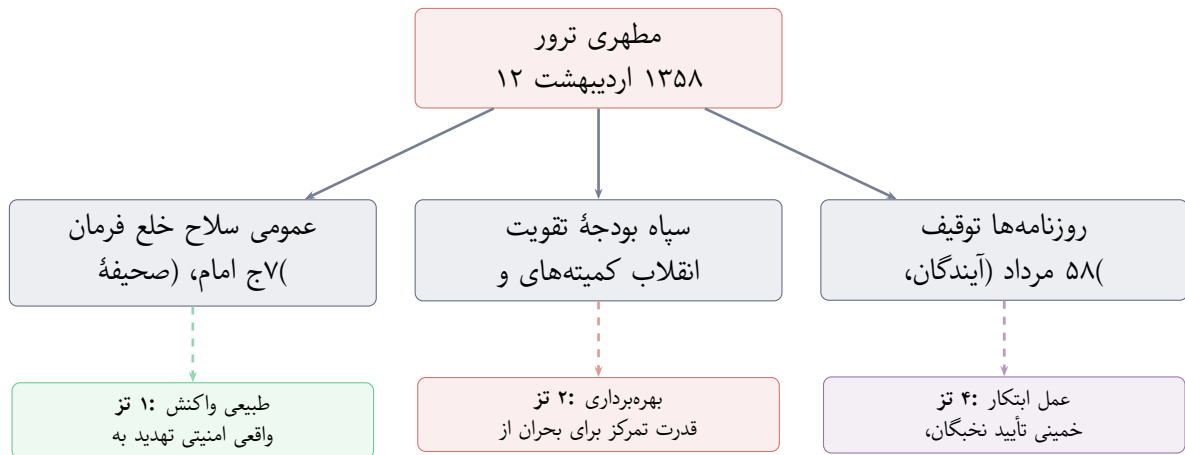
تز ۴ (فشار نخبگان)

حلقه درونی (سپاه، کمیته‌ها، حزب جمهوری اسلامی) از ترورها بیشتر از خود خمینی بهره برد. آنها بودند که بودجه و نیرو گرفتند، مطبوعات را بستند، و گروه‌ها را خلع سلاح کردند. خمینی «تأیید» کرد - اما ابتکار عمل دست نخبگان بود.

^a این ادعا (تحریک عمدی) شاهد مستقیمی ندارد و در حد حدس باقی می‌ماند.

۵،۹ مطالعه موردی: ترور مطهری و واکنش‌های زنجیره‌ای

ترور مطهری به دلیل نزدیکی عاطفی و فکری او با خمینی، بیشترین تأثیر را بر رفتار خمینی داشت. تحلیل این رویداد و پیامدهایش از منظر هر چهار تر آموزنده است:



شکل ۱،۹: ترور مطهری: رویداد، پیامدها، و تفسیرهای رقیب

۱،۵،۹ بُعد شخصی: خمینی و مطهری

مطهری نه فقط یک روحانی سیاسی بلکه شاگرد محبوب خمینی بود. خمینی در واکنش به خبر ترور گریست - رویدادی نادر برای مردی که به خونسردی شهرت داشت.^۶

پرسش روان‌شناختی

آیا ترور مطهری تأثیر روان‌شناختی عمیقی بر خمینی داشت که رفتار سیاسی‌اش را تغییر داد؟ مفهوم *mo-tivated reasoning* در روان‌شناسی شناختی پیش‌بینی می‌کند: فردی که عزیزش را از دست می‌دهد، تمایل دارد «دشمن» را بزرگ‌تر و خطرناک‌تر ببیند - و این می‌تواند به تصمیمات افراطی‌تر منجر شود.^a مدافعان تز سوم از این زاویه روان‌شناختی بهره می‌گیرند: ترور مطهری «لحظه چرخش» در ذهن خمینی بود - نه لزوماً «بهانه» (تز دوم) بلکه عامل واقعی تغییر نگرش.

^aZiva Kunda, "The Case for Motivated Reasoning," *Psychological Bulletin*, 108(3), 1990, pp. 480-498.

۲،۵،۹ بُعد ساختاری: چرخه سرکوب-مقاومت

ترورهای فرقان یک چرخه بازخوردی مثبت (*positive feedback loop*) ایجاد کرد:

چرخه بازخوردی سرکوب-مقاومت (۱۳۵۸)

این چرخه در سال‌های بعد (۱۳۵۹-۱۳۶۰) با ورود مجاهدین خلق به فاز مسلحانه به اوج خود رسید.

^۶Moin (1999), p. 215. شاهدان نقل می‌کنند خمینی پس از شنیدن خبر گفت: «بازوی راستم را قطع کردند.»

۶،۹ فرقان و سایر گروه‌ها: مقایسه تطبیقی

فرقان تنها گروه مسلح فعال در ۱۳۵۸ نبود. برای فهم بهتر بحران امنیتی، مقایسه فرقان با دیگر بازیگران مسلح ضروری است:

تهدید واقعی؟	فعالیت ۱۳۵۸	اندازه	ایدئولوژی	گروه
محدود اما نمادین	ترور شخصیت‌ها	بسیار کوچک (۵۰-۱۰۰)	التقاطی (اسلام + مارکسیسم - ضدروحانیت)	فرقان
بالقوه بسیار بالا	فعالیت سیاسی (هنوز مسلحانه نه)	بزرگ (ده‌ها هزار)	اسلام انقلابی + مارکسیسم	مجاهدین خلق
متوسط	فعالیت سیاسی + حضور مسلحانه	متوسط (هزاران)	مارکسیست- لنینیست	چریک‌های فدایی خلق (اکثریت)
بالا (منطقه‌ای)	جنگ مسلحانه در کردستان	محلی اما قوی	سوسیال‌دموکرات + خودمختاری	حزب دموکرات کردستان
متوسط (منطقه‌ای)	جنگ مسلحانه در کردستان	محلی	مارکسیست + خودمختاری کرد	حزب کومله
محدود و محلی	شورش مسلحانه در ترکمن صحرا	محلی	ملی‌گرایی ترکمن + چپ	گروه‌های ترکمنی

جدول ۲،۹: مقایسه تطبیقی گروه‌های مسلح فعال در سال ۱۳۵۸

نکته مهم: تفکیک تهدیدها

مدافعان تراز اول (صداقت + اجبار) از این جدول به عنوان شاهدی بر «تهدید واقعی» استفاده می‌کنند: ایران در ۱۳۵۸ واقعاً با چندین جبهه مسلحانه مواجه بود. اما منتقدان اشاره می‌کنند:

۱. فرقان یک گروه حاشیه‌ای بود - تهدید واقعی‌اش بسیار کمتر از تصویری بود که تبلیغات رسمی ساخت.
۲. مجاهدین در ۱۳۵۸ هنوز فاز مسلحانه را شروع نکرده بودند - آنها تا خرداد ۱۳۶۰ فعالیت سیاسی قانونی داشتند.
۳. کردستان یک مسئله منطقه‌ای بود، نه تهدیدی علیه کل نظام.
۴. بنابراین، واکنش امنیتی حلقه درونی نامتناسب (*disproportionate*) با تهدید واقعی بود.

۷،۹ پرسش‌های حل نشده درباره فرقان

۱،۷،۹ آیا فرقان نفوذی بود؟

برخی تحلیل‌گران - به‌ویژه از طیف اپوزیسیون - مدعی شده‌اند که فرقان ممکن است توسط بخشی از حلقه درونی نفوذی یا حتی هدایت شده باشد تا بهانه سرکوب فراهم شود. شواهد:

- ▶ فرقان پس از ترور مفتاح (آذر ۱۳۵۸) به سرعت شناسایی و نابود شد - سرعتی مشکوک برای سازمانی که ماه‌ها ناشناس مانده بود.^۷
- ▶ اعترافات تلویزیونی اعضای فرقان قبل از اعدام، الگوی کلیشه‌ای «اعترافات اجباری» داشت.^۸
- ▶ اسناد بازداشتگاه‌ها هرگز منتشر نشده‌اند.

ارزیابی بی طرفانه

ادعای «نفوذی بودن» فرقان در حد نظریه توطئه باقی می‌ماند - شاهد مستقیمی بر آن نیست. اما فقدان شفافیت در پرونده فرقان (مانند بسیاری دیگر از پرونده‌های امنیتی آن دوره) فضا را برای حدس و گمان باز گذاشته است. آنچه مسلم است: ترورهای فرقان - صرف نظر از ماهیت واقعی‌شان - نتیجه سیاسی یکسانی داشتند: تقویت تمرکز قدرت.

۲،۷،۹ چرا فرقان «روحانیون» را هدف قرار داد؟

انتخاب اهداف فرقان از نظر تحلیلی مهم است:

- ▶ مطهری، مفتاح، و قرنی سه نوع هدف بودند: روحانی-روشنفکر، روحانی-دانشگاهی، و نظامی.
- ▶ فرقان خود خمینی را هدف قرار نداد - هرچند خمینی هدف آسیب‌پذیرتری نبود.
- ▶ آیا انتخاب اهداف «میان‌رو» (مطهری و مفتاح هر دو از جناح میانه‌روتر بودند) عمدی بود تا فضا برای جناح تندرو باز شود؟ این پرسش بی‌پاسخ مانده است.^۹

۸،۹ ترورها و مسئله «حقوق بشر»: اعدام‌های بدون دادگاه

^۷ ادعاهای نفوذ در فرقان مستند مستقیم ندارند اما در خاطرات برخی بازیگران (از جمله بنی صدر) مطرح شده‌اند.

^۸ Abrahamian (1999), pp. 140-145.

^۹ مطهری اغلب به‌عنوان «چهره معتدل» حلقه خمینی شناخته می‌شد. حذف او عملاً صدای اعتدال را در شورای انقلاب ضعیف کرد.

دستگیری و اعدام اعضای فرقان ۱،۸،۹

پس از شناسایی اعضای فرقان، دستگیری‌ها سریع بود. اکبر گودرزی (رهبر فرقان) و چندین عضو دیگر دستگیر و پس از «محاکمات» کوتاه در دادگاه‌های انقلاب اعدام شدند.^{۱۰}

روند محاکمه

محاکمات اعضای فرقان مشخصه‌های مشترکی با سایر دادگاه‌های انقلاب داشت:

۱. وکیل مدافع: متهمان عمدتاً وکیل نداشتند یا وکیل تسخیری تعیین شده صوری بود.
۲. علنی بودن: محاکمات غیرعلنی بود و فقط «اعترافات» تلویزیونی پخش شد.
۳. مدت محاکمه: چند ساعت تا حداکثر یک روز.
۴. حق استیناف: وجود نداشت.
۵. حاکم شرع: تصمیم‌گیرنده نهایی یک قاضی شرعی (غالباً خلخالی) بود.^a

^a *Abrahamian (1999), pp. 105–115.* آبراهامیان تحلیل تفصیلی از ساختار دادگاه‌های انقلاب ارائه داده است.

مقایسه با وعده‌های پاریس ۲،۸،۹

موضوع	وعدۀ پاریس	واقعیت ۱۳۵۸
حقوق متهمان	«آزادی و عدالت برای همه»	محاکمات بدون وکیل و استیناف
اعدام	اشاره‌ای به اعدام نشده بود	اعدام‌های سریع (هویدا، ژنرال‌ها، فرقان...)
دادگاه‌ها	«قوة قضاییه مستقل»	دادگاه‌های انقلاب بدون مبنای قانونی
آزادی مطبوعات	«مطبوعات آزاد خواهند بود»	توقیف آیندگان و ده‌ها نشریه

جدول ۳،۹: وعده‌های پاریس در برابر واقعیت ۱۳۵۸ - حوزه حقوقی-قضایی

۹،۹ بحران کردستان: بُعد نظامی تمرکز قدرت

هم‌زمان با ترورهای فرقان، درگیری‌های مسلحانه در کردستان نیز ادامه داشت. این درگیری‌ها بُعد دیگری به «بحران امنیتی» اضافه کرد:

^{۱۰} تاریخ دقیق اعدام‌ها محل اختلاف است. برخی منابع اعدام گودرزی را اسفند ۱۳۵۸ و برخی ابتدای ۱۳۵۹ ذکر کرده‌اند.

۱،۹،۹ زمینه‌ها

کردهای ایران - با جمعیتی حدود ۶-۸ میلیون نفر - خواستار خودمختاری بودند. حزب دموکرات کردستان ایران (به رهبری عبدالرحمان قاسملو) و کومله خواسته‌هایی مطرح کردند:

▶ خودمختاری منطقه‌ای در چارچوب ایران.

▶ به رسمیت شناختن زبان کردی.

▶ تقسیم عادلانه منابع.

▶ انتخابات محلی آزاد.^{۱۱}

۲،۹،۹ واکنش خمینی: فتوای جهاد

خمینی در مرداد ۱۳۵۸ فتوای جهاد علیه «ضدانقلاب در کردستان» صادر کرد.^{۱۲} این فتوا:

۱. اولین استفاده رسمی خمینی از مفهوم «جهاد» در سیاست داخلی بود.

۲. ارتش و سپاه را مجاز به عملیات نظامی تمام‌عیار کرد.

۳. هرگونه مذاکره و سازش را رد کرد.

۴. عملاً خواسته‌های مشروع کردها را با «ضدانقلاب» یکسان ساخت.

تحلیل تطبیقی

تذ ۱: تهدید تجزیه‌طلبی واقعی بود - خمینی مجبور بود از تمامیت ارضی دفاع کند.

تذ ۲: بحران کردستان بهانه‌ای برای تقویت سپاه و حذف گروه‌های چپ در منطقه بود.

تذ ۳: رویارویی نظامی خمینی را متقاعد کرد که «نظارت ارشادی» ناکافی است - فقیه باید فرمانده باشد.

تذ ۴: سپاه و نخبگان نظامی خمینی را متقاعد کردند راه‌حل نظامی تنها گزینه است.

۱۰،۹ توقیف مطبوعات: مرداد ۱۳۵۸

در مرداد ۱۳۵۸ - هم‌زمان با بحران کردستان و در فاصله کمی پس از ترور مطهری و قری - موج توقیف مطبوعات آغاز شد:

^{۱۱} برنامه حزب دموکرات کردستان، بهار ۱۳۵۸. همچنین: Bakhsh (1984), pp. 108-115.

^{۱۲} صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۵-۲۸۰.

#	نشریه	گرایش	تاریخ توقیف	اتهام
۱	آیندگان	لیبرال-مستقل	۱۶ مرداد ۵۸	«ضدانقلاب» و «صهیونیستی»
۲	میزان	ملی-مذهبی (هوادار شریعتمداری)	شهریور ۵۸	«تفرقه افکنی»
۳	پیغام امروز	ملی-دموکرات	شهریور ۵۸	«توهین به اسلام»
۴	دهها نشریهٔ دیگر	متنوع	مرداد-آبان ۵۸	متنوع

جدول ۴،۹: نمونه‌هایی از مطبوعات توقیف شده در ۱۳۵۸

خمینی و آزادی مطبوعات

خمینی در واکنش به اعتراض‌ها دربارهٔ توقیف مطبوعات گفت: «آزادی غربی فساد است... ما آزادی اسلامی می‌خواهیم... این روزنامه‌ها پایگاه ضدانقلاب شده بودند.»^۹ مقایسه کنید با مصاحبهٔ پاریس: «آزادی مطبوعات و احزاب تضمین خواهد شد.» فاصله: کمتر از ۱۰ ماه.

^۹صحیفهٔ امام، ج ۹، ص ۳۱۰-۳۱۵.

۱۱،۹ جدول تطبیقی: بحران‌های ۱۳۵۸ و پاسخ خمینی

بحران	واکنش خمینی	تز ۱ (صداقت)	تز ۲ (خدعه)	تز ۴ (نخبگان)
ترور قرنی (فروردین)	تقویت سپاه	واکنش طبیعی	بهانه برای نهادسازی موازی	ابتکار سپاه، تأیید خمینی
ترور مطهری (اردیبهشت)	فرمان خلع سلاح	دفاع از انقلاب	خلع سلاح رقبا	سپاه خواست، خمینی فرمان داد
شورش کردستان (بهار)	فتوای جهاد	دفاع از تمامیت ارضی	تقویت سپاه + حذف چپ	نظامیان متقاعد کردند
توقیف مطبوعات (مرداد)	تأیید توقیف	مقابله با «فساد»	حذف صداهای منتقد	حزب ج.ا. اجرا کرد
ترور مفتاح (آذر)	تشدید سرکوب	واکنش به تهدید ادامه‌دار	تکمیل چرخهٔ سرکوب	نهادهای امنیتی قوی‌تر شدند

جدول ۵،۹: بحران‌های ۱۳۵۸ و تفسیرهای رقیب از واکنش خمینی

۱۲،۹ ارزیابی: آیا بحران‌های ۱۳۵۸ تمرکز قدرت را «اجتناب‌ناپذیر» کردند؟

ارزیابی تطبیقی

آزمون فکری (*thought experiment*): اگر ترورهای فرقان و شورش کردستان رخ نمی‌داد، آیا مسیر تمرکز قدرت متفاوت می‌بود؟

پاسخ تز ۱ (صداقت):

بله. بدون بحران، خمینی به قم می‌رفت و نقش ارشادی ایفا می‌کرد. بحران‌ها او را مجبور کردند.

پاسخ تز ۲ (خدعه):

نه. مسیر تمرکز از قبل طراحی شده بود. بحران‌ها فقط آن‌را تسریع کردند. اگر فرقان نبود، بهانه دیگری پیدا می‌شد.

پاسخ تز ۳ (تکامل):

بحران‌ها کاتالیزور بودند - بدون آن‌ها، تکامل فکری خمینی ممکن بود کندتر باشد اما جهت آن همان بود.

پاسخ تز ۴ (نخبگان):

بحران‌ها فرقی نمی‌کرد. نخبگان (سپاه، حزب ج.ا.) از هر بحرانی بهره‌برداری می‌کردند - یا بحران می‌ساختند.

ارزیابی نهایی: شواهد نشان می‌دهد بحران‌ها لازم بودند اما کافی نبودند. فرایند تمرکز قدرت قبل از ترورها شروع شده بود (مهندسی مجلس خبرگان، نهادسازی موازی) و بعد از آن‌ها نیز ادامه یافت. بحران‌ها تسریع‌کننده بودند نه علت اصلی.

۱۳،۹ جمع‌بندی فصل نهم

خلاصه فصل ۹

- گروه فرقان یک سازمان کوچک با ایدئولوژی التقاطی بود که سه ترور مهم (قرنی، مطهری، مفتاح) انجام داد.
- ترورها بهانه‌ای مهم برای تقویت نهادهای انقلابی، خلع سلاح عمومی، و توقیف مطبوعات فراهم کرد.
- هم‌زمان، بحران کردستان بُعد نظامی به تمرکز قدرت افزود.

- هر چهار تز تفسیر متفاوتی از نقش بحران‌ها دارند - اما شواهد بیشتر با این نتیجه سازگار است که بحران‌ها تسریع‌کننده بودند نه علت اصلی تمرکز قدرت.
- ترور مطهری ممکن است تأثیر روان‌شناختی عمیقی بر خمینی داشته باشد (تز سوم).
- نهادهای امنیتی (سپاه، دادگاه‌های انقلاب) بیشترین بهره را از بحران‌ها بردند (تز چهارم).
- فاصلهٔ وعده‌های پاریس با واقعیت ۱۳۵۸ - به‌ویژه در حوزهٔ آزادی مطبوعات و حقوق متهمان - تا پایان سال اول انقلاب آشکار شده بود.

- پایان فصل‌های ۶ تا ۹ (Segment 2) -

ادامۀ کتاب در بخش ۳ (Segment 3): فصل‌های ۱۰ تا ۱۲

گروگان‌گیری سفارت آمریکا، جنگ ایران و عراق، مجاهدین خلق و بنی‌صدر

فصل ۱۰

گروگان‌گیری سفارت آمریکا و بازتاب‌های داخلی

چکیده فصل

اشغال سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» و گروگان‌گیری ۵۲ دیپلمات آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز، یکی از سرنوشت‌سازترین رویدادهای پس از انقلاب بود. این بحران - فراتر از بُعد بین‌المللی اش - پیامدهای داخلی عمیقی داشت: استعفای دولت موقت بازرگان، تسریع فراندوم قانون اساسی، تضعیف جناح لیبرال-میانه‌رو، و تثبیت گفتمان «ضدآمریکایی» به عنوان هویت محوری نظام. این فصل به بازسازی رویداد، بازیگران آن، و تحلیل نقش خمینی از منظر تزه‌های چهارگانه می‌پردازد.

۱،۱۰ بافت: چرا سفارت آمریکا؟

۱،۱،۱۰ پیشینه تاریخی

رابطه ایران و آمریکا سابقه‌ای طولانی و پیچیده داشت. سه رویداد کلیدی در حافظه جمعی ایرانیان نقش محوری داشتند:

۱. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: سازمان *CIA* و *MI6* دولت ملی مصدق را سرنگون کردند و شاه را بازگرداندند. این کودتا زخم تاریخی عمیقی بر جای گذاشت.^۱

۲. حمایت آمریکا از شاه: آمریکا طی ۲۵ سال حامی اصلی رژیم پهلوی بود - از فروش سلاح تا آموزش ساواک.

۳. پذیرش شاه در آمریکا (مهر ۱۳۵۸): ورود محمدرضا شاه به نیویورک برای «درمان» سرطان، موجی از خشم عمومی در ایران ایجاد کرد. بسیاری ایرانیان ترسیدند که سناریوی ۱۳۳۲ تکرار شود: آمریکا

¹Ervand Abrahamian, *The Coup: 1953, the CIA, and the Roots of Modern U.S.-Iranian Relations*, New York: The New Press, 2013.

شاه را بازگرداند.^۲

۲،۱،۱۰ سفارت آمریکا: «لانه جاسوسی»

سفارت آمریکا در تهران بزرگ‌ترین نمایندگی دیپلماتیک آمریکا در خاورمیانه بود - با حدود ۷۰ کارمند. پس از انقلاب، سفارت با کادر محدودتری به کار ادامه داد. اما انقلابیون معتقد بودند سفارت مرکز جاسوسی و توطئه است:

▶ اسناد بعداً منتشرشده نشان داد سفارت فعالیت‌های اطلاعاتی داشت (هرچند این برای هر سفارت بزرگ عادی است).^۳

▶ ملاقات بازرگان و وزیر خارجه‌اش (یزدی) با برژینسکی (مشاور امنیت ملی آمریکا) در الجزایر (آبان ۱۳۵۸) شک‌ها را تقویت کرد.^۴

۲،۱،۱۰ ۱۳ آبان ۱۳۵۸: اشغال سفارت

۱،۲،۱۰ بازیگران: «دانشجویان خط امام»

گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران - که خود را «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» نامیدند - در صبح ۱۳ آبان ۱۳۵۸ از دیوارهای سفارت بالا رفتند و آن را اشغال کردند. ۵۲ دیپلمات و کارمند آمریکایی گروگان گرفته شدند.^۵

پرسش کلیدی: آیا هماهنگی قبلی وجود داشت؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های حل‌نشده: آیا گروگان‌گیری خودجوش بود یا هماهنگ شده؟
شواهد له خودجوش بودن:

✓ دانشجویان بعدها ادعا کردند عمل‌شان خودجوش بود.

✓ خمینی در ابتدا واکنش فوری نشان نداد - ظاهراً خبر نداشت.^a

شواهد له هماهنگ بودن:

× حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها - عضو حزب جمهوری اسلامی و روحانی ناظر بر دانشجویان - نقش هماهنگ‌کننده داشت.^b

× زمان‌بندی «اتفاقی» نبود: درست پس از ملاقات بازرگان-برژینسکی - گویی قصد تخریب دولت موقت وجود داشت.

²Mark Bowden, *Guests of the Ayatollah* (2006), pp. 3-15.

^۳دانشجویان پس از اشغال، اسناد خردشده را بازسازی و منتشر کردند: مجموعه «اسناد لانه جاسوسی»، چندین جلد.

⁴Bowden (2006), pp. 16-25.

⁵Bowden (2006), pp. 30-60.

- × سرعت تأیید خمینی (ظرف ۲۴ ساعت) مشکوک است - رویدادی به این بزرگی نیاز به مشورت داشت.
- × عباس عبدی (از دانشجویان خط امام) سال‌ها بعد اعتراف کرد برنامه‌ریزی هفته‌ها قبل شروع شده بود.^c

^a این ادعا محل مناقشه است. احمد خمینی بعدها در مصاحبه‌ای گفت «امام از قبل اطلاع نداشتند.» اما شواهد دیگر این ادعا را زیر سؤال می‌برد.

^bBakhash (1984), pp. 134–140.

^cBowden (2006), pp. 40–45; BBC Persian, ۱۳۸۳.

۲،۲،۱۰ واکنش خمینی: تأیید و تبدیل به «انقلاب دوم»

خمینی ظرف ۲۴ ساعت گروگان‌گیری را تأیید کرد و آن را «انقلاب دوم» و «انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول» نامید:

نقل قول‌های کلیدی خمینی درباره گروگان‌گیری

۱. «این انقلاب دوم است... انقلاب بزرگ‌تر از اول»^a

۲. «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»^b

۳. «اگر آمریکا شاه را تحویل دهد، گروگان‌ها آزاد می‌شوند»^c

۴. «این دانشجویان فرزندان من هستند... کار بزرگی کرده‌اند»^d

^aصحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

^bصحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۸۵. این جمله یکی از معروف‌ترین اظهارات خمینی شد.

^cصحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۰.

^dصحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۳،۱۰ پیامدهای داخلی: زلزله سیاسی

۱،۳،۱۰ پیامد ۱: استعفای بازرگان

مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، در ۱۵ آبان ۱۳۵۸ - دو روز پس از گروگان‌گیری - استعفا داد:

نامه استعفای بازرگان

«حضرت آیت‌الله خمینی... با توجه به وقایع اخیر و دخالت‌هایی که در امور دولت می‌شود و مسئولیت‌هایی که بدون اختیار بر عهده ماست... استعفای خود و هیئت دولت را تقدیم می‌کنم»^a

^a متن استعفانامه بازرگان، ۱۵ آبان ۱۳۵۸. منتشر شده در روزنامه‌های آن دوره.

اهمیت استعفای بازرگان

استعفای بازرگان نقطه عطف بود:

۱. آخرین لیبرال در رأس قدرت اجرایی حذف شد.
۲. دولت موقت - تنها نهاد سازگار با وعده‌های پاریس - سقوط کرد.
۳. شورای انقلاب عملاً تمام قدرت اجرایی و قانون‌گذاری را به دست گرفت.
۴. خمینی هیچ تلاشی برای حفظ بازرگان نکرد - بلکه استعفا را پذیرفت و دولت جدیدی منصوب نکرد.
۵. از این لحظه، ایران عملاً بدون نخست‌وزیر و بدون دولت رسمی اداره شد - تا انتخابات ریاست‌جمهوری بهمن ۱۳۵۸.

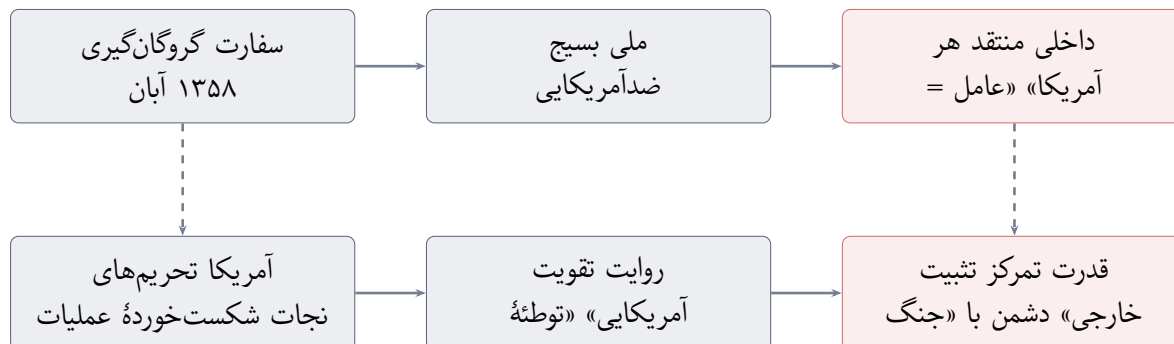
۲،۳،۱۰ پیامد ۲: تسریع فرماندوم قانون اساسی

فرماندوم قانون اساسی (که ولایت فقیه در آن گنجانده شده بود) در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ - یعنی کمتر از یک ماه پس از گروگان‌گیری - برگزار شد. فضای «بسیج ملی» ناشی از بحران گروگان‌گیری، فرصت بحث انتقادی درباره قانون اساسی را کاملاً از بین برد:

- ▶ هر مخالفتی با قانون اساسی مساوی شد با «خیانت به انقلاب» و «همکاری با آمریکا».
- ▶ شریعتمداری که خواستار تعویق فرماندوم بود، «عامل آمریکا» خوانده شد.
- ▶ نتیجه فرماندوم: ۵.۹۹٪ آری - عددی که بیشتر نشانه فقدان آزادی رأی است تا اجماع واقعی.^۶

۳،۳،۱۰ پیامد ۳: تقویت گفتمان «ضدآمریکایی»

گروگان‌گیری، «ضدآمریکاگرایی» را به هویت محوری نظام تبدیل کرد:



شکل ۱،۱۰: زنجیره پیامدهای گروگان‌گیری بر سیاست داخلی

^۶Schirazi (1997), pp. 36-40.

۴،۳،۱۰ پیامد ۴: عملیات نافرجام نجات (طبس)

در فروردین ۱۳۵۹، ارتش آمریکا عملیات نجات گروگان‌ها (*Operation Eagle Claw*) را اجرا کرد - که در صحرای طبس با شکست مواجه شد (سقوط هلیکوپترها، مرگ ۸ نظامی آمریکایی).^۷

واکنش خمینی به طبس

خمینی شکست عملیات را «معجزه الهی» و «دست خدا» نامید:
«خداوند طوفان شن فرستاد و دشمنان اسلام را نابود کرد... این معجزه نشان می‌دهد خدا با ماست.»^۸
این تفسیر «الهیاتی» از شکست آمریکا، کاریزمای خمینی را تقویت و روایت «حمایت الهی از انقلاب» را تثبیت کرد.

^۸ صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۰-۱۸۵.

۴،۱۰ تفسیرهای رقیب: گروگان‌گیری از منظر چهار تزر

چهار خوانش از گروگان‌گیری

تزر ۱ (صداقت + اجبار)

خمینی با ورود شاه به آمریکا واقعاً ترسید کودتای ۱۳۳۲ تکرار شود. تأیید گروگان‌گیری واکنش دفاعی بود. استعفای بازرگان «نتیجه جانبی» بود، نه هدف اصلی.

تزر ۲ (خدعه)

گروگان‌گیری - اگر نه طراحی شده توسط خمینی - حداقل با آگاهی و تأیید قبلی حلقه درونی انجام شد. هدف اصلی: حذف بازرگان و لیبرال‌ها، تسریع فراندوم قانون اساسی، و بازگشت ناپذیرسازی (*point of no return*) انقلاب. زمان بندی (پس از ملاقات بازرگان-برژینسکی) بیش از حد دقیق بود تا تصادفی باشد.

تزر ۳ (تکامل)

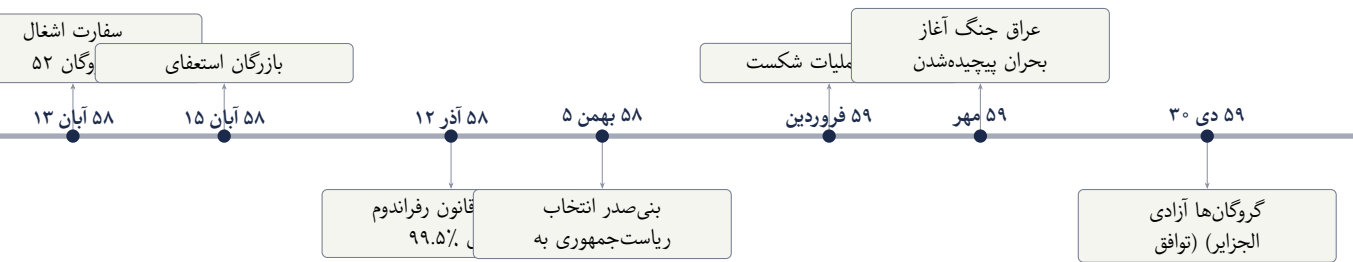
گروگان‌گیری و واکنش توده‌ها به خمینی نشان داد که «مردم رهبر می‌خواهند» - و این تجربه، اندیشه ولایت فقیه را در ذهن خمینی «تأیید» و تقویت کرد. خمینی دید که می‌تواند میلیون‌ها نفر را بسیج کند - و این کشف قدرت تحولی فکری ایجاد کرد.

تزر ۴ (فشار نخبگان)

دانشجویان خط امام عملاً ابزار حزب جمهوری اسلامی بودند. موسوی خوئینی‌ها (ناظر شرعی) عضو حزب بود. بهشتی و رفسنجانی از بحران بیشترین سود سیاسی را بردند. خمینی «تأیید» کرد - اما ابتکار عمل دست نخبگان بود.

^۷ Bowden (2006), pp. 350-390; همچنین: David Crist, *The Twilight War* (2012), pp. 50-65.

۵،۱۰ گاه‌شمار بحران گروگان‌گیری



شکل ۲،۱۰: گاه‌شمار بحران گروگان‌گیری (آبان ۱۳۵۸ - دی ۱۳۵۹)

۶،۱۰ مقایسهٔ وعده‌ها با واقعیت: بُعد بین‌المللی

موضوع	وعدۀ پاریس (۱۳۵۷)	واقعیت پس از گروگان‌گیری
رابطه با آمریکا	«دشمنی نداریم... روابط اقتصادی عادی»	قطع کامل روابط، شعار «مرگ بر آمریکا»
حقوق بین‌الملل	(اشاره‌ای نشده بود)	نقض آشکار کنوانسیون‌های وین دربارهٔ مصونیت دیپلماتیک
تصویر بین‌المللی	«جمهوری دموکراتیک»	دولت «گروگان‌گیر» در نظر جهان
سیاست خارجی	«روابط متقابل»	انزوای بین‌المللی، تحریم‌ها

جدول ۱،۱۰: وعده‌های بین‌المللی پاریس در برابر واقعیت پس از گروگان‌گیری

۷،۱۰ جمع‌بندی فصل دهم

خلاصۀ فصل ۱۰

- گروگان‌گیری سفارت (۱۳ آبان ۱۳۵۸) مهم‌ترین بحران بین‌المللی و تأثیرگذارترین رویداد بر سیاست داخلی پس از انقلاب بود.
- چهار پیامد کلیدی: سقوط بازرگان، تسریع رفراندوم، تقویت ضدآمریکاکرایی، و بازگشت ناپذیرسازی انقلاب.
- شواهد قابل‌توجهی بر هماهنگی قبلی حلقهٔ درونی با دانشجویان وجود دارد - هرچند اثبات قطعی نیست.
- خمینی ظرف ۲۴ ساعت تأیید کرد - سرعتی که با «بی‌خبری» سازگار نیست.

■ ارزیابی: این بزنگاه بیشترین سازگاری را با تز دوم (خدعه/ابزارسازی) و تز چهارم (نخبگان) دارد.

■ تز اول (صداقت + ترس از کودتا) تبیین بخشی از انگیزه‌ها را ارائه می‌دهد اما نمی‌تواند پیامدهای «مطلوب» سیاسی بحران را توضیح دهد.

فصل ۱۱

جنگ ایران و عراق: تهدید خارجی و تمرکز قدرت

چکیده فصل

تهاجم ارتش عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغازگر جنگی هشت‌ساله شد که نزدیک به یک میلیون کشته بر جای گذاشت. این جنگ عمیق‌ترین تأثیر را بر ساختار قدرت در ایران داشت: تقویت سپاه پاسداران، تثبیت خمینی به‌عنوان فرمانده‌کل، حاشیه‌نشینی مخالفان تحت عنوان «خیانت در جنگ»، و تبدیل «دفاع مقدس» به مشروعیت‌ساز نظام. این فصل به بررسی رابطه جنگ با فرایند تمرکز قدرت و تفسیرهای رقیب از نقش خمینی می‌پردازد.

۱،۱۱ بافت: چرا صدام حمله کرد؟

صدام حسین چندین انگیزه برای تهاجم داشت:

۱. اختلافات مرزی: اروندرود (شط‌العرب) و مناطق مرزی خوزستان.
۲. ترس از «صدور انقلاب»: خمینی صراحتاً از صدور انقلاب اسلامی به عراق سخن گفته بود - و عراق اکثریت شیعه داشت.^۱
۳. ضعف نظامی ایران: ارتش ایران پس از انقلاب پاکسازی شده، فرماندهانش اعدام یا فراری شده، و تسلیحاتش (عمدتاً آمریکایی) بدون قطعات یدکی مانده بود.
۴. جاه‌طلبی منطقه‌ای: صدام می‌خواست رهبر جهان عرب شود.^۲

^۱ صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۵۰: «ما انقلاب‌مان را به همه ملت‌های مسلمان صادر می‌کنیم.»

^۲ David Crist, *The Twilight War* (2012), pp. 70–90; همچنین Williamson Murray and Kevin Woods, *The Iran-Iraq*

War: A Military and Strategic History, Cambridge University Press, 2014.

نکته مهم: نقش «صدور انقلاب» خمینی

مدافعان تر دوم تأکید دارند که سخنان خمینی درباره «صدور انقلاب» - که از وعده‌های پاریس («روابط عادی با همسایگان») فاصله‌ای ۱۸۰ درجه‌ای داشت - مستقیماً در تحریک صدام به حمله نقش داشت. به عبارت دیگر، بخشی از «اجبار جنگ» ناشی از سیاست‌های خود خمینی بود - نه صرفاً تهاجم خارجی.

۲،۱۱ جنگ و تمرکز قدرت: مکانیسم‌ها

۱،۲،۱۱ مکانیسم ۱: خمینی به عنوان فرمانده کل

قانون اساسی (مصوب آذر ۱۳۵۸) فرماندهی کل نیروهای مسلح را به ولی فقیه داده بود. جنگ این اصل را از حالت نظری به واقعیت عملی تبدیل کرد:

► شورای عالی دفاع (به ریاست رئیس جمهور بنی صدر) تشکیل شد - اما تصمیمات نهایی با خمینی بود.

► خمینی مستقیماً در تصمیمات نظامی مداخله کرد: از ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر (خرداد ۱۳۶۱) تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (تیر ۱۳۶۷).^۳

► رئیس جمهور (ابتدا بنی صدر، سپس خامنه‌ای) در عمل فرماندهی واقعی نداشت.^۴

۲،۲،۱۱ مکانیسم ۲: تقویت سپاه در برابر ارتش

جنگ فرصتی طلایی برای سپاه پاسداران فراهم کرد:

شاخص	ارتش (ارث پهلوی)	سپاه پاسداران
مشروعیت	«ارتش شاهنشاهی» - مشکوک	«ارتش انقلاب» - مشروع
فرماندهی	تحت رئیس جمهور (ضعیف)	تحت ولی فقیه (قوی)
ایدئولوژی	حرفه‌ای-ملی	ایدئولوژیک-مذهبی
نیروی انسانی اولیه	حرفه‌ای (اما پاکسازی شده)	داوطلب (بسیج)
منابع مالی	بودجه دولتی	بودجه دولتی + وجوهات شرعی + بنیادها
تسلیمات	غربی (بدون یدکی)	ترکیبی (بازار سیاه + چین + کره شمالی)
نقش پس از جنگ	حاشیه‌نشین‌تر	قدرتمندترین نهاد نظامی-اقتصادی

^۳ خمینی پذیرش قطعنامه را «نوشیدن جام زهر» نامید - عبارتی که نشان‌دهنده اکراه شدید اوست. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۵.

^۴ Crist (2012), pp. 100-130.

شاخص	ارتش (ارث پهلوی)	سپاه پاسداران
------	------------------	---------------

جدول ۱،۱۱: مقایسه ارتش و سپاه در دوره جنگ

۳،۲،۱۱ مکانیسم ۳: «جنگ» به عنوان ابزار سرکوب مخالفان

جنگ مفهوم «خیانت» را به ابزاری بی‌رقیب برای حذف مخالفان تبدیل کرد:

«خیانت در جنگ» - مفهومی کشدار

- ▶ هر نقد سیاسی = «تضعیف روحیه رزمندگان» = خیانت.
- ▶ هر درخواست مذاکره صلح = «تسلیم در برابر دشمن» = خیانت.
- ▶ هر اعتراض خیابانی = «آشوب در زمان جنگ» = خیانت.
- ▶ هر فعالیت حزبی مستقل = «تفرقه در زمان وحدت» = خیانت.

۴،۲،۱۱ مکانیسم ۴: ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر

بزنگاه خرمشهر - خرداد ۱۳۶۱

آزادسازی خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ نقطه عطفی بود: ارتش عراق عملاً شکست خورده و صدام آماده مذاکره بود. جهان (از جمله شورای امنیت) خواستار آتش‌بس شد. بنی‌صدر (پیش از عزل) و بازرگان خواستار پذیرش صلح بودند.

اما خمینی تصمیم گرفت جنگ را ادامه دهد - با هدف سرنگونی صدام و «آزادسازی قدس از طریق کربلا»^a این تصمیم - که شش سال جنگ اضافی و صدها هزار کشته دیگر به همراه داشت - یکی از بحث‌برانگیزترین اقدامات خمینی است.

^a صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۸۰: «جنگ باید ادامه یابد... راه قدس از کربلا می‌گذرد.»

تفسیرهای رقیب از ادامه جنگ

تز ۱ (صداقت + اجبار):

خمینی واقعاً معتقد بود صدام باید سرنگون شود تا امنیت ایران تضمین شود. این یک محاسبه استراتژیک بود، نه ابزار سیاسی.

تز ۲ (خدعه):

ادامه جنگ ابزار تثبیت قدرت داخلی بود. تا جنگ ادامه داشت، هر مخالفتی «خیانت» بود. صلح = بازگشت پرسش‌ها درباره ساختار نظام.

تز ۳ (تکامل):

پیروزی خرمشهر «تأیید الهی» خمینی را تقویت کرد و او را متقاعد ساخت مأموریتی فراتر از مرزها دارد - «تکامل» از رهبر ملی به رهبر امت اسلامی.

تز ۴ (نخبگان):

سپاه از ادامه جنگ بیشترین سود (بودجه، نیرو، قدرت) را می برد. فرماندهان سپاه خمینی را متقاعد کردند «پیروزی نزدیک است».

۳،۱۱ جنگ و وعده‌های پاریس: ارزیابی تطبیقی

محور	وعدۀ پاریس	واقعیت دوره جنگ
نقش خمینی	«مقامی نخواهم داشت»	فرمانده کل نیروهای مسلح (عملاً و قانوناً)
رابطه با همسایگان	«روابط عادی»	جنگ ۸ ساله + صدور انقلاب
ارتش	(اشاره‌ای نشده)	ارتش حاشیه‌ای + سپاه قدرتمند
آزادی سیاسی	«آزادی احزاب و مطبوعات»	«هر نقد = خیانت در جنگ»
حکومت متخصصان	«حکومت دست متخصصان»	تصمیمات نظامی-سیاسی توسط ولی فقیه و روحانیون

جدول ۲،۱۱: وعده‌های پاریس در برابر واقعیت دوره جنگ

۴،۱۱ جمع‌بندی فصل یازدهم

خلاصۀ فصل ۱۱

- جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) عمیق‌ترین تأثیر را بر تمرکز قدرت داشت.
- چهار مکانیسم: فرماندهی خمینی، تقویت سپاه، سرکوب مخالفان، و ادامه جنگ.
- تصمیم به ادامه جنگ پس از خرمشهر (۱۳۶۱) یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های تحلیلی است.
- نقش «صدور انقلاب» (سیاست خود خمینی) در تحریک عراق نباید نادیده گرفته شود.
- ارزیابی: جنگ قوی‌ترین شاهد تز اول (اجبار خارجی) و هم‌زمان قوی‌ترین ابزار تز دوم (بهربرداری از بحران) است. حقیقت احتمالاً ترکیبی از هر دوست.

فصل ۱۲

مجاهدین خلق، بنی صدر، و تصفیه‌های داخلی

چکیده فصل

سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) سال تصفیه‌های نهایی بود: عزل بنی صدر (نخستین رئیس جمهور)، ورود مجاهدین خلق به فاز مسلحانه، ترور رجایی و باهنر، انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی (۷ تیر)، و آغاز موج اعدام‌های گسترده مخالفان سیاسی. پس از این سال، تمام رقبای جدی حذف شده بودند و ساختار ولایت فقیه بی‌رقیب تثبیت شده بود. این فصل به بازسازی این فرایند و تحلیل نقش خمینی در آن می‌پردازد.

۱،۱۲ بنی صدر: از ریاست جمهوری تا فرار

۱،۱،۱۲ انتخاب بنی صدر (بهمن ۱۳۵۸)

ابوالحسن بنی صدر در ۵ بهمن ۱۳۵۸ با حدود ۷۶٪ آرا به ریاست جمهوری انتخاب شد - بالاترین درصد رأی در تاریخ انتخابات ایران.^۱ بنی صدر:

- ▶ اقتصاددان تحصیل کرده پاریس بود.
- ▶ از مشاوران نزدیک خمینی در نوفل لوشاتو بود.
- ▶ خمینی شخصاً از او حمایت کرده بود.
- ▶ دیدگاه «جمهوری خواهانه» داشت: رئیس جمهور باید بالاترین مقام باشد.

۲،۱،۱۲ تعارض بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی

از همان ماه‌های اول، تعارض میان بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی (حزب ج.ا.) آشکار شد:

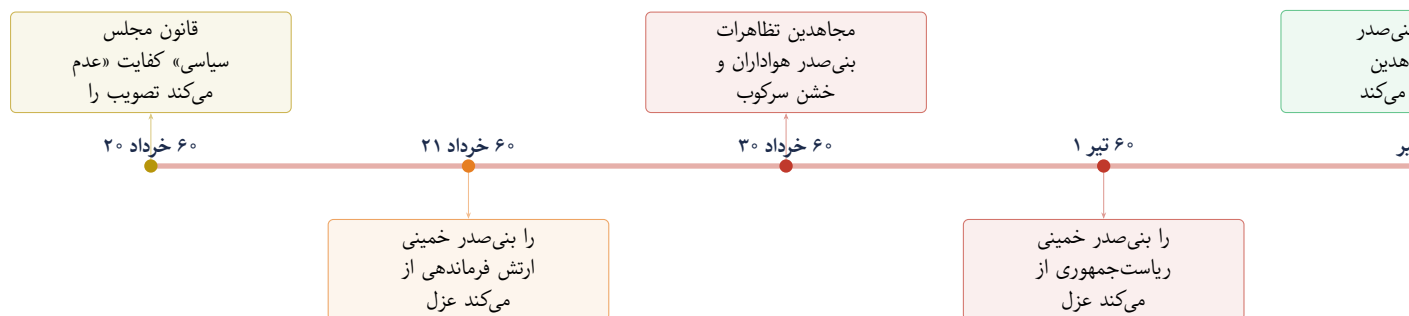
¹Bakhash (1984), pp. 130–135.

موضوع	موضع بنی صدر	موضع حزب ج.ا.
نقش رئیس جمهور	بالاترین مقام اجرایی؛ فرمانده ارتش	تابع ولی فقیه؛ فرماندهی واقعی با خمینی
نخست وزیر	بنی صدر خواستار انتخاب نخست وزیر خود بود	حزب ج.ا. رجایی را تحمیل کرد
جنگ	مذاکرۀ زود هنگام؛ فرماندهی حرفه ای	جنگ تا پیروزی؛ فرماندهی ایدئولوژیک
مجاهدین خلق	مذاکره و ادغام	سرکوب و حذف
مطبوعات	آزادی نسبی	کنترل کامل

جدول ۱،۱۲: تعارضات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی

۳،۱،۱۲ عزل بنی صدر (خرداد ۱۳۶۰)

فرایند عزل بنی صدر گام به گام بود:



شکل ۱،۱۲: فرایند عزل بنی صدر (خرداد-تیر ۱۳۶۰)

نقش خمینی در عزل بنی صدر

خمینی مستقیماً و شخصاً بنی صدر را عزل کرد - نه مجلس و نه قوه قضاییه. این اقدام:

۱. اولین استفاده عملی از اختیار ولی فقیه برای عزل رئیس جمهور بود.
۲. نشان داد «رأی ۷۶٪ مردم» در برابر اراده ولی فقیه بی اثر است.
۳. ثابت کرد ولایت فقیه فقط «نظارت» نیست بلکه حاکمیت واقعی است.^a

^a صحیفۀ امام، ج ۱۵، ص ۱۲۰-۱۳۵.

۲،۱۲ مجاهدین خلق: از فعالیت سیاسی تا مبارزۀ مسلحانه

۱،۲،۱۲ خاستگاه و ایدئولوژی

سازمان مجاهدین خلق ایران (MEK/PMOI) در ۱۳۴۴ تأسیس شد - سازمانی مسلح با ایدئولوژی اسلام انقلابی + مارکسیسم. پس از انقلاب:

- ▶ مجاهدین بزرگ‌ترین سازمان سیاسی-نظامی خارج از حلقهٔ خمینی بودند.
- ▶ مسعود رجوی رهبری سازمان را داشت.
- ▶ مجاهدین در انتخابات مجلس (۱۳۵۹) شرکت کردند اما عملاً از نتایج حذف شدند.^۲
- ▶ تا خرداد ۱۳۶۰ فعالیت‌شان «قانونی» بود - هرچند خشونت‌های خیابانی متقابل وجود داشت.

۲،۲،۱۲ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰: نقطهٔ شکست

مجاهدین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تظاهرات بزرگی در تهران (با حمایت بنی‌صدر) برگزار کردند. سرکوب خشن این تظاهرات نقطهٔ شکست بود: مجاهدین اعلام «مقاومت مسلحانه» کردند و موج عملیات مسلحانه آغاز شد.^۳ تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در تقویم جمهوری اسلامی به‌عنوان «سالروز شکست فتنهٔ منافقین» و در تقویم مجاهدین به‌عنوان «آغاز مقاومت» ثبت شده است.

۳،۲،۱۲ عملیات‌های مسلحانهٔ مجاهدین

پس از ۳۰ خرداد، مجاهدین سلسله عملیات‌هایی انجام دادند که ضربات سنگینی بر حلقهٔ درونی وارد کرد:

#	تاریخ	رویداد	قربانیان	پیامد سیاسی
۱	۷ تیر ۱۳۶۰	انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی	بهشتی + ۷۲ مقام ارشد	حذف «معمار» قانون اساسی
۲	۸ شهریور ۱۳۶۰	انفجار دفتر نخست‌وزیری	رجایی (رئیس‌جمهور) + باهنر (نخست‌وزیر)	بی‌سابقه: رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هم‌زمان
۳	پاییز ۱۳۶۰	ترورهای خیابانی پراکنده	ده‌ها مقام محلی، امام جمعه‌ها	فضای وحشت و سرکوب
۴	۱۳۶۰-۱۳۶۲	عملیات‌های متعدد در شهرها	صدها نفر (نظامی و غیرنظامی)	اعدام‌های گسترده در پاسخ

جدول ۲،۱۲: عملیات‌های مسلحانهٔ مجاهدین خلق (۱۳۶۰-۱۳۶۲)

^۲Abrahamian, *Radical Islam* (1989), pp. 170-220.

^۳Abrahamian, *Radical Islam* (1989), pp. 218-230.

انفجار ۷ تیر: لحظه‌ای تعیین‌کننده

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ یکی از مرگبارترین ترورهای سیاسی قرن بیستم بود: ۷۳ نفر از مقامات ارشد نظام - از جمله آیت‌الله بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب - کشته شدند.^a این رویداد:

۱. «معمار اصلی» ولایت فقیه در قانون اساسی را حذف کرد.
۲. موج همدردی و خشم عمومی ایجاد کرد.
۳. به بهانه‌ای برای سرکوب بی سابقه تبدیل شد.
۴. خمینی در واکنش گفت: «این‌ها [مجاهدین] بدتر از کفارند... منافق‌اند»^b

^a Bakhsh (1984), pp. 220-225. همچنین: Moin (1999), pp. 235-240.
^b صحیفۀ امام، ج ۱۵، ص ۲۴۰. از این لحظه، واژه «منافق» (= منافقین) جایگزین «مجاهدین خلق» در ادبیات رسمی شد.

۳،۱۲ موج اعدام‌ها: تابستان و پاییز ۱۳۶۰

۱،۳،۱۲ آمار و ابعاد

پس از عملیات‌های مسلحانۀ مجاهدین، موج اعدام‌هایی بی سابقه آغاز شد:

- ▶ بر اساس تخمین‌های مختلف، بین ۵۰۰/۲ تا ۱۰۰۰/۱۰ نفر در فاصلۀ خرداد ۱۳۶۰ تا اسفند ۱۳۶۱ اعدام شدند.^۴
- ▶ اعدام‌ها فقط شامل مجاهدین نبود - اعضای چریک‌های فدایی، حزب توده، پیکار، و حتی افراد بدون وابستگی سازمانی نیز اعدام شدند.
- ▶ بسیاری از اعدام‌شدگان نوجوان (زیر ۱۸ سال) بودند.^۵
- ▶ محاکمات چند دقیقه‌ای بود: «آیا مسلمانی؟ آیا نماز می‌خوانی؟ آیا از خمینی حمایت می‌کنی؟» پاسخ منفی = اعدام.^۶

^۴ آمار دقیق محل اختلاف شدید است. Amnesty International در گزارش ۱۹۸۲ رقم ۵۰۰/۲ را ذکر کرد. آبراهامیان رقم بالاتری (حدود ۱۰۰۰/۵) تخمین زده. مجاهدین خلق ادعای ۱۰۰۰/۱۰+ دارند. Abrahamian (1999), pp. 209-228.

^۵ Amnesty International, "Iran: Violations of Human Rights," 1982.

^۶ Abrahamian (1999), pp. 210-215. آبراهامیان بازسازی دقیقی از فرایند محاکمات ارائه داده است.

۲،۳،۱۲ نقش مستقیم خمینی

دستور خمینی برای اعدام‌ها

شواهد نشان می‌دهد خمینی مستقیماً در صدور حکم اعدام‌ها دخالت داشت:

۱. فرمان عمومی: خمینی در تیر ۱۳۶۰ فرمان «برخورد قاطع با منافقین» صادر کرد.^a
۲. تأیید اعدام نوجوانان: وقتی به خمینی گزارش دادند افراد زیر ۱۸ سال اعدام می‌شوند، واکنش منفی نشان نداد.^b
۳. انتصاب قاضیان: دادستان‌ها و حاکمان شرع دادگاه‌های انقلاب مستقیماً توسط خمینی منصوب می‌شدند.
۴. رد درخواست‌های رأفت: منتظری (جانشین تعیین‌شده خمینی) بارها از خمینی خواست رأفت نشان دهد - خمینی رد کرد.^c

^a صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵۵-۲۶۰.
^b خاطرات منتظری، فصل مربوط به ۱۳۶۰: «من به آقا [خمینی] گفتم جوان‌ها را اعدام نکنید. ایشان فرمودند: این‌ها محاربند.»
^c خاطرات آیت‌الله منتظری، چاپ اینترنتی، فصل‌های ۱۵-۱۸.

۳،۳،۱۲ اعدام‌های ۱۳۶۷: «کشتار زندانیان سیاسی»

فاجعه تابستان ۱۳۶۷

در تابستان ۱۳۶۷ - بلافاصله پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ - خمینی فرمان اعدام زندانیان سیاسی را صادر کرد. بر اساس این فرمان:

- «هیئت‌های مرگ» (ترکیبی از یک قاضی شرع، یک نماینده دادستان، و یک نماینده وزارت اطلاعات) در زندان‌ها تشکیل شد.
- زندانیانی که سال‌ها حکم‌شان را گذرانده بودند، دوباره «محاكمه» شدند.
- پرسش اصلی: «آیا هنوز به سازمان [مجاهدین] وفادارید؟» پاسخ مثبت = اعدام.
- تخمین‌ها از ۸۰۰/۲ تا ۵۰۰/۵ نفر متغیر است.
- اعدام‌ها شامل اعضای مجاهدین، چپ‌ها (توده، فدایی، پیکار)، و حتی بی‌طرف‌ها بود.^a

متن فرمان خمینی (منتشرشده توسط منتظری):

«کسانی که در زندان‌ها... بر سر موضع نفاق خود هستند، محاربند و حکمشان اعدام است... رحم بر محاربین ساده‌لوحی است.»^b

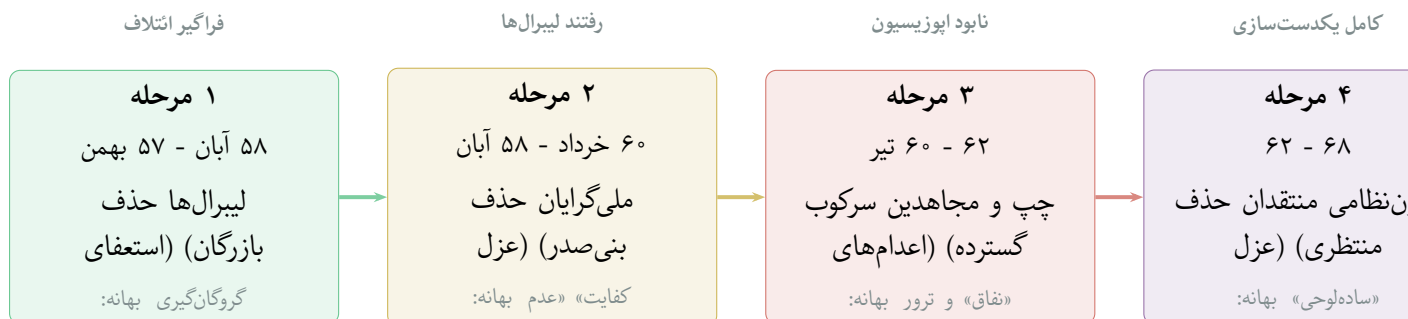
^a Geoffrey Robertson, *The Massacre of Political Prisoners in Abrahamic Iran* (1999), pp. 209–228; *Iran*, 1988, London: Boroumand Foundation, 2010.
^b متن فتوای خمینی، منتشرشده در خاطرات منتظری و تأییدشده توسط چندین منبع. Robertson (2010), pp. 40–55.

منتظری و اعتراض به اعدام‌ها

آیت‌الله حسینعلی منتظری - جانشین رسمی خمینی - یکی از معدود افرادی بود که به اعدام‌های ۱۳۶۷ اعتراض کرد. او در نامه‌هایی به خمینی نوشت:
«آقا، اعدام چند هزار نفر در چند روز... جهان ما را محکوم خواهد کرد... این با اسلام سازگار نیست.»^a
نتیجۀ اعتراض منتظری: عزل از جانشینی (فروردین ۱۳۶۸) و حصر خانگی تا پایان عمر. خمینی در نامه‌ای به منتظری نوشت: «شما ساده‌لوح هستید... منافقین شما را فریب داده‌اند.»^b

^a نامه‌های منتظری به خمینی، منتشرشده در خاطرات منتظری، ص ۴۲۰–۴۴۵.
^b صحیفۀ امام، ج ۲۱، ص ۳۳۰–۳۳۵.

۴،۱۲ فرایند تصفیه: گام به گام تا تمرکز کامل



شکل ۲،۱۲: چهار مرحله تصفیه و تمرکز قدرت (۱۳۵۷–۱۳۶۸)

۵،۱۲ تفسیرهای رقیب: تصفیه‌ها از منظر چهار تز

چهار خوانش از فرایند تصفیه

تز ۱ (صداقت + اجبار)

هر مرحله تصفیه واکنش به یک تهدید واقعی بود: گروگان‌گیری (ت) بازرگان مجبور به استعفا شد؛ نا کارآمدی بنی‌صدر (ت) عزل ضروری بود؛ ترورهای مجاهدین (ت) سرکوب اجتناب‌ناپذیر بود؛ اشتباهات

منتظری ^ع عزل لازم بود. خمینی هر بار «ناچار» بود.

نقد: اگر چهار بار پشت سر هم «ناچار» به حذف رقیب بشوید و هر بار قدرت‌تان بیشتر شود، آیا واقعاً «ناچار» بودید یا الگویی وجود دارد؟

تز ۲ (خدعه)

تصفیه‌ها بخشی از طرح بلندمدت بودند: ابتدا از لیبرال‌ها استفاده کن (بازرگان)، سپس حذف‌شان کن؛ سپس از ملی‌گرایان استفاده کن (بنی‌صدر)، سپس حذف‌شان کن؛ سپس از خود مجاهدین برای ایجاد «بهانهٔ سرکوب» بهره ببر. هر مرحله بهانه‌اش مختلف بود اما نتیجه یکسان: تمرکز بیشتر.

نقد: فرض «طرح بلندمدت» نیازمند فرض یک «ذهن تمام‌بین» است - آیا واقعاً خمینی (یا حلقهٔ درونی) تا این حد طراحی کرده بودند؟

تز ۳ (تکامل)

هر بحران، خمینی را یک قدم بیشتر متقاعد کرد که تمرکز قدرت ضروری است. ناکارآمدی بازرگان ^ع «لیبرال‌ها نمی‌توانند»؛ شکست بنی‌صدر ^ع «ملی‌گرایان نمی‌فهمند»؛ ترورهای مجاهدین ^ع «رحم ضعف است»؛ اعتراض منتظری ^ع «حتی نزدیک‌ترین‌ها خطا می‌کنند». تکامل فکری مستمر.

نقد: هر بار «تکامل» دقیقاً در جهت تمرکز بیشتر قدرت بود - آیا این «تکامل» است یا «منفعت‌طلبی»؟

تز ۴ (فشار نخبگان)

تصفیه‌ها محصول رقابت جناحی بودند: بهشتی علیه بازرگان؛ حزب ج.ا. علیه بنی‌صدر؛ سپاه علیه مجاهدین؛ خامنه‌ای و رفسنجانی علیه منتظری. خمینی در هر مرحله «داور» بود - و داوری‌اش همواره به سود جناح وفادارتر به خودش بود.

نقد: «داوری همیشه یک‌طرفه» خودش نشانهٔ موضع‌گیری آگاهانه است - نه بی‌طرفی.

۶،۱۲ مجاهدین خلق: ارزیابی انتقادی

تحفظ اخلاقی و تحلیلی

ارزیابی نقش مجاهدین خلق نیازمند توازن است:

- عملیات‌های مسلحانهٔ مجاهدین (به‌ویژه ترورهای ۷ تیر و ۸ شهریور) قربانیان بسیاری داشت و از نظر حقوقی و اخلاقی محکوم‌کردنی است.
- اما واکنش نظام (اعدام‌های گسترده، شکنجه، کشتار ۱۳۶۷) نیز نامتناسب و ناقض حقوق بشر بود.
- هر دو طرف مسئولیت دارند - اما مسئولیت حکومت به‌دلیل برخورداری از قدرت دولتی و مسئولیت حفاظت از شهروندان، سنگین‌تر است.

- مجاهدین بعدها به عراق رفتند و در کنار صدام علیه ایران جنگیدند (عملیات فروغ جاویدان / مرصاد، ۱۳۶۷) - عملی که اعتبارشان را حتی نزد بسیاری از مخالفان نظام از بین برد.^a

^aAbrahamian, Radical Islam (1989), pp. 245-260.

۱۲، ۶ آیا خشونت مجاهدین «اجتناب‌ناپذیر» بود؟

پرسش ضدواقعی (counterfactual)

اگر مجاهدین در خرداد ۱۳۶۰ مبارزۀ مسلحانۀ را شروع نمی‌کردند، آیا مسیر تمرکز قدرت متفاوت می‌بود؟

احتمال اول:

بله - بدون خشونت مجاهدین، بهانۀ سرکوب وجود نداشت و فضای سیاسی بازتر می‌ماند.

احتمال دوم:

خیر - بنی‌صدر در هر صورت عزل می‌شد (فرایند عزل قبل از ۳۰ خرداد شروع شده بود). بهانۀ دیگری پیدا می‌شد. تمرکز قدرت «منطق ساختاری» داشت نه «بهانه‌ای».

ارزیابی:

شواهد بیشتر با احتمال دوم سازگار است - عزل بنی‌صدر قبل از عملیات مسلحانۀ مجاهدین آغاز شده بود. اما خشونت مجاهدین مسلماً فرایند سرکوب را تشدید و گسترش داد.

۱۲، ۷ جدول تطبیقی نهایی: وعده‌ها در برابر واقعیت ۱۳۶۰

#	محور	وعدۀ پاریس (۱۳۵۷)	واقعیت (تا پایان ۱۳۶۰)
۱	نقش خمینی	«مقامی نخواهم داشت»	ولی فقیه، فرمانده‌کل، عزل‌کنندۀ رئیس‌جمهور
۲	حکومت روحانیون	«روحانیون حکومت نخواهند کرد»	رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس‌قوه قضاییه، رئیس‌مجلس - همه روحانی
۳	آزادی احزاب	«آزادی همه، حتی کمونیست‌ها»	تمام احزاب غیرحکومتی ممنوع یا سرکوب شده
۴	آزادی مطبوعات	«مطبوعات آزاد»	ده‌ها نشریه توقیف؛ فقط رسانه‌های حکومتی
۵	حقوق متهمان	«عدالت برای همه»	اعدام‌های بدون وکیل، بدون استیناف

#	محور	وعده پاریس (۱۳۵۷)	واقعیت (تا پایان ۱۳۶۰)
۶	دموکراسی	«مردم تصمیم می‌گیرند»	ولی فقیه رئیس‌جمهور منتخب ۷۶٪ را عزل کرد
۷	رابطه با غرب	«روابط عادی»	قطع کامل با آمریکا، انزوای بین‌المللی
۸	بازگشت به قم	«به قم بر می‌گردم»	مقر دائمی در جماران (شمال تهران)
۹	حقوق اقلیت‌ها	«حقوق همه محفوظ»	سرکوب بهائیان، محدودیت سنی‌ها
۱۰	حکومت متخصصان	«حکومت دست متخصصان»	تصمیم‌گیری توسط فقها و نظامیان

جدول ۳، ۱۲: جدول تطبیقی نهایی: ده محور وعده در برابر واقعیت (تا پایان ۱۳۶۰)

نتیجه‌گیری اولیه

در تمام ده محور، واقعیت تا پایان ۱۳۶۰ (سه سال پس از وعده‌ها) با وعده‌های پاریس در تضاد کامل قرار داشت. این تضاد صرفاً جزئی یا تاکتیکی نبود - بلکه ساختاری و بنیادین بود: نوع حکومتی که شکل گرفت، دقیقاً نقطه مقابل نوع حکومتی بود که وعده داده شده بود.

۸، ۱۲ عزل منتظری و یکدست‌سازی نهایی (فروردین ۱۳۶۸)

آخرین مرحله تصفیه، عزل آیت‌الله منتظری از جانشینی خمینی بود. منتظری:

- ▶ از ۱۳۶۴ رسماً «قائم‌مقام رهبری» (جانشین) بود.
- ▶ به تدریج منتقد شد: از اعدام‌ها، از سرکوب مطبوعات، و از تمرکز قدرت.
- ▶ اعتراضش به کشتار ۱۳۶۷ آخرین قطره بود.
- ▶ خمینی در فروردین ۱۳۶۸ او را عزل کرد.^۷

اهمیت عزل منتظری

عزل منتظری به دو دلیل مهم است:

۱. نشان داد حتی نزدیک‌ترین یار خمینی اگر منتقد شود حذف می‌شود.
۲. باعث شد پس از مرگ خمینی (خرداد ۱۳۶۸)، علی خامنه‌ای - که نه مرجع تقلید بود و نه

^۷ صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۰-۳۴۰.

سابقهٔ فقهی کافی داشت - ولی فقیه شود. یعنی عزل منتظری مسیر تاریخ ایران را تغییر داد.^a

^aMoin (1999), pp. 280-295.

۹،۱۲ جمع‌بندی فصل دوازدهم و بخش دوم

خلاصهٔ فصل ۱۲ و بخش دوم

- سال ۱۳۶۰ سال تصفیه‌های نهایی بود: عزل بنی‌صدر، سرکوب مجاهدین، موج اعدام‌ها.
- خمینی مستقیماً در عزل بنی‌صدر و صدور فرمان اعدام‌ها نقش داشت - نه صرفاً «تأییدکننده».
- عملیات‌های مسلحانهٔ مجاهدین بهانهٔ مهمی برای سرکوب فراهم کرد - اما فرایند تمرکز قبل از آن شروع شده بود.
- کشتار ۱۳۶۷ با فرمان مستقیم خمینی انجام شد - و اعتراض منتظری به عزل او منجر شد.
- جدول تطبیقی نهایی نشان می‌دهد: در تمام ده محور، واقعیت ۱۳۶۰ نقیض وعده‌های ۱۳۵۷ است.
- نتیجه‌گیری بخش دوم: بررسی تفصیلی هفت بزنگاه تاریخی (پاریس، بختیار، قانون اساسی، فرقان، گروگان‌گیری، جنگ، تصفیه‌ها) نشان می‌دهد الگوی ثابتی وجود دارد: در هر بزنگاه، خمینی گزینه‌ای را انتخاب کرد که به تمرکز بیشتر قدرت منجر شد. این الگو با تزه‌های دوم (خدعه) و چهارم (فشار نخبگان) بیشترین سازگاری را دارد - هرچند تز سوم (تکامل) نیز بخشی از تبیین را فراهم می‌کند. تز اول (صداقت + اجبار) ضعیف‌ترین عملکرد را در مجموع دارد.

- پایان بخش دوم (سیر حوادث و تحلیل تطبیقی) -

ادامهٔ کتاب در بخش سوم (Segment 4): فصل‌های ۱۳ تا ۱۶

تحلیل تطبیقی نهایی، خوانش‌های رقیب در بوتۀ نقد، وزن‌دهی شواهد، و نتیجه‌گیری

بخش سوم

ارزیابی نهایی و نتیجه‌گیری

فصل ۱۳

تحلیل تطبیقی: خمینی در هر بزنگاه چه کرد؟

چکیده فصل

این فصل بزنگاه‌های هفت‌گانه‌ای را که در فصل‌های ۶ تا ۱۲ بررسی شدند، در یک ماتریس تطبیقی واحد گرد هم می‌آورد. هدف آن است که الگوی رفتاری خمینی را در مجموع ببینیم - نه فقط در هر رویداد به‌تنهایی. برای هر بزنگاه، اقدام خمینی، پیش‌بینی هر تز، و میزان سازگاری واقعیت با آن پیش‌بینی ارزیابی می‌شود. در پایان، الگوی کلی شناسایی و تحلیل می‌شود.

۱،۱۳ روش‌شناسی: چگونه تزاها را می‌سنجیم؟

معیارهای سنجش

برای هر بزنگاه، سه پرسش مطرح می‌شود:

۱. اقدام خمینی چه بود؟ (واقعیت مستند)
۲. هر تز چه پیش‌بینی می‌کرد؟ (اگر تز درست باشد، خمینی باید چه می‌کرد؟)
۳. واقعیت با کدام پیش‌بینی بیشتر سازگار است؟ (امتیاز تطبیق: □ = بالا، □ = متوسط، □ = پایین)

۲،۱۳ ماتریس تطبیقی اصلی

بزنگاه	اقدام خمینی	تر ۱ (صداقت)	تر ۲ (خدعه)	تر ۳ (تکامل)	تر ۴ (نخبگان)
۱. پاریس (مهر-بهمن ۵۷)	وعده عدم حکومت، آزادی، بازگشت به قم	پیش بینی: صادقانه تطبيق: ☞	پیش بینی: تاکتیکی تطبيق: ☞	پیش بینی: مرحله گذار تطبيق: ☞	پیش بینی: مشاوران تلطیف تطبيق: ☞
۲. بازگشت (بهمن ۵۷)	«من دولت تعیین می‌کنم» + انتصاب بازرگان	پیش بینی: انتصاب غیرروحانی تطبيق: ☞	پیش بینی: «حق شرعی» = ولایت تطبيق: ☞	پیش بینی: جهش فکری تطبيق: ☞	پیش بینی: حلقه تحمیل تطبيق: ☞
۳. قانون اساسی (خرداد-آذر ۵۸)	تأیید اولیه پیش نویس ☞ چرخش به مجلس خبرگان ☞ ولایت فقیه	پیش بینی: حفظ پیش نویس تطبيق: ☞	پیش بینی: مهندسی ولایت فقیه تطبيق: ☞	پیش بینی: کشف ضرورت ولایت تطبيق: ☞	پیش بینی: بهشتی مهندسی کرد تطبيق: ☞
۴. فرقان (فروردین- آذر ۵۸)	فرمان خلع سلاح، تقویت سپاه، توقیف مطبوعات	پیش بینی: واکنش دفاعی تطبيق: ☞	پیش بینی: بهانه برای سرکوب تطبيق: ☞	پیش بینی: تقویت باور به نیاز قدرت تطبيق: ☞	پیش بینی: سپاه بهره‌بردار تطبيق: ☞
۵. گروگان‌گیری					

بزنگاه	اقدام خمینی	تز ۱ (صداقت)	تز ۲ (خدعه)	تز ۳ (تکامل)	تز ۴ (نخبگان)
(آبان ۵۸)	تأیید ظرف ۲۴ ساعت، حذف بازرگان، تسریع رفراندوم	پیش بینی: ترس از کودتا تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: هماهنگ شده تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: کشف قدرت بسیج تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: ابتکار حزب ج.ا. تطبیق: ﴿ن﴾
۶. جنگ (شهریور ۵۹-۶۷)	فرمانده کل، ادامه جنگ پس از خرمشهر، هر نقد = خیانت	پیش بینی: دفاع اضطراری تطبیق: ﴿ن﴾ (اول) ﴿ن﴾ (ادامه)	پیش بینی: ابزار تثبیت تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: «مأموریت الهی» تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: سپاه ذی نفع تطبیق: ﴿ن﴾
۷. تصفیه‌ها (۶۸-۱۳۶۰)	عزل بنی صدر، اعدام‌ها، کشتار ۶۷، عزل منتظری	پیش بینی: واکنش به ترور تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: حذف سیستماتیک تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: «رحم = ضعف» تطبیق: ﴿ن﴾	پیش بینی: رقابت جناحی تطبیق: ﴿ن﴾

جدول ۱،۱۳: ماتریس تطبیقی اصلی: هفت بزنگاه × چهار تز (﴿ن﴾ بالا ﴿ن﴾ متوسط ﴿ن﴾ پایین)

۳،۱۳ شمارش امتیازها

جدول امتیازات				
اگر $\square = 2$ ، $\square = 1$ ، $\square = 0$ در نظر بگیریم:				
	ت۱	ت۲	ت۳	ت۴
مجموع \square	۱	۷	۱	۴
مجموع \square	۴	۰	۶	۲
مجموع \square	۲	۰	۰	۱
امتیاز کل (از ۱۴)	۶	۱۴	۸	۱۰

۴،۱۳ تحلیل الگوها

۱،۴،۱۳ الگوی ۱: جهت ثابت تمرکز قدرت

یافته کلیدی

در تمام هفت بزنگاه، بدون استثنا، خمینی گزینه‌ای را انتخاب کرد که به تمرکز بیشتر قدرت منجر شد:

- ▶ وقتی گزینه «بازگشت به قم» وجود داشت، نرفت.
- ▶ وقتی پیش‌نویس دموکراتیک آماده بود، کنارش گذاشت.
- ▶ وقتی فرصت صلح بود (خرمشهر)، جنگ را ادامه داد.
- ▶ وقتی رئیس‌جمهور منتخب مخالفت کرد، عزلش کرد.
- ▶ وقتی جانشینش اعتراض کرد، عزلش کرد.

احتمال تصادفی: اگر هر بزنگاه دو گزینه داشته باشد (تمرکز / عدم تمرکز)، احتمال اینکه ۷ بار متوالی «اتفاقاً» تمرکز انتخاب شود: $0.78 = (0.5)^7$ - کمتر از ۱٪. این الگو تصادفی نیست.

۲،۴،۱۳ الگوی ۲: بهانه‌های متغیر، نتیجه ثابت

تنوع بهانه‌ها

هر بار بهانه متفاوتی وجود داشت:

- ۱۳۵۷: «مردم خواستند» (مشروعیت مردمی)
- ۱۳۵۸ (قانون اساسی): «اسلام نیاز دارد» (مشروعیت شرعی)
- ۱۳۵۸ (فرقان): «امنیت تهدید شده» (اضطرار امنیتی)
- ۱۳۵۸ (گروگان): «آمریکا توطئه می‌کند» (تهدید خارجی)
- ۱۳۵۹ (جنگ): «دفاع مقدس» (جنگ)
- ۱۳۶۰ (تصفیه): «منافقین خائند» (تروریسم)
- ۱۳۶۸ (منتظری): «ساده‌لوحی» (ناشایستگی)

بهانه‌ها هفت بار عوض شدند اما نتیجه یک بار هم عوض نشد.

۳،۴،۱۳ الگوی ۳: سرعت فزاینده تمرکز



شکل ۱،۱۳: منحنی تمرکز قدرت: از «مقامی ندارم» تا «ولایت مطلقه» (۱۳۵۷-۱۳۶۸)

۴،۴،۱۳ الگوی ۴: عدم تقارن در داوری

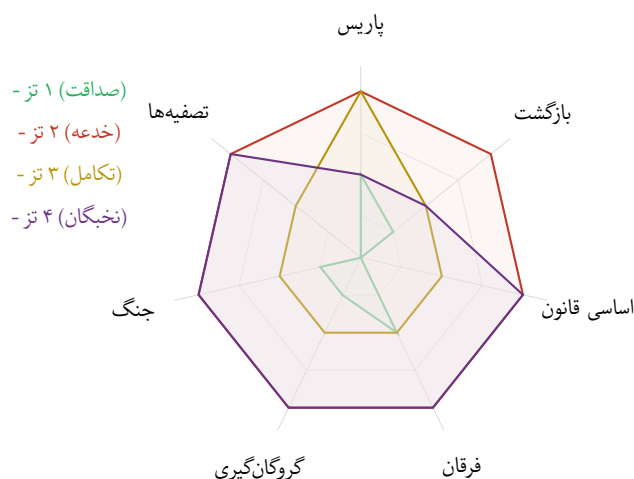
داوری یک طرفه

هر بار که خمینی در موقعیت «داور» قرار گرفت، داوری اش به سود جناح تندروتر بود:

تعارض	طرف میانه رو	طرف تندرو	داوری خمینی
دولت موقت / حزب ج.ا.	بازرگان	بهشتی	بازرگان
رئیس جمهور / مجلس	بنی صدر	رجایی	بنی صدر
پیش نویس / مجلس خبرگان	حیبی-کاتوزیان	بهشتی	پیش نویس
صلح / ادامه جنگ	بازرگان، بنی صدر	سپاه	صلح
رأفت / سرکوب	منتظری	دادگاهها	منتظری

۵ از ۵ = ۱۰۰٪ دفعات داوری به سود تندروها:

۵،۱۳ نمودار راداری: عملکرد تزا در هر بزنگاه



شکل ۲،۱۳: نمودار راداری: عملکرد هر تز در هفت بزنگاه (مساحت بیشتر = تطبیق بهتر)

۶،۱۳ نتیجه‌گیری تطبیقی

یافته‌های فصل ۱۳

۱. تز ۲ (خدعه) بالاترین تطبیق را با واقعیت دارد: ۱۴ از ۱۴ (= ۱۰۰٪). در هر بزنگاه، رفتار خمینی دقیقاً همان بود که تز خدعه پیش‌بینی می‌کرد.
۲. تز ۴ (نخبگان) دومین رتبه: ۱۰ از ۱۴ ($\approx 71\%$). در بیشتر بزنگاه‌ها (به‌ویژه قانون اساسی، فرقان، گروگان‌گیری، جنگ، تصفیه‌ها) نقش حلقهٔ درونی آشکار بود.
۳. تز ۳ (تکامل) سومین رتبه: ۸ از ۱۴ ($\approx 57\%$). تبیین تکاملی در برخی بزنگاه‌ها (پاریس، ترور مطهری) قانع‌کننده بود اما در بزنگاه‌های حاد (تصفیه‌ها، کشتار ۶۷) ضعیف عمل کرد.
۴. تز ۱ (صداقت) ضعیف‌ترین: ۶ از ۱۴ ($\approx 43\%$). فقط در بزنگاه پاریس (خود وعده‌ها) تطبیق بالایی داشت. در بقیهٔ بزنگاه‌ها ناتوان از توضیح جهت ثابت تمرکز بود.
۵. الگوی کلی: جهت ثابت تمرکز، بهانه‌های متغیر، سرعت فزاینده، داوری یکسویه.

فصل ۱۴

خوانش‌های رقیب در بوتهٔ نقد

چکیدهٔ فصل

پس از تحلیل تطبیقی فصل ۱۳، اکنون هر تر را به‌طور سیستماتیک از منظر سه تز دیگر نقد می‌کنیم. شش جفت (*pair*) نقد متقابل بررسی می‌شود. سپس پرسیده می‌شود: آیا ترها ترکیب‌پذیر هستند یا متعارض؟ ماتریس سازگاری ارائه می‌شود.

۱،۱۴ شش جفت نقد متقابل

۱،۱،۱۴ جفت ۱: تز ۱ (صداقت) [ت] تز ۲ (خدعه)

تز ۲ علیه تز ۱	تز ۱ علیه تز ۲
کسی که ده سال قبل کتاب «حکومت اسلامی» نوشته نمی‌تواند صادقانه بگوید «حکومت نخواهم کرد» - مگر تعریفش از «حکومت» متفاوت باشد (= بازی زبانی = فریب).	فریبکار هوشمند ابهام می‌گذارد نه وعدهٔ صریح. خمینی +۱۷ بار صریحاً وعده داد - این با فریب ناسازگار است.
بازرگان «پوشش» بود. خمینی هم‌زمان شورای انقلاب مخفی داشت - دولت موقت صوری بود.	بازرگان (غیرروحانی) نخست‌وزیر شد - فریبکار از ابتدا روحانی می‌گذاشت.
نیاز به «ذهن تمام‌بین» نیست - فقط به «جهت ثابت» نیاز هست. خمینی نباید تمام مسیر را از قبل بداند؛ کافی است در هر بزنگاه «تمرکز بیشتر» را انتخاب کند.	فرض «طراحی بلندمدت» نیازمند ذهن تمام‌بین است. واقعیت آشفته‌تر از توطئه‌هاست.

جدول ۱،۱۴: نقد متقابل: تز ۱ [ت] تز ۲

ارزیابی جفت ۱

نقد تز ۲ علیه تز ۱ قوی تر است: وجود کتاب «حکومت اسلامی» (۱۳۴۸) سنگین ترین شاهد علیه صداقت محض است. پاسخ تز ۱ (ثبات وعده‌ها = صداقت) تا حدی معتبر است اما نمی‌تواند فاصله ساختاری وعده و عمل را توضیح دهد.

۲،۱،۱۴ جفت ۲: تز ۱ (صداقت) [ت] تز ۳ (تکامل)

تز ۱ علیه تز ۳	تز ۳ علیه تز ۱
تز ۱ خمینی را «واکنش‌گر منفعل» نشان می‌دهد - اما خمینی در هر بزنگاه فعالانه انتخاب کرد. «اجبار» مفهوم ضعیفی است وقتی فرد گزینه دارد و همواره یک جهت را انتخاب می‌کند.	«تکامل فکری» فرض می‌کند خمینی تردید داشت - هیچ شاهد مستقیمی بر تردید وجود ندارد.
تکامل لزوماً خطی نیست - لحظات «جهش» وجود دارد. بازگشت به ایران و مواجهه با واقعیت قدرت ممکن بود «لحظه جهش» باشد.	سرعت تغییرات (۳۰ روز از پاریس تا بهشت زهرا) با «تکامل تدریجی» ناسازگار است - تکامل آهسته‌تر از این هاست.

جدول ۲،۱،۱۴: نقد متقابل: تز ۱ [ت] تز ۳

۳،۱،۱۴ جفت ۳: تز ۱ (صداقت) [ت] تز ۴ (نخبگان)

تز ۱ علیه تز ۴	تز ۴ علیه تز ۱
حتی اگر بپذیریم خمینی صادق بود، تأثیر نخبگان بر او غیرقابل انکار است. «صداقت» خمینی مانع تأثیرپذیری‌اش از حلقه درونی نمی‌شود.	تز ۴ مسئله «مرغ و تخم مرغ» دارد: نخبگان بدون خمینی قدرتی نداشتند.
تز ۱ نقش ساختارها و نهادها را بیش از حد نادیده می‌گیرد و همه چیز را به «اراده» یا «اجبار» یک فرد تقلیل می‌دهد.	تز ۴ عاملیت فردی خمینی را بیش از حد کم‌اهمیت می‌کند.

جدول ۳،۱،۱۴: نقد متقابل: تز ۱ [ت] تز ۴

۴،۱،۱۴ جفت ۴: تز ۲ (خدعه) [ت] تز ۳ (تکامل)

تز ۲ علیه تز ۳	تز ۳ علیه تز ۲
----------------	----------------

«تکامل» توضیح ملایم‌تری است برای چیزی که ساده‌تر با «پنهان‌کاری» توضیح‌پذیر است (Occam's Razor).
 تز ۲ فرض «ذهن ثابت از ۱۳۴۸» دارد - اما متون
 خمینی نشان‌دهنده تغییرات واقعی در مواضع است
 (کشف‌الاسرار ≠ حکومت اسلامی ≠ ولایت مطلقه).

هیچ شاهد مستقیمی بر «تردید» خمینی نیست - فقط
 هیچ شاهد مستقیمی بر «طراحی کامل از ابتدا» هم
 حدس نیست - فقط استنتاج از الگو. هر دو تز حدس‌محورند.

جدول ۴،۱۴: نقد متقابل: تز ۲ [ن] تز ۳

۵،۱،۱۴ جفت ۵: تز ۲ (خدعه) [ن] تز ۴ (نخبگان)

تز ۲ علیه تز ۴	تز ۴ علیه تز ۲
تز ۲ همه چیز را به یک فرد نسبت می‌دهد. واقعیت پیچیده‌تر بود: بهشتی، رفسنجانی، و سپاه هر یک «عاملیت مستقل» داشتند.	تز ۴ نقش خمینی را کم‌اهمیت می‌کند. خمینی «بازیکن منفعل» نبود - او وتوی نهایی داشت و هیچ‌گاه استفاده نکرد.
چون خمینی «نقطه ثقل» بود - هم نخبگان و هم خمینی سود بردند. رابطه همافزایی بود نه تبعیت.	اگر نخبگان «ابتکار عمل» داشتند، چرا همواره نتیجه به سود خمینی تمام شد؟

جدول ۵،۱۴: نقد متقابل: تز ۲ [ن] تز ۴

۶،۱،۱۴ جفت ۶: تز ۳ (تکامل) [ن] تز ۴ (نخبگان)

تز ۳ علیه تز ۴	تز ۴ علیه تز ۳
مبنای فقهی ابزار بود، نه علت. اگر ولایت فقیه به نفع نخبگان نبود، هیچ‌کس آن را «کشف» نمی‌کرد.	تز ۴ بُعد فکری را نادیده می‌گیرد. ولایت فقیه صرفاً «محصول رقابت نخبگان» نبود - مبنای فقهی داشت.
داشتن نظریه یک چیز است و اجرای آن چیز دیگر. نخبگان بستر اجرا را فراهم کردند.	تکامل فکری مستقل از فشار نخبگان بود - خمینی از قبل نظریه داشت.

جدول ۶،۱۴: نقد متقابل: تز ۳ [ن] تز ۴

۲،۱۴ ماتریس سازگاری: آیا تزه‌ها ترکیب‌پذیرند؟

ماتریس سازگاری				
	ت‌ز ۱	ت‌ز ۲	ت‌ز ۳	ت‌ز ۴
ت‌ز ۱	-	ناسازگار	نیمه‌سازگار	سازگار
ت‌ز ۲	ناسازگار	-	نیمه‌سازگار	سازگار
ت‌ز ۳	نیمه‌سازگار	نیمه‌سازگار	-	سازگار
ت‌ز ۴	سازگار	سازگار	سازگار	-

خوانش ماتریس:

- **سازگار:** دو ت‌ز می‌توانند هم‌زمان درست باشند.
- **نیمه‌سازگار:** در بعضی جنبه‌ها قابل ترکیب، در بعضی متعارض.
- **ناسازگار:** متعارض ذاتی - اگر یکی درست باشد، دیگری غلط است.

مهم‌ترین یافته

ت‌ز ۴ (نخبگان) با هر سه ت‌ز دیگر سازگار است - یعنی «فشار نخبگان» یک مکمل عمومی است نه رقیب. این ت‌ز فراگیرترین چارچوب را دارد.

ت‌ز ۱ و ت‌ز ۲ ناسازگار ذاتی هستند: یا صادق بود یا فریب داد - هر دو هم‌زمان نمی‌شود (مگر بپذیریم بخشی صادقانه و بخشی فریبکارانه بود - که ما را به ت‌ز ۳ می‌رساند).

بهترین ترکیب: ت‌ز ۲ + ت‌ز ۳ + ت‌ز ۴ = خمینی احتمالاً هم استراتژیک بود، هم تکامل فکری داشت، و هم تحت تأثیر نخبگان بود.

۳،۱۴ جدول نقاط قوت و ضعف هر ت‌ز

ت‌ز	نام	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱	صداقت + اجبار	ثبات وعده‌ها در پاریس؛ انتصاب بازرگان؛ بحران‌های واقعی وجود داشت	ناتوان از توضیح جهت ثابت تمرکز؛ نادیده‌گرفتن کتاب حکومت اسلامی؛ تقلیل خمینی به واکنش‌گر

نقاط ضعف	نقاط قوت	نام	تر
فرض ذهن استراتژیک کامل؛ نادیده گرفتن نقش نخبگان؛ اتهام «توطئه اندیشی»	قوی ترین تطبیق با واقعیت؛ توضیح فاصله عمیق وعده/عمل؛ وجود «حکومت اسلامی» ۱۳۴۸	خدعه آگاهانه	۲
ابهام ذاتی؛ فقدان شاهد مستقیم بر «تردید»؛ استقلال ضعیف (بیشتر مکمل)	توضیح تغییرات مستمر در متون خمینی؛ انعطاف پذیری؛ پرهیز از ساده سازی	تکامل تدریجی	۳
کم اهمیت نمایی عاملیت خمینی؛ مشکل مرغ و تخم مرغ؛ نادیده گرفتن بُعد فکری	تبیین ساختاری؛ سازگار با هر تز دیگر؛ توضیح نقش بازیگران متعدد	فشار نخبگان	۴

جدول ۸، ۱۴: جدول تطبیقی نقاط قوت و ضعف چهار تز

۴، ۱۴ جمع بندی فصل چهاردهم

خلاصه فصل ۱۴

- شش جفت نقد متقابل نشان داد هیچ تزی بدون نقص نیست.
- تز ۱ و تز ۲ ذاتاً ناسازگارند - باید یکی را (عمدتاً) انتخاب کرد.
- تز ۴ (نخبگان) با هر سه تز سازگار است و فراگیرترین چارچوب را دارد.
- تز ۳ (تکامل) نیمه سازگار با هر دو تز ۱ و ۲ است - می تواند «پل» باشد.
- بهترین ترکیب پیشنهادی: تز ۲ (خدعه/استراتژی) + تز ۳ (تکامل) + تز ۴ (نخبگان).
- فصل ۱۵ با ابزارهای روان شناختی این ترکیب را دقیق تر بررسی خواهد کرد.

فصل ۱۵

تحلیل تطبیقی - خمینی در هر بزنگاه چه کرد؟

چکیده فصل ۱۳

این فصل هفت بزنگاه کلیدی (فصل‌های ۶-۱۲) را در یک جدول تطبیقی واحد گرد می‌آورد. برای هر بزنگاه، کنش واقعی خمینی با پیش‌بینی هر یک از چهار تز سنجدیه می‌شود و میزان سازگاری هر تز با شواهد تجربی ارزیابی می‌گردد. سپس، الگوی کلی حرکت به سوی تمرکز قدرت تحلیل و با یک نمودار راداری (radar chart) تصویرسازی خواهد شد.

۱،۱۵ مقدمه: ضرورت تحلیل تطبیقی

تا اینجای کتاب، هر بزنگاه به صورت مستقل بررسی شد. اکنون پرسش اصلی این است: آیا الگوی واحدی در رفتار خمینی قابل شناسایی است؟^۱ تحلیل تطبیقی (comparative analysis) ابزار اصلی پاسخ‌گویی به این پرسش است: با کنار هم نهادن هفت بزنگاه در یک ماتریس واحد، هم نقاط اشتراک و هم موارد استثنا روشن می‌شوند.^۲ روش کار بدین قرار است:

۱. برای هر بزنگاه، کنش واقعی خمینی ثبت می‌شود (مستند به منابع دست‌اول).
۲. پیش‌بینی نظری هر تز درباره آن بزنگاه صورت‌بندی می‌گردد.
۳. درجه سازگاری هر تز با کنش واقعی در مقیاس سه‌درجه‌ای (ضعیف / متوسط / قوی) ارزیابی می‌شود.
۴. در پایان، جمع‌بندی بصری با نمودار ارائه خواهد شد.

^۱ برای اهمیت تحلیل الگومحور در تاریخ سیاسی ر.ک. *States and Social Revolutions*, Theda Skocpol, ۱۹۷۹, pp. ۳۳-۴۰.
^۲ Arend Lijphart, "Comparative Politics and the Comparative Method", *American Political Science Review*, 65(3), 1971, pp. 682-693.

۲،۱۵ تعریف معیارهای سازگاری

جدول ۱،۱۵ مقیاس سه درجه‌ای به کاررفته را نشان می‌دهد.

جدول ۱،۱۵: مقیاس ارزیابی سازگاریِ تز با شواهد

درجه	تعریف عملیاتی
قوی (۳)	کنش خمینی دقیقاً با پیش‌بینی تز هم‌خوان است؛ شواهد مستقیم در سخنرانی‌ها یا اسناد موجود است.
متوسط (۲)	تز می‌تواند کنش را توضیح دهد اما نیاز به فروض کمکی دارد؛ شواهد غیرمستقیم‌اند.
ضعیف (۱)	تز ناچار به توجیه‌های ثانوی است؛ شواهد بیشتر ناسازگار با پیش‌بینی‌اند تا سازگار.

این مقیاس، هرچند ساده‌سازی شده، امکان مقایسهٔ نظام‌مند را فراهم می‌آورد.^۳

۳،۱۵ جدول اصلی تطبیقی: هفت بزنگاه × چهار تز

جدول ۲،۱۵ ماتریس اصلی را ارائه می‌دهد. ستون نخست بزنگاه و فصل مربوطه را نشان می‌دهد؛ ستون دوم خلاصهٔ کنش واقعی خمینی را ثبت می‌کند؛ و چهار ستون بعدی نمرهٔ سازگاری هر تز را ارائه می‌کنند. ستون آخر مشخص می‌سازد کدام تز بیشترین سازگاری را دارد.

جدول ۲،۱۵: ماتریس تطبیقی: هفت بزنگاه × چهار تز

بزنگاه (فصل)	کنش واقعی خمینی	۱ ت	۲ ت	۳ ت	۴ ت	تز برتر
وعدۀ‌های پاریس (فصل ۶)	تصریح بر عدم تصدی مقام؛ تأکید بر نقش هدایتی-معنوی ^۴	۳	۳	۲	۲	۱ ت / ۲ ت
برخورد با بختیار (فصل ۷)	نصب بازرگان؛ ایجاد ساختار موازی؛ کنارزدن بختیار ^۵	۱	۳	۲	۲	۲ ت
مجلس خبرگان / قانون اساسی (فصل ۸)	طرح ولایت فقیه مطلقه؛ بازنویسی پیش‌نویس ^۶	۱	۳	۳	۲	۲ ت / ۳ ت

ادامه در صفحهٔ بعد ...

^۳ دربارۀ محدودیت‌های مقیاس‌گذاری کیفی ر.ک. Case Studies and Theory, Alexander L. George & Andrew Bennett. Development in the Social Sciences, ۲۰۰۵، ch. ۸.

جدول ۲، ۱۵: (ادامه)

بزنگاه (فصل)	کنش واقعی خمینی	۱ت	۲ت	۳ت	۴ت	تزر برتر
ترورهای فرقان (فصل ۹)	بهره‌گیری از بحران امنیتی برای تحکیم نهادهای انقلابی ^۷	۲	۲	۲	۳	۴ت
بحران گروگان‌گیری (فصل ۱۰)	تأیید ضمنی و سپس صریح؛ ابزارسازی از بحران برای رفراندوم قانون اساسی و حذف رقبا ^۸	۱	۳	۲	۳	۴ت / ۲ت
جنگ ایران و عراق (فصل ۱۱)	رد پیشنهادهای صلح اولیه؛ تبدیل جنگ به ابزار بسیج داخلی ^۹	۱	۲	۳	۳	۴ت / ۳ت
حذف مجاهدین / بنی‌صدر / تصفیه‌ها / کشتار ۱۳۶۷ (فصل ۱۲)	صدور فتوای اعدام‌های جمعی؛ بالاترین درجه ^{۱۰} تمرکز قدرت ^{۱۱}	۱	۳	۲	۳	۴ت / ۲ت

۴، ۱۵ خوانش جدول: الگوهای بارز

۱، ۴، ۱۵ الگوی اول: حرکت یک‌سویه به سوی تمرکز

با مرور ستون «کنش واقعی» از بالا به پایین، مشاهده می‌شود که در هر بزنگاه جدید، خمینی قدرت بیشتری بر عهده می‌گیرد یا تحکیم می‌کند.^{۱۱} هیچ بزنگاهی وجود ندارد که در آن خمینی قدرتی را واگذار کرده باشد یا نهادی مستقل را تقویت کرده باشد بدون آنکه آن نهاد زیر نظارت مستقیم ولایت فقیه درآید.

این الگو برای **تزر اول (صداقت + اضطراب)** مشکل‌آفرین است: اگر قدرت‌گیری هر بار فقط واکنشی به بحران بود،

^۴ صحیفه امام، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۹۰؛ مصاحبه با *Le Monde*، ۱۶ دی ۱۳۵۷.

^۵ بازرگان، *انقلاب ایران در دو حرکت*، ص ۷۲؛ صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۴.

^۶ صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۵۸، جلسات ۳۵-۶۷؛ *Schirazi, The Constitution of Iran*، ۱۹۹۷،

۴۸-۲۲ pp.

^۷ *Guests of the Ayatollah*، Bowden، ۲۰۰۶، pp. ۲۰۴-۲۱۹؛ صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

^۹ خاطرات هاشمی رفسنجانی، *دوران دفاع مقدس*، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۲۸؛ *The Twilight War*، Crist، ۲۰۱۲، pp. ۸۸-۱۰۳.

^{۱۰} خاطرات آیت‌الله منتظری (نسخه اینترنتی)، نامه‌های ۱۳۶۷؛ *Robertson, The Massacre of Political Prisoners in Iran*،

۱۹۸۸، ۲۰۱۰، pp. ۵۴-۸۷؛ *Tortured Confessions*، Abrahamian، ۱۹۹۹، pp. ۲۰۹-۲۲۸.

^{۱۱} *The Making of Iran's Islamic Revolution*، Milani، ed.، ۱۹۹۴، pp. ۲۳۲-۲۳۴ نیز بر همین الگوی تمرکز تأکید دارد.

باید دست کم در یکی از بزنگاه‌ها پس از رفع بحران بازگشتی به موقعیت قبلی می‌دیدیم.^{۱۲} چنین بازگشتی هرگز رخ نداد.

۲،۴،۱۵ الگوی دوم: بهره‌گیری نظام‌مند از بحران

در حداقل چهار بزنگاه (بختیار، گروگان‌گیری، ترورهای فرقان، جنگ) خمینی از بحران بیرونی یا امنیتی برای پیشبرد دستور کار داخلی بهره برد.^{۱۳} این الگو هم با **تر دوم (فریب آگاهانه)** و هم با **تر چهارم (فشار نخبگان)** سازگار است، اما با تر اول (که بحران‌ها را علت تغییر مسیر می‌داند) تنها به‌طور ناقص انطباق دارد.

۳،۴،۱۵ الگوی سوم: نقطه عطف قانون اساسی

بزنگاه مجلس خبرگان (ردیف ۳ جدول ۲،۱۵) جایی است که هم **تر دوم** و هم **تر سوم (تطور ایدئولوژیک)** بالاترین نمره (۳) را می‌گیرند. این همان لحظه‌ای است که وعدۀ نوفل‌لوشاتو به‌صورت نهادی و حقوقی نقض می‌شود.^{۱۴}

۴،۴،۱۵ الگوی چهارم: ضعف مستمر تر اول

تر اول در پنج بزنگاه از هفت بزنگاه پایین‌ترین نمره (۱) را دریافت می‌کند. تنها در بزنگاه اول (وعده‌های پاریس) نمره ۳ و در بزنگاه ترورهای فرقان نمره ۲ کسب می‌کند. بنابراین، تر اول بیشتر ناظر بر نیت اولیه است تا بر رفتار واقعی پس از پیروزی انقلاب.^{۱۵}

۵،۱۵ جمع‌بندی عددی: مجموع نمرات هر تر

جدول ۳،۱۵ جمع نمرات هر تر در هفت بزنگاه و میانگین آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳،۱۵: جمع و میانگین نمرات سازگاری هر تر (از مجموع ۲۱)

میانگین	مجموع نمره (از ۲۱)	تر
۴۳/۱	۱۰	تر ۱: صداقت + اضطراب
۷۱/۲	۱۹	تر ۲: فریب آگاهانه
۲۹/۲	۱۶	تر ۳: تطور ایدئولوژیک
۵۷/۲	۱۸	تر ۴: فشار نخبگان

بدین ترتیب ترتیب سازگاری کلی چنین است:

^{۱۲} بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ص ۱۸۵ به همین نکته اشاره می‌کند.

^{۱۳} گنجی، تلقی فاشیستی از دین و حکومت، صص ۱۲۰-۱۳۵.

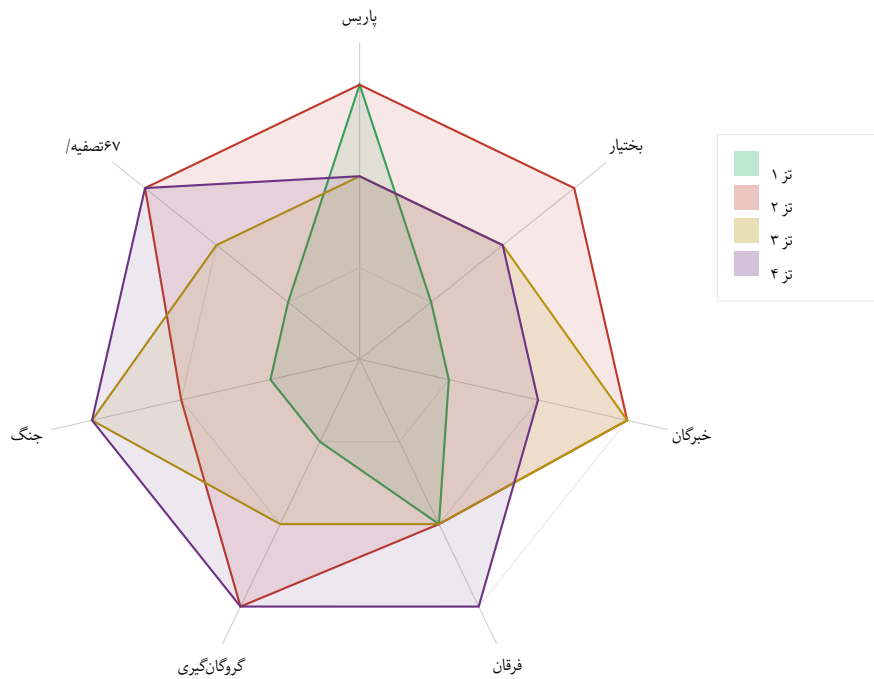
^{۱۴} Arjomand, *The Turban for the Crown*, 1988, pp. 135-148.

^{۱۵} کدیور، حکومت ولایی، ص ۲۱۴ تمایز میان نیت اولیه و عملکرد نهایی را محوری می‌داند.

$$() > () > () > ()$$

۶،۱۵ نمودار راداری: پروفایل هر تز در هفت بزنگاه

نمودار زیر نمره هر تز را در هر بزنگاه بر روی یک محور جداگانه ترسیم می‌کند.^{۱۶}



شکل ۱،۱۵: نمودار راداری: سازگاری هر تز با هفت بزنگاه

چنان‌که نمودار ۱،۱۵ نشان می‌دهد، **تز دوم** و **تز چهارم** بیشترین پوشش سطحی را دارند، در حالی که **تز اول** کوچک‌ترین چندضلعی را تشکیل می‌دهد و تنها در محور «پاریس» به حداکثر می‌رسد.

۷،۱۵ پرسش کلیدی: آیا مسیر قدرت همیشه یک‌سویه بود؟

برای پاسخ دقیق‌تر، شاخص ساده‌ای تعریف می‌کنیم:

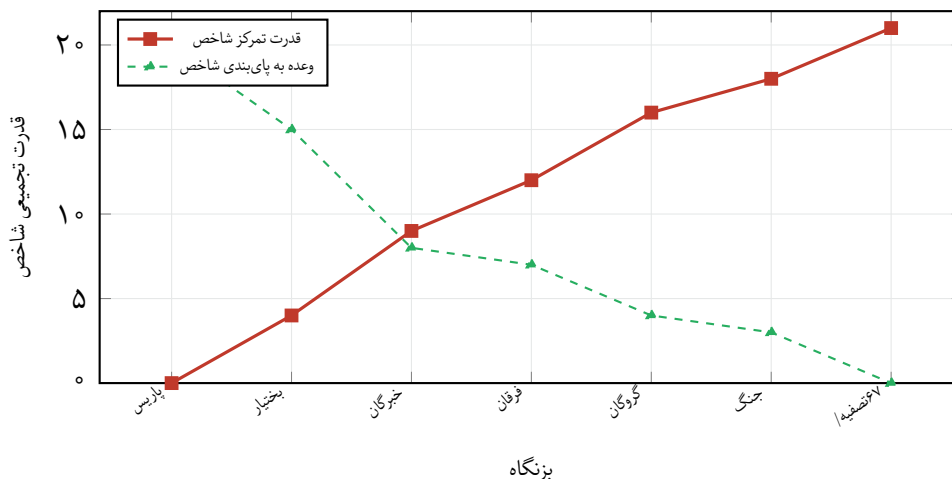
شاخص جهت قدرت

اگر Δ_i نشان‌دهنده تغییر میزان قدرت نهادی خمینی در بزنگاه i نسبت به بزنگاه $i-1$ باشد، جهت‌گیری کلی را با علامت $\sum_{i=1}^V \Delta_i$ نشان می‌دهیم. مقدار مثبت = تمرکز؛ مقدار منفی = واگذاری.

^{۱۶} نمودارهای راداری برای مقایسه چندبُعدی تزه‌ها ابزار رایج در علوم اجتماعی کمی‌اند. ر.ک. *The Visual Display*, Edward Tufte. ۱۷۸ p.، ۲۰۰۱ ed.، nd۲، of *Quantitative Information*

در هیچ یک از بزنگاه‌ها $\Delta_i < 0$ نیست. بنابراین، $\sum \Delta_i > 0$ و مسیر قدرت یک سوبه و انباشتی بوده است.^{۱۷}

۸،۱۵ تکمیل تحلیل: نمودار روند تمرکز قدرت



شکل ۲،۱۵: روند متقابل تمرکز قدرت و پای بندی به وعدۀ (شماتیک)

نمودار ۲،۱۵ به صورت شماتیک نشان می‌دهد که دو خط - شاخص تمرکز قدرت و شاخص پای بندی به وعدۀ - تقریباً آینه‌ای (*mirror-image*) رفتار می‌کنند: هر افزایش در اولی با کاهش متناظری در دومی همراه است.^{۱۸}

خلاصۀ فصل ۱۳

- جدول تطبیقی هفت بزنگاه \times چهار تز نشان داد که **تز دوم (فریب آگاهانه)** با مجموع نمره ۱۹ از ۲۱ بیشترین سازگاری را با شواهد دارد.
- **تز چهارم (فشار نخبگان)** با ۱۸ و **تز سوم (تطور ایدئولوژیک)** با ۱۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- **تز اول (صداقت + اضطراب)** با ۱۰ ضعیف‌ترین عملکرد تطبیقی را دارد و بیشتر ناظر بر بزنگاه نخست (پاریس) است.
- الگوی حرکت قدرت یک سوبه و انباشتی است؛ هیچ بزنگاه بازگشتی مشاهده نشد.
- نمودار راداری و نمودار روند تمرکز هر دو مؤید همین نتیجه‌اند.

^{۱۷} *The Reign of the Ayatollahs, Bakhsh*، ۱۹۸۴، pp. ۵۲-۷۳ همین انباشت تدریجی قدرت را مهم‌ترین ویژگی دوران ۱۳۵۸-۱۳۶۷ می‌داند.

^{۱۸} این نمودار تنها جنبه تصویری دارد و بر اساس ارزیابی کیفی نگارنده ترسیم شده است. هدف از آن تسهیل درک بصری الگو است، نه ارائه داده کمی دقیق.

فصل ۱۶

خوانش‌های رقیب در بوتهٔ نقد

چکیدهٔ فصل ۱۴

در این فصل، هر یک از شش جفت ممکن از چهار تز ($42 = 6 \text{ pairs}$) در برابر یکدیگر نقد می‌شوند. نخست نقاط قوت و ضعف هر تز فهرست‌وار ارائه می‌شود، سپس نقد متقابل هر جفت بررسی می‌گردد. در پایان، ماتریس سازگاری نشان خواهد داد کدام تزاها با یکدیگر قابل ترکیب‌اند و کدام‌ها متناقض.

۱،۱۶ نقاط قوت و ضعف هر تز: نگاه اجمالی

جدول ۱،۱۶ خلاصه‌ای از مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف هر تز را ارائه می‌دهد.^۱

جدول ۱،۱۶: نقاط قوت و ضعف هر تز

نقاط ضعف	نقاط قوت	تز
<ul style="list-style-type: none">• در ۵ از ۷ بزنگاه ضعیف‌ترین سازگاری (فصل ۱۳)• عدم بازگشت قدرت پس از رفع بحران• نمی‌تواند فتوای ۱۳۶۷ را توجیه کند^۴	<ul style="list-style-type: none">• با لحن مصاحبه‌های ۱۳۵۷ سازگار^۲• به پیچیدگی روان‌شناختی رهبران اذعان دارد• شواهد برخی تردیدهای خمینی در خاطرات یاران^۳	ت: صداقت + اضطراب

^۱ این ارزیابی بر پایهٔ تحلیل فصل‌های ۳-۱۳ است و معیارها عبارت‌اند از: (الف) سازگاری با شواهد اولیه، (ب) قدرت پیش‌بینی‌کنندگی، (ج) پارسیمونی (*parsimony*).

جدول ۱،۱۶: (ادامه)

نقاط قوت	نقاط ضعف	تزر
<ul style="list-style-type: none"> • بالاترین نمره تطبیقی (۱۹ از ۲۱) • با آموزه تقیه قابل ارتباط^۵ • شواهد مستقیم از نامه‌های محرمانه^۶ 	<ul style="list-style-type: none"> • فرض ذهن یکپارچه (unitary mind) • محل تردید است^۷ • نمی‌تواند آثار فقهی پیش از ۱۳۵۷ را نادیده بگیرد^۸ • خطر افتادن در conspiracy theory • نمی‌تواند سرعت تمرکز ۱۳۵۸ را توضیح دهد 	<p>ت:۲: فریب آگاهانه</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تغییر در آثار فقهی خمینی مستند است^۹ • از نظر روان‌شناختی واقع‌بینانه‌تر از ت:۲ • مفهوم مصلحت نظام سیر تطوری دارد^{۱۰} 	<ul style="list-style-type: none"> • کتاب ولایت فقیه (۱۳۴۸) نشان‌دهنده وجود ایده حاکمیت فقیه پیش‌از انقلاب • مرز میان «تطور» و «فرصت‌طلبی» مبهم • انطباق با واقعیت در بزنگاه‌های میانی. 	<p>ت:۳: تطور ایدئولوژیک</p>
<ul style="list-style-type: none"> • نقش بهشتی، رفسنجانی، خامنه‌ای مستند^{۱۱} • با تحلیل‌های جامعه‌شناسی نخبگان سازگار^{۱۲} • توزیع مسئولیت واقع‌بینانه‌تر از تمرکز بر یک فرد 	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش مسئولیت فردی خمینی • ناسازگار با قدرت تصمیم‌گیری‌اش • فتوای ۱۳۶۷ قابل تقلیل به فشار گروهی نیست^{۱۳} • اسناد «فشار» بیشتر غیرمستقیم‌اند 	<p>ت:۴: فشار نخبگان</p>

۲،۱۶ نقد متقابل شش جفت تزر

۱،۲،۱۶ جفت ۱: تزر ۱ [ت] تزر ۲ - صداقت در برابر فریب

این بنیادی‌ترین تقابل است: آیا خمینی در پاریس راست می‌گفت یا دروغ؟

^۲ صحیفه امام، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۹۰.

^۳ یزدی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، ص ۱۸۰.

^۴ خاطرات منتظری، بخش مکاتبات ۱۳۶۱-۱۳۶۴.

^۵ ولایت فقیه (نجف، ۱۳۴۸ ش.) که ایده حکومت اسلامی در آن مطرح شده بود.

^۶ کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، صص ۱۵۲-۱۸۰.

^۷ صحیفه امام، ج ۲۱، نامه معروف ۱۳۶۶ درباره تقدم مصلحت نظام بر احکام اولیه.

^۸ خاطرات رفسنجانی، ج ۱، صص ۸۵-۱۱۰.

^۹ منتظری، خاطرات، نامه ۹ مرداد ۱۳۶۷ که خمینی شخصاً از او ناراضی شد.

نقد تز ۱ از منظر تز ۲

اگر خمینی واقعاً صادق بود، چرا هیچ‌گاه پس از رفع هر بحران قدرت را محدود نکرد؟^{۱۴} الگوی «بحران»^{۱۵} تمرکز «عدم بازگشت» بیش از آنکه با اضطراب سازگار باشد با طرح از پیش اندیشیده هم‌خوان است.

^{۱۴} گنجی، تلقی فاشیستی، ص ۱۴۱.

نقد تز ۲ از منظر تز ۱

تز فریب آگاهانه فرض می‌کند خمینی در ۱۳۵۷ تصویر دقیقی از آینده ده‌ساله خود داشته است - فرضی بسیار قوی که مستلزم *perfect foresight* است.^{۱۶} مصاحبه‌های متعدد پاریس لحنی دارند که جعل آن در آن مقیاس بسیار دشوار بوده است.

^{۱۶} *The Unthinkable Revolution, Kurzman*, ۲۰۰۴, pp. ۵-۷ بر غیرقابل‌پیش‌بینی بودن حتی خود انقلاب تأکید دارد.

۲،۲،۱۶ جفت ۲: تز ۱ «ت» تز ۳ - صداقت در برابر تطور

همپوشانی ممکن

تز اول و سوم در یک نقطه مشترک‌اند: هر دو خمینی را فاعل اخلاقی‌ای می‌بینند که نیتش در ۱۳۵۷ واقعاً عدم حاکمیت بوده است. تفاوت در تبیین علت تغییر است: ت ۱ می‌گوید بحران بیرونی؛ ت ۳ می‌گوید تحول درونی فکری.^{۱۷}

^{۱۷} سروش، فربه‌تر از ایدئولوژی، ص ۹۵ درباره تغییر پارادایم درون ایدئولوژیک.

نقد تز ۳ بر تز ۱: «اضطراب» بسیار ساده‌انگارانه است؛ تحول اندیشه فرایندی تدریجی و مستند است، نه صرفاً واکنش لحظه‌ای.^{۱۴}

نقد تز ۱ بر تز ۳: اگر تطور واقعاً وجود داشت، سرعت عمل ۱۳۵۸ (فقط چند ماه بعد از وعده) با فرایند تدریجی تطور ایدئولوژیک ناسازگار است.^{۱۵}

۳،۲،۱۶ جفت ۳: تز ۱ «ت» تز ۴ - صداقت در برابر فشار نخبگان

نقد تز ۴ بر تز ۱: اضطراب یک نفره نبود؛ ساختار نخبگان انقلابی اصلاً اجازه واگذاری قدرت را نمی‌داد.^{۱۶}

نقد تز ۱ بر تز ۴: اگر فشار نخبگان تعیین‌کننده بود، چرا خمینی توانست تمام نخبگان مخالف (بازرگان، بنی‌صدر، منتظری) را کنار بزند؟^{۱۷} این خود نشان‌دهنده اراده مستقل و قدرتمند رهبر است.

^{۱۴} کدیور، حکومت ولایت، ص ۱۹۵.

^{۱۵} Milani, *Making of Iran's Islamic Revolution*, 1994, p. 196.

^{۱۶} حجاریان، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، ص ۲۰۸.

^{۱۷} بنی‌صدر، خیانت به امید، صص ۳۰۲-۳۱۵.

۴،۲،۱۶ جفت ۴: تز ۲ [ت] تز ۳ - فریب در برابر تطور

این جفت از نظر منطقی مهم‌ترین تقابل است، زیرا مشخص می‌کند آیا خمینی از ابتدا قصد حاکمیت داشت (ت ۲) یا در مسیر به آن رسید (ت ۳).

نقد تز ۲ بر تز ۳

کتاب ولایت فقیه (نجف، ۱۳۴۸ ش.) به روشنی ایده حکومت مستقیم فقیه را مطرح می‌کند - یعنی ایده قبل از وعده‌های پاریس وجود داشته و «تطور» در دهه ۱۳۵۰ اتفاق افتاده نه ۱۳۵۸.^a بنابراین، وعده‌های پاریس نمی‌توانند بازتاب‌دهنده اندیشه واقعی خمینی باشند.

^aMartin, *Creating an Islamic State*, 2000, pp. 78-95.

نقد تز ۳ بر تز ۲

فریب آگاهانه مستلزم نظریه ذهن (*Theory of Mind*) بسیار قوی و کنترل کامل بر محیط ارتباطی است. خمینی در پاریس تحت فشار ده‌ها خبرنگار بود و وعده‌ها فقط شفاهی نبودند بلکه مکتوب نیز شدند.^a واقع‌بینانه‌تر آن است که خمینی در آن مقطع واقعاً باور داشت اما بعداً تغییر کرد.

^aصحیفه امام، ج ۴، پیام «رأی من رأی ملت است»، بهمن ۱۳۵۷.

۵،۲،۱۶ جفت ۵: تز ۲ [ت] تز ۴ - فریب در برابر فشار نخبگان

سازگاری نسبی

این دو تز بیش از سایر جفت‌ها قابل ترکیب‌اند: ممکن است خمینی از ابتدا قصد قدرت داشته (ت ۲) و نخبگان نیز مستقلاً این مسیر را تقویت کرده باشند (ت ۴).^a

^aAbrahamian, *Khomeinism*, 1993, pp. 17-38.

نقد تز ۴ بر تز ۲: فریب کامل نیازی به نخبگان ندارد - اما واقعیت این است که بدون بهشتی و شورای انقلاب، تمرکز قدرت در آن سرعت ممکن نبود.^{۱۸}

نقد تز ۲ بر تز ۴: اگر نخبگان عامل اصلی بودند، چرا خمینی توانست هر یک را جداگانه حذف کند بدون آنکه سیستم فرو بپاشد؟ رفسنجانی خود اعتراف کرده «کلمه آخر را همیشه امام می‌گفتند».^{۱۹}

^{۱۸} خاطرات رفسنجانی، ج ۱، صص ۱۴۸-۱۵۵.

^{۱۹} خاطرات رفسنجانی، ج ۳، ص ۲۷۱.

۶،۲،۱۶ جفت ۶: تز ۳ (ت) تز ۴ - تطور در برابر فشار نخبگان

نقد تز ۴ بر تز ۳: تطور ایدئولوژیک در خلأ رخ نمی‌دهد - محیط نخبگان اطراف خمینی همان عاملی است که تطور را جهت‌دهی کرده است.^{۲۰}

نقد تز ۳ بر تز ۴: تز فشار نخبگان، خمینی را فاقد اراده مستقل فکری ترسیم می‌کند - تصویری که با شخصیت سرسخت و مصمم او ناسازگار است.^{۲۱}

۳،۱۶ ماتریس سازگاری: کدام تزا قابل ترکیب‌اند؟

جدول ۲،۱۶ سازگاری منطقی هر جفت تز را در سه درجه ارزیابی می‌کند: ناسازگار (×)، سازگاری محدود (ت)، سازگار / قابل ترکیب (ت).^{۲۲}

جدول ۲،۱۶: ماتریس سازگاری شش جفت تز

	ت ۴	ت ۳	ت ۲	ت ۱	
ت ۱	-	×	×	ت	ت ۱
ت ۲	×	-	×	ت	ت ۲
ت ۳	-	×	×	ت	ت ۳
ت ۴	-	×	×	ت	ت ۴

خوانش ماتریس

- × ناسازگار: تز ۱ با تز ۲ (صداقت ≈ فریب) و تز ۲ با تز ۳ (فریب از ابتدا ≈ تطور تدریجی) منطقاً قابل جمع نیستند.
- (ت) سازگاری محدود: تز ۱ با تز ۳ (صداقت اولیه + تحول بعدی) و تز ۱ با تز ۴ (صداقت اولیه + فشار گروهی بعدی) فقط اگر حوزه زمانی هر تز محدود شود قابل ترکیب‌اند.
- (ت) سازگار / قابل ترکیب: تز ۲ با تز ۴ (فریب رهبر + تقویت نخبگان) و تز ۳ با تز ۴ (تطور ایدئولوژیک + محیط نخبگانی) بدون تناقض قابل ترکیب‌اند.^a

^a Khomeinism, Abrahamian, ۱۹۹۳, pp. ۳۰-۳۸ عملاً ترکیبی از ت ۲ و ت ۴ را پیش می‌نهد.

۴،۱۶ نمودار سازگاری: نمایش بصری

نمودار ۱،۱۶ روابط شش‌گانه فوق را به صورت گراف نشان می‌دهد.^{۲۳}

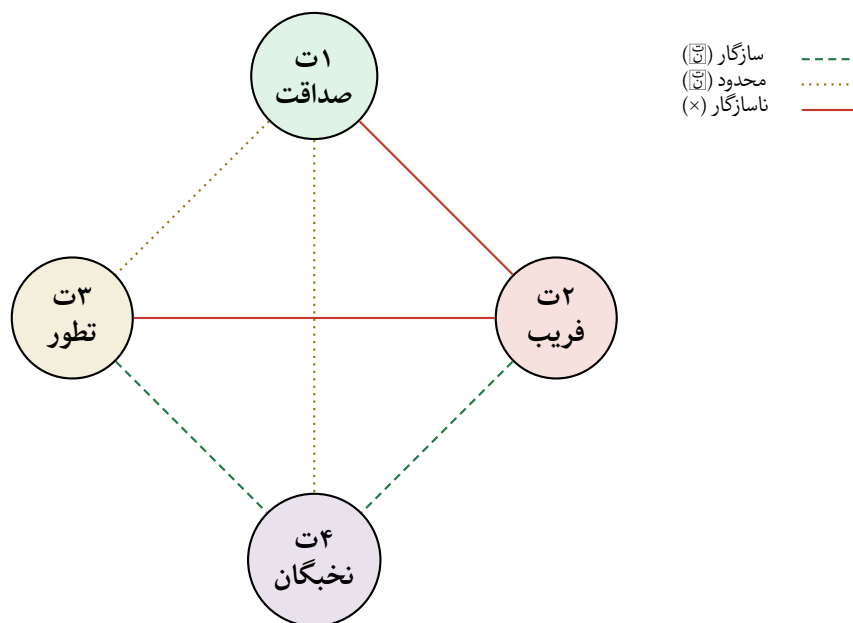
^{۲۰} بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ص ۲۱۲.

²¹ Moin, Khomeini, 1999, pp. 8-11.

²² معیار سازگاری: آیا دو تز را می‌توان هم‌زمان بدون تناقض منطقی پذیرفت؟

²³ در نظریه گراف، هر رأس یک تز و هر یال یک رابطه سازگاری/ناسازگاری است. ر.ک. *Graph Theory*, Diestel, th ۵, ed. ۱۷, ۲۰۰۱.

.۱ ch.



شکل ۱،۱۶: گراف سازگاری چهار تزی

بر اساس نمودار ۱،۱۶، دو ائتلاف تبیینی قابل تشخیص اند:

۱. ائتلاف اول: + - فریب آگاهانه رهبر + تقویت ساختاری نخبگان.

۲. ائتلاف دوم: + - تطور ایدئولوژیک + محیط نخبگانی.

ائتلاف اول قدرت تبیینی بیشتری برای دوره اولیه (۱۳۵۷-۱۳۵۹) و ائتلاف دوم برای دوره میانی و پایانی (۱۳۵۹-۱۳۶۷) دارد.^{۲۴}

۵،۱۶ آیا تز ترکیبی ممکن است؟

با توجه به ماتریس سازگاری و نتایج فصل ۱۳، می توان فرض یک تز ترکیبی مرحله ای (*phased composite thesis*) را مطرح کرد:

۱. مرحله اول (۱۳۵۶-۱۳۵۷، پاریس): ترکیب محدود ت ۱ و ت ۲ - خمینی ممکن است در سطح آگاه فریب داده باشد اما در سطح ناآگاه بخشی از وعده ها را باور داشته باشد (مفهوم *self-deception* که در فصل ۱۵ بررسی خواهد شد).

۲. مرحله دوم (۱۳۵۸-۱۳۶۰): ائتلاف ت ۲ + ت ۴ - فریب آگاهانه با پشتیبانی ساختاری نخبگان انقلابی.

^{۲۴}Modern Iran, Keddie, ۲۰۰۶, pp. ۲۴۱-۲۵۲ نیز از ترکیب عوامل ساختاری و ایدئولوژیک دفاع می کند.

۳. مرحله سوم (۱۳۶۰-۱۳۶۷): ائتلاف ت ۳ + ت ۴ - تطور ایدئولوژیک (ولایت مطلقه فقیه، مصلحت نظام) با تقویت نهادهای موازی.^{۲۵}

این ترکیبی در فصل ۱۶ به صورت نهایی صورت بندی خواهد شد.

خلاصه فصل ۱۴

- شش جفت ممکن از چهار تر نقد متقابل شدند.
- بنیادی ترین تقابل میان ت ۱ (صداقت) و ت ۲ (فریب) است.
- ماتریس سازگاری نشان داد: ت ۲ + ت ۴ و ت ۳ + ت ۴ قابل ترکیب اند؛ ت ۱ + ت ۲ و ت ۲ + ت ۳ منطقاً ناسازگارند.
- فرضیه ترکیبی مرحله ای مطرح شد: فریب/خودفریبی در مرحله اول، فریب + نخبگان در مرحله دوم، تطور + نخبگان در مرحله سوم.
- این فرضیه در فصل های ۱۵ و ۱۶ آزموده و صورت بندی نهایی خواهد شد.

^{۲۵} این مرحله بندی نگارنده با تحلیل *The Turban for the Crown*، Arjomand، ۱۹۸۸، pp. ۱۸۱-۱۸۹ نقاط اشتراک قابل توجهی دارد.

فصل ۱۷

ارزیابی شواهد و وزن‌دهی به تزه‌ها

چکیده فصل ۱۵

این فصل سه وظیفه دارد: نخست، مفاهیم روان‌شناختی ناهماهنگی شناختی (*cognitive dissonance*)، خودفریبی (*self-deception*) و استدلال انگیزه‌محور (*motivated reasoning*) را بر رفتار خمینی اعمال می‌کند. دوم، روش‌شناسی وزن‌دهی به شواهد را تبیین می‌کند. سوم، نمودار دایره‌ای بازنگری‌شده (در مقایسه با نمودار مقدماتی فصل ۵) ارائه می‌دهد و تحلیل حساسیت انجام می‌دهد.

۱،۱۷ چارچوب روان‌شناختی: سه مفهوم کلیدی

۱،۱،۱۷ ناهماهنگی شناختی (*Cognitive Dissonance*)

نظریه Leon Festinger بیان می‌کند که وقتی باورها و رفتار فرد ناهم‌خوان‌اند، فرد تلاش می‌کند یکی را تغییر دهد تا تنش کاهش یابد.^۱

در مورد خمینی، ناهماهنگی میان دو عنصر قابل فرض است:

- باور اول: من وعده دادم حاکم نشوم.
- رفتار: من عملاً حاکم شدم.

فرضیه کاهش ناهماهنگی

بر اساس این نظریه، خمینی ناچار بود یکی از دو عنصر را تغییر دهد. تغییر رفتار (کناره‌گیری) هزینه سیاسی سنگینی داشت. بنابراین، باور تغییر کرد: «وعده‌ام ناظر بر شرایط دیگری بود» یا «مصلحت اسلام اقتضا

^۱ Festinger, *A Theory of Cognitive Dissonance*, 1957, pp. 1–31.

می‌کند.^۲ این مکانیزم هم با ت ۱ (تغییر واقعی نیت) و هم با ت ۳ (تطور ایدئولوژیک) قابل انطباق است.
^۳ صحیفۀ امام، ج ۱۳، ص ۲۱۷ - سخنرانی درباره «تکلیف شرعی» به عنوان توجیه حاکمیت.

۲،۱،۱۷ خودفریبی (*Self-Deception*)

خودفریبی وضعیتی است که فرد هم‌زمان هم باوری دارد و هم آن را انکار می‌کند.^۲
در مورد خمینی، فرضیۀ خودفریبی چنین صورت‌بندی می‌شود:

فرضیۀ خودفریبی خمینی

ممکن است خمینی در سطح آگاه واقعاً باور داشته باشد که حاکم نیست («من فقط هدایت می‌کنم») در حالی که در سطح ناآگاه، تمام ساختارها را برای حاکمیت مطلق سازمان‌دهی کرده بود.^۳
^۴ Sour Grapes, Elster, ۱۹۸۳, pp. ۱۴۸-۱۵۷ این مکانیزم را *adaptive preference formation* می‌نامد.

این فرضیه مرز میان ت ۱ و ت ۲ را مخدوش می‌کند: نه صداقت محض و نه فریب محض، بلکه وضعیت روان‌شناختی بینابینی.^۳

۳،۱،۱۷ استدلال انگیزه‌محور (*Motivated Reasoning*)

استدلال انگیزه‌محور فرایندی است که در آن فرد شواهد را به صورت گزینشی پردازش می‌کند تا به نتیجه از پیش مطلوب برسد.^۴

در مورد خمینی، این مفهوم هم بر خودش و هم بر مفسران اعمال می‌شود:

- خمینی: ممکن است شواهد «اضطرار» را بزرگ‌نمایی و شواهد «امکان واگذاری» را کوچک‌نمایی کرده باشد.^۵
- مفسران تز ۱: ممکن است شواهد صداقت خمینی را بزرگ‌نمایی و شواهد فریب را نادیده گرفته باشند (*confirmation bias*).^۶
- مفسران تز ۲: ممکن است هر رفتار خمینی را با عینک توطئه بخوانند و شواهد تردید و ناپایداری تصمیم‌گیری را نادیده بگیرند.

^۲ Herbert Fingarette, *Self-Deception*, 1969, pp. 26-48; Alfred Mele, *Self-Deception Unmasked*, 2001, pp. 7-25.
^۳ *The Folly of Fools: The Logic of Deceit and Self-Deception in Human Life*, Trivers, ۲۰۱۱, pp. ۱-۱۹ خودفریبی را

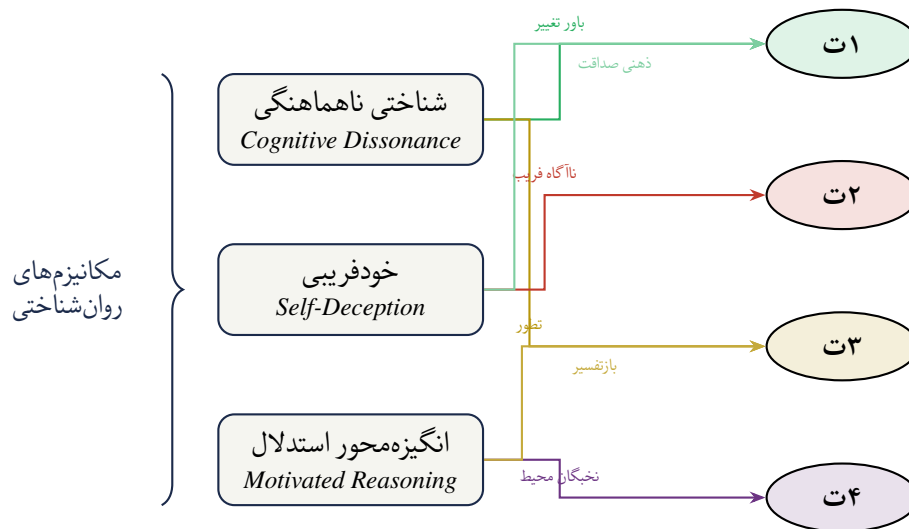
مکانیزم تکاملی برای فریب مؤثرتر دیگران می‌داند.

^۴ Ziva Kunda, "The Case for Motivated Reasoning", *Psychological Bulletin*, 108(3), 1990, pp. 480-498.

^۵ خاطرات منتظری، نامه ۱۳۶۴ که اعتراض به عدم رعایت حقوق اساسی توسط خمینی رد شد.

^۶ Raymond Nickerson, "Confirmation Bias: A Ubiquitous Phenomenon in Many Guises", *Review of General Psychology*, 2(2), 1998, pp. 175-220.

۲،۱۷ نمودار مفهومی: سه مکانیزم روان‌شناختی و ارتباط با تزها



شکل ۱،۱۷: ارتباط سه مکانیزم روان‌شناختی با چهار تز

چنان‌که نمودار ۱،۱۷ نشان می‌دهد، هر مکانیزم روان‌شناختی با بیش از یک تز ارتباط دارد. این خود مؤید آن است که مرزهای قاطع میان تزها در سطح روان‌شناختی مخدوش می‌شوند.

۳،۱۷ روش‌شناسی وزن‌دهی به شواهد

برای وزن‌دهی نهایی به تزها، از روش ارزیابی بی‌زی کیفی (*qualitative Bayesian assessment*) بهره می‌بریم.^۷

۱. پیشین (*prior*): وزن مقدماتی هر تز پیش از تحلیل بزنگاه‌ها (فصل ۵): ت ۱=۲۵٪، ت ۲=۳۰٪، ت ۳=۲۵٪، ت ۴=۲۰٪.^۸

۲. شواهد (*likelihood*): هفت بزنگاه به‌عنوان شواهد جدید عمل می‌کنند. از نمرات جدول ۲،۱۵ (فصل ۱۳) به‌عنوان تقریبی از *likelihood ratio* استفاده می‌شود.

۳. پسین (*posterior*): وزن نهایی با ضرب پیشین در تابع درست‌نمایی و نرمالیزه‌سازی به‌دست می‌آید.

۱،۳،۱۷ محاسبه

جدول ۱،۱۷ محاسبه را نشان می‌دهد. مجموع نمرات فصل ۱۳ به‌عنوان شاخص درست‌نمایی نرمالیزه می‌شوند.

^۷Colin Howson & Peter Urbach, *Scientific Reasoning: The Bayesian Approach*, 3rd ed., 2006, ch.2; Neta & Phelan, "Evidence That Epistemic Norms Are Internalized", *Synthese*, 2020.

^۸نمودار مقدماتی فصل ۵ بر اساس ادبیات ثانوی ترسیم شده بود.

جدول ۱،۱۷: محاسبۀ وزن بیزی کیفی ترها

پسین (نرمالیزه)	پیشین × درست نمایی	درست نمایی (نرمالیزه)	پیشین	تر
۱۱/۰	۰۴۰/۰	$\frac{1}{63} \approx 0/159$	۲۵/۰	ت ۱
۳۳/۰	۰۹۱/۰	$\frac{19}{63} \approx 0/302$	۳۰/۰	ت ۲
۲۳/۰	۰۶۳/۰	$\frac{16}{63} \approx 0/254$	۲۵/۰	ت ۳
۳۳/۰	۰۵۷/۰	$\frac{18}{63} \approx 0/286$	۲۰/۰	ت ۴
۰۰/۱	۲۵۱/۰	۰۰/۱	۰۰/۱	مجموع

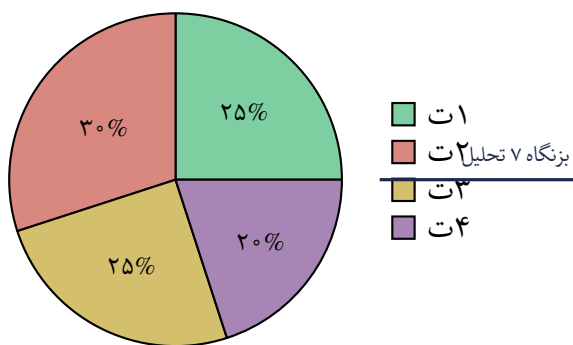
تفسیر

ت ۲ و ت ۴ هر دو وزن پسین $33/0$ ($\approx 33\%$) دارند. ت ۳ با 23% در رتبه سوم و ت ۱ با 11% ضعیف ترین است. مجموع ت ۲ + ت ۴ = 66% : بیش از دو سوم شواهد از ترکیب فریب + فشار نخبگان حمایت می کنند.

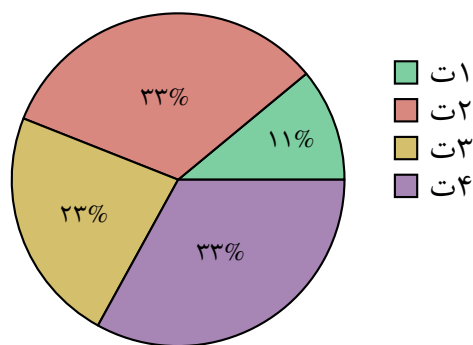
۴،۱۷ نمودار دایره ای بازنگری شده

نمودار ۲،۱۷ وزن های پسین را در مقایسه با نمودار مقدماتی فصل ۵ نشان می دهد.^۹

۵(فصل مقدماتی



۱۵(فصل بازنگری شده



شکل ۲،۱۷: مقایسه نمودار مقدماتی (فصل ۵) و بازنگری شده (فصل ۱۵)

مهم ترین تغییرات:

• ت ۱ از 25% به 11% کاهش یافت (بیشترین افت).

• ت ۴ از 20% به 33% رشد کرد (بیشترین رشد).

^۹ نمودار فصل ۵ بر اساس ادبیات بود؛ نمودار حاضر بر اساس تحلیل هفت بزنگاه.

- ت^۲ از ۳۰٪ به ۳۳٪ تغییر اندک داشت.
- ت^۳ از ۲۵٪ به ۲۳٪ اندکی کاهش یافت.

۵،۱۷ تحلیل حساسیت: چه شواهدی وزن‌ها را تغییر می‌دهد؟

تحلیل حساسیت (*sensitivity analysis*) بررسی می‌کند که اگر شواهد فرضی جدیدی کشف شود، وزن ترها چگونه تغییر خواهد کرد.^{۱۰}

جدول ۲،۱۷ چهار سناریوی فرضی و تأثیر هر یک بر وزن ترها را نشان می‌دهد.

جدول ۲،۱۷: تحلیل حساسیت: سناریوهای فرضی و تأثیر بر وزن ترها

سناریوی فرضی	ت ^۱	ت ^۲	ت ^۳	ت ^۴
کشف نامهٔ محرمانهٔ خمینی (پیش از ۵۷ مبنی بر «پس از پیروزی حاکم خواهم شد»)	↓↓	↑↑	↓	-
کشف سند نشان‌دهندهٔ تلاش واقعی خمینی برای واگذاری قدرت در ۱۳۵۸ که توسط نخبگان عقیم ماند	↑↑	↓	-	↑↑
یافتن متن فقهی جدید (دههٔ ۱۳۴۰) که ایدهٔ ولایت فقیه در آن غایب باشد	↑	↓	↑↑	-
مصاحبهٔ محرمانهٔ یکی از یاران نزدیک مبنی بر «خمینی بارها از تصدی قدرت ناراحت بود اما نخبگان اجازه ندادند»	↑	↓	-	↑↑

نتیجهٔ تحلیل حساسیت

سناریوی اول (نامهٔ محرمانه) بیشترین تأثیر را دارد: اگر چنین سندی پیدا شود، وزن ت^۲ می‌تواند به بیش از ۵۰٪ برسد و ت^۱ عملاً حذف شود. در مقابل، سناریوی دوم (تلاش واقعی برای واگذاری) می‌تواند ت^۱ و ت^۴ را هم‌زمان تقویت و ت^۲ را تضعیف کند.^a

^a این تحلیل نشان می‌دهد که پژوهش آرشویی آینده ممکن است نتایج این کتاب را به‌طور اساسی تغییر دهد.

¹⁰Saltelli et al., *Global Sensitivity Analysis*, 2008, ch. 1.

۶،۱۷ محدودیت‌های روش شناختی

۱. ذهنیت مقیاس‌گذاری: نمرات ۱-۳ توسط نگارنده تخصیص داده شده‌اند و پژوهشگر دیگری ممکن است نمرات متفاوتی بدهد.^{۱۱}
۲. فقدان دسترسی آرشیوی: بسیاری از اسناد محرمانه جمهوری اسلامی هنوز در دسترس نیستند.^{۱۲}
۳. سوگیری بقا (*survivorship bias*): شواهدی که به نفع حاکمیت بودند بیشتر حفظ شده‌اند تا شواهدی که نشان‌دهنده تردید بودند.
۴. مسأله نیت‌خوانی (*attribution of intent*): تمایز قطعی میان فریب آگاهانه و خودفریبی بدون دسترسی به ذهن فاعل ممکن نیست.^{۱۳}

خلاصه فصل ۱۵

- سه مفهوم روان‌شناختی - ناهماهنگی شناختی، خودفریبی، استدلال انگیزه‌محور - بر رفتار خمینی اعمال شدند و نشان دادند مرز صداقت/فریب مخدوش‌تر از آن است که تزه‌های مجزا فرض می‌کنند.
- وزن‌دهی بیزی کیفی نشان داد: ت ۲ ≈ ۳۳٪، ت ۴ ≈ ۳۳٪، ت ۳ ≈ ۲۳٪، ت ۱ ≈ ۱۱٪.
- نمودار دایره‌ای بازنگری شده بزرگ‌ترین تغییر را در افزایش ت ۴ و کاهش ت ۱ نشان داد.
- تحلیل حساسیت مشخص کرد که کشف اسناد جدید می‌تواند وزن‌ها را به‌طور اساسی جابه‌جا کند.
- محدودیت‌های روش شناختی (ذهنیت مقیاس، فقدان آرشیو، سوگیری بقا، مسأله نیت‌خوانی) تصریح شدند.

^{۱۱} Krippendorff, *Content Analysis*, rd3, ed. ۱۳، ۲۰، ch. ۱۲ درباره پایایی بین‌کدگذاران (*intercoder reliability*).

^{۱۲} میلانی، نگاهی به شاه، مقدمه، ص ۱۸ نیز بر این محدودیت تأکید دارد.

^{۱۳} Daniel Dennett, *The Intentional Stance*, 1987, pp. 13-35.

فصل ۱۸

نتیجه‌گیری - وعده یا خدعه؟

چکیده فصل ۱۶

فصل پایانی، یافته‌های سیزده فصل تحلیلی (فصل‌های ۳-۱۵) را در یک پاسخ ترکیبی ادغام می‌کند. نخست، تز ترکیبی مرحله‌ای (فصل ۱۴) صورت‌بندی نهایی می‌شود. سپس، دلایل ضعف تز اول و قوت ترکیب ت ۲ + ت ۳ + ت ۴ بیان می‌گردد. در ادامه، پرسش‌های باز برای پژوهش آینده مطرح می‌شوند. فصل با یک تأمل اخلاقی دربارهٔ مسئولیت وعده‌دهنده پایان می‌یابد.

۱،۱۸ بازخوانی پرسش اصلی

در فصل ۱ (مقدمه)، پرسش اصلی کتاب چنین صورت‌بندی شد:

پرسش محوری

آیا وعدهٔ خمینی مبنی بر عدم تصدی مقام سیاسی پس از انقلاب وعده‌ای صادقانه بود که بحران‌ها آن را نقض کرد، فریبی آگاهانه بود از ابتدا، محصول تطور ایدئولوژیک بود، یا نتیجهٔ فشار ساختاری نخبگان بود؟^۱

^۱ر.ک. فصل ۱، بخش ۱.۱.

اکنون، پس از بررسی هفت بزنگاه، تحلیل تطبیقی، نقد متقابل ترها، و وزن‌دهی به شواهد، پاسخ را ارائه می‌دهیم.

۲،۱۸ پاسخ ترکیبی: تز مرحله‌ای

تز ترکیبی مرحله‌ای (*Phased Composite Thesis*) که در فصل ۱۴ (بخش ۱۶، ۵) پیشنهاد شد، اکنون با نتایج فصل ۱۵ بازنگری و تکمیل می‌گردد.

۱،۲،۱۸ مرحله اول: وعده (پاریس، ۱۳۵۶-۱۳۵۷)

تبیین اصلی: ترکیب ت ۲ (فریب) + خودفریبی

بر اساس شواهد:

- کتاب ولایت فقیه (۱۳۴۸) نشان می‌دهد ایده حکومت فقیه پیش از وعده‌های پاریس وجود داشت.^۱
- اما لحن مصاحبه‌های پاریس صمیمی و غیرتصنعی به نظر می‌رسد.^۲
- نتیجه: محتمل‌ترین وضعیت آن است که خمینی در سطح آگاه بخشی از وعده‌ها را باور داشته (صداقت نسبی) اما در سطح عمیق‌تر، ایده حکومت فقیه قبلاً ذهنش را شکل داده بود (خودفریبی) و بخشی از وعده‌ها آگاهانه تاکتیکی بود (فریب آگاهانه).^۳

۲،۲،۱۸ مرحله دوم: تمرکز (۱۳۵۸-۱۳۶۰)

تبیین اصلی: ت ۲ + ت ۴ (فریب آگاهانه + فشار نخبگان)

- نصب بازرگان و سپس کنارزدن او؛ تأسیس نهادهای موازی؛ بازنویسی قانون اساسی با محوریت ولایت فقیه.^۴
- نقش بهشتی، رفسنجانی و خامنه‌ای در ساختارسازی نهادی بسیار مهم بود.^۵
- نتیجه: در این مرحله، خمینی آگاهانه از بحران‌ها (بختیار، گروگان‌گیری) برای تحکیم قدرت بهره برد و نخبگان انقلابی این مسیر را تسریع کردند.

۳،۲،۱۸ مرحله سوم: نهادینه‌سازی و بحران دائمی (۱۳۶۰-۱۳۶۷)

تبیین اصلی: ت ۳ + ت ۴ (تطور ایدئولوژیک + نخبگان)

- مفهوم «مصلحت نظام» و «ولایت مطلقه» به تدریج جایگزین مفهوم «هدایت معنوی» شد.^۶
- جنگ ایران و عراق به عنوان ابزار بسیج داخلی عمل کرد.^۷
- کشتار ۱۳۶۷ نقطه اوج تمرکز قدرت بود و تنها با فتوای شخصی خمینی ممکن شد.^۸

^۱Martin, *Creating an Islamic State*, 2000, pp. 78-95.

^۲صحیفۀ امام، ج ۵؛ یزدی، آخرین تلاش‌ها، ص ۱۸۰.

^۳*The Folly of Fools, Trivers*, ۲۰۱۱، pp. ۱۹-۳ بر ارتباط خودفریبی و فریب دیگران تأکید دارد.

^۴Bakhash, *Reign of the Ayatollahs*, 1984, pp. 52-73.

^۵خاطرات رفسنجانی، ج ۱، صص ۸۵-۱۱۰.

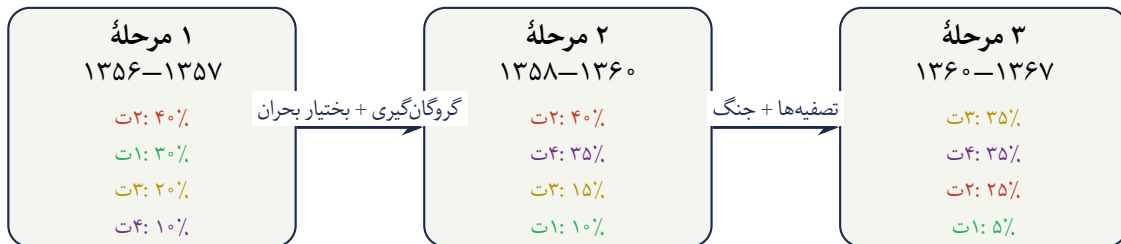
^۶صحیفۀ امام، ج ۲۱، نامۀ ۱۳۶۶ درباره تقدم مصلحت نظام بر احکام اولیه و ثانویه.

^۷Crist, *The Twilight War*, 2012, pp. 88-103.

^۸*Massacre, Robertson*, ۲۰۱۰، pp. ۵۴-۸۷؛ خاطرات منتظری، نامه‌های ۱۳۶۷.

• نتیجه: در این مرحله، تطور ایدئولوژیک (از ولایت محدود به ولایت مطلقه) با حمایت نهادی نخبگان ترکیب شد و نظام سیاسی فعلی شکل گرفت.

۳،۱۸ نمودار ترکیبی: سه مرحله و وزن هر تر



↑↑ ت۴ ↑ ت۳ ↓ → ثابت ت۲ ↓↓↓ ت۱ کلی: روند

شکل ۱،۱۸: تر ترکیبی مرحله‌ای: تغییر وزن هر تر در سه دوره

نمودار ۱،۱۸ نشان می‌دهد که وزن نسبی ترها در طول زمان تغییر می‌کند: تر فریب (ت۲) در مراحل اول و دوم غالب است اما در مرحله سوم جایش را به تطور ایدئولوژیک (ت۳) و فشار نخبگان (ت۴) می‌دهد. تر صداقت (ت۱) از ابتدا رو به افول است.^۹

۴،۱۸ چرا تر اول ضعیف‌ترین اما نه کاملاً نادرست است؟

با وجود ضعف تطبیقی ت۱ (فصل ۱۳: نمره ۱۰ از ۲۱)، دلایلی وجود دارد که آن را کاملاً رد نکنیم:

۱. لحن مصاحبه‌های پاریس: جعل کامل آن لحن در شرایط فشار رسانه‌ای بسیار دشوار بوده.^{۱۰}
۲. شواهد تردید: برخی خاطرات، لحظاتی از تردید خمینی در باره حکومت مستقیم را ثبت کرده‌اند.^{۱۱}
۳. مفهوم خودفریبی: صداقت ذهنی با فریب عملی قابل جمع است (فصل ۱۵)؛ بنابراین ت۱ نه‌به‌عنوان تبیین کامل بلکه به‌عنوان مؤلفه‌ای جزئی حفظ می‌شود.^{۱۲}

تبصره

ت۱ بیش از آنکه تبیینی مستقل باشد، توصیفی از سطح آگاهانه ذهن خمینی در لحظه وعده است. این توصیف لزوماً نادرست نیست اما برای تبیین ده سال رفتار بعدی ناکافی است.

^۹ این وزن‌های مرحله‌ای تقریبی و بر اساس ارزیابی کیفی نگارنده‌اند؛ ر.ک. فصل ۱۵ بحث محدودیت‌ها.

^{۱۰} Kurzman, *The Unthinkable Revolution*, 2004, pp. 121-135.

^{۱۱} یزدی، آخرین تلاش‌ها، ص ۱۸۰؛ خاطرات بازرگان، ص ۹۵.

^{۱۲} Mele, *Self-Deception Unmasked*, 2001, pp. 95-112.

۵،۱۸ جمع بندی علی: وعده یا خدعه؟

پاسخ نهایی به عنوان کتاب:

پاسخ نهایی

وعدۀ خمینی نه صرفاً وعده بود و نه صرفاً خدعه. بهترین تبیین موجود ترکیبی مرحله‌ای از سه مکانیزم است:

۱. فریب آگاهانه-نیمه آگاهانه (ت ۲ + خودفریبی): خمینی با آگاهی از ایده ولایت فقیه، وعده‌هایی داد که با عمق اندیشه‌اش ناسازگار بود - اما ممکن است در سطح آگاه بخشی از آن‌ها را باور داشته باشد.

۲. بهره‌برداری از بحران با پشتیبانی نخبگان (ت ۲ + ت ۴): در فاصله ۱۳۵۸-۱۳۶۰، هر بحران بیرونی (بختیار، گروگان‌گیری، ترورها) فرصتی شد برای تمرکز بیشتر قدرت - و نخبگان انقلابی (بهشتی، رفسنجانی، خامنه‌ای) این مسیر را ساختارسازی کردند.

۳. تطور ایدئولوژیک نهادینه شده (ت ۳ + ت ۴): از ۱۳۶۰ به بعد، مفاهیم «ولایت مطلقه» و «مصلحت نظام» جایگزین «هدایت معنوی» شدند و نظام سیاسی در قالبی نهادی تثبیت گشت که بازگشت از آن ناممکن بود.

بنابراین، عنوان کتاب - «وعده یا خدعه؟» - پرسشی دوگانه (*binary*) است اما پاسخ طیفی و مرحله‌ای است.^a

^a Keddie, *Modern Iran*, 2006, p. 252: "The truth almost certainly lies in a combination of factors."

۶،۱۸ جدول نهایی: پاسخ ترکیبی به تفکیک بزنگاه

جدول ۱،۱۸ پاسخ ترکیبی را به تفکیک هر بزنگاه خلاصه می‌کند.

جدول ۱،۱۸: پاسخ ترکیبی نهایی به تفکیک بزنگاه

بزنگاه	توزیع غالب	توضیح مختصر
وعده‌های پاریس	ت ۲ + خودفریبی	وعدۀ عدم حاکمیت ناسازگار با ولایت فقیه (۱۳۴۸) اما لحن مصاحبه‌ها حاکی از صداقت ذهنی نسبی است. ^{۱۳}
برخورد با بختیار	ت ۲ + ت ۴	نصب بازرگان اما ایجاد ساختار موازی؛ نخبگان انقلابی سازمان‌دهنده اصلی. ^{۱۴}
مجلس خبرگان / قانون اساسی	ت ۲ + ت ۳	بزنگاه نهادینه‌سازی ولایت فقیه؛ هم فریب (وعده در برابر عمل) و هم تطور (گذار از هدایت به حاکمیت). ^{۱۵}

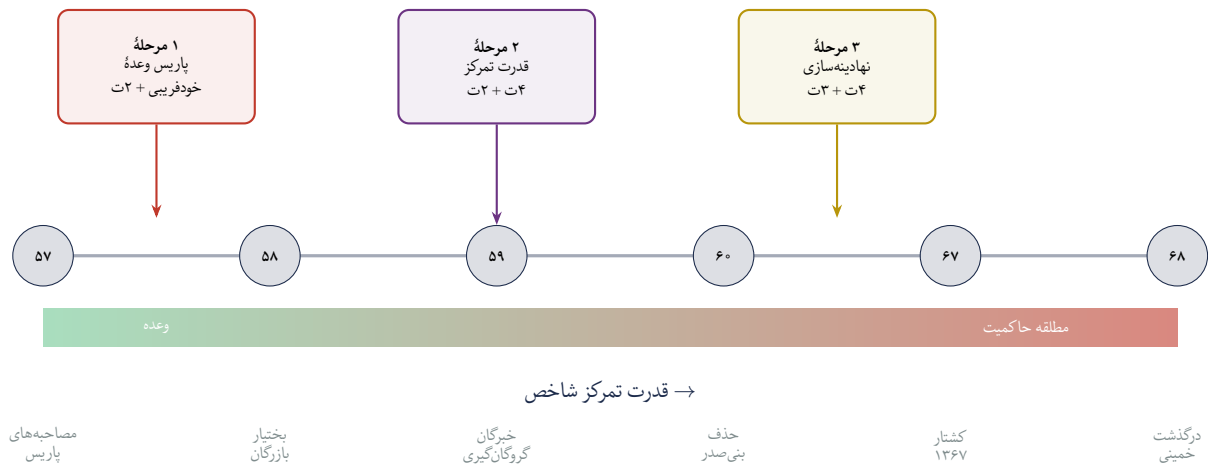
ادامه در صفحه بعد ...

جدول ۱،۱۸: (ادامه)

توضیح مختصر	تزر(های) غالب	بزنگاه
بهره‌گیری نخبگان از بحران امنیتی برای تحکیم نهادهای موازی. ^{۱۶}	ت ۴	ترورهای فرقان
ابزارسازی آگاهانه از بحران؛ تأیید ضمنی و سپس صریح؛ رفراوندوم قانون اساسی تحت سایه بحران. ^{۱۷}	ت ۲ + ت ۴	بحران گروگان‌گیری
تبدیل جنگ به ابزار بسیج و مشروعیت‌سازی؛ تطور مفهوم «مصلحت نظام». ^{۱۸}	ت ۳ + ت ۴	جنگ ایران و عراق
اوج تمرکز قدرت؛ فتوای شخصی خمینی (ت ۲) با اجرای نهادی نخبگان (ت ۴). ^{۱۹}	ت ۲ + ت ۴	حذف مجاهدین / بنی‌صدر / تصفیه‌ها ۱۳۶۷ /

۷،۱۸ نمودار نهایی: مسیر از وعده تا واقعیت

نمودار ۲،۱۸ مسیر کلی حرکت خمینی از وعده تا واقعیت را در یک خط زمانی واحد نشان می‌دهد و تر غالب هر مرحله را مشخص می‌سازد.



شکل ۲،۱۸: خط زمانی نهایی: از وعده تا حاکمیت مطلقه

^{۱۳} صحیفه امام، ج ۵؛ Martin، ۲۰۰۰، pp. ۷۸-۹۵.

^{۱۴} بازگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۷۲.

^{۱۹} Robertson، ۲۰۱۰، pp. ۵۴-۸۷؛ خاطرات منتظری، ۱۳۶۷.

۸،۱۸ پرسش‌های باز برای پژوهش آینده

هر پژوهش جدی، پرسش‌هایی بی‌پاسخ بر جای می‌گذارد. مهم‌ترین پرسش‌های باز عبارت‌اند از:

۱. اسناد آرشیوی: آیا در آرشیوهای محرمانه بیت رهبری یا دفتر رهبر انقلاب اسنادی وجود دارد که نشان‌دهندهٔ مباحثات داخلی دربارهٔ ولایت فقیه پیش از ۱۳۵۷ باشد؟^{۲۰}
۲. خاطرات منتشرنشده: آیا یاران نزدیک خمینی (به‌ویژه احمد خمینی) خاطرات یا یادداشت‌هایی دارند که تردیدهای احتمالی خمینی را ثبت کرده باشند؟^{۲۱}
۳. مقایسهٔ تطبیقی بین انقلابی: آیا الگوی «وعدۀ دموکراسی» (تمركز قدرت) در انقلاب‌های دیگر (روسیه ۱۹۱۷، کوبا ۱۹۵۹، نیکاراگوئه ۱۹۷۹) نیز تکرار شده است؟ اگر بله، آیا مکانیزم‌های مشابهی در کارند؟^{۲۲}
۴. نقش رسانه‌های غربی: آیا رسانه‌های غربی با پذیرش بدون نقدِ وعده‌های پاریس عملاً در مشروعیت‌بخشی به خمینی نقش داشتند؟^{۲۳}
۵. مکانیزم‌های خودفریبی در رهبران سیاسی: آیا یافته‌های عصب‌شناسی جدید دربارهٔ *self-deception* می‌تواند مدل دقیق‌تری برای رفتار خمینی ارائه دهد؟^{۲۴}
۶. پرسش هنجاری: آیا در نظام حقوقی اسلامی (یا بین‌المللی) مکانیزمی برای پاسخگو کردن رهبران در قبال وعده‌های پیش‌انقلابی وجود دارد؟^{۲۵}

۹،۱۸ تأمل اخلاقی: مسئولیت وعده‌دهنده

فارغ از تبیین تاریخی، یک پرسش اخلاقی بنیادین باقی است:

پرسش اخلاقی

آیا وعده‌دهنده‌ای که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز وعدهٔ عدم حاکمیت می‌دهد و سپس حاکم مطلق می‌شود، از نظر اخلاقی مسئول است - حتی اگر بخشی از تغییر مسیر ناخواسته بوده باشد؟

سه سنت اخلاقی پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند:

^{۲۰} میلانی، نگاهی به شاه، مقدمه، ص ۱۸ بر ضرورت دسترسی آرشیوی تأکید دارد.
^{۲۱} بخشی از بایگانی احمد خمینی در مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام نگهداری می‌شود اما به‌طور کامل در دسترس پژوهشگران نیست.
^{۲۲} *The Anatomy of Revolution*, Crane Brinton, ed., rev., ۱۹۶۵, ch. ۸ الگوی «ترمیدور» را برای انقلاب‌ها مطرح می‌کند.

States and Social Revolutions, Theda Skocpol, ۱۹۷۹, نیز تحلیل تطبیقی مشابهی ارائه می‌دهد.

^{۲۳} William Beeman, *The "Great Satan" vs. the "Mad Mullahs"*, 2005, ch. 3.

^{۲۴} Sharot, *The Optimism Bias*, 2011; von Hippel & Trivers, "The Evolution and Psychology of Self-Deception", *Behavioral and Brain Sciences*, 34(1), 2011, pp. 1-16.

^{۲۵} Thomas Franck, *The Power of Legitimacy Among Nations*, 1990, ch. 6.

۱،۹،۱۸ وظیفه‌گرایی کانتی (Kantian Deontology)

از منظر کانتی، وعده‌شکنی (*promise-breaking*) به خودی خود نادرست است، صرف‌نظر از نتایج.^{۲۶} امر مطلق (*categorical imperative*) نمی‌پذیرد که وعده‌ای به عنوان ابزار تاکتیکی استفاده شود. اگر خمینی آگاهانه وعده‌شکنی کرده باشد (ت)، از نظر کانتی مسئول اخلاقی است. اگر خودفریبی در کار بوده باشد، مسئولیتش کمتر اما منتفی نیست - زیرا خودفریبی نیز صورتی از بی‌صداقتی با خود و دیگران است.^{۲۷}

۲،۹،۱۸ پیامدگرایی (Consequentialism)

از منظر پیامدگرایانه، پرسش این نیست که آیا وعده شکسته شد بلکه این است که نتایج نهایی چه بودند. اگر حاکمیت مطلقه به بهبود اوضاع جامعه انجامید، وعده‌شکنی قابل توجیه خواهد بود.^{۲۸}

اما شواهد تاریخی - از سرکوب ۱۳۶۰، جنگ هشت‌ساله، کشتار ۱۳۶۷، تا محدودیت آزادی‌های مدنی - نشان می‌دهد که حتی از منظر پیامدگرایانه، نتایج عمدتاً منفی بوده‌اند.^{۲۹}

۳،۹،۱۸ اخلاق فضیلت (Virtue Ethics)

از منظر اخلاق فضیلت (*Aristotelian virtue ethics*)، پرسش این است: آیا خمینی فرد فضیلت‌مندی بود؟ فضیلت صداقت (*truthfulness*) و فضیلت عدالت (*justice*) هر دو اقتضا می‌کنند که حاکم به وعده‌هایش پای‌بند باشد - نه فقط به دلیل وظیفه (کانت) یا نتایج (پیامدگرایی) بلکه به دلیل خصلت اخلاقی‌ای که حاکم باید داشته باشد.^{۳۰}

تبصره اسلامی

در سنت اخلاقی اسلامی نیز وفای به عهد (وفاء بالعهد) از واجبات اخلاقی و فقهی شمرده می‌شود.^a مفهوم مصلحت (*maslahah*) می‌تواند در شرایط استثنایی وعده‌شکنی را توجیه کند اما گسترش بی‌حد آن خود مسأله‌ساز است - چنان‌که تطور مفهوم مصلحت نظام در دهه ۱۳۶۰ نشان داد.^b

^aقرآن کریم، سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۴: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا».

^bFelicitas Opwis, *Maslahah and the Purpose of the Law*, 2010, pp. 147-180.

۱۰،۱۸ سخن پایانی

این کتاب تلاشی بود برای پاسخ به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های تاریخ معاصر ایران. پاسخ نهایی - چنان‌که شاید قابل انتظار بود - ساده نیست. واقعیت تاریخی به‌ندرت در قالب دوگانه‌های مطلق می‌گنجد.

^{۲۶}*Groundwork of the Metaphysics of Morals*, Immanuel Kant, ۱۷۸۵، ۴:۴۲۲؛ ترجمه فارسی: بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق،

ترجمه عنایت‌الله شکیباپور.

^{۲۷}Christine Korsgaard, *Creating the Kingdom of Ends*, 1996, pp. 335-362.

^{۲۸}۲ ch.، ۱۸۶۳، *Utilitarianism*, John Stuart Mill؛ ترجمه فارسی: فایده‌گرایی، ترجمه مرتضی مردیها.

^{۲۹}Abrahamian, *Tortured Confessions*, 1999, pp. 209-228; Robertson, 2010, pp. 1-15.

^{۳۰}Alasdair MacIntyre, *After Virtue*, 3rd ed., 2007, ch. 15.

آنچه می‌توان با اطمینان نسبی گفت این است:

۱. وعدۀ خمینی در پاریس بدون تردید **نقض شد** - این واقعیتی تاریخی است، نه تفسیر.
۲. علت نقض، ترکیبی مرحله‌ای از فریب، خودفریبی، فشار نخبگان و تطور ایدئولوژیک بوده است.
۳. هیچ‌تر واحدی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و پژوهش آینده با اسناد جدید ممکن است وزن‌ها را تغییر دهد.
۴. فارغ از تبیین تاریخی، **مسئولیت اخلاقی** وعده‌شکنی - حتی در ضعیف‌ترین خوانش - بر عهدۀ وعده‌دهنده باقی می‌ماند.^{۳۱}

خلاصۀ نهایی کتاب - فصل ۱۶

• پاسخ ترکیبی مرحله‌ای:

۱. مرحله اول (پاریس): **فریب آگاهانه-نیمه آگاهانه** با عنصری از صداقت ذهنی.
 ۲. مرحله دوم (۱۳۵۸-۱۳۶۰): **فریب + فشار نخبگان**.
 ۳. مرحله سوم (۱۳۶۰-۱۳۶۷): **تطور ایدئولوژیک + نخبگان**.
- وزن نهایی ترها (فصل ۱۵): **ت ۲ ≈ ۳۳٪**، **ت ۴ ≈ ۳۳٪**، **ت ۳ ≈ ۲۳٪**، **ت ۱ ≈ ۱۱٪**.
- **ت ۱ (صداقت)** ضعیف‌ترین اما نه کاملاً نادرست: مؤلفه‌ای جزئی در مرحله اول.
- **الگوی قدرت: یک‌سویه، انباشتی، بدون بازگشت.**
- **شش پرسش** باز برای پژوهش آینده شناسایی شدند (اسناد آرشیوی، خاطرات منتشر نشده، مقایسه بین‌انقلابی، نقش رسانه‌ها، عصب‌شناسی خودفریبی، مکانیزم حقوقی پاسخگویی).
- **تأمل اخلاقی:** از هر سه منظر وظیفه‌گرایی، پیامدگرایی و اخلاق فضیلت، وعده‌شکنی خمینی قابل توجه کامل نیست. در سنت اخلاقی اسلامی نیز وفای به عهد واجب و مصلحت‌اندیشی بی‌حد مسأله‌ساز است.
- **عنوان کتاب - «وعده یا خدعه؟»:** پرسش دوگانه است؛ پاسخ طیفی و مرحله‌ای. نه صرفاً وعده، نه صرفاً خدعه - بلکه فرایند پیچیده‌ای از فریب، خودفریبی، تطور و ساختارسازی نخبگانی که ایران را به مسیر کنونی‌اش رساند.

^{۳۱} این جمع‌بندی اخلاقی البته مسبوق به نقد منتظری بر خمینی است: «تاریخ شما را به‌عنوان یکی از [حذفی] ثبت خواهد کرد». خاطرات منتظری، نامه ۱۳۶۷.

پیوست آ

گاه‌شمار تفصیلی: از نجف تا درگذشت خمینی

درباره این پیوست

این پیوست گاه‌شمار تفصیلی رویدادهای کلیدی از تبعید خمینی به نجف (۱۳۴۳) تا درگذشت او (۱۳۶۸) را ارائه می‌دهد. هر رویداد با تزیینات مرتبط رنگ‌گذاری شده است.

جدول آ، ۱: گاه‌شمار تفصیلی

سال شمسی	سال میلادی	رویداد	تزیینات مرتبط
۱۳۴۳	۱۹۶۴	تبعید خمینی به ترکیه و سپس نجف ^۱	-
۱۳۴۸	۱۹۷۰	انتشار درس‌گفتارهای ولایت فقیه (Islamic Government) در نجف ^۲	ت ۳ / ۲
۱۳۵۶	۱۹۷۸	آغاز اعتراضات گسترده در ایران؛ خمینی از نجف به پاریس می‌رود (مهر ۱۳۵۷) ^۳	-
۱۳۵۷ (دی-بهمن)	۱۹۷۹ (ژانویه)	مصاحبه‌های متعدد پاریس: وعده عدم تصدی مقام سیاسی ^۴	ت ۱ / ۲
۱۳۵۷ (۲۲ بهمن)	۱۹۷۹ (۱۱ فوریه)	پیروزی انقلاب؛ سقوط حکومت بختیار ^۵	ت ۲ / ۴
۱۳۵۷ (اسفند)	۱۹۷۹ (مارس)	فرانودوم جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) ^۶	ت ۲
۱۳۵۸ (تابستان)	۱۹۷۹	مجلس خبرگان قانون اساسی: طرح ولایت فقیه مطلقه ^۷	ت ۲ / ۳

ادامه در صفحه بعد ...

جدول ۱، ا: (ادامه)

سال شمسی	سال میلادی	رویداد	تذ مرتب
۱۳۵۸ (آبان)	۱۹۷۹ (نوامبر)	اشغال سفارت آمریکا - آغاز بحران گروگان‌گیری ^۸	ت ۲ / ۴
۱۳۵۸ (آذر)	۱۹۷۹ (دسامبر)	رفراندوم قانون اساسی - تصویب ولایت فقیه ^۹	ت ۳
۱۳۵۹-۱۳۵۸	۱۹۷۹-۱۹۸۰	ترورهای گروه فرقان؛ ترور مطهری، مفتاح و دیگران ^{۱۰}	ت ۴
۱۳۵۹ (خرداد)	۱۹۸۰ (ژوئن)	عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا ^{۱۱}	ت ۲ / ۴
۱۳۵۹ (شهریور)	۱۹۸۰ (سپتامبر)	آغاز جنگ ایران و عراق ^{۱۲}	ت ۳ / ۴
۱۳۶۰ (خرداد-تیر)	۱۹۸۱	سرکوب مجاهدین خلق و تصفیۀ سیاسی گسترده ^{۱۳}	ت ۲ / ۴
۱۳۶۱-۱۳۶۵	۱۹۸۲-۱۹۸۶	ادامۀ جنگ پس از آزادسازی خرمشهر؛ رد پیشنهادهای صلح ^{۱۴}	ت ۳ / ۴
۱۳۶۶	۱۹۸۸	نامۀ معروف خمینی دربارهٔ تقدم مصلحت نظام ^{۱۵}	ت ۳
۱۳۶۷ (تیر)	۱۹۸۸ (ژوئیه)	پذیرش قطعنامۀ ۵۹۸ - «نوشیدن جام زهر» ^{۱۶}	ت ۳
۱۳۶۷ (مرداد- شهریور)	۱۹۸۸ (اوت-سپتامبر)	کشتار زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ ^{۱۷}	ت ۲ / ۴
۱۳۶۷ (فروردین ۱۳۶۸)	۱۹۸۹ (مارس)	عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری ^{۱۸}	ت ۲
۱۳۶۸ (۱۴ خرداد)	۱۹۸۹ (۳ ژوئن)	درگذشت خمینی ^{۱۹}	-

^۴ صحیفۀ امام، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۹۰.

^۵ بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۷۲.

^۷ صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۵۸.

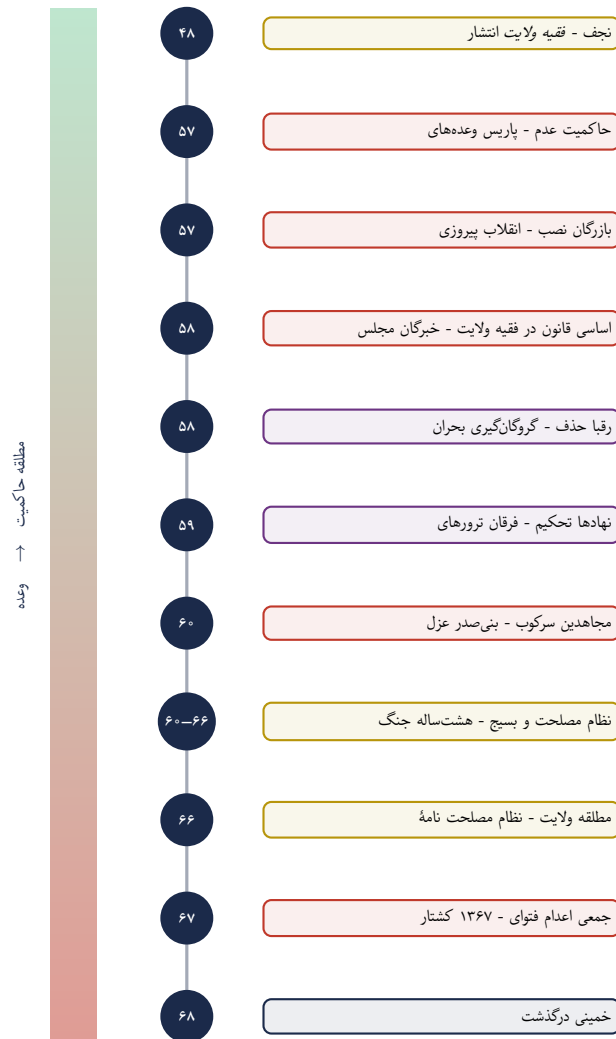
^{۱۱} بنی‌صدر، خیانت به امید، صص ۳۰۲-۳۱۵.

^{۱۴} خاطرات رفسنجانی، دوران دفاع مقدس، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۲۸.

^{۱۵} صحیفۀ امام، ج ۲۱.

^{۱۸} خاطرات منتظری (نسخۀ اینترنتی).

۱، آ نمودار خط زمانی کامل



شکل ۱، آ: خط زمانی عمودی: مسیر انباشت قدرت

خلاصه پیوست الف

- گاه‌شمار تفصیلی ۱۸ رویداد کلیدی را از ۱۳۴۳ تا ۱۳۶۸ فهرست کرد.
- هر رویداد با تزیینات مرتبط رنگ‌کدگذاری شد.
- خط زمانی عمودی روند انباشت قدرت را به صورت بصری تأیید می‌کند.

پیوست ب

گزیده متون کلیدی

درباره این پیوست

این پیوست گزیده‌ای از مهم‌ترین متون اولیه - مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و فتاوا - را که در تحلیل‌های فصل‌های ۳-۱۶ مورد استناد قرار گرفتند، به صورت اصلی (یا ترجمه فارسی معتبر) ارائه می‌دهد. هدف، فراهم‌سازی امکان ارجاع مستقیم برای خواننده است.^a

^a تمامی متون از نسخه‌های رسمی منتشرشده نقل شده‌اند. در مواردی که نسخه اینترنتی مورد استفاده بوده، نشانی وب در پانوشت ذکر شده است.

ب، ۱ مصاحبه خمینی با *Le Monde* (دی ۱۳۵۷)

متن اصلی - ترجمه فارسی

« من در آینده ایران هیچ نقش حکومتی نخواهم داشت. نقش من هدایت و ارشاد است. من یک آخوند هستم و جایگاه من حوزه علمیه است. حکومت به دست مردم و نمایندگان منتخب آن‌ها اداره خواهد شد. »^a

^a صحیفه امام، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۸۹. متن فرانسوی اصلی: "Je n'exercerai aucune fonction de gouvernement." *Le Monde*, 9 janvier 1979, "Mon rôle est celui d'un guide..."

تحلیل مختصر

این متن مهم‌ترین سند وعده عدم حاکمیت است. عبارت «هیچ نقش حکومتی» صریح و بدون ابهام است. تز ۲ (فرب) این متن را تاکتیکی می‌خواند؛ تز ۱ (صداقت) آن را بیان واقعی نیت می‌داند؛ تز ۳ (تطور) معتقد است نیت بعداً تغییر کرد. ر.ک. فصل ۶ برای تحلیل تفصیلی.

ب، ۲ مصاحبهٔ خمینی با *The Guardian* (بهمن ۱۳۵۷)

متن اصلی - ترجمهٔ فارسی

« من قصد ندارم رئیس‌جمهور شوم یا نخست‌وزیر. من در قم خواهم ماند و از آنجا نظارت خواهم کرد.»^a

^aصحیفهٔ امام، ج ۵، ص ۴۲۳. *The Guardian*، ۶ November ۱۹۷۸ (interview with Neauphle-le-Château).

ب، ۳ درس‌گفتارهای ولایت فقیه - نجف (۱۳۴۸)

گزیدهٔ متن

« همان‌طور که پیامبر (ص) ولایت بر امت داشت و حکومت تشکیل داد... فقیه عادل نیز باید حکومت تشکیل دهد... ولایت فقیه از جنس ولایت پیامبر و ائمه است.»^a

^aخمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، نشر مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صص ۳۵-۴۰.

تحلیل مختصر

این متن - که نه سال پیش از وعده‌های پاریس نوشته شده - مستقیماً ایدهٔ حکومت فقیه را مطرح می‌کند. تز ۲ آن را دلیل قاطع بر فریبکارانه بودن وعده‌های پاریس می‌داند. تز ۳ استدلال می‌کند که این متن فقط مرحله‌ای از تطور بود و خمینی ممکن است بعداً نظرش را تعدیل کرده باشد. ر.ک. فصل‌های ۴ و ۸.^a

^aMartin، ۲۰۰۰، pp. ۷۸-۹۵؛ کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، صص ۱۵۲-۱۸۰.

ب، ۴ نامهٔ خمینی دربارهٔ مصلحت نظام (دی ۱۳۶۶)

گزیدهٔ متن

« حکومت... از اهمّ احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدّم دارد... حکومت می‌تواند هر امری را - چه عبادی و چه غیرعبادی - که جریان آن مخالف مصالح اسلام است مادامی که چنین است جلوگیری کند.»^a

^aصحیفهٔ امام، ج ۲۱، نامهٔ ۱۶ دی ۱۳۶۶ خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت).

تحلیل مختصر

این نامه نقطهٔ اوج تطور ایدئولوژیک (ت ۳) است: حکومت فقیه نه تنها فرعی نیست بلکه بر تمام احکام دیگر اولویت دارد. فاصلهٔ این موضع با وعدهٔ «هیچ نقش حکومتی» بیش از آنکه صرفاً با «اضطرار» (ت ۱) توضیح پذیر باشد، نشان دهندهٔ تحولی بنیادین در اندیشه یا آشکارسازی اندیشه‌ای پنهان (ت ۲) است. ر.ک. فصل‌های ۱۱ و ۱۵.^a

^a کدیور، حکومت ولایی، صص ۲۵۵-۲۷۰.

ب، ۵ نامهٔ منتظری به خمینی (مرداد ۱۳۶۷)

گزیدهٔ متن

«آیا می‌دانید در زندان‌های جمهوری اسلامی زنان باردار اعدام می‌شوند؟... جهانیان ما را به کشتار متهم خواهند کرد... تاریخ ما را جنایتکار ثبت خواهد کرد.»^a

^a خاطرات آیت‌الله منتظری (نسخهٔ اینترنتی)، نامهٔ ۹ مرداد ۱۳۶۷. نیز ر.ک. Robertson, ۲۰۱۰, pp. ۷۵-۸۲.

تحلیل مختصر

این نامه مهم‌ترین سند اعتراض درون حکومتی به کشتار ۱۳۶۷ است. پاسخ خمینی - عزل منتظری از قائم‌مقامی رهبری - نشان دهندهٔ اوج تمرکز قدرت فردی است (ت ۲ + ت ۴). حتی نزدیک‌ترین متحد ایدئولوژیک نیز قادر به تغییر مسیر نبود. ر.ک. فصل ۱۲.

خلاصهٔ پیوست ب

- پنج متن کلیدی ارائه شد: مصاحبه‌های پاریس (*The Guardian* و *Le Monde*)، درس‌گفتارهای ولایت فقیه (۱۳۴۸)، نامهٔ مصلحت نظام (۱۳۶۶)، و نامهٔ منتظری (۱۳۶۷).
- هر متن با تحلیل مختصر و ارجاع به فصل مربوطه همراه شد.
- هدف: فراهم‌سازی دسترسی مستقیم خوانندگان به شواهد اولیه.

پیوست پ

واژه‌نامه تخصصی (فارسی-انگلیسی)

درباره این پیوست

واژه‌نامه زیر مهم‌ترین اصطلاحات تخصصی به‌کاررفته در این کتاب را همراه با معادل انگلیسی و ارجاع به فصل مربوطه فهرست می‌کند.

جدول پ، ۱: واژه‌نامه تخصصی

اصطلاح فارسی	معادل انگلیسی	توضیح / ارجاع
ولایت فقیه	<i>Guardianship of the Jurist</i>	نظریه حکومت مستقیم فقیه؛ فصل‌های ۴، ۸
ولایت مطلقه فقیه	<i>Absolute Guardianship of the Jurist</i>	نسخه گسترش‌یافته: ولایت بر تمام احکام؛ فصل‌های ۱۱، ۱۵
مصلحت نظام	<i>Expediency of the State / Maslaha</i>	تقدم مصلحت حکومت بر احکام فقهی؛ فصل‌های ۱۱، ۱۶
تقیه	<i>Taqiyya (precautionary dissimulation)</i>	پنهان‌سازی باور واقعی در شرایط خطر؛ فصل ۴
ناهماهنگی شناختی	<i>Cognitive Dissonance</i>	تنش میان باور و رفتار؛ فصل ۱۵
خودفریبی	<i>Self-Deception</i>	باور و انکار هم‌زمان؛ فصل‌های ۱۴-۱۶
استدلال انگیزه‌محور	<i>Motivated Reasoning</i>	پردازش گزینشی شواهد؛ فصل ۱۵
سوگیری تأیید	<i>Confirmation Bias</i>	توجه بیشتر به شواهد هم‌سو با باور موجود؛ فصل ۱۵
تحلیل حساسیت	<i>Sensitivity Analysis</i>	بررسی تأثیر تغییر فروض بر نتیجه؛ فصل ۱۵

جدول پ، ۱: (ادامه)

اصطلاح فارسی	معادل انگلیسی	توضیح / ارجاع
ارزیابی بیزی کیفی	<i>Qualitative Bayesian Assessment</i>	روش وزن‌دهی با پیشین و درست‌نمایی؛ فصل ۱۵
تر ترکیبی مرحله‌ای	<i>Phased Composite Thesis</i>	فرضیه نهایی کتاب: ترکیب مرحله‌ای ترها؛ فصل‌های ۱۴-۱۶
پارسیمونی	<i>Parsimony (Occam's Razor)</i>	ترجیح تبیین ساده‌تر؛ فصل ۱۴
ماتریس سازگاری	<i>Compatibility Matrix</i>	جدول سازگاری منطقی ترها؛ فصل ۱۴
سوگیری بقا	<i>Survivorship Bias</i>	حفظ نامتوازن شواهد؛ فصل ۱۵
نظریه ذهن	<i>Theory of Mind</i>	توانایی درک حالات ذهنی دیگران؛ فصل ۱۴

خلاصه پیوست ج

- ۱۵ اصطلاح تخصصی فارسی-انگلیسی فهرست شد.
- هر اصطلاح با ارجاع به فصل مربوطه همراه است.
- این واژه‌نامه ابزار مرجع سریع برای خوانندگان است.

پیوست ت

تشریح روش‌شناسی پژوهش

درباره این پیوست

این پیوست روش‌شناسی به‌کاررفته در کتاب را به‌صورت تفصیلی شرح می‌دهد: معیارهای انتخاب منابع، مقیاس ارزیابی، محدودیت‌ها و مفروضات.

ت، ۱ معیارهای انتخاب منابع

جدول ت، ۱: سلسله‌مراتب منابع

رتبه	نوع منبع	مثال
۱	اسناد دست‌اول رسمی	صحیفه امام، مصوبات مجلس خبرگان، اسناد لانه جاسوسی
۲	خاطرات دست‌اول	رفسنجانی، منتظری، یزدی، بازرگان، بنی‌صدر
۳	پژوهش‌های آکادمیک (فارسی و انگلیسی)	کدیور، بشیریه، سروش؛ <i>Abrahamian, Bakhash, Milani, Keddie</i>
۴	تحلیل‌های روزنامه‌نگاری و مستند	<i>Bowden, Crist</i> ؛ مقالات تحلیلی

اصل منبع‌شناختی

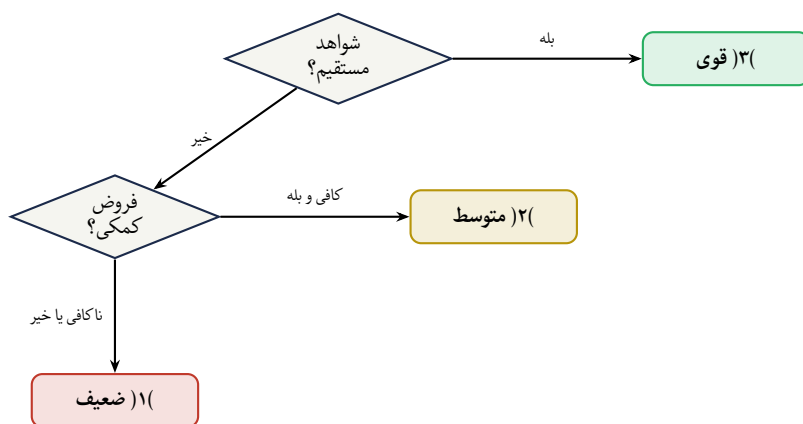
در تمام فصل‌ها، تلاش شده منابع رده ۱ و ۲ بر رده ۳ و ۴ اولویت داشته باشند. هر جا منبع دست‌اول در دسترس نبود، حداقل دو منبع ثانویه مستقل مورد استناد قرار گرفته است.^a

^aGeorge & Bennett, *Case Studies and Theory Development*, 2005, pp. 89–95.

ت، ۲ مقیاس ارزیابی سازگاری

مقیاس سه درجه‌ای (فصل ۱۳) بر پایه سه معیار عمل می‌کند:

۱. سازگاری مستقیم: آیا شواهد مستقیماً پیش‌بینی‌تر را تأیید می‌کنند؟
۲. نیاز به فروض کمکی: آیا تر برای توضیح رویداد نیاز به فروض اضافی دارد؟
۳. وجود شواهد مخالف: آیا شواهدی وجود دارد که مستقیماً پیش‌بینی‌تر را نقض کنند؟



شکل ت، ۱: فلوجارت تصمیم‌گیری برای نمره‌دهی سازگاری

ت، ۳ مفروضات و محدودیت‌ها

۱. فرض عقلانیت حداقلی: خمینی به عنوان فاعل عقلانی (نه لزوماً کاملاً عقلانی) فرض شده است - یعنی کنش‌هایش حداقل تا حدی هدفمند و محاسبه شده بوده‌اند.^۱
۲. عدم دسترسی به آرشیو محرمانه: بسیاری از اسناد داخلی حکومت ایران طبقه‌بندی شده و غیرقابل دسترسی‌اند. این محدودیت مهم‌ترین عامل عدم قطعیت نتایج است.
۳. سوگیری بقا: شواهدی که به نفع حاکمیت بودند بیشتر حفظ و منتشر شده‌اند. شواهد تردید یا اعتراض ممکن است به‌طور سیستماتیک حذف شده باشند.
۴. زبان و ترجمه: بخشی از مصاحبه‌های پاریس به فرانسه یا انگلیسی بود و ترجمه فارسی ممکن است ظرایفی را از دست داده باشد.^۲

^۱Jon Elster, *Ulysses and the Sirens*, rev. ed., 1984, ch. 1.

^۲ر.ک. فصل ۶ برای بحث درباره نسخه‌های مختلف مصاحبه خمینی با *Le Monde*.

خلاصه پیوست د

- سلسله مراتب چهار سطحی منابع تعریف شد.
- مقیاس سه درجه ای سازگاری با فلوجارت تصمیم گیری تشریح شد.
- چهار مفروض و محدودیت اصلی تصریح شدند.

کتاب‌نامه

درباره کتاب‌نامه

کتاب‌نامه به دو بخش تقسیم شده است: (الف) منابع فارسی و (ب) منابع انگلیسی. ترتیب هر بخش الفبایی بر اساس نام خانوادگی مؤلف است.

الف) منابع فارسی

- [۱] بازرگان، مهدی. *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران، ۱۳۶۳.
- [۲] بشیریه، حسین. *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی)*. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
- [۳] بنی‌صدر، ابوالحسن. *خیانت به امید*. پاریس، ۱۳۶۱.
- [۴] حجاریان، سعید. *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- [۵] خمینی، روح‌الله. *صحیفه امام*، ۲۲ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- [۶] خمینی، روح‌الله. *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*. نجف، ۱۳۴۸ ش. [تقریرات درس].
- [۷] رفسنجانی، اکبر هاشمی. *خاطرات (چندین جلد)*. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، سال‌های مختلف.
- [۸] سروش، عبدالکریم. *فربه‌تر از ایدئولوژی*. تهران: صراط، ۱۳۷۲.
- [۹] صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
- [۱۰] کدیور، محسن. *حکومت ولایی*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- [۱۱] کدیور، محسن. *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- [۱۲] گنجی، اکبر. *تلقی فاشیستی از دین و حکومت*. تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.

[۱۳] منتظری، حسینعلی. *خاطرات (نسخه اینترنتی)*. <https://amontazeri.com/farsi/memoir>.

[۱۴] میلانی، عباس. *نگاهی به شاه*. تهران: نشر اختران، ۱۳۹۲.

[۱۵] یزدی، ابراهیم. *آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها*. تهران: قلم، ۱۳۶۳.

ب) منابع انگلیسی

Abrahamian, Ervand. *Khomeinism: Essays on the Islamic Republic*. Berkeley: University of California Press, 1993. [۱۶]

Abrahamian, Ervand. *A History of Modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press, 2008. [۱۷]

Abrahamian, Ervand. *Tortured Confessions: Prisons and Public Recantations in Modern Iran*. Berkeley: University of California Press, 1999. [۱۸]

Abrahamian, Ervand. *Radical Islam: The Iranian Mojahedin*. London: I. B. Tauris, 1989. [۱۹]

Arjomand, Said Amir. *The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran*. New York: Oxford University Press, 1988. [۲۰]

Bakhash, Shaul. *The Reign of the Ayatollahs: Iran and the Islamic Revolution*. New York: Basic Books, 1984. [۲۱]

Beeman, William O. *The "Great Satan" vs. the "Mad Mullahs": How the United States and Iran Demonize Each Other*. Westport, CT: Praeger, 2005. [۲۲]

Bowden, Mark. *Guests of the Ayatollah: The First Battle in America's War with Militant Islam*. New York: Atlantic Monthly Press, 2006. [۲۳]

Brinton, Crane. *The Anatomy of Revolution*. Rev. ed. New York: Vintage, 1965. [۲۴]

Crist, David. *The Twilight War: The Secret History of America's Thirty-Year Conflict with Iran*. New York: Penguin, 2012. [۲۵]

Dennett, Daniel C. *The Intentional Stance*. Cambridge, MA: MIT Press, 1987. [۲۶]

Elster, Jon. *Sour Grapes: Studies in the Subversion of Rationality*. Cambridge: Cambridge University Press, 1983. [۲۷]

Elster, Jon. *Ulysses and the Sirens: Studies in Rationality and Irrationality*. Rev. ed. Cambridge: Cambridge University Press, 1984. [۲۸]

- Festinger, Leon. *A Theory of Cognitive Dissonance*. Stanford: Stanford University Press, 1957. [۲۹]
- Fingarette, Herbert. *Self-Deception*. London: Routledge & Kegan Paul, 1969. [۳۰]
- Franck, Thomas M. *The Power of Legitimacy Among Nations*. New York: Oxford University Press, 1990. [۳۱]
- George, Alexander L., and Andrew Bennett. *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*. Cambridge, MA: MIT Press, 2005. [۳۲]
- Howson, Colin, and Peter Urbach. *Scientific Reasoning: The Bayesian Approach*. 3rd ed. Chicago: Open Court, 2006. [۳۳]
- Kant, Immanuel. *Groundwork of the Metaphysics of Morals (1785)*. Trans. Mary Gregor. Cambridge: Cambridge University Press, 1998. [۳۴]
- Keddie, Nikki R. *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Updated ed. New Haven: Yale University Press, 2006. [۳۵]
- Korsgaard, Christine M. *Creating the Kingdom of Ends*. Cambridge: Cambridge University Press, 1996. [۳۶]
- Krippendorff, Klaus. *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*. 3rd ed. Thousand Oaks, CA: Sage, 2013. [۳۷]
- Kunda, Ziva. "The Case for Motivated Reasoning." *Psychological Bulletin*, 108(3), 1990, pp. 480–498. [۳۸]
- Kurzman, Charles. *The Unthinkable Revolution in Iran*. Cambridge, MA: Harvard University Press, 2004. [۳۹]
- Lijphart, Arend. "Comparative Politics and the Comparative Method." *American Political Science Review*, 65(3), 1971, pp. 682–693. [۴۰]
- MacIntyre, Alasdair. *After Virtue: A Study in Moral Theory*. 3rd ed. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press, 2007. [۴۱]
- Martin, Vanessa. *Creating an Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran*. London: I. B. Tauris, 2000. [۴۲]
- Mele, Alfred R. *Self-Deception Unmasked*. Princeton: Princeton University Press, 2001. [۴۳]

- Milani, Mohsen M. *The Making of Iran's Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic*. 2nd ed. Boulder, CO: Westview Press, 1994. [۴۴]
- Mill, John Stuart. *Utilitarianism (1863)*. Ed. Roger Crisp. Oxford: Oxford University Press, 1998. [۴۵]
- Moin, Baqer. *Khomeini: Life of the Ayatollah*. London: I. B. Tauris, 1999. [۴۶]
- Nickerson, Raymond S. "Confirmation Bias: A Ubiquitous Phenomenon in Many Guises." *Review of General Psychology*, 2(2), 1998, pp. 175–220. [۴۷]
- Opwis, Felicitas. *Maşlahā and the Purpose of the Law: Islamic Discourse on Legal Change from the 4th/10th to 8th/14th Century*. Leiden: Brill, 2010. [۴۸]
- Robertson, Geoffrey. *The Massacre of Political Prisoners in Iran, 1988: A Report*. Washington, DC: Abdorrahman Boroumand Foundation, 2010. [۴۹]
- Saltelli, Andrea, et al. *Global Sensitivity Analysis: The Primer*. Chichester: Wiley, 2008. [۵۰]
- Schirazi, Asghar. *The Constitution of Iran: Politics and the State in the Islamic Republic*. London: I. B. Tauris, 1997. [۵۱]
- Sharot, Tali. *The Optimism Bias: A Tour of the Irrationally Positive Brain*. New York: Pantheon, 2011. [۵۲]
- Skocpol, Theda. *States and Social Revolutions: A Comparative Analysis of France, Russia, and China*. Cambridge: Cambridge University Press, 1979. [۵۳]
- Trivers, Robert. *The Folly of Fools: The Logic of Deceit and Self-Deception in Human Life*. New York: Basic Books, 2011. [۵۴]
- Tufte, Edward R. *The Visual Display of Quantitative Information*. 2nd ed. Cheshire, CT: Graphics Press, 2001. [۵۵]
- von Hippel, William, and Robert Trivers. "The Evolution and Psychology of Self-Deception." *Behavioral and Brain Sciences*, 34(1), 2011, pp. 1–16. [۵۶]

نمایه

دربارهٔ نمایه

نمایهٔ زیر مهم‌ترین اصطلاحات، اشخاص و رویدادها را با ارجاع به شمارهٔ فصل فهرست می‌کند. در نسخهٔ نهایی با استفاده از بستهٔ *makeidx/xindy* به صورت خودکار تولید خواهد شد.

اشخاص

منتظری، حسینعلی
۱۲، ۱۶، پیوست ب

بزدی، ابراهیم
۶، ۷، ۱۶

خمینی، روح‌الله
تمام فصل‌ها

بازرگان، مهدی
۶، ۷، ۱۶

مفاهیم و اصطلاحات

استدلال انگیزه‌محور
۱۵

ارزیابی بیزی
۱۵

تحلیل حساسیت
۱۵

تجزیه ترکیبی مرحله‌ای
۱۴، ۱۵، ۱۶

تقیه
۴، ۱۴

خودفریبی
۱۴، ۱۵، ۱۶

ماتریس سازگاری
۱۴

مصلحت نظام
۱۱، ۱۵، ۱۶، پیوست ب

بختیار، شاپور
۷

بنی صدر، ابوالحسن
۱۲، ۱۴، ۱۶

بهشتی، محمد
۸، ۱۴، ۱۶

رفسنجانی، اکبر هاشمی
۸، ۱۱، ۱۴، ۱۶

سروش، عبدالکریم
۴، ۱۴

کدیور، محسن
۴، ۸، ۱۳، ۱۴

گنجی، اکبر
۱۳

نظریه‌ها و آثار

- ولایت فقیه (کتاب، ۱۳۴۸)
 ۴، ۸، ۱۴، ۱۶، پیوست ب
- صحیفۀ امام
 تمام فصل‌ها
- ناهماهنگی شناختی (Festinger)
 ۱۵
- خودفریبی (Fingarette / Mele)
 ۱۵، ۱۶
- استدلال انگیزه‌محور (Kunda)
 ۱۵
- اخلاق فضیلت (MacIntyre)
 ۱۶
- وظیفه‌گرایی کانتی
 ۱۶
- پیامدگرایی (Mill)
 ۱۶
- تحلیل تطبیقی (Lijphart)
 ۱۳
- آناتومی انقلاب (Brinton)
 ۱۶

تزه‌های چهارگانه

- تر ۱: صداقت + اضطرار
 ۳، ۶-۱۶
- تر ۲: فریب آگاهانه
 ۳، ۶-۱۶
- تر ۳: تطور ایدئولوژیک
 ۳، ۶-۱۶
- تر ۴: فشار نخبگان
 ۳، ۶-۱۶
- تر ترکیبی مرحله‌ای
 ۱۴، ۱۵، ۱۶

ناهماهنگی شناختی

- ۱۵
- ولایت فقیه
 ۴، ۸، ۱۱، ۱۳، پیوست ب
- ولایت مطلقه فقیه
 ۱۱، ۱۵، ۱۶، پیوست ب

رویدادها و بزنگاه‌ها

- وعدۀ‌های پاریس (نوفل لوشاتو)
 ۶، ۱۳، ۱۶، پیوست ب
- سقوط بختیار
 ۷، ۱۳
- مجلس خبرگان قانون اساسی
 ۸، ۱۳، ۱۶
- رفراندوم قانون اساسی
 ۸، ۱۰، پیوست الف
- ترورهای فرقان
 ۹، ۱۳
- بحران گروگان‌گیری
 ۱۰، ۱۳، ۱۶
- جنگ ایران و عراق
 ۱۱، ۱۳، ۱۶

حذف بنی‌صدر

- ۱۲، ۱۳
- سرکوب مجاهدین خلق
 ۱۲، ۱۳
- کشتار ۱۳۶۷
 ۱۲، ۱۳، ۱۶، پیوست ب
- عزل منتظری
 ۱۲، ۱۶، پیوست ب
- نامه‌ی مصلحت نظام (۱۳۶۶)
 ۱۱، ۱۵، پیوست ب
- درگذشت خمینی (۱۳۶۸)
 پیوست الف

وعده یا خدعه؟

بررسی انتقادی چندتزی وعده عدم نقش آفرینی سیاسی خمینی

XeLaTeX

حروف چینی:

Parsi Matn

قلم فارسی:

TeX Gyre Termes

قلم لاتین:

xepersian, tcolorbox, tikz, pgf-pie, longtable, booktabs

بسته‌های اصلی:

۱۶ فصل + ۴ پیوست

تعداد فصل‌ها:

۷

تعداد بزنگاه‌ها:

۴ (+ ۱ تز ترکیبی مرحله‌ای)

تعداد تزها:

و باشد که از وفای به عهد کنندگان باشید!

پایان کتاب